

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نابینایی و زندگی مستقل

مؤلف:

مریم اصغری



انتشارات آوای نور
تهران - ۱۳۹۱

سرشناسه: اصغری، مریم، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور: نابینایی و زندگی مستقل / مولف مریم اصغری.
مشخصات نشر: تهران: آوای نور، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص.؛ مصور.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۱۳-۹۵-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: نابینایان
موضوع: نابینایی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱: ۲ن۶الف/ HV۱۵۹۳
رده بندی دیویی: ۳۶۲/۴۱
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۶۵۵۵۱



نابینایی و زندگی مستقل

تالیف: مریم اصغری
ناشر: انتشارات آوای نور
صفحه آرا: سمانه محمدپورلامع
چاپ اول - سال ۱۳۹۱
تیراژ: ۵۰۰ جلد
صحافی: کسری
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۱۳-۹۵-۳

تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان شهید وحید نظری - پ ۹۹
واحد ۴ تلفن: ۶۶۹۶۷۳۵۵-۶ نمابر: ۶۶۴۸۰۸۸۲ همراه: ۰۹۱۲۲۰۰۴۵۵۷
نشانی اینترنتی: www.avayenoor.net
نمایشگاه تخصصی کتب روانشناسی و علوم تربیتی: www.Bookway.ir

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۱۱
فصل ۱: روانشناسی افراد نابینا	۱۵
مقدمه	۱۵
متداول ترین تعریف نابینایی	۱۶
تأثیر اختلال بینایی در فرآیندهای تحول روانی	۱۷
تأثیر نابینایی بر روی کنشهای رمزی	۱۸
تأثیر نابینایی بر تصاویر ذهنی	۱۹
ویژگی ها و محدودیتهای روانشناختی کودکان نابینا	۲۰
مسائل و ویژگی های خاص کودکان و بزرگسالان نابینا	۲۵
آثار روانی اختلالات حسی	۲۶
آثار روانی آسیب بینایی	۲۶
عواملی که در چگونگی توانایی و سازگاری افراد نابینا مؤثر است	۲۷
حضور دانش آموزان نیمه بینا در کلاس های عادی و توجه معلمان به آنها	۳۱
بعضی از علائم ضعف بینایی کودکان و دانش آموزان نیمه بینا	۳۱
مبانی روانشناختی خصیصه های شخصیتی افراد نابینا	۳۳
فصل ۲: کلیات آموزش زندگی مستقل و پذیرش افراد نابینا به فرزنددی	۳۵
مقدمه	۳۵
آموزش افراد نابینا و کم بینا	۳۶
فرزندپذیری کودک نابینا	۳۸

فصل ۳: نکاتی چند درباره مکان و شیوه ی آموزش..... ۴۱

۴۱..... مقدمه

۴۳..... اهمیت آموزش یکپارچه

۴۳..... تسهیلات آموزشی افراد نابینا

۴۴..... تاریخچه ی خط بریل

۴۵..... گامهای اساسی در کار فرد نابینا با معلم مرجع

فصل ۴: اعتماد به نفس فرد نابینا..... ۴۹

۴۹..... مقدمه

۴۹..... نقش ورزش در افزایش اعتماد به نفس

۵۱..... فدراسیون ورزش افراد نابینا و کم بینا

۵۳..... جایگاه هنر

فصل ۵: آموزش افراد با آسیب بینایی و نقش آن در استقلال ایشان..... ۵۵

۵۵..... مقدمه

۵۵..... مربی توانبخشی

۵۷..... خودیاری

۵۹..... تحرک و جهت یابی

۶۰..... عصبای سفید

۶۲..... مهارتهای ارتباطی

۶۳..... جامعه و نقش آن در کسب زندگی مستقل

فصل ۶: آشنایی والدین با توانبخشی کودک نابینا..... ۶۵

۶۵..... مقدمه

۶۶..... اهمیت آگاهی والدین از امور توانبخشی

۶۷..... والدین و کودکان نابینا

۷۳	فصل ۷: نقش رایانه و تأثیر حضور آن در زندگی فرد نابینا
۷۳	مقدمه
۷۴	اهمیت پرداختن به فناوری ارتباطات برای افراد نابینا و کم بینا
۸۱	نرم افزار جاواز
۸۲	نرم افزار کروزویل
۸۳	لوح و قلم
۸۴	دستگاه تایپ پرکینز
۹۴	دستگاه بریل گویا
۹۶	دستگاه نوشتاری بریل
۹۷	چاپگر

۹۹	فصل ۸: مسائل اشتغال افراد نابینا و راهکارهای پیش رو
۹۹	مقدمه
۹۹	اهمیت پرداختن به مبحث اشتغال افراد با آسیب بینایی
۱۰۱	موانع اشتغال افراد با آسیب بینایی
۱۰۴	توانمندسازی حرفه ای افراد نابینا
۱۰۶	راهکارهای پیش رو
۱۰۹	نتیجه گیری

۱۱۱	فصل ۹: مسائل فرهنگی پیش روی افراد با آسیب بینایی
۱۱۱	مقدمه
۱۱۱	مسائل فرهنگی افراد نابینا
۱۱۶	هلن کلر
۱۱۹	طه حسین
۱۲۱	محمد خزائلی
۱۲۶	حسن مرادزاده رحمت آبادی
۱۲۸	علی صابری
۱۳۰	محمد رضا بابایی

مهتاب علی محمدی ملایری ۱۳۵

فصل ۱۰: قوانین و کنوانسیون حقوق افراد معلول ۱۳۷

مقدمه ۱۳۷

قانون جامع حمایت از معلولین ۱۳۹

کنوانسیون حقوق معلولین ۱۴۴

پروتکل الحاقی کنوانسیون بین المللی حقوق افراد معلول ۱۷۰

پیوست ۱۷۷

منابع فارسی ۱۷۹

منابع انگلیسی ۱۸۱

منابع اینترنتی ۱۸۴

خداوندا زیباترین لحظات را نصیب مادرم فرما که بهترین لحظه هایش را

به خاطر من از دست داده است.

تقدیم به روان پاک پدرم که دنیایی از عشق بود.

پیشگفتار

کتابی که پیش روی شماست اطلاعاتی هر چند مجمل در اختیار آنانی که می خواهند به دوست یا عضوی از خانواده شان که دارای آسیب بینایی^۱ است کمک کنند تقدیم می گردد. هدف از نگارش این کتاب، ارائه ی مطالبی به منظور کاربرست در مداخله های اولیه^۲ و خدماتی برای افراد نابینا جهت مطالعه ی آن است.

علت فراهم نمودن چنین اطلاعاتی، تشویق افراد به یادگیری، درک و کاربرست شیوه ها و ابزاری است که به واسطه ی آن می توان از دستیابی فرد با آسیب بینایی به زندگی مستقل^۳ اطمینان حاصل کرد.

خوانندگان این کتاب، دانشجویان رشته ی روانشناسی کودکان استثنایی و علوم تربیتی، توانبخشی و مددکاری، همچنین خانواده ها و معلمان این افراد و بالاخره همه ی آنانی که علاقمند به برقراری ارتباط سودمند و مناسب با این افراد هستند، می باشند و بنابراین هر فردی که به پیشرفت و دستیابی افراد با آسیب بینایی به زندگی مولد و مستقل، مشتاق است، با خواندن این کتاب، اطلاعات مفیدی را به دست خواهد آورد.

از آنجا که نگارنده خود فردی است نابینا^۴ و در تماس تنگاتنگ با گروه هدف کتاب حاضر بوده است، می تواند تجارب عینی را در اختیار شما گذارده باشد که با مطالعه، تفکر و کاربرد مطالب این کتاب، راهنمای هرچند اندک شما خواننده عزیز باشد.

1. Visually impaired people
2. Early interventions
3. Independent living
4. Blind person

در اینجا ضروری است بر این نکته تأکید گردد که داشتن زندگی مستقل به معنی انجام امور فقط برای خویشتن و زیستن تنها و تنها برای خود و به دور از دیگران نیست. زندگی مستقلانه به معنای شانس داشتن همراهی آگاه و تجهیزاتی برای توفیق به نیازهای روزانه و برآوردن امور شخصی در طی روز، دسترسی برابر با افراد بینا در استفاده از وسایل رفت و آمد عمومی، بهداشت، استخدام، آموزش و کارآموزی بوده و بنا بر این، داشتن این انتظار که نیازهای ایشان به درستی تشخیص و لحاظ گردد، امری است اساسی.

معلول جسمی حرکتی، ناشنوا و با توجه به گروه هدف مد نظر ما «فرد با آسیب بینایی» در این کتاب، این حق را دارد که به خصیصه‌هایی که در دستیابی به زندگی مستقل، مفید فایده‌اند، دست یابد. این امر در خصوص افراد با آسیب بینایی مهمتر است، چرا که بعضاً شاهد آن بوده‌ایم که ایشان به جهت محرومیت از نعمت بینایی از بهره‌مندی نیازهای اولیه‌ی زندگی خود محروم بوده‌اند.

تمام تلاش این کتاب آن است که جامعه و دولت را به وظایف خود در ایجاد تغییر شرایط موجود، تأسیس مراکزی محلی به منظور بررسی و تأمین نیازهای افراد معلول به ویژه افراد نابینای منطقه‌ی خود آگاه نموده، به طریقی که نیازها و خواسته‌های این افراد در قلب تصمیمهای ایشان قرار گیرد.

از طرف دیگر، افراد با آسیب بینایی تمام کوشش خود را در راستای غلبه بر موانع موجود و در نتیجه، رسیدن به زندگی با کمترین محدودیت^۱ به کار گیرند، با آسایش خاطر بیشتری در اجتماعات حضور یافته و حتی در نحوه‌ی استفاده از اوقات فراغت خود دچار سرگشتگی و بی‌هدفی نگردند. با وجود اینکه افراد با آسیب بینایی توانایی انجام امور زندگی خود را دارند ولی در برخی امور با کمک کردن به ایشان، میتوان کارهای ایشان را سرعت بخشید، پس می‌توان با ارائه خدمات داوطلبانه بهترین یاور ایشان بود که این همراهی نیز نیازمند دریافت آموزشهایی نظیر نحوه‌ی راهنمایی ایشان در معابر و اماکن عمومی و موارد دیگر می‌باشد که تلاش گردیده در این کتاب به آنها پردازیم.

شاید اگر بگوییم افراد معلول^۲ و به ویژه افراد نابینا و کم بینا بهتر از دیگران از نیازها، خواسته‌ها و خدماتی که به ایشان در رسیدن به اهدافشان یاری می‌رساند، آگاهند، به گراف نگفته‌ایم.

1. Least restriction living
2. Handicapped people

این افراد از این رنج می‌برند که موانع نگرشی و فیزیکی، آنها را از رسیدن به آنچه که هر روز به آن می‌اندیشند، دور می‌سازد و عامل اساسی رسیدن به اهداف و تغییر روز افزون این موانع را در حضور بدون محدودیت خودشان در جامعه می‌دانند و به همین دلیل است که مبحث «یکپارچه سازی»^۱ مورد توجه قرار گرفته است.

این افراد باید بدون و یا با کمترین مشکل از عهده‌ی خرید، مسافرت، تحصیل، لباس خریدن و پوشیدن، غذا درست کردن و غذا خوردن، امور شخصی، خانه داری و حضور مؤثر در فعالیتهای اجتماعی برآیند. این میسر نخواهد شد مگر اینکه جامعه، دولت‌مردان و فرد با آسیب بینایی و خانواده اش در راستای به حداقل رساندن موانع موجود قدم برداشته و موجبات زندگی بهتر، پر ثمرتر و زیباتری را برای این فرد مهیا سازند.

بر اساس آنچه در بالا ذکر گردید، سعی شده حیطه‌هایی که می‌توانند در این جریان ثمر بخش باشند در این کتاب ذکر گردند. زمینه‌هایی نظیر آشنایی با ویژگیهای روانشناختی مربوط به این گروه، آموزش ایشان، عوامل اجتماعی که باید مد نظر قرار گیرند، اشتغال، فناوری اطلاعات^۲ و نقش آن در این فرایند و موارد فرهنگی که می‌توانند در دستیابی فرد با آسیب بینایی به زندگی ایده آل مؤثر باشند، در فصول کتاب آمده‌اند.

لازم به ذکر است آنچه در این مجموعه گردآوری گردیده حاصل ده سال فعالیت نگارنده در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و علمی مرتبط با افراد نابینا و کم بینا^۳ می‌باشد که پایه‌ی آن مجهز بودن به اطلاعات علمی است که در محضر اساتید گرانقدر دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران به آن دست یافته که همچون گنجی ذی قیمت بوده و زندگی نویسنده را به واسطه‌ی آن دگرگون کرده است.

از طرفی محروم شدن از حس بینایی و در نتیجه آشنا شدن با مشکلات افراد نابینای مادرزاد و دیر نابینا، سهم بزرگی در لمس مسائلی است که این عزیزان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، لذا عوامل و موارد مذکور، زمینه‌ی ایجاد علاقه به گردآوری اثری که پیش روی شماست را در نگارنده فراهم کرد و تشویق برخی از دوستان و خانواده در تدوین آن موجبات پیشرفت کار را فراهم نمود.

1.Integration

2.Information technology

3.Partially blind people

لازم است از تمامی کسانی که در گردآوری و تنظیم کتاب حاضر همراهی صبور بوده اند با تمام وجود قدردانی نموده و به ویژه از خانمها مرضیه رضائی، مرضیه اصغری، شیرین آقایی و آقای عماد بهارلویی که در تایپ، بازخوانی و به ویژه ارائه‌ی نظرات سازنده خود مرا راهنمون بوده اند، قدردانی نماید، همچنین از افراد فرهیخته‌ی نابینا و کم بینایی که با در اختیار گزاردن تاریخچه‌ی زندگی و تجربیات ارزشمند خود که در فصل آخرین کتاب آورده شده تاریخگی نو به نگرش خوانندگان محترم نسبت به نابینایی، افراد نابینا، توانمندی‌ها و محدودیت‌هایشان بزند صمیمانه تشکر گردد.

از ناشر گرامی کتاب حاضر و دست اندر کاران محترم انتشارات وزین «آوای نور» که همکاری تنگاتنگی در مراحل مختلف چاپ کتاب مبذول داشته اند نیز کمال امتنان را دارم.
(مریم اصغری تابستان ۱۳۹۱)

فصل ۱

روانشناسی افراد نابینا

مقدمه

اطلاعات بینایی، بسیاری از اعمال و فعالیتهای ما را هدایت می کند. اطلاعات بینایی به ما کمک می کند تا با اشیاء تصادف نکنیم و در برخورد با سایر مسائل، توانایی ما را افزایش می دهد. همچنین به ما توانایی می دهد تا نسبت به محیط اطراف خود بینش پیدا کنیم.

ما بسیاری از اصطلاحات و عبارات بینایی را در زبان روزمره خود بکار میگیریم و تعاملات ما با سایر اشخاص از «پس خوراند بینایی»^۱ ما ناشی می گردد.

فقدان بینایی می تواند نحوه ی شکل گیری بینش افراد نابینا، طرز صحبت آنها و تأثیری که آنان بر محیط خود می گذارند، همچنین نحوه ی تعادل مؤثر و موفقیت آمیز آنها را با اشخاص و اشیاء تحت تأثیر قرار دهد.

از طرفی نتایج بسیاری از تحقیقات نشان می دهد که افراد نابینا می توانند با محیط اطراف و با اشخاص بینا به خوبی ارتباط برقرار کنند.

برای ورود به مباحث پیش رو ارائه ی تعریفی از نابینایی و فرد نابینا ضروری به نظر می رسد: اختلال بینایی یک واژه ی کلی و نشانگر یک ناتوانی در دیدن است و می تواند از نظر پزشکی خفیف و قابل اصلاح مانند نزدیک بینی، دوربینی و یا شدید و غیر قابل اصلاح مانند نابینایی یا ضعف شدید بینایی باشد. نابینایی ممکن است مادرزادی مانند آب مروارید مادرزادی، سیفلیس مادرزادی، سرخچه ی مادر در دوران بارداری یا اکتسابی مانند تراخم، کنده شدن شبکیه، آتروفی عصب بینایی، زخم های قرنیه، فقدان ویتامین آ، تصادف و ضربه و... باشد.

با توجه به این که تقریباً یک سوم کل الیاف شبکه‌ی ارتباطات حسی انسان را رشته‌ی بینایی تشکیل می‌دهد و چنین وضعی در هیچ یک از حواس دیگر مشاهده نمی‌شود لذا باید انسان را یک موجود بصری توصیف کرد تا سمعی و به همین علت نقص بینایی بیش از هر معلولیت دیگر ناتوانی در انسان ایجاد می‌کند.

متداول ترین تعریف نابینایی

نابینا کسی است که بینایی او علیرغم برخورداری از امکانات چشم پزشکی مانند عینک و... در یک چشم یا هر دو چشم ۲۰/۲۰ یا کمتر باشد. به عبارت دیگر آنچه را که با چشم عادی می‌توان در ۲۰۰ قدمی دید با تعریف فوق فرد نابینا قادر باشد در ۲۰ قدمی یا نزدیکتر ببیند. در واقع بسیاری از دانش آموزانی که به علت نقص بینایی قادر به استفاده از کتب معمولی مدارس نیستند و از نظر آموزشی نابینا محسوب می‌گردند تا حدودی از قدرت بینایی برخوردارند.

گروهی از افرادی که دارای نقص بینایی هستند اما میزان دید آنها از ۲۰/۲۰ بیشتر و از ۷۰/۲۰ کمتر است جزء افراد نیمه بینا محسوب می‌شوند.

البته برای افراد نیمه بینا تواناییهای مختلف از نظر حداکثر بهره مندی از بینایی و برای افراد نابینا در زمینه‌ی بهره مندی از برنامه‌های آموزش و پرورش، روشها و وسایل خاصی از قبیل چاپ کتب با خط درشت و خط بریل^۱ و غیره تدارک دیده می‌شود.

به عبارت دیگر از نظر آموزشی کودک دانش آموزی نابینا و یا نیمه بینا محسوب می‌گردد که قادر به استفاده از کتب و برنامه‌های عادی آموزش و پرورش نبوده و لازم است برای آنان روش‌ها و وسایل ویژه‌ای تدارک دید (افروز، ۱۳۸۰).

به راستی چرا باید افراد معلول را مطالعه کنیم؟

یکی از دلایل بررسی و مطالعه افراد معلول به ویژه افراد نابینا این است که بدانیم نابینایی چگونه بر روی فرآیند تحول کودک اثر میگذارد و چگونه می‌توان مداخله‌های مناسب جهت کمک به اصلاح پیشرفت افراد نابینا را هدایت کرد.

هرچند کمتر احتمال دارد که افراد با آسیب بینایی در مرحله‌ای جدا از جریان تحول کاملاً متوقف شوند، اما ممکن است مراحل تحول را با تأخیر طی کنند.

تأثیر اختلال بینایی در فرآیند های تحول روانی

پرفسور پیازه^۱ به صورت نظام دار تحول روانی انسان را بررسی کرده و دوره های مختلف تحول شناختی انسان را شناسایی کرده است. پیازه تجارب حسی - حرکتی مثل دیدن و شنیدن را عامل مهمی در تحول شناختی کودک و رسیدن او به مراحل پیشرفته تحول منطقی می داند. پیازه (۱۹۷۰)، به نقل از میلانی فر، (۱۳۷۴) عقیده دارد که غالباً تفاوت های فردی که سبب تمایز یک کودک استثنایی می گردند حاصل محدودیتهایی هستند که به بیش از یک عامل از چهار عامل تحول روانی زیر نسبت داده می شوند.

۱- تأثیر نایبایی بر رشد داخلی کودک:

رشد داخلی مربوط به رشد جسمانی، رشد دستگاه عصبی و رشد غدد درون ریز می باشد. رفتارهای خاصی به کنش ساختهای مخصوصی وابسته هستند، مثلاً هماهنگی شنیدن، حرکت وضعی و دیدن که تقریباً در ۴/۵ - ۴ ماهگی اتفاق می افتد، در کودکان نابینا تقریباً از شش ماهگی به بعد در حدود ۱۱-۱۰ ماهگی به وجود می آید (فرایبرگ^۲ و همکاران، ۱۹۶۹، به نقل از میلانی فر، ۱۳۷۴).

۲- تأثیر نایبایی بر تجربه اکتسابی:

دومین عامل تحول روانی، تجربه اکتسابی است. هنگام چهار دست و پا رفتن، نابینایی مطلق موجب تأخیر در خزیدن یا چهار دست و پا رفتن و راه رفتن مستقل و بدون کمک اطرافیان می گردد.

فرایبرگ (۱۹۶۹، به نقل از میلانی فر، ۱۳۷۴) خاطر نشان می کند که این تأخیر ناشی از فقدان محرک درونی برای رسیدن به یک هدف دیداری است که معمولاً بر اساس بینایی فراهم می شود. کودک برای آنکه به سمت نشانه های صدا برود و خود را به طرف آن سوق دهد، باید قبلاً «شیء دائم» در او تشکیل یافته باشد.

کودکی که فاقد بینایی است، در جابجایی حرکتی و جهت یابی، دچار تأخیر است. بنابر این چنین کودکی فاقد تجارب اکتسابی کافی است و بر این اساس می توان نتیجه گرفت که کودک نابینا در تحول شناختی دچار تأخیر است.

۳- تأثیر نایبایی بر تفویض ها و انتقال های اجتماعی:

سومین عامل تحول روانی، تفویض ها و انتقال های اجتماعی است. این عامل، تعامل های اجتماعی را نیز در بر می گیرد.

تعامل اجتماعی، به توانایی کودک برای عمل فعال و مؤثر در طول تماس اجتماعی، بستگی دارد. همچنین ورود کودک نابینا به برنامه‌های آموزشی مستلزم فعالیت یکپارچه و فعال او در تمام برنامه‌های مدرسه است. اما بدون مداخلات ضروری، محرومیت حسی افراد نابینا مانعی در این راه قلمداد می‌شود.

علاوه بر این، فقدان بینایی بر یادگیری تقلید از حالت چهره مؤثر می‌باشد، افراد با آسیب بینایی، حرکات و اشاره‌های ضمنی صورتشان کمتر از افراد عادی است.

۴- تأثیر نابینایی بر تعادل جویی:

تعادل جویی به مثابه یک عامل سازمان دهنده‌ی عوامل سه گانه فوق عمل می‌کند تا آنها را بدون تناقض به یکدیگر پیوند دهد. هر تحول زیستی واجد فرآیندهای نظم جویی است. تعادل جویی یک فرآیند تدریجی و توأم با خود نظم جویی است و با این مفهوم، گام به گام به حالت نهایی بازگشت پذیری میل می‌کند که مشخصه تمام ساخت‌های عالی شناختی مستلزم ساختهای حسی - حرکتی است. از این رو، هر گونه نقص یا نارسایی حسی - حرکتی و نتیجتاً ساختهای عالی شناختی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر چه نارسایی‌های حسی - حرکتی مانند نابینایی ممکن است به نقص تعادل جویی منجر گردد.

تأثیر نابینایی بر روی کنشهای رمزی

"تقلید"، "بازی رمزی"، "تصویر ذهنی"

به منظور شناخت تفاوت‌های کمی و کیفی تحول شناختی کودکان نابینا لازم است که کنشهای رمزی یا نشانه‌ای را در این کودکان مورد بررسی قرار دهیم. کنشهای نشانه‌ای در مرحله اول دوره دوم یعنی دوره عملیات عینی تثبیت می‌شوند. پیازه کنشهای نشانه‌ای را به چند دسته مانند تقلید و تصویر ذهنی تقسیم می‌کند:

۱- تأثیر نابینایی بر روی "تقلید در غیاب الگو":

بینایی در تقلید در غیاب الگو نقش مهمی بر عهده دارد. تقلید در غیاب الگوزمانی رخ می‌دهد که الگوی فرد غایب است، کودک تصویرهای ذهنی مربوط را فرا می‌خواند و از حرکات و اشارات رفتارهای موضعی و رفتارهای حرکتی تقلید می‌کند. اما قبل از این که کودک بتواند تقلید کند، باید مشاهده کرده باشد یا درباره‌ی آن شنیده باشد. در واقع افراد آنچه را که تجربه کرده‌اند، تقلید می‌کنند.

۲- تأثیر نابینایی بر بازی رمزی:

پیازه و اینهلدر^۱ (۱۹۶۹)، به نقل از میلانی فر، (۱۳۷۴) از سه دسته بازیها نام برده اند:

الف: بازی تمرینی

ب: بازی رمزی

ج: بازی قاعده دار

پیازه عقیده دارد که بازی برای عواطف کودک و تعادل هوش او ضروری است. در کودکان نابینا درونداد های بینایی کاهش یافته و یا اصلاً وجود ندارد. این کودکان شانس مشاهده ی بزرگسالان را ندارند، آنها کمتر با دیگران مواجه می شوند، در نتیجه به شدت، تجارب زندگیشان که پایه های بازی را تشکیل می دهند، محدود است.

بازی رمزی، مستلزم تجسم یک شی و یک موقعیت از راه بینایی و یا شنوایی است، در نتیجه این بازی هم تقلید است و هم تخیل. به همین دلیل، کودکان پیش دبستانی نابینا از لحاظ شناختی برای بسیاری از فعالیتهای بازی آمادگی ندارند، زیرا نابینایی موجب می شود که فرد در تجسم شیء، موقعیت یا صوت، در غیابش و در تقلید الگوها دچار مشکل باشد، زیرا در این زمینه از تجارب بصری لازم بر خودار نیست.

تأثیر نابینایی بر تصاویر ذهنی

در سطح پیش عملیاتی، تصاویر ذهنی بر گرداننده، به تقلید ادراکی محدود است. منظور از این تصاویر ذهنی، باز پدید آوردن آن چیزی است که قبلاً ادراک شده است. این تصاویر ذهنی شامل شکل بندی ایستا، متحرک (تغییر در مکان) و تبدیلی (تغییر در شکل) است. این سه نوع واقعیت به طور پیوسته در تجارب ادراکی آزمودنی رخ می دهد (پیازه و اینهلدر، ۱۹۶۹، به نقل از میلانی فر، ۱۳۷۴).

جایگاه این تصاویر ذهنی به گونه ای است که باید پذیرفت که اثرات مخرب نابینایی بر تحول شناختی کودک نابینا مربوط به محرومیت تجربه ای است و تأثیری که این محرومیت بر روی تصاویر ذهنی می گذارد برای تحول شناختی کودک بسیار زیان آور است (سالو^۲، ۱۹۸۷، به نقل از میلانی فر، ۱۳۷۴). از این رو برای جبران تأخیر تحول شناختی در کودکان نابینا، ایجاد تصویر ذهنی از راه تقویت کنش های شنوایی ضروری است.

ویژگی‌ها و محدودیتهای روانشناختی کودکان نابینا

توانایی هوشی

ادراک‌های یک کودک نابینا ممکن است بر اساس درونداد‌های حسی سایر حواس به غیر از بینایی باشد.

واضح است که تجارب یادگیری کودک نابینا به طور معنی‌داری به خاطر فقدان بینایی اش محدود است (هاردمن^۱ و همکاران، ۱۹۹۰، به نقل از شریفی درآمدی، ۱۳۷۶). مطالعات اولیه درباره‌ی کنش هوشی کودکان نابینا اغلب در رابطه با متوسط بهره‌ی هوشی آنها صورت گرفته است، اما مطالعات بعدی اغلب بر روی بررسی ابعاد ویژه‌ی هوشی با احتیاط بیشتر صورت گرفته است (کرک و گالاگر^۲، ۱۹۸۳، به نقل از شریفی درآمدی، ۱۳۷۶).

ورن^۳ در سال ۱۹۸۴، ادبیات تحول هوشی مربوط به کودکان نابینا را مرور کرد و گزارش کرد که کودکان نابینا در برخی از حوزه‌ها با کودکان بینای همسن و سال متفاوت هستند. این حوزه‌ها، طیفی از درک مفاهیم یا دانش کلی درباره‌ی جهان را شامل می‌شود (هاردمن و همکاران، ۱۹۹۰، به نقل از میلانی فر، ۱۳۷۶).

ساموئل پی هیز^۴ در اثر کلاسیک خود تحت عنوان «مشارکت‌ها در روانشناسی نابینایی»، سه نکته‌ی مهم را گزارش می‌دهد:

اولاً، نابینایی بخودی خود به هوش کمتر نمی‌انجامد، تعدادی از کودکان نابینا که بهره‌ی هوشی آنها به مدت چند سال پایین بود، به مراتب هوش آنها به سرعت افزایش یافت. ثانیاً، نتوانسته است نکته‌ای به زیان دانش آموزان نابینا به خصوص در رابطه با هوش کلامی آنها پیدا کند.

ثالثاً، ارتباطی بین آغاز ابتلا و بهره‌ی هوشی وجود ندارد.

به طور کلی، اغلب پژوهش‌ها حکایت از این دارند که افراد نابینا از لحاظ بهره‌ی هوشی اختلاف‌های فاحشی با افراد بینا ندارند (شریفی درآمدی، ۱۳۷۶).

تفاوت‌های هوشی موجود بین افراد بینا و نابینا اغلب ممکن است به عوامل خارجی نظیر محیط‌های خانوادگی نامطلوب، معلولیت‌های بدنی و یا عصب‌شناختی مربوط باشد (بیسچوف^۵، ۱۹۷۹، به نقل از شریفی درآمدی، ۱۳۷۶).

1. Hardman & et al
2. Kerck & Gallagher
3. Veren
4. Samoel P. Hiz
5. Bischof

توانایی مفهوم سازی

تعداد زیادی از پژوهش ها نشان داده اند که تحول توانایی های شناختی یا ادراکی کودکان نابینا از کودکان بینا عقبتر است (ویتکین، ۱۹۸۶، و هرمن^۱، ۱۹۸۶، به نقل از شریفی در آمدی، ۱۳۷۶). همچنین کودک نابینا در تکالیفی که به تفکر انتزاعی نیاز دارد، عملکرد ضعیفتری دارد و آنها اغلب به روش عینی و مشخص با محیط خود برخورد می کنند یا در درک جنبه های ملموس محیط توانا تر هستند (هالاها و کافمن^۲، ۱۹۹۵).

از نظر پیاژه، غیر منتظره نیست که کودکان نابینا در درک و فهم تکالیف مفهومی عقب مانده تر باشند.

فریدمن و پاسناک^۳ کودکان نابینا را در کسب توانایی طبقه بندی اشیاء آموزش دادند و در یافتند که این آموزش آنچنان در مورد کودکان نابینا مؤثر بوده است که می توانند با کودکان بینا برابری کنند. به این ترتیب اهمیت توانمندی های مفهومی، همچون توانایی طبقه بندی، به هوش مربوط است.

تلفورد^۴ (۱۹۸۶، به نقل از شریفی در آمدی، ۱۳۷۶) دریافت اگر چه کودکان نابینا نسبت به کودکان بینا در تکالیف سریهای تکراری اعداد بهتر عمل می کنند، اما کودکان نابینا به طور معناداری نسبت به کودکان بینا در موضوعاتی که باید چگونگی تشابه دو چیز را بگویند (مثلاً مداد و قلم)، بدتر عمل می کنند.

این ناتوانی در درک و یافتن تداعی ها، نشان دهنده ی فقدان تجاربی است که توانایی پیوند و تداعی بین افکار و اشیاء را در کودکان نابینا محدود می کند.

برخی از مطالعات درباره نقش بیان کلامی در مفهوم سازی خاطر نشان می سازد که بیان کلامی کودکان نابینا ممکن است غالباً نقایص شناختی دیگر این کودکان که ناشی از وضعیت معلولیت آنها است را پنهان سازد.

رنیل^۵ (۱۹۸۲، به نقل از میلانی فر، ۱۳۷۴)، بیش از صد کودک نابینا را در زمینه های سازگاری اجتماعی، ادراک حسی - حرکتی و درک مطلب کلامی با کودکان بینا مقایسه کرد و دریافت که کودکان نابینا از لحاظ پختگی، درک و فهم وجهت یابی محیطی، در سطح پایین تری قرار می گیرند. او بر اساس نتایج حاصل از تحقیقات خود و سایر محققین

1. Vitkin & Herman

2. Halahan & Kafman

3. Feridman & Pasnak

4. Telford

5. Renil

ثابت کرد که تحول ساخت مفهومی در کودکان نابینا احتمالاً با تأخیر صورت می‌پذیرد و پیشنهاد کرد که چون برتری بینایی در مراحل اولیه‌ی یادگیری پایه‌ی اساسی برای فرایند های هوشی عالیتری به شمار می‌آید.

کودکان نابینا باید اطلاعات بیشتری درباره‌ی اشیاء به دست آورند و نیز باید بتوانند آنها را لمس کنند و همزمان با شنیدن اسامی اشیاء، آنها را مورد استفاده قرار دهند، در این صورت درک عمیق تری از اشیاء و مفاهیم مربوط به آنها کسب می‌نمایند.

گسترش تواناییهای مفهومی کودکان نابینا به کمک تصویر سازی ذهنی - شنیداری در سالهای اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

درک مفاهیم مربوط به فضا

اغلب به نظر می‌رسد که کودکان نابینا در درک مفاهیم مربوط به فضا تأخیر دارند. پاره‌ای از تحقیقات (هارتلگ^۱، ۱۹۷۸، به نقل از شریفی درآمدی، ۱۳۷۶) نشان می‌دهند که افراد نابینا در زمینه‌ی تحول "مفاهیم فضایی" ضعیف‌ترند، اما در مقابل، مطالعات (ویتکین، ۱۹۸۲ و تلفورد، ۱۹۸۲، به نقل از میلانی فر، ۱۳۷۴) نشان می‌دهند که مفهوم سازی فضا برای افراد نابینا ناممکن نمی‌باشد.

افراد نابینا غالباً مفاهیم مربوط به فضا را به کمک حواس به غیر از حس بینایی فرامی‌گیرند، به همین دلیل محدودیتهای حس لامسه و حس شنوایی ممکن است آنها را با مشکل روبرو سازد. به عقیده‌ی تلفورد (۱۹۸۶، به نقل از میلانی فر، ۱۳۷۴) افراد نابینا دانش مربوط به چگونگی فواصل و روابط بین اشیاء و کیفیات فضایی اشیاء را از راه حس لامسه و حرکات بدنی (حس حرکت)، کسب می‌کنند. تجارب لمسی حس حرکت (تجارب مستقیم) نیازمند تماس مستقیم فرد با آن یا حرکات بر حول اشیاء است. از این رو درک اشیاء دور نظیر اجرام سماوی، ابرها، افق و اشیاء بزرگی همچون کوه‌ها و سایر واحدهای جغرافیایی و یا چیزهای کوچکی مانند باکتری‌ها برای افراد نابینا کاری بس دشوار است.

تحول ادراکی و «جبران حسی»

تحول ادراکی - حرکتی نه تنها برای رشد مهارتهای حرکت ضروری است بلکه برای رشد شناخت، زبان، اجتماعی شدن و شخصیت نیز مهم می‌باشد.

ورن معتقد است که توانایی تمایزهای ادراکی یک کودک نابینا در زمینه‌هایی نظیر بافت، وزن و صدا با کودکان بینای همسن و سال خود قابل مقایسه است، اما افراد نابینا نمی‌توانند به خوبی تکالیف پیچیده‌ی ادراکی نظیر شناسایی، روابط فضایی و یکپارچه‌سازی حسی حرکتی را انجام دهند (شریفی در آمدی، ۱۳۷۶).

یک اعتقاد شایع نادرست در مورد توانایی‌های ادراکی افراد نابینا این است که به خاطر کاهش بینایی، افراد نابینا در زمینه‌های حواس دیگر توانایی بیشتری دارند. بنا به نظریه جبران حسی، اگر یکی از گذرگاههای حسی نظیر حس بینایی قطع شود، حواس دیگر به طور خودکار قویتر و نیرومندتر خواهند شد. بنا به این اعتقاد افراد نابینا ظرفیتی بیشتر برای شنیدن، بویایی و به خاطر سپاری دارند. هرگونه برتری افراد نابینا به خاطر توجه بیشتر به نشانه‌ها و علائم کوچک و راهنمایی و اطلاعات منع می‌باشد و نمی‌تواند به خاطر پایین بودن آستانه‌های حسی آنها باشد (شریفی در آمدی، ۱۳۷۶).

تکلم و مهارتهای کلامی

هر چند که ارتباط در زمان نوزادی و آغاز تولید صوت در کودکان بینا و نابینا مشابه است، تفاوت‌های تحولی هنگامی که کودکان شروع به تداعی معانی کلمات می‌کنند، ایجاد می‌شود. در مورد کودکان بینا تحول زبان تقریباً از طریق یکپارچه‌سازی تجربیات دیداری و نمادهای کلمات صورت می‌گیرد. کودکان نابینا نمی‌توانند تکلم را از طریق تقلید بصری یاد بگیرند و باید به درونداد‌های شنوایی متکی باشند. در نتیجه در افرادی که نابینای مادرزادی هستند، زبان ممکن است به میزان کمتری رشد کند.

توماس کاتس فورث^۱، روانشناسی که خود نابینا بود، عقیده دارد افراد نابینا دارای زبان شفاهی (الفاظی) غیر واقعی هستند. به عبارتی آنها بر کلمات و تعابیری متکی هستند که با تجارب حسی‌شان همساز نیست.

آنها از طریق حواس شنیداری، لامسه و بویایی جهان را کشف می‌کنند و بدین جهت به نظر می‌رسد که زبان آنها متأثر از این وقایع است.

به نظر کاتس فورث الفاظ-زبان غیر واقعی- به عنوان وسیله‌ای جهت کسب مقبولیت اجتماعی و کسب حمایت‌های اجتماعی توسط افراد نابینا به کار می‌رود.

تحرك و جهت یابی

فرل^۱ (۱۹۸۳، به نقل از افروز، ۱۳۸۰) بیان داشت که بدیهی و مسلم است که افراد بینا، حرکات را از طریق مشاهده‌ی حرکات دیگران یاد گرفته باشند. کودکان بینا، از طریق مشاهده‌ی حرکات دیگران و تقلید از آن، یاد می‌گیرند که چگونه حرکت کنند. آنها این حرکات را تمرین می‌کنند و حرکات خودشان را نیز مشاهده می‌کنند، که این پس خوراندی برای تغییر و اصلاح حرکتشان به آنها می‌دهد، ولی کودکان نابینا، فرصت مشاهده‌ی دیگران و تقلید از حرکات آنان را ندارند.

یکی از مهمترین توانایی‌های افراد نابینا و کم بینا برای سازگاری بیشتر این است که آنها بتوانند در محیط اطرافشان حرکت کنند. تحرك افراد نابینا به میزان زیادی به توانایشان در درك فاصله‌ها بستگی دارد. متخصصان دو راه مختلف را که شخص مبتلا به آسیب بینایی می‌تواند از طریق آن اطلاعاتی مربوط به فاصله‌ها را در ذهن تجسم بخشند، تشریح کرده‌اند. یکی از راهها «روش توالی» است و دیگری از طریق رسم نقشه‌ای است که بتواند روابط کلی نقاط گوناگون را در محیط ترسیم کند.

تحول اجتماعی و سازش یافتگی شخصیت

بدون بینایی، ادراکهای ما درباره خودمان و جهان اطراف به طرز چشمگیری متفاوت است. برای یک فرد نابینا این تفاوت‌های ادراکی ممکن است به مشکلات عاطفی و اجتماعی منجر گردد. برای مثال افراد نابینا قادر نیستند حالات و اداء و اطوارهای بدنی افراد بینا را تقلید کنند، به همین علت نمی‌توانند یکی از مهمترین مؤلفه‌های مستقیم سیستم ارتباط اجتماعی یعنی "زبان بدن" را رشد دهند.

ظرافت‌های ارتباط غیر کلامی ممکن است به طور معنی داری در قصد و نیت کلمات بیان شده تغییر ایجاد کنند. ناتوانی یک فرد در تحول سیستم ارتباطی غیر کلامی از طریق دریافت نشانه‌های دیداری (نظیر تجلیات چهره‌ای و یا حرکات دست) نتایج عمیقی بر تعاملات بین فردی فرد نابینا دارد و وی را نه تنها در دریافت یا تفسیر زبان کلامی بلکه در بیان آنچه که به دیگران می‌گوید، دچار مشکل می‌سازد.

تحول مفهوم خود (تصور از خود)

بینایی اولین دستگاه حسی در نوزادان است، زیرا که بیشترین اطلاعاتی که نوزادان در مورد خودشان و محیط اطرافشان یاد می‌گیرند از طریق سیستم بینایی صورت می‌گیرد.

سازمان بندی اولیه ادراک بینایی به طور بالقوه در جهت متوجه ساختن نوزادان به عناصری در جهان است که برای بقاء و تحول آنها بسیار مهم هستند.

در بحث تحول اولیه ی فرد، بیان می شود که جنبه هایی از خود که از طریق ادراک مشخص و معین می شوند، به خصوص ادراک وی در فعالیت با محیط فیزیکی یا اجتماعی، اکتساب می گردند.

دو نوع خود از طریق این ادراک تشکیل می شود: «خود بین شخصی» که خود و افراد دیگر را به هم متصل یا مجزا می سازد و «خود بوم شناسی» که خود و محیط فیزیکی را به هم متصل یا مجزا می سازد. این دو جنبه خود در آغاز تولد شکل می گیرند و به حیات خود در دوران بعدی زندگی ادامه می دهند.

بر خلاف انواع دیگر خود که بعداً تحول می یابند، این احساسات اولیه ی خود، به طور مستقیم از طریق تجربه ایجاد می شوند و مجدداً توسط کودک ساخته نمی شوند. خود بین فردی به ادراک خود در رابطه با دیگران مربوط است و از طریق خیره شدن دو جانبه، حرکات بدنی مشروط، کلام سازی متقابل و اشاره کردن و تلقین، توجه ایجاد می شود. بینایی نقش بسیار مهمی در این دو جنبه ی اولیه احساس خود دارد و کودکان نابینا در تحول چنین اشکالی از دانش خود، دچار مشکل می گردند.

مسائل و ویژگیهای خاص کودکان و بزرگسالان نابینا

مهمترین مساله و مشکل افراد نابینا چگونگی سازگاری آنان است، یعنی کسانی که نابینا به دنیا آمده اند یا در دوره ای از زندگی بینایی خود را از دست داده اند، باید این واقعیت را بپذیرند و سعی در انطباق و سازگاری با محیط و اجتماع نمایند.

فردی که بینایی خود را به عللی از دست می دهد، تا اندازه ای توانایی ها، علایق و مشاغلش

تغییر می کند. لذا میبایست با توجه به شرایط فعلی اش به تدریج خود را سازگار و آماده نماید.

نابینایی لزوماً خودبه خود همراه با ناسازگاری عاطفی و اجتماعی نمی باشد. در واقع تا حدودی این رفتار و عکس العمل های خانواده و اجتماع است که چگونگی قدرت سازگاری و انطباق افراد نابینا را مشخص می نماید.

هر نقص عضوی ضرورتاً با ناتوانی و نارساییهای حسی و حرکتی و هوشی همراه نمی باشد.

به طور مثال اگر یک فرد نابینا در جامعه ی ویژه ی افراد نابینا زندگی کند، مشکلی نخواهد داشت و حال که در محیط بینا زندگی میکند، نابینایی او باعث می شود که به طور کامل او

در تمامی فعالیتهای اجتماعی شرکت نکند و زمانی هم که انتظارات محیط زیاد باشد، استثنایی بودن او بیشتر مشخص می شود و امروزه تلاش تمامی دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت در این است که نه تنها از طرف محیط و اجتماع فشاری برایشان وارد نشود، بلکه با ایجاد تسهیلات و امکانات لازم و ضروری، محدودیت طبیعی او را به حداقل برسانند.

آثار روانی اختلالات حسی

کودکانی که به اختلالات بینایی و شنوایی مبتلا هستند برای ارضای احتیاجات طبیعی خود دچار مشکلاتی می شوند که کودکان عادی کمتر با آنها مواجه هستند. علت اصلی این مشکلات عبارتند از:

۱- وجود نقیصه جسمی و اثری که این نقیصه بدنی بر فعالیتهای کودک و درک او از جهان خارج می گذارد.

۲- واکنش پدر و مادر و احساسات و عواطفی که والدین به سبب ناتوان بودن کودک نسبت به او ابراز می دارند. این احساسات گاه به صورت حمایت و مواظبت افراطی و زمانی به صورت طرد، ظاهر می شود.

۳- واکنش اجتماعی و طرز برخورد افراد جامعه با این کودکان، مثل ترحم و دلسوزی و یا سرزنش و این باعث ایجاد اختلالاتی در خلق و خو می شود.

آثار روانی آسیب بینایی

احساس کودک نابینا از جهان اطراف خود به تدریج و به وسیله ی سایر حواس برای او فراهم می شود، کودک نابینا از درک کلی اشیا ناتوان است، لذا برای شناسایی عالم خارج به کمک دیگران احتیاج دارد.

همانطور که ملاحظه می شود کودکان نابینا از لذت مشاهده و در نتیجه تقلید و همانند سازی که نقش مهمی در رشد شخصیت فرد ایفا می کند، محرومند. از یادگیری بسیاری از مطالب و حتی کسب مهارتهای ساده مانند غذا خوردن، لباس پوشیدن، رفع احتیاجات روزمره، که کودکان دیگر از آن بهره مند هستند، ناتوانند. مسلماً این وضع نامطلوب باعث ایجاد حالت خشم و عصبانیت در کودک می شود، لذا افراد نابینا از لحاظ تحصیلی و حرکتی عقبتر از سایر اشخاص جلوه می کنند، اگر چه ممکن است از لحاظ هوشی کاملاً عادی باشند. در مورد بهره ی هوشی افراد نابینا مطالعات زیادی صورت گرفته است و نشان داده شده

است که ناینایی به خودی خود باعث هوش کمتر نمی شود و در صورتی که امکانات آموزشی مناسب باشد، این کودکان بهره ی هوشی عادی خواهند یافت.

به عبارت دیگر با آموزش مناسب، این کودکان بهره ی هوشی عادی خواهند یافت. یعنی با آموزش مناسب می توان سطح پیشرفت این کودکان را به اندازه ای افزایش داد که با کودکان بینا برابر شوند. به خصوص این که این افراد به سایر حواس خود بیشتر متکی بوده و از دقت، توجه و کنجکاوی زیادی برخوردارند. پیشرفت تحصیلی کودکان ناینیا به اندازه ی پیشرفت تحصیلی کودکان ناشنوا دچار آسیب نمی شود و انگیزه های یادگیری را در کودکان ناینیا بهتر می توان به وجود آورد.

عقیده بر این است که کودکان ناینیا در فاصله ی ۶ ماهگی تا ۲ سالگی دچار فعالیت بیش از حد و بعد از آن دچار فقدان هیجان، لاقیدی، بی رغبتی و بالاخره افسردگی می شوند. بدیهی است وقتی کودک اشیای اطراف خود را نشناسد و با آنها سرگرم نشود، به حرکت های عضلانی می پردازد تا به این وسیله، رضایت خاطری حاصل کند. این کودکان به طور مرتب سر خود را تکان می دهند، انگشتانشان را روی چشم هایشان فشار می دهند یا بیقراری می کنند. همه ی این تلاش ها برای شناسایی محیط اطراف است. برای جلوگیری از ظهور این عوارض باید کودک را پیوسته در ارتباط با محیط نگه داشت و با وی صحبت و بازی کرد. کودکان ناینیا به علت مشکلات خاص خود در معرض خطر خستگی و ضعف روانی قرار دارند ولی ناراحتی شدید روانی در آنها کمتر به چشم می خورد. چون برخورد جامعه نسبت به افراد ناینیا اغلب به صورت ترحم صورت می گیرد، لذا ایشان اغلب سازش با محیط را به طور نسبتاً عادی برقرار می کنند.

عواملی که در چگونگی توانایی و سازگاری افراد ناینیا مؤثر است

عوامل متعددی در چگونگی تواناییها و سازگاریهای افراد با آسیب بینایی و همچنین شیوه های آموزشی و باز پروری و توان بخشی آنان دخیل است که در اینجا به طور خلاصه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- سن وقوع ناینایی:

این که کودکان در چه سنی ناینیا شده باشند، بر توانایی ها و سازگاریهای بعدی ایشان تأثیر فراوان می گذارد.

برای بررسی اثرات نابینایی روی اشخاص مختلف می‌توانیم آنها را به دو دسته تقسیم کنیم:
الف- افراد نابینای مادرزادی و یا آنها که قبل از ۵ تا ۶ سالگی نابینا شده‌اند.

ب- افراد نابینایی که بعد از ۵ تا ۶ سالگی بینایی خود را از دست داده‌اند.
معمولاً افرادی که قبل از سنین ۵ تا ۶ سالگی بینایی خود را از دست داده‌اند از نظر تواناییهای کلی همانند کودکانی هستند که دچار نابینایی مادرزادی هستند، زیرا در چند سال اول زندگی از تجارب و حافظه‌ی بصری چندان بهره‌ای کسب نکرده و یا از حداقل حافظه بصری برخوردار بوده‌اند.

این کودکان شناخت عینی از عالم بینایی ندارند و نمی‌توانند از یک بینش تخیلی مفید برخوردار باشند و از بدو تولد و یا از دوران طفولیت، خود را با دنیای افرادی که بینایی دارند، تطبیق می‌دهند و ابزار شناخت و کسب تجربه را با استفاده از سایر حواس خود آغاز می‌کنند. این گروه از افراد نابینا اصولاً دچار شوک یا ضربه روانی نشده و در عالم نابینایی بزرگ می‌شوند، به آن انس می‌گیرند و نداشتن دید، مسأله‌ی چندان مهمی برایشان جلوه نمی‌کند. دسته دوم افرادی هستند که قبلاً بینا بوده‌اند و جامعه‌ی افراد بینا را شناخته‌اند و کم و بیش آن را به خاطر می‌آورند و از این طریق، از خود، محیط و رنگها و... شناخت عینی دارند که کمک مؤثری در به وجود آوردن یک سلسله بینش‌های تخیلی از مشاهدات قبلی در زمان بینایی به شمار می‌رود. در بسیاری از مواقع دوران بینایی خود را به خاطر می‌آورند و تأسف آن دوران را می‌خورند و در واقع افراد نابینایی هستند که سالها بینایی را تجربه کرده‌اند و اکنون دقیقاً درک می‌کنند که در آن زمان از چه موهبتی برخوردار بوده‌اند.

وقوع نابینایی بعد از ۵ تا ۶ سالگی تأثیرات زیادی در سازگاری عاطفی آنها دارد و در نحوه‌ی برنامه ریزی آموزشی و توانبخشی نیز کاملاً مؤثر است.

به عنوان مثال، وقتی که کودکی قبل از آن که به عللی نابینا شود از آموزش رسمی و خواندن، تجاربی کسب کرده باشد، با آن که اصول کلی در مراحل خواندن، احتمالاً قابل انتقال است اما هیچ‌گونه وجوه مشترکی بین خواندن عادی و علائم بریل خط برجسته که از آرایش و چگونگی قرار گرفتن ۱ تا ۶ نقطه به وجود می‌آید، وجود ندارد. بنابراین کودکی که قبلاً خواندن فارسی را آموخته بود، باید اینک خواندن و نوشتن به طریقه‌ی جدید را بیاموزد و بدیهی است که در این حال، آمادگی ذهنی و انطباق با شیوه‌ی جدید خواندن و نوشتن برای کودکی که آموزش متفاوت داشته است با کودکی که چنین روش خواندن و نوشتن اولین تجربه‌ی آموزشی اوست، تفاوت دارد.

کودکی که قبلاً یاد گرفته بود که چگونه کتاب معمولی را بخواند، ممکن است در آغاز یادگیری بریل از خود بی میلی و عکس العمل منفی نشان دهد، زیرا که هنوز به خوبی وجود آسیب بینایی خود را که تازه عارض شده، نپذیرفته و نیاز به راهنمایی و مشاوره‌ی صحیح جهت سازگاریهای عاطفی، هیجانی و اجتماعی دارد.

کسانی که دیر نابینا شده اند در بسیاری از موارد قوه‌ی ادراک بیشتری از افراد نابینای مادرزادی دارند. وقتی از افراد نابینای متعددی که به عللی در سنین بالای یک سالگی بینایی خود را از دست داده بودند سوال شد آیا ترجیح می دادید که نابینای مادرزادی بودید؟ پاسخ های ارائه شده گویای این واقعیت است که آنها از این که نابینای مادرزادی نبوده اند، راضی هستند.

تجارب شخصی نگارنده نشان داده که آنها که عالم بینایی را تجربه کرده اند و شناخت فراوانی از آن داشته اند از نظر استعداد، قوه‌ی تفکر و یادگیری بهتر از افراد نابینای مادرزادی هستند و از لحاظ درک رنگ و ظواهر طبیعت، مسائلی که به فضا و شناخت محیط و اشیاء ارتباط پیدا می کنند، افراد دیر نابینا شده، آگاه تر، دقیقتر و واقع بینانه تر از افراد نابینای مادرزادی هستند.

افراد دیر نابینا اکثراً عقاید و دیدگاههای خود را راجع به اشیاء و محیط اطراف براساس معیارهای کاملاً متفاوتی با افراد نابینای مادرزادی در ذهن خود پرورش می دهند. افراد دیر نابینا از طریق بینایی قبلی خود مجسم می کنند، در حالی که افراد نابینای مادرزادی عقاید خود را براساس سایر حواس خود پرورش می دهند ولی این حواس محدودند و دقت کافی را برای کسب بعضی اطلاعات ندارند.

کودکانی که توانسته اند قبل از ابتلای به نابینایی، دیدن برخی از اشیاء را تجربه کنند، خواهند توانست تا اندازه ای بر آن تجربه ها متکی باشند، اگر چه برای کودکانی که از زمان تولد نابینا هستند، این امکان وجود دارد که برخی از مفاهیم را با همان سرعت کودکانی که بعد از چند سال بینایی، نابینا شده اند، کسب کنند.

اغلب متخصصان با این امر موافقتند که کودکانی که از زمان تولد نابینا هستند در یادگیری بسیاری از مفاهیم، دچار مشکل بیشتری می باشند.

نابینایی در دوران بلوغ نیز مورد بررسی قرار گرفته است، به شرح ذیل:

بدون شک، پیدایش هر معلولیتی، اثرات چشمگیری را همراه با یک سلسله محدودیتها و دشواری ها در زندگی شخصی و اجتماعی فرد پدید می آورد. آرزوها، نگرش ها، روابط

خانوادگی و اجتماعی، احساسات و به طور کلی تمام ابعاد شخصیت فرد، تحت تأثیر این معلولیت قرار می‌گیرد.

شخصی که تا چند روز قبل با دنیای بینایی مواجه بوده و به طور ناگهانی بینایی خود را از دست داده، حالا یک مرتبه باید آموزش عصازنی، خط بریل و دهها روش و اصول تازه دیگر را برای اولین بار تجربه کند.

اگر نابینایی در سن بلوغ رخ دهد، پذیرش توانبخشی آموزشی، حرکتی و یا حرفه‌ای اصولاً آسان است ولی توانبخشی روانی یعنی برگرداندن آرامش روانی به نوجوان تازه نابینا شده کار سهل و سریعی نیست، زیرا علاوه بر موقعیت حساس سنی، تغییرات جسمانی عمده‌ای همراه با بلوغ جنسی در او در حال تحول است و به دلیل ماهیت شخصیت، او در آن سن تمایل چندانی به گرفتن کمک از این و آن ندارد و از طرفی در مراحل مقدماتی نمی‌تواند بدون اتکاء به دیگران، آموزش‌های اولیه و ضروری را فراگیرد، درحالی که شخصیت اجتماعی او در حال شکل‌گیری است. او اجباراً از همسالان و همکلاس‌های خود جدا می‌شود و نه تنها زندگی خصوصی‌اش بلکه روابط اجتماعی او هم دچار از هم پاشیدگی می‌شود.

در بحث نوجوانی و تحولات آن و در مورد تعاریف و تغییرات بدنی و ارتباط آن با رشد شخصیت که وابسته به محیط فرهنگی نوجوان است، اتفاق نظر وجود دارد. در این راستا، نوجوان نابینا از لحاظ سازگاری شخصیت دست کم در چهار زمینه‌ی پرخاشگری، طرد، پذیرش مسائل جنسی و نگرانی از این همه، مشکلات بیشتری دارد و همه‌ی این مشکلات از مسائل اساسی نابینایی است. فقدان دید این مشکلات را بر نوجوان تحمیل می‌کند.

۲- چگونگی وقوع نابینایی:

کودکی که به طور ناگهانی بینایی خود را از دست می‌دهد با کودکی که در اثر عوامل مختلف به تدریج بینایی خود را از دست می‌دهد، از نظر سازگاری‌های عاطفی، هیجانی، اجتماعی و انطباق با وضعیت جدید، متفاوت است. در واقع کودکی که به تدریج بینایی خود را از دست می‌دهد، معمولاً به تدریج نیز با شرایط جدید سازگار می‌شود، لذا در نظر گرفتن این مسائل در سازگاری‌های اجتماعی کودک‌کان مؤثر است.

۳- عوامل و چگونگی عارضه‌ی بینایی:

بعضی از عوامل و شرایطی که سبب نابینایی می‌شوند مثل آب سیاه مادرزادی، گاهی با

دردهایی همراه است که کودک باید آنها را متحمل شود. طبیعی است که چنین شرایطی در رفتارهای عاطفی و اجتماعی و نحوه ی سازگاری کودک بی تأثیر نخواهد بود. اولیاء و مربیان باید به شرایط خاص نینایی کودک توجه داشته و تسهیلات هر چه بیشتری را در جهت راحتی دانش آموزان فراهم نمایند.

نارسایی بصری و میزان چگونگی بهره وری از باقی مانده ی بینایی باهم مرتبط اند. ظاهراً به نظر می رسد که کودکی که قادر است از حداقل باقی مانده بینایی خود استفاده کند، نسبت به کودکی که کاملاً نایناست از امتیاز بیشتر برخوردار است، در حالی که غالباً چنین نیست. کودکی که به اندازه ی بسیار کمی از باقی مانده ی بینایی خود استفاده می کند، همواره تلاش می کند و می خواهد که بیشتر ببیند و این امکان پذیر نمی باشد و لذا دچار یأس و ناامیدی می شود و بعضی از کودکان نیز سعی می کنند که با حداقل بینایی خود بدون کمک و عصای مخصوص و یا راهنما، رفت و آمد نمایند و به علت کافی نبودن باقی مانده ی بینایی، آنان برای تردد خود گاهی دچار مشکلات و مسائل ایمنی می گردند.

در بعضی از مواقع نیز اولیا و معلمان و همسالان کودک از او که از حداقل بینایی و آن هم گاهی به صورت ناقص و غیر مفید برخوردار است، انتظار و توقع بیشتری دارند. در نتیجه کودکی که کاملاً نایناست در سازگاری با محیط و شرایط جدید از کودکی که از حداقل بینایی برخوردار است و در دو عالم افرا و بینا و ناینای زندگی می کند، موفق تر است.

حضور دانش آموزان نیمه بینا در کلاس های عادی و توجه معلمان به آنها

اگر دانش آموزان نیمه بینا در مدارس عادی مشغول به تحصیل هستند، معلمان مسؤلیت خاصی را در توجه به این قبیل کودکان بر دوش دارند. این کودکان در کلاس درس معمولاً رفتارهای خاصی از خود نشان می دهند و معلم باید کاملاً مراقب باشد و کاملاً از مشکل کودک آگاه باشد و در صورت بروز هر نوع مسأله، او را به سرعت به مراکز مربوطه ارجاع دهد.

بعضی از علائم ضعف بینایی کودکان و دانش آموزان نیمه بینا

- سعی می کنند بر تاریینی چشمان خود فائق آیند.

- پلک ها به طرف پایین است.

- شدیداً چشمان خود را مالش می دهند.

- در خواندن مطالب و در انجام اموری که مستلزم استفاده از چشم است با مشکل روبرو هستند.

- حساس هستند و خیلی زود، مخصوصاً وقتی که از نزدیک کار می کنند، تحریک می شوند.

لذا معلم باید به شرایط فوق الذکر توجه داشته باشد و وسایل و تسهیلات لازم را برای کودک نیمه بینا فراهم کند، مثلاً اگر چشم راست کودک دچار ضعف بینایی است، او را در سمت راست کلاس قرار دهد به طوری که چشم راست کودک به طرف دیوار کلاس باشد و چشم دیگر او به سمت فضای کلاس.

به دلیل نگرش فرهنگی مردم که معلول کم بینا را معلول نمی دانند و تنها از آن تحت عنوان بیمار یاد می کنند، درصد اندکی از این گروه معلولان به مراکز توانبخشی تخصصی مراجعه می کنند تا با آموزش های تخصصی تا حدی به زندگی عادی خود برگردند. و هستند افراد فرهیخته و فعالی که به دلیل معلولیت کم بینایی به کلی امید زندگی را از دست داده و در افسردگی کامل، زندگی سردی را در گوشه ی خانه های خود ادامه می دهند.

در مراکز توانبخشی، هر دو گروه افراد کم بینا و نابینا را در یک گروه قرار داده و یک نوع سرویس و آموزش به هر دو ارائه می کنند. از جمله کارهای ابتدایی که در مراکز توانبخشی برای افراد نابینا و کم بینا، برای ارتباط و راه یابی آنها به دنیای خارج و داشتن یک زندگی تقریباً عادی انجام می شود، آموزش خط بریل است، ولی هر چند با فراگیری این خط، افراد نابینا می توانند ارتباط بیشتری با دنیای خارج بگیرند و ادامه تحصیل داده و مدارج علمی بالایی را طی کنند، ولی این موضوع بنا به دلایل زیر برای افراد کم بینا چندان قابل پذیرش نیست:

۱- نخست آنکه افراد کم بینا، به دلیل داشتن اندکی بینایی، پذیرش دنیای تاریک و بدون نور، برایشان دشوار بوده، اکثراً سعی دارند از همان میزان اندک بینایی خود بهره جسته و از این طریق زندگی خود را با دنیای خارج تطبیق دهند.

رشد بریل آموزی اشخاص کم بینا به دلیل مقاومت ذکر شده و بدون در نظر گرفتن میزان استعداد و درک آنها - نسبت به اشخاص نابینا - کمتر است و همواره این سؤال را مطرح می کنند که با توجه به میزان اندک بینایی، آنها چرا باید از خط بریل استفاده کنند؟ و در واقع رشد کمتر آنها در بریل آموزی، ارادی است.

۲- دوم آنکه اشخاص نابینا به دلیل نوع معلولیت‌شان، بیشتر در رشته‌های نظری و علوم انسانی ادامه تحصیل می‌دهند و به همین دلیل بیشتر منابع مطالعاتی این‌گونه رشته‌ها، به خط بریل تهیه شده و موجود است، ولی اشخاص کم‌بینا به دلیل همان علاقه‌شان بر استفاده از اندک بینایی خود، به دیگر رشته‌های تخصصی گرایش دارند که متأسفانه از یک سوی، منابع مطالعاتی آنها به خط بریل یا گویا، محدود و بهتر است بگوییم نایاب بوده و از سوی دیگر استفاده از کتاب‌های معمولی نیز برایشان بسیار سخت است، لذا معلمان و افرادی که با این افراد در ارتباط هستند یا به نحوه‌ی دیدگاه این اشخاص آگاهی داشته و دارند، باید شرایطی را فراهم کنند که در صورت امکان، ایشان به محدودیت‌های بینایشان واقف گردیده و با توجه به واقعیت و مواد آموزشی موجود، رشته‌ی تحصیلی و شغلی خود را انتخاب کنند.

مبانی روان‌شناختی خصیصه‌های شخصیتی افراد نابینا

۱- «احساس انگشت‌نمایی» در بین غالب افراد نابینا قابل مشاهده و توصیف است، افراد نابینا احساس می‌کنند، در تنهایی و جمع، در خانه و مدرسه، کوچه و خیابان، سفر و حضر، وجودشان مورد توجه خاص دیگران واقع می‌شود. به عبارت دیگر احساس می‌کنند، ولو اینکه در بین جمع زیادی از دوستان و هم‌کلاسی‌های بینا هم نشسته باشند، بیشترین نگاه و توجه دیگران متوجه حضور آنان می‌شود. به سخن دیگر، احساس انگشت‌نمایی در خلوت و جمع احساس غالبی است که بین افراد نابینا وجود دارد. به همین خاطر از «حساسیت» بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند و بالطبع سطح آزرده‌گی عاطفی و روانی ایشان فوق‌العاده بالا می‌باشد.

۲- حساسیت فوق‌العاده به آنچه که در پیرامون آنها می‌گذرد، به ویژه نسبت به آدم‌هایی که در محیط ایشان حضور می‌یابد و یا در کنارشان می‌نشینند دارند. از همین رو و به لحاظ برخورداری از چنین حساسیت روانی فوق‌العاده بعضاً رگه‌هایی از ناامنی روانی-اجتماعی و گاه کم‌اعتمادی و برخی بدبینی‌ها و سوءظن‌ها نسبت به کنش‌ها و واکنش‌ها و رفتارهای دیگران در خصیصه‌های شخصیتی بسیاری از افراد نابینا مشاهده می‌شود.

۱- افراد نابینا عموماً نسبت به تعاملات اجتماعی و ارتباطات کلامی مستمر، معاشرت با دیگران اعم از افراد نابینا و بینا از یک نگرش مثبت و خوشایند برخوردارند.

۲- از حضور در کلاس‌های مدارس عادی و محیط‌های دانشگاهی و ادامه تحصیل همراه با همسالان بینا احساس رضامندی قابل توجهی دارند. فعالیت‌های اجتماعی و ایفای وظیفه

و پذیرش مسئولیت در نهادها و سازمان‌های مختلف جامعه همراه با همکاران بینا برای افراد نابینا بسیار مطلوب و دلخواه است.

۳- به طور کلی، بزرگسالان نابینا در امر ازدواج و زندگی مشترک ترجیح می‌دهند که همسری بینا و یا نیمه‌بینا داشته باشند.

۴- «حساسیت فوق‌العاده» نسبت به محیط اطراف، همراه با بعضی بازخوردهای تردیدآمیز و نه چندان مثبت نسبت به رفتار دیگران، خودمشغولی‌های موقعیتی، «خیال بافی»، «رویاپردازی روزانه»^۱ و چرت‌های مکرر در کلاس‌ها و نشست‌های جمعی از جمله ویژگی‌های بارز رفتاری و شخصیتی غالب افراد نابینا می‌باشد (افروز، ۱۳۸۱).

فصل ۲

کلیات آموزش زندگی مستقل و پذیرش افراد نابینا به فرزند

مقدمه

افراد با آسیب بینایی که نابینا نیز نامیده می شوند، گامهای بلندی در دستیابی به زندگی مستقل در ۴ دهه اخیر برداشته اند. گروههای حامی که در سراسر دنیا به برقراری تماس و تداوم ارتباط تنگاتنگ با دولتها پرداخته اند، در تحقق این امر که چرا فرد نابینا باید به آموزش، اشتغال، برنامه های کارآموزی و حمایتهای کافی مجهز گردد سهم بوده اند.

برخی از کشورها در دنیا سنجش هایی در زمینه هایی نظیر آموزشهای جامع به منظور کمک به افراد جوان در یادگیری و گسترش مهارتهای مورد نیاز در رسیدن به توانایی زندگی مستقلانه انجام داده اند.

آموزش جامع یا همگانی بدان معنی است که کودکان با آسیب بینایی یا سایر آسیبهای جسمی، حرکتی و ذهنی در نظام آموزش عادی ادغام گردند. آموزش همگانی همانطور که در چرخه دولتی و حمایتی شرح آن رفته باید قادر به فراهم نمودن منابع ضروری و تشویق ایشان در رسیدن به این اطمینان خاطر که این افراد به غایت توفیقشان در زمینه های زندگی مستقل خواهند رسید، باشد.

آموزش جامع یا یکپارچه ابزار اندازه گیری برای رشد فرد با آسیب بینایی در تبدیل شدن به شهروندی مستقل است، ولی گامهایی وجود دارد که باید در این زمینه برداشته شود که از مهمترین این گامها می توان به روش شناسی که فرد در نیل به سبک زندگی مستقل باید فراگیرد اشاره نمود.

آموزش افراد نابینا و کم بینا

دستیابی به استقلال برای فرد نابینا نباید تنها هدف نظام مدارس تلفیقی یا جداگانه باشد. بلکه باید شامل استقلال در دامنه‌ای از دستیابی به استقلال تحصیلی گرفته تا یادگیری نحوه انجام تکالیف زندگی روزمره در خانه و رفتن به سفرهای کوتاه مدت درون شهری به منظور کمک به آن دسته از افراد نابینایی که در پایان کودکی یا اوایل بزرگسالی بینایی خود را از دست داده‌اند، باشد تا اعتماد به نفس در ایشان را که به راستی اولین و مهمترین گام در مبحث استقلال می‌باشد، افزایش داد.

پرسش و کسب نظر از کسانی که به حمایت یا کمک به افراد با آسیبهای جسمی به ویژه افراد نابینا علاقه مندند، بیانگر این مطلب است که زندگی مستقل هنگامی که فرد به بزرگسالی رسیده آغاز نمی‌گردد، بلکه این امر نیازمند آموزشهای همه جانبه از کودکی تا بزرگسالی می‌باشد. فرایند زندگی مستقل از بدو تولد آغاز و باید در گستره زندگی ادامه و تشویق گردد. والدین اولین مسئولیت را در جستجوی دستیاران، خواندن پیشینیه‌ی معلولیت و یافتن حمایتهایی در تأسیس سازمانهایی به منظور آموزش و ترویج زندگی موفق و مستقل فرزندشان در چنین مراکزی دارند.

حامیان و کاردرمانگران بر این عقیده‌اند که مداخله‌های اولیه یا تشویق‌هایی به منظور داشتن زندگی مستقل، هنگامی آغاز می‌گردد که والدین کودکشان را در مدرسه دولتی یا تسهیلات مراقبتهای روزانه خصوصی، ثبت نام می‌کنند. به هر حال مراقبتهای روزانه باید دانش جلب کمک و حمایت به منظور جلوگیری از انزوای فرد نابینا را دارا باشد. هرچند داشتن دستیار در آموزش مدارس و مراکز دولتی برای فرد نابینا بدان شکل که هر فرد یک متخصص خاص خود را داشته باشد، عملی نیست، این امر در مراکز مراقبتهای روزانه خصوصی برای رشد کودک نابینا امکان پذیر است.

دستیاران آموزشی در مراکز مراقبتهای روزانه هنگامی که کودک نابینا آغاز به تحصیل می‌کند، استخدام می‌شوند. این افراد به کودک نابینا کمک می‌کنند که مهارتهای اولیه و اساسی که وی را در رسیدن به امکانات زندگی مستقل توانمند می‌کنند، فراگیرند. این دستیاران حتی به کودکان در یادگیری مهارتهای ارتباط کلامی و آنچه که وی را در برقراری ارتباط و تعامل با سایر همسالان در مرکز مراقبتهای روزمره مجهز می‌سازد، یاری می‌کنند. آشنا کردن کودک با اشیاء لمسی و محیط پیرامون وی در داخل و خارج مرکز، از دیگر

وظایف دستیار آموزشی است، چرا که با دارا بودن چنین مهارتی، فرد در آتی می تواند راحتتر به یادگیری خط بریل اشتغال ورزد.

مواجهه با افراد دیربینایی که در زمینه یادگیری خط بریل مشکلات زیادی داشته اند، خود مؤید اهمیت آموزش و تقویت حس لامسه در سنین پایین کودکی است. با پرسش از این افراد به این مطلب مهم واقف می شویم که قوی نبودن حس لامسه حتی در میزان استفاده ی این افراد از این خط نیز اثر داشته است.

این افراد به دلیل اینکه به مرور زمان این حس را در خود تقویت نکرده اند و به عبارتی به ناگاه با مشکل بینایی مواجه گردیده اند، فقط خود را به قواعد خط بریل آشنا کرده اند و در نتیجه در خواندن و یا نوشتن این خط با کندی عمل می کنند و در نتیجه به دلیل کندی در پیشرفت خواندن، به مرور علاقه خود را در استفاده از این خط از دست می دهند، این بی علاقهگی در استفاده از خط بریل، ایشان را در جنبه های متفاوت زندگی دچار مشکل کرده و در نتیجه از داشتن زندگی مستقل بهره کامل را نخواهند برد. مریبان فهیم می توانند با صرف زمان و حوصله و تقویت حس لامسه در این افراد، ایشان را در داشتن زندگی مستقل که طبعاً نتایج بسیار مهمی در زندگی خواهد داشت، یاریگر باشند.

نگرشهای مورد پذیرش جوامع، در راستای تغییر به سمتی است که افراد با آسیب های جسمانی می توانند در فعالیتهای همگانی و جامعه حضور یابند. هنوز هم بحث درباره ی استفاده از شیوه های سنتی که همه گیرند، وجود دارد.

کودک نابینا است، پس برای اطمینان از اینکه وی مهارتهای جسمی و شناختی را در سالهای اولیه زندگی آموخته، در مرکز مراقبتهای روزانه، دستیار خصوصی در اختیار وی است و در نتیجه توانایی وی در نیل به سطوح بعدی زندگی مستقل، آسانتر خواهد بود.

شرکت دادن کودک نابینا در تمامی فعالیتهایی که همسالان وی در آن حضور دارند،

اقدامی است بس مهم که این امر، موجبات رشد مهارتهای شناختی، جسمانی و اجتماعی را فراهم می سازد و از این راه است که ایشان میتوانند دوستیهای خود را مستقلانه شکل دهند و از کودکان هم سن خود یاد بگیرند.

کودکان با شرکت در بازیها و جمع همسالان خود که دارای مشکلی مانند خود ایشانند از تجارب و راهکارهای آنان سود می جویند. به این واسطه دیگر نیاز ندارند حتماً مسیر را خود طی کنند، کافی است که شیوه ی دیگران را سرمشق خود قرار دهند و با این روش اطلاعات و دانش خود را ارتقا دهند.

نظریه های مختلف نیز از این شیوه ی یادگیری حمایت کرده اند که در این میان می توان به نظریه ی ویگوتسکی^۱ در خصوص نقش همسالان در یادگیری و نیز نظریه شناختی اجتماعی بندورا^۲ که مشاهده جانشینی و سرمشق گیری را مورد توجه قرار داده، اشاره کرد (صیف، ۱۳۸۷).

فرزندپذیری کودک نابینا

حمایت ها و مداخله های اولیه به طور خاص برای کسانی که می خواهند کودکان نابینایی را از نوانخانه های داخل و خارج کشور به سرپرستی قبول کنند، مهم است. اینگونه پذیرش سرپرستی به تعداد زیاد هر روزه در سراسر دنیا به دلایلی چند صورت می پذیرد. برخی از ایشان چنین کودکانی را از دودمان خود به این علت که والدینشان استطاعت تربیت فرزندانشان را ندارند، انتخاب می کنند. برخی دیگر ایشان را به این دلیل برای سرپرستی انتخاب می کنند که معتقدند همه ی کودکان باید از حق داشتن زندگی شاد و سالم بواسطه ی کسانی که توان فراهم کردن آن را دارند، بهره مند شوند.

چنین کسانی این عقیده را با خانواده و دوستانشان به بحث می گذارند و سپس به دنبال آژانس های معتبر در این زمینه می گردند.

به هر حال عوامل چندی باید در چنین گزینشی لحاظ گردد و مراکز معتبر در این زمینه باید تمامی جوانب را برای والد یا والدینی که قصد انتخاب فرزند با آسیب بینایی را دارند، مطرح سازند تا ایشان چگونگی حمایت از این کودک در یافتن دستیار و تشویق وی در تبدیل شدن به فردی مستقل را یاد بگیرند.

دانستن این مسأله که بسیاری از نوانخانه ها از داشتن امکانات اولیه آموزش افراد نابینا محروم بوده و در نتیجه بسیاری از این کودکان حتی مهارتهای بسیار پایه و نخستین را نیز فرا نگرفته اند در اتخاذ تصمیم در انتخاب ایشان بسیار مهم است، چرا که چنین سرپرستانی راهی بس سخت را برگزیده اند.

هنگامی که کودکی نابینا از زمینه ی فقیر، برای سرپرستی انتخاب می گردد، نیاز به یادگیری مهارتهای اساسی زندگی دارد، در ضمن وقتی چنین کودکی از نوانخانه ملی یا بین المللی انتخاب می گردد، آموزش و پرورش او باید فوراً آغاز گردد. این بدان معنا است که کودک در تکمیل

کارهای روزمره از انجام کارهای شخصی در محیط خانه یا مدرسه گرفته تا دستیابی به مهارت‌های دیگر چون انجام فعالیت‌های هنری، ورزشی، و غیره باید آموزش داده شود. همچنین باید به فرد نایبایی که در سنین مدرسه است و در نوانخانه بزرگ شده، مهارت‌های اولیه مورد نیاز وی جهت حضور در مدرسه نظیر ارتباط برقرار کردن با همسالان، معلم، تردد در محیط مدرسه، انجام تکالیف و شرکت در کارهای گروهی آموزش داده شود، چرا که مسلح بودن به توانایی‌های شناختی و اجتماعی برای آغاز آموزش مدرسه لازم است. باید توسط مربی و متخصص امور توانبخشی از دانش اجتماعی، شناختی، تحرک و جهتیابی مطلع گردید، همچنین این متخصصان می‌توانند شیوه‌ی یادگیری و منابع مورد نیاز یادگیری خواندن، نوشتن و غیره را با استفاده از کتابهای درشت خط در اختیار این سرپرستان قرار دهند.

مراکزی که چنین امکاناتی را در اختیار دارند باید با کمترین هزینه یا به رایگان، آنها را ارائه دهند. چنین مراکزی باید برنامه‌هایی برای تعامل کودکان نابینا با یکدیگر داشته باشند، چرا که چنین برنامه‌هایی به کودک در یافتن دوستی‌های معنی‌دار، پایدار و دستیابی به مهارت‌های اجتماعی پیش‌نیاز حضور در مدارس مخصوص افراد نابینا یا مدارس تلفیقی کمک می‌کند.

علاوه بر حمایت‌های چنین مراکزی، اجتماعی شدن مناسب و رشد شناختی - جسمانی فرآیند پیشرفت در راستای زندگی شاد و مستقل را تسریع می‌کند.

تمامی فرزند پذیرها چالش برانگیزند، چه این امر شامل مانورهای قانونی با آژانس‌ها و مراکز فرزند یابی باشد و چه قوانین بین‌المللی که میتوانند مشکلاتی را برای خانواده‌های علاقمند به فرزند پذیری ایجاد کنند.

بنا بر آنچه آمد، پذیرش کودک با آسیب بینایی به فرزند ی کار آسانی نیست ولی همیشه‌ی روزگار از طرف مراکز، دوستان و خانواده‌های آگاه و فهیم مورد تحسین و تشویق قرار گرفته است و اگر حمایت‌ها و همکاری‌های چنین گروهی را به توان چنین سرپرستانی بیفزاییم، مطمئناً پتانسیلی غیر قابل وصف در تعلیم و تربیت ایشان در دست خواهد بود و چه پاداشی بهتر از اینکه شما بعنوان پدر یا مادر شاهد یادگیری و زندگی مستقل فرزندتان باشید.

فصل ۳

نکاتی چند درباره مکان و شیوه‌ی آموزش

مقدمه

کودکان با آسیب بینایی می‌توانند در کلاس‌های تلفیقی یا ویژه‌ی کودکان نابینا یاد بگیرند و در دروس و مطالعاتشان پیشرفت کنند. گرچه در اغلب موارد، تجربه‌ی مثبت برای فرد نابینا در یادگیری با همتای بینایش برای جلب توجه ضروری نیست، هنگام بررسی راه‌های کمک به افراد نابینا در نیل به زندگی مستقل، باید بهترین شیوه‌ها را در جلب علاقه‌ی ایشان به منظور افزایش سطح یادگیری بکار بست، همچنین منابع ضروری و مورد نیاز آموزش باید مهیا باشد و مربیان از علم و دانش کافی در این زمینه برخوردار باشند.

نگارنده را بر این باور است که بسیاری هنگام مطالعه‌ی این سطور، این پرسش را خواهند داشت که چرا چنین جلب توجهی ضروری بنظر نمی‌آید. پاسخ این است که استقلال به این معنی است که هر فرد و خانواده‌اش دارای حق تصمیم‌گیری درباره‌ی آنچه که کودکشان را در یادگیری کمک می‌کند، هست و یا عضوی از خانواده که مشکل بینایی دارد، بدون دخالت دیگران این حق را دارد که خود درباره‌ی حضور در جامعه و بهره‌مندی از امکانات آن اعمال نظر کند و نه چیزی دیگر.

استقلال به یادگیری و انجام تکالیف محدود نمی‌شود، بلکه توانایی است برای خود فرد تا در خصوص شیوه‌ی زندگی خویش تصمیم گیرد و به دیگر اعضای خانواده هم در روند زندگی کمک کند. علاوه بر این، این امر یک تصمیم‌گیری مستقلانه نیز هست که کودک یا نوجوان نابینا در مدرسه‌ی عادی یا ویژه به تحصیل مشغول گردد.

اگر تصمیم بر این شد که فرزند شما به مدرسه‌ی ویژه دانش‌آموزان نابینا فرستاده شود، از این

مسأله، اطمینان کسب کنید که خود دانش آموز علاقه به تحصیل در این مدرسه دارد یا نه. در زیر اطلاعاتی مفید که قبل از این تصمیم گیری مهم باید مورد توجه قرار گیرند، ارائه می گردند.

مواردی که قبل از آغاز آموزش باید مد نظر قرار گیرند:

- برخی از مدارسی که به امر آموزش کودکان و نوجوانان با آسیب بینایی اشتغال دارند به منابع و فناوری هایی مجهزند که به کودک در پیشرفت تحصیلی و دستیابی به فرصت های آموزشی و شغلی آتی شان کمک می کند.

- به احتمال زیاد، کودک یا نوجوان نابینا در اردوگاه یا خوابگاه های مدارس شبانه روزی با همسالانش زندگی می کند. دادن فرصت زندگی و اجتماعی شدن به طور مستقل در سنین نوجوانی، بهترین امکانی است که در اختیار وی قرار می گیرد.

این امری است مهم، چرا که پرورشکاران به این افراد مهارت هایی را آموزش می دهند که همسالان بینایشان تا سنین نوجوانی آنها را فراموش نمی گیرند و خود این یادگیری است که می تواند فرد نابینا را بیشتر و بیشتر به زندگی مستقل و هم ردیف با همسالش، نزدیک کرده و با توجه به آموزش هایی که در این زمینه فرا گرفته، فاصله ی خود را که به واسطه ی ندیدن ایجاد شده، به حد اقل برساند. به هر حال فرستادن کودک یا نوجوان به مدرسه ای که وقت و هدف خود را در تعلیم چنین دانش آموزانی قرار داده، کاری است شایسته.

آموزش رایانه نیز برای افراد با آسیب بینایی فراهم است. ابزار گوناگونی در مدارس برای دانش آموزان نابینا که از نظر مالی در تنگنا نیستند، فراهم است. کارکنان مدرسه مکلفند مهارت های لازم رایانه ای را به ایشان آموزش دهند که در هنگام ترک مدرسه برایشان در تحصیلات تکمیلی یا اشتغال مفید خواهد بود.

دانش آموزان نابینا امکانات فناوری و تسهیلات آموزشی فراوانی در تعلیم و تربیت تلفیقی در اختیار دارند، اما متأسفانه برخی از مربیان ایشان، مهارت های لازم را در آموزش و کار بست این ابزار ندارند.

اگر دانش آموزان نابینا علاقمند به کسب استقلال هستند، باید خود را به یادگیری این ابزار مکلف بدانند. این ابزار شامل ابزاری در زمینه ی یادگیری و دسترسی به مهارت های اساسی است که به ایشان در اشتغال و مهارت های کافی و مورد نیاز زندگی کمک می کند تا بدون نیاز به حمایت خانواده یا دوستان روی پای خود بایستند.

شرکت دانش آموزان در مدارس چه مدارس ویژه، تلفیقی و یا عادی، در درجه ی اول اولویت نیست. آنچه مهم است، انتخاب بهترین گزینه برای این دانش آموزان برای بهره مندی

از امکانات موجود و دسترسی سریعتر و بهتر به اطلاعاتی که ایشان را به استقلال نزدیک می‌کند، است. جنجال‌های حضور فرد با آسیب بینایی در مدرسه‌ی عادی یا استثنایی، جای خود را به بهترین‌گزینش به منظور دستیابی به بهترین نتیجه داده است.

اهمیت آموزش یکپارچه

آموزش و زندگی یکپارچه، راهبردی عالی برای افراد نابینا در یادگیری زندگی در جامعه پر از حادثه و تجربه آفرین و دوست شدن با بزرگسالان و همسالان است. این تنها شیوه‌ی توانمندسازی افراد نابینا برای زندگی مستقل نیست ولی یکی از بهترین انتخاب‌ها می‌باشد. در پی یافتن مؤسساتی در محل زندگی خود باشید که حمایتها و خدماتی را برای فرزند نابینای شما ارائه می‌کنند. اگر چنین جستجویی با همراهی و کمک دوستان و متخصصان انجام پذیرد، اعضای خانواده فرصت و آسایش خاطر بیشتری در انجام این مهم خواهند داشت، چرا که نگران نبودن در خصوص دیدگاه دیگران، انرژی بیشتری را در وجودشان آزاد می‌کند.

در نهایت، تصمیم‌گیری درباره‌ی حضور دانش آموز نابینا در مدرسه‌ی ویژه یا عادی و بهره‌مندی از معلم تلفیقی، تصمیمی است که با توجه به امکانات و علایق فرد نابینا و خانواده‌اش باید گرفته شود.

به این نکته توجه کنید که قصد ما از مطرح کردن این مبحث، ذکر فواید و مضرات هر کدام از این شیوه‌های آموزشی نبوده و نیست، تنها بر آنیم که امکان استفاده از آنها را با توجه به علاقه‌ی دانش آموز و امکانات موجود، مطرح سازیم.

تسهیلات آموزشی افراد نابینا

امکانات تحصیلی متعددی توانایی فراهم نمودن منابعی برای آموزش دانش آموزان نابینا در خواندن و نوشتن خط بریل را دارند. اغلب، منبع کلیدی آموزش این مهارت، معلم مرجع بینایی است که در آموزش و تفهیم خط بریل تخصص یافته است. با استفاده از خط بریل، فرد نابینا از طریق لمس صفحه می‌تواند مطالب کتاب را مطالعه کند.

این معلمان مرجع باید به مکانیزم‌های خط بریل و چگونگی آموزش آن پیش از استخدام توسط نظام آموزشی، احاطه داشته باشند.

بیشتر مؤسسات تربیتی بدون در نظر گرفتن اینکه برای خاص افراد نابینا تأسیس شده‌اند

یا نه، امکان چندین سال تجربه را برای معلمان مرجع بینا در نوشتن، خواندن و تدریس خط بریل فراهم می‌کنند. دارا بودن مدرک دانشگاهی نیز امکان ارزشمندی برای چنین مراکزی در استخدام مربیان مورد نیازشان می‌باشد.

با توجه به اینکه آگاهی از خط بریل در پیشرفت فرد نابینا بسیار مهم است، خالی از لطف نخواهد بود اگر اطلاعاتی درباره‌ی تاریخچه‌ی پدیدآیی آن ارائه گردد تا ضمن اطلاع از این امر، ادای دینی به مبدع آن «لویی بریل» کرده باشیم.

تاریخچه‌ی خط بریل

خط بریل که در سال ۱۸۲۱ توسط لویی بریل ابداع شد، روشی است که به طور گسترده‌ای در دنیا توسط افراد نابینا برای خواندن و نوشتن، استفاده می‌شود.

هر سلول یا خانه‌ی بریل از شش نقطه تشکیل شده که در یک مستطیل به صورت ۲ ستون سه نقطه‌ای کنار هم قرار می‌گیرند. هر سلول می‌تواند دو حالت برجسته یا غیر برجسته داشته باشد که جای گشت این دو حالت در شش نقطه مجموعاً ۶۴ حالت مختلف را ایجاد می‌کند. بدین ترتیب امکان نوشتن کلیه حروف الفبا، اعداد و علائم ریاضی، همچنین علائم نگارشی چون ویرگول، نقطه و... فراهم می‌آید.

یکصد و پنجاه سال پیش به نظر غیر ممکن می‌رسید که روزی افراد نابینا نیز همانند سایرین قادر به خواندن و نوشتن باشند، اما لویی بریل که در زمان حیات خود از نعمت بینایی محروم شد، دست به ابتکاری زد که بعدها به نام خود وی به ثبت رسید.

ابتکار او نه تنها افراد نابینا را قادر به خواندن و نوشتن کرد بلکه حتی عده‌ای از آنان را به کسب مدارج عالی تحصیلی، علمی و نیز به موقعیتهای شغلی بالا رساند، شاهکاری که زندگی آنان را دگرگون و میل به حیات را در آنان دو چندان کرد.

علی‌رغم آسان بودن فراگیری الفبای خط بریل، اکثر افراد نابینا در انتقال حس بینایی به حس لامسه دچار مشکل هستند و به راحتی قادر نیستند آن چیزی را که لمس می‌کنند درک کنند. با این همه، کارشناسان معتقدند الفبای بریل بهترین امکانی است که در دسترس این افراد قرار گرفته تا بتوانند حداقل نیازهای خواندن و نوشتن خود را رفع کنند.

نخستین ابتکار در به کارگیری نوشته‌های برجسته افراد نابینا در قرن چهاردهم میلادی در ایران آغاز شد و چهارصد سال پس از آن، «والنین هوی»^۱ فرانسوی، اولین مدرسه نابینایان را

در پاریس تاسیس کرد که در آن کلماتی بسیار ساده و ابتدایی با حروف برجسته روی کاغذ چاپ و به افراد نابینا آموزش داده می شد. آنان با این روش تنها قادر به خواندن بودند، بدون آنکه بتوانند بنویسند.

در نهایت، «لویی بریل» موفق به ابداع روشی شد که بر اساس آن شش نقطه در دو ستون موازی روی سه خط افقی بیانگر ۶۴ حرف، عدد و علامت بودند و به گفته انجمن نابینایان هیچ زبان شناخته شده ای در دنیا نیست که مدعی شود قادر به اجرای این روش در زبان خود نیست.

«لویی» حدود سال ۱۸۰۹ در فرانسه متولد شد. وی در سن سه سالگی در اثر برخورد شیء تیز به چشمانش در کارگاه پدرش، نابینا گشت. وی دوران دبستان را در مدارس عادی روستای خود به اتمام رسانید و با حمایت پدر و مادر در شناخت استعدادهای بالقوه اش، موفق به فراگیری چندین آلت موسیقی نیز شد.

«بریل» در سن ۱۱ سالگی در پی آشنایی با یک افسر ارتش به نام «نیکلاس ماری»^۱، اولین گام را در جهت ابداع روش خود برداشت. و در سن ۱۶ سالگی موفق به ابداع زبان شش نقطه ای خود شد اما بدون این که اوج موفقیت خود را لمس کند، در سن ۴۳ سالگی بر اثر بیماری سل، دیده از دنیا فرو بست.

پس از مرگ «بریل»، چهار مرد نابینا به رهبری دکتر «توماس آرمیتاز»^۲، بر اهمیت این اختراع وقوف یافتند و انجمنی ایجاد کردند که سرانجام به موسسه ملی سلطنتی نابینایان مبدل گردید.

در نهایت، خدمات «لویی بریل» در فرانسه مورد شناسایی رسمی قرار گرفت و در سال ۱۹۲۵، پیکر او را به پاریس انتقال دادند و در «پانتئون»، گورستان قهرمانان ملی فرانسه به خاک سپردند.

گامهای اساسی در کار فرد نابینا با معلم مرجع

معمولاً جلسه ای با حضور معلم مرجع بینا و دانش آموز نابینا تشکیل می گردد تا از امکان کار و یادگیری ایشان با یکدیگر اطمینان حاصل گردد. پس از حصول چنین اطمینانی، معلم مرجع برنامه درسی گام به گامی را تهیه می بیند تا از روند یادگیری و موفقیت در خواندن و

نوشتن خط بریل، مواد درسی و جهت یابی، لحظه به لحظه آگاه باشد. همچنین معلم مرجع با ارائه‌ی این نحوه‌ی تدریس، مطمئن می‌شود که دانش آموز مهارت درسی جدید را به خوبی درک کرده است.

اگر آموزنده کاملاً نابینا است، تستهای ارزیابی می‌تواند شامل درخواست از وی برای نوشتن یک داستان کوتاه به خط بریل و بعد خواندن آن برای معلم باشد. هنگامی که این توانمندی توسط دانش آموز نابینا کسب گردید، نوبت به یادگیری خط بریل درجه ۲ که به آن بریل کوتاه نویسی هم می‌گویند، می‌رسد. خط بریل درجه دوم یعنی علائم خاص نمایانگر حرف یا حروف مشخصی هستند.

معلم مرجع بینا نقشی اساسی در توانمند سازی فرد نابینا در روند دسترسی به زندگی مستقل بازی می‌کند. اگر چنین امکانی برای فرد نابینای مادرزاد و حتی شخصی که در سنین بالاتر بینایی خود را از دست داده است، فراهم گردد، وی قادر به نوشتن، خواندن و انجام تکالیف به آسانی و بطور مستقل خواهد بود.

اگر فرد نابینا این مهارت را فرا نگرفته باشد و توانایی در دیدن نداشته باشد، وی امکان زندگی مستقلانه را نخواهد داشت، چرا که فرد باید قادر به خواندن و نوشتن باشد تا بتواند به فرصتهای آموزشی و شغلی با اعتماد به نفسی افزون و با کمترین یا هیچ نظارتی دست یابد. پنج مداخله‌ی آموزشی را برای دانش آموزان نیمه بینا و نابینا که منجر به یادگیری مهارت های شناختی و فراشناختی و افزایش عملکرد تحصیلی آنها می‌شود، می‌توان شناسایی کرد. این مداخله‌ها شامل موارد زیر است:

۱- تلاش برای افزایش خودپنداره‌ی مثبت و انگیزه در این گروه:

برای افزایش خودپنداره و انگیزش دانش آموزان نابینا، معلم باید در فعالیت های دانش آموزان مشارکت داشته باشد و در طول دوره با آنها ارتباط برقرار کند و در زمان مناسب، بازخورد مساعد به آنها بدهد.

۲- آموزش راهبردهای یادگیری:

با توجه به این که دانش آموزان نابینا در مهارتهای شناختی و فراشناختی از قبیل بسط و سازماندهی و نظارت مشکل دارند، آموزش این راهبردها هم عملکرد دانش آموزان نابینا را در استفاده از این راهبردها افزایش می‌دهد و هم منجر به عملکرد تحصیلی بهتر در این گروه می‌شود.

لازم به توضیح است «شناخت» به فرایندها یا جریانهایی که به کمک آنها، یادگیری، یادآوری و تفکر صورت می‌پذیرد، تعریف شده است. به طور دقیق‌تر، «شناخت» به فرایندهای درونی و ذهنی و راه‌هایی که ما به وسیله‌ی آنها اطلاعات را مورد توجه قرار می‌دهیم، آنها را درک می‌کنیم، به رمز در می‌آوریم و آنها را در حافظه ذخیره می‌کنیم و هر وقت نیاز داشته باشیم، آنها را از حافظه فرامی‌خوانیم و مورد استفاده قرار می‌دهیم، گفته می‌شود.

به طور ساده، «فراشناخت» به تفکر درباره‌ی شناخت و یا دانستن درباره‌ی دانستن گفته می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، «فراشناخت» عبارت است از دانش فرد درباره‌ی چگونگی یادگیری خودش (صیف، ۱۳۸۷).

۳- استفاده از نظریه‌ی طرحواره‌ها برای یادگیری مطالب:

دانسته‌های کمی درباره‌ی اثر بخشی استفاده از شیوه‌های خودآموزشی در ارتباط با دانش آموزان نابینا وجود دارد، اما همین تحقیقات کم‌حاکمی از تأثیر مثبت روش‌های شناختی وجود آموزش بر روی بالا بردن توانایی نوشتن درک مطلب و عملکرد بهتر تحصیلی است.

۴- ترکیب تکنیک‌های رفتاری با روش‌های خودآموزشی:

چهارمین مداخله‌ی آموزشی که بر روی عملکرد تحصیلی افراد نابینا اثر دارد، روش‌های خودنظم‌بخشی است.

یادگیرندگانی که دارای یادگیری مؤثر هستند، شناخت خود را نظم می‌دهند و هم‌این‌که برنامه‌ریزی دارند و بر فعالیت خود نظارت می‌کنند و خود ارزیاب هستند.

دانش آموزان نابینا در فرایند یادگیری خود منفعل هستند و لذا با آموزش راهبردهای خودنظم‌بخشی در فرایند یادگیری فعال می‌شوند و هم‌این‌که به عملکرد تحصیلی بهتری می‌رسند.

۵- فراهم کردن فرصت‌هایی برای اکتساب و نگهداری و تعمیم مهارت یادگیری:

علاوه بر آموزش مهارت‌های یادگیری باید شرایطی فراهم شود تا این راهبردها افزایش یافته و تعمیم یابد و نگهداری شود. تنها یادگیری صرف مهارت، فرد را در زمینه‌های مختلف زندگی به پیش نمی‌برد بلکه آگاهی از راه‌های موجود جهت حفظ آنها است که وی را به فردی موفق تبدیل می‌کند.

وانروس و آنتونی در پژوهشی تحت عنوان «شناخت و فراشناخت در افراد نابینا»، دریافته‌اند که استفاده از استراتژی‌های فراشناختی باعث افزایش عملکرد فرد در زمینه‌های مختلف خودانگیزی،

خود مفهومی، خود کفایتی و اکتساب فرآیندهای شناختی می شود (شریفی در آمدی، ۱۳۷۶).
متلر^۱ در پژوهشی تحت عنوان «فرایند شناختی و یادگیری اکتشافی در افراد نابینا» دریافت
که خودآموزی یا خود نظم دهی باعث گسترش فرایندهای ادراکی، تسهیل انتقال مهارت‌های
شناختی، تسهیل فرایندهای حل مسأله و ازدیاد توجه و دقت می شود (شریفی در آمدی،
۱۳۷۶).

محققان معتقدند که ریاضیات و علوم تجربی به دلیل این که به صورت دیداری ارائه
می شوند موضوع مشکلی برای دانش آموزان نابینا می باشند و همچنین محیط خارج از کلاس
درس و محیط طبیعی که عناصر طبیعت در آن وجود دارد، برای تدریس علوم تجربی برای
دانش آموزان نابینا خیلی مؤثر است. چون معلمان و دانش آموزان ادراک بهتری نسبت به
این محیط‌ها نشان می دهند، لذا محیط خارج از کلاس درس منجر به کسب بهتر دانش
می شود، دلیل این امر، مشارکت چندین حس در یادگیری در محیط‌های طبیعی است. این
دانش آموزان در محیط طبیعی از سایر حواس خود مثل شنوایی، لامسه، بویایی و چشایی
استفاده می کنند که خود موجبات اکتساب بیشتر مواد آموزشی را فراهم می کند.

فصل ۴

اعتماد به نفس فرد نابینا

مقدمه

نخستین و مهمترین گام در شیوه‌ی زندگی مستقل برای فرد نابینا، عزت نفس، مثبت و مولد بودن در زندگی شخصی و پیشرفتهای اقتصادی می‌باشد. کسانی که در حصول اطمینان خاطر از کسب مهارت و یادگیری هر مهارت توسط فرد نابینا سهیم هستند، از دستیار آموزشی گرفته تا معلم مرجع نقش حیاتی در مسیر طولانی کسب عزت نفس و مهارت زندگی مستقل بازی می‌کنند.

مهارتهای دیگری نیز وجود دارند که فرد نابینا باید در دستیابی به یک زندگی مستقل فراگیرد و همسالان و اعضای خانواده، می‌توانند در این خصوص سهیم باشند. مهارتهایی چون فعالیتهای ورزشی نظیر کشتی، جودو، دو میدانی... و فعالیتهای هنری چون موسیقی، گویندگی، نویسندگی و نظایر آن.

کسب چنین مهارتهایی به این افراد کمک فراوان می‌کند، چرا که از یک طرف این مهارت‌ها از نظر روحی، این افراد را به سطح بالایی از شادابی و نشاط می‌رساند و از طرف دیگر می‌توانند از این مهارت‌ها در مسیر استقلال مالی و کسب جایگاه اجتماعی، و در نتیجه افزایش اعتماد به نفس، سود جویند.

نقش ورزش در افزایش اعتماد به نفس

آموزش مهارت‌های تحرک و جهت‌یابی به افراد نابینا از اساسی‌ترین برنامه‌های توان بخشی محسوب می‌شود. یکی از مهمترین فعالیت‌هایی که می‌توان دستیابی به اهداف برنامه آموزش تحرک و

جهت یابی را تسهیل نماید، ترغیب افراد نابینا به انجام فعالیت‌های ورزشی است، که این امر نه تنها در پرورش قابلیت‌های جسمانی و تقویت حواس مؤثر است، تمرین‌های منظم می‌تواند تاثیر مثبت در خلق و خو و کاهش میزان افسردگی و اضطراب داشته باشند.

ورت پرانک^۱ و همکارانش (۱۹۹۷، به نقل از افروز، ۱۳۸۰) در یک پژوهش روانی-جسمانی که در زنان مطالعه کردند، به این نتیجه رسیدند که تمرین شدید با کاهش استرس، تنش و افزایش اعتماد به نفس همراه است.

کلپ^۲ و همکارانش (۱۹۹۹، به نقل از احمد پناه، ۱۳۸۲) اظهار می‌کند که تمرینات بدنی از دو راه مستقیم در اصلاح خلق و خو تاثیر دارد:

یکی رها شدن آندروفین و دوم کاهش سطح کورتیزول (هورمونی که با فشار عصبی در خون ترشح می‌شود) که می‌تواند بر شادابی و افزایش عزت نفس افراد مؤثر باشد. از طرفی دایزنو^۳ (۱۹۹۹، به نقل از احمد پناه، ۱۳۸۲) و برخی از پژوهشگران دیگر به این نتیجه رسیدند که تمرین‌های مناسب بدنی در افزایش سطح سرو تونین، هورمون مؤثر در اصلاح خلق و خو، تاثیر بسزایی دارد. بسیاری از این پژوهشگران با درک این واقعیت، تلاش نموده‌اند تا تاثیر فعالیت‌های ورزشی را بر خلق و خو بررسی نمایند.

به عنوان نمونه، اولنکامپ^۴ (۲۰۰۲، به نقل از افروز، ۱۳۸۰)، طی بررسی‌های علمی به این نتیجه رسیده است که انجام تمرین‌های بدنی طبق قواعد مشخص می‌تواند در درمان بیماری‌هایی مانند افسردگی و اضطراب افراد نابینا مؤثر باشد.

برخی پژوهشگران کشورمان نیز بررسی‌هایی را در خصوص تاثیر ورزش در قابلیت‌های شخصیتی و اجتماعی افراد نابینا انجام داده‌اند.

جعفری (۱۳۷۹) در پژوهشی به بررسی نقش ورزش در رشد اجتماعی دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا پرداخته و به این نتیجه رسید که میزان تعامل و همکاری و رشد مهارت‌های اجتماعی در ورزشکاران نابینا بیشتر از غیر ورزشکاران است.

عزیزی (۱۳۷۹) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که آموزش مهارت‌های تحرک و جهت‌یابی به افراد نابینا در افزایش میزان خودکفایی، عزت نفس و استقلال آنان مؤثر است. نتایج پژوهش مکماهان^۵ (۱۹۹۶ به نقل از افروز، ۱۳۸۰) که در مورد فواید روانی تمرین صورت

1. Wert Perank & et al
2. Kelp
3. Daienzo
4. Olencump
5. Mackmahan

گرفته، حاکی از آن است که تمرین های شدید بدنی، تغییرهایی نظیر کاهش اضطراب، تنش، افسردگی و افزایش عزت نفس را در افراد به وجود می آورد و به احتمال زیاد تمرین های هوازی شدید موجب بهبود و پیشرفت زیادی در عزت نفس و کاهش افسردگی می شود.

با مرور نتایج تحقیقات فوق الذکر، بر اهمیت پرداختن به ورزش و تأثیرهایی که بر توانایی تحرک و جهت یابی، عزت نفس و کاهش اضطراب و افسردگی که خود از عوامل انزوا و گوشه نشینی افراد نابینا است، پی برده و بر لزوم پرداختن به رشته های مختلف ورزشی تأکید می گردد.

با توجه به اینکه فدراسیون در زمینه ی ورزش افراد نابینا و کم بینا فعالیت می کند، به تاریخچه ی آن و رشته هایی که این افراد به آن مشغولند، می پردازیم...

فدراسیون ورزش افراد نابینا و کم بینا

ورزش افراد نابینا و کم بینا در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی رسماً فعالیت خود را آغاز کرد و در این زمان با تشکیل سمیناری در تهران، اهمیت آغاز به کار رشته های مختلف ورزشی افراد نابینا و کم بینا، احساس و در راستای راه اندازی و ترویج و توسعه ی آن، پیگیری های لازم آغاز شد.

با تأسیس فدراسیون ورزشهای جانبازان و معلولین در کشور، ورزش افراد نابینا و کم بینا نیز تحت پوشش این فدراسیون قرار گرفت.

به خاطر شرایط خاص افراد نابینا و کم بینا و قابلیت های ورزشی این عزیزان که در رشته های مختلف از خود بروز دادند، لازم بود امکانات ویژه ای برای این قشر از جامعه مهیا گردد.

از اولین اقداماتی که در جهت ارتقاء سطح فعالیت ورزشی افراد نابینا و کم بینا انجام گرفت، می توان به پیشنهاد کمیته ی ورزش کشور به هیئت رئیسه فدراسیون ورزشهای جانبازان

و معلولین و ریاست وقت سازمان، مبنی بر ضرورت دارا بودن استقلال عمل بیشتر این کمیته اشاره نمود، زیرا آمار جذب افراد نابینا و کم بینای ورزشکار کشور رو به افزایش می گذاشت

و پیش بینی های لازم برای گسترش سطح فعالیت و اختیار عمل بیشتر این کمیته ورزشی لازم به نظر می رسید و لذا موضوع در شورای عالی تربیت بدنی سازمان مطرح و موافقت شد

که در اولین مرحله، کمیته ی ورزش های افراد نابینا و کم بینای فدراسیون به سطح نایب رئیسی فدراسیون در امور افراد نابینا ارتقاء یابد و کماکان در تشکیلات ورزشی جانبازان و معلولین

کشور به فعالیت خود ادامه دهد.

از آن پس، ورزش افراد نابینا و کم بینا در ابتدای بزرگراه آزمونهای پیش رو و اثبات لیاقت خود در حفظ جایگاه بدست آمده و دسترسی به امکانات بیشتر قرار گرفت که با پیگیری‌های لازم، موضوع تشکیل هیئتهای ورزشی افراد نابینا نیز مطرح شد، که مورد تصویب سازمان تربیت‌بدنی قرار گرفت و به ادارات کل تربیت بدنی استانها ابلاغ و به مورد اجرا گذارده شد.

در این زمان، ورزش افراد نابینا و کم بینا جایگاه بایسته‌ی خود را در مراکز استانها به دست آورد و هدایت این تشکیلات نوپا در دستور کار بخش امور ورزشی افراد نابینا و کم بینای کشور قرار گرفت.

با تثبیت هرچه بهتر موقعیت ورزش افراد نابینا و کم بینا، موضوع آموزش رشته‌های مختلف ورزشی به منظور ارتقاء سطح آگاهی مربیان در اولویت قرار گرفت و در پی آن برنامه‌های مندرج در تقویم ورزشی سالیانه مربوطه افزایش یافت و در دهه‌ی اخیر با برگزاری مستمر مسابقات در رشته‌های گلبال، دوومیدانی، وزنه برداری، شنا، کشتی، جودو، شודان و شطرنج، قابلیت‌های ورزشی این عزیزان با رشد قابل توجهی مواجه و در سطح داخلی و همچنین برون مرزی نمایان گردید و ورزشکاران توانمند (جانباز و معلول) نابینا و کم بینای کشور موفق شدند در برخی از رشته‌ها مانند وزنه برداری، قدرت و توانایی خود را به رخ جهانیان کشیده و با حضور شایسته در مسابقات قهرمانی جهان طی سنوات اخیر فاتح بلامنازع سکوی نخست قهرمانی در این رشته گردند.

گسترده‌گی سطح فعالیتهای ورزشی این عزیزان و افتخارات غرورآفرین ایشان در میدانی پرشور ورزشی داخلی و خارجی موجبات جلب نظر و تحسین مسئولین سازمان جهانی ورزشهای افراد نابینا و کم بینا موسوم به IBSA را فراهم نمود و لذا در سال ۱۳۷۸ و به دنبال بذل هماهنگی و پیگیری‌های لازم ریاست فدراسیون ورزشهای جانبازان و معلولین و بخش امور ورزشی افراد نابینا و کم بینا در جلب حمایت ریاست IBSA و همچنین موافقت معاونت محترم رئیس جمهور و رئیس سازمان تربیت‌بدنی، منجر به تأسیس «فدراسیون ورزشهای افراد نابینا و کم بینای جمهوری اسلامی ایران» گردید.

فعالیت رسمی این فدراسیون از مهر ماه سال ۱۳۷۸ آغاز شد. با تشکیل فدراسیون مستقل ورزشهای افراد نابینا و کم بینا، عضویت رسمی این فدراسیون در سازمان جهانی IBSA پذیرفته شد و با توجه به سوابق اجرایی قابل توجه امور ورزشی افراد نابینا و موفقیت‌های حاصله در این خصوص، طی رایزنی‌های به عمل آمده توسط سفارت محترم جمهوری اسلامی ایران

در اسپانیا و با حمایت مجدد رئیس سازمان IBSA که مرکز آن در شهر مادرید کشور اسپانیا می‌باشد، مسؤلیت «ریاست منطقه آسیایی IBSA» تا پایان سال ۲۰۰۲ نیز به عهده‌ی رئیس فدراسیون کشور واگذار شد (به نقل از پایگاه اینترنتی www.harferooz.com، ۱۳۸۸).

جایگاه هنر

در خصوص هنرها به ویژه موسیقی نیز باید گفت که از موسیقی می‌توان برای پرورش مهارت‌ها و تواناییهای اجتماعی، ذهنی و جسمی همه‌ی افراد سود جست. موسیقی می‌تواند به عنوان یک عامل کارآفرین و مولد، ایجاد کننده‌ی مشاغل و حرفه‌های مختلفی باشد که هر یک از این مشاغل به خصوص برای افراد نابینا، مشاغلی قابل دسترس و مناسب محسوب می‌شوند، زیرا اصلی‌ترین شرط دسترسی به این مشاغل، توانایی ادراک حس شنوایی است که در میان افراد نابینا به خصوص آن دسته که از بدو تولد نابینا بوده‌اند، حتی بهتر از افراد بینا وجود دارد. برخی از این مشاغل عبارتند از:

تدریس موسیقی اعم از تدریس مبانی نظری موسیقی (تئوری و هارمونی) و تدریس مبانی عملی (ساز، آواز و غیره)، آهنگ سازی پاپ و کلاسیک، پژوهش در موسیقی، نوازندگی اعم از سازهای سنتی ایرانی و سازهای کلاسیک (شامل گروههای مختلف سازهای زهی، بادی، چوبی، بادی برنجی، انفرادی و دسته جمعی)، کوک و تعمیر ساز و رهبری ارکستر و کر (حسنلو و محمودی، ۱۳۸۸).

با توجه به اینکه عامل بازدهی شغلی یک عامل اساسی در اشتغال و نیز حفظ و تعیین جایگاه اجتماعی افراد نابینا در محیط کار است و از سوی دیگر به عنوان یک عامل مؤثر در جهت افزایش عزت نفس، رضایتمندی و اعتماد به نفس افراد نابینا محسوب می‌شود، در کتاب حاضر به نقش موسیقی در افزایش آن اشاره گردید.

در خصوص سایر توانمندی‌ها نیز باید گفت که افراد نابینا و کم بینا با نوشتن کتاب، شعرو مقاله هم در زمینه‌ی اشتغال و نیز تولید اثری که موجبات اعتماد به نفس ایشان را فراهم می‌کند، به مؤلفه‌های زندگی مستقل، دست می‌یابند. لازم به ذکر است این افراد در زمینه‌ی گویندگی، آن هم به شکل حرفه‌ای، حرکات قابل تقدیری را آغاز کرده‌اند که آن مسائل هم در راستای پویایی زندگی ایشان می‌باشد.

فصل ۵

آموزش افراد با آسیب بینایی و نقش آن در استقلال ایشان

مقدمه

یکی از حوزه های اصلی اجتماعی که راه حل های مفید را توسعه می بخشد، آموزش است. به طور کلی آموزش را می توان فرآیندی در نظر گرفت که بر اساس آن افراد برخوردار، تجهیز به مهارت و شناخت مناسب از اهداف و فعالیتهای مربوطه می گردند.

جریان آموزش شامل محتوا، جهت و تأکیده های خاص بوده و طی این جریان، معلومات در ذهن فرد جایگزین شده و به آگاهی های قبلی وی افزوده شده و تغییرات محسوسی در رفتار و نحوه ی نگرش کاری ایشان ایجاد می گردد. ایجاد یا توسعه ی مهارت یا رشته ای از مهارتهای ویژه، تعلیم یا راهنمایی در یک فن یا حرفه نیز به معنای آموزش می باشد که در ارتباط با مبحث ما، دستیابی به مهارتهای خاصی که فرد نابینا و کم بینا را در ابعاد گوناگون زندگی خویش رهنمون باشد، مد نظر است که سعی داریم در این فصل به آنها پردازیم.

البته دستیابی به این آموزش ها نیازمند همراهی فردی آگاه به امور توانبخشی است تا به معلم کمک کند تا نه تنها به افرادی که از بدو تولد یا بر اثر سانحه دچار معلولیت شده اند، خدمات ارائه کند، بلکه به افرادی که در زمینه ی آسیب بینایی نیز تخصص دارند، همکاری داشته و یاریگر باشند.

مربی توانبخشی

فرد نابینا در ابتدای امر نیازمند شخص یا اشخاص حامی برای مقابله با دشواریهایی که در فرآیند آموزش در پیش روی اوست، می باشد.

صلاحیتهای کاری این افراد متفاوت است ولی در بیشتر موارد حداقل در سطح دبیرستانی و با سابقه ی کار، داوطلبانه به این کار اشتغال دارند. هدف ایشان کمک به افراد با آسیب بینایی جهت مراقبت از خود در خانه است.

آموزشیار توانبخشی در اغلب موارد به دانش آموز با آسیب بینایی پیشنهاد می گردد، اینان موقعیت را مورد بررسی قرار داده و نیازهای فرد نابینا را در آتی، چه دارای خانواده باشند یا نه، تحلیل می کند. هنگامی امر آموزش فرد نابینا به آموزشیار ارجاع می گردد که امر مشاوره انجام یافته است. او مهارتهای چندی را به وی آموزش خواهد داد که یکی از آنها مدیریت منابع مالی فرد می باشد.

به عنوان مثال، وی نحوه ی استفاده از بانک را به فرد نابینا آموزش می دهد، چرا که بسیاری از افراد نابینا به دلیل عدم حضور در بانک و انجام عملیات بانکی، در این زمینه مهارتی ندارند و برگزاری کلاس ها و کارگاه های آموزشی می تواند به ایشان کمک کند. در مواجهه با مشکلات فرد با آسیب بینایی، آگاه سازی فرد نابینا از این امر که وی می تواند با استفاده از امکانات تکنولوژیک، مشکلات خود را به کمترین حد ممکن برساند، نتیجه بخش خواهد بود. به عنوان مثال، وی می تواند به منظور حل مشکل ریختن چای از قوری یا سماور به لیوان از گیره ای که بر لبه ی لیوان قرار گرفته و هنگام پر شدن آن با علامت صوتی فرد را آگاه می سازد، استفاده کند.

تشخیص رنگ لباس ها نیز جهت شستشو مسأله ی مهمی است، برای توفیق بر این امر نیز آموزشیار می تواند برچسبهای بریل که روی آن رنگها و یا تنها لباس تیره و روشن نوشته شده را در اختیار شخص نابینا قرار دهد.

در خصوص تشخیص رنگ لباس ها و در نتیجه عدم نیاز به کمک گرفتن از دیگری نیز فرد نابینا می تواند با رعایت نظم منطقی در نحوه ی قرار دادن آنها در کمد لباس ها به این امر دست یابد.

اینجاست که به اهمیت عدم جابجایی وسایل شخصی ایشان پی می بریم، چرا که نظم موجود به آنها یاری می رساند و ما به عنوان والدین یا خواهر و برادر نه تنها با جابجایی وسایل، به فرد با آسیب بینایی کمکی نکرده ایم، بلکه کار او را با مشکل مواجه کرده ایم.

از این دست مثالها بسیار می توان ارائه داد که اصل اساسی همه ی آنها، کمک به فرد با آسیب بینایی در دسترسی به زندگی آزادانه تر و با کمترین محدودیت و مشکل است. بسته به کمکی که آموزشیار ارائه می دهد، وی باید صبور، مطلع و توانمند به شناخت مشکلات،

توانمندی‌ها و نیازهای ویژه‌ی هر فرد با آسیب بینایی باشد. آموزشیاران نقش تمام‌عیاری را در کمک به افرادی که بینایی خود را در سنین بالا از دست داده یا می‌دهند در دستیابی به زندگی مستقل بازی می‌کنند.

اگر این معلم یا آموزشیار در تعامل با چنین مراجع، صبری در خور، بروز دهد و با او با علاقه کار کند، فواید فراوانی را عاید فردی که از عهده انجام امور شخصیش بر نمی‌آید، رسانده است.

به عنوان تجربه شخصی نگارنده، بی‌رغبتی به یادگیری تحرک و جهت‌یابی از آنجا ناشی گردید که مربی به دلیل بی‌علاقگی و کهولت سن، شوقی را در تربیش بر نمی‌انگیخت. حضور آموزشیار اساسی است، چرا که وی کمک‌یادگیرنده بوده، مهارت‌های مورد نیاز غلبه بر مشکلات زندگی مستقل را برای وی فراهم می‌نماید.

خودیاری

منظور از خودیاری، خودکفایی در زمینه انجام فعالیت‌های فردی مثل لباس پوشیدن، غذا خوردن، آداب دستشویی رفتن، راه رفتن، دویدن و غیره است. آموزش لباس پوشیدن باید با صبر و حوصله زیادی انجام پذیرد، چون کودک نابینا ذهنیتی از پوشیده شدن لباس ندارد. برای نمونه تعریفی از پوشیدن شلوار را آورده ایم:

شلوار:

توضیحی که به کودک درباره شلوار می‌دهید باید ساده و ملموس باشد، چیزی مثل این: شلوار ۳ سوراخ دارد، ۱ سوراخ بزرگ که کمر شلوار است و ۲ سوراخ کوچکتر که پاهایش داخل آن می‌رود. بهتر است در بدو امر آموزش شلوار از شلوارهای کشی و راحت استفاده کنید.

آداب غذا خوردن:

در بدو امر کودک را با ظروف و لوازمی که در صرف غذا استفاده می‌شود، آشنا کنید. کودک باید از محتویات غذای مورد نظر و مواد تشکیل‌دهنده‌ی آن با خبر باشد.

او تا کودک است فرصت تجربه کردن دارد. به او تکه‌ای از مرغ را بدهید تا استخوانهای او را لمس کند و بعد طرز صحیح بدست گرفتن قاشق و چنگال را به او آموزش دهید.

دقت کنید نکته بسیار مهم و اساسی در آموزش به افراد نابینا این است که حتما هنگام عملکرد پشت کودک قرار بگیرید. اگر کنار یا روبرو قرار داشته باشید، کودک تجسم صحیحی نسبت به کار پیدا نخواهد کرد.

نکته ای که همیشه باید در نظر گرفته شود این است که هر ظرف را در جای مشخصی از میز غذا یا سفره قرار دهید تا او مجبور نباشد همه ی سفره را دست بکشد تا مثلا قاشق خود را پیدا کند. به طور مثال، لیوان آب سمت چپ، ظرف ماست یا سالاد سمت راست، قاشق و چنگال پایین بشقاب و دستمال بالای بشقاب قرار بگیرد و همیشه در هر مکان دیگری این نظم را رعایت کنید.

طریقه ی ریختن آب در لیوان:

یک بطری کوچک و لیوانی که انگشتان کودک بتواند دور آن حلقه بزند به او بدهید و از او بخواهید ضمن آب ریختن در لیوان به این نکات توجه کند:

- ۱- از اضافه شدن وزن لیوان متوجه پر شدن آن شود.
- ۲- کاهش صدای آب در لیوان هنگام پر شدن.
- ۳- با قرار دادن انگشت اشاره در لبه لیوان از پر شدن آن مطلع شود.

راه رفتن به طور مستقل:

هنگامی که کودک را برای اولین بار تنها می گذارید حتماً پشت سر او بدون آنکه متوجه شود حرکت کنید. هر کاری هم بکنید او متوجه می شود.

فرصت دهید تا در جاهای ناصاف و ناهموار حرکت کند. بگذارید حتی زمین بخورد و هنگام زمین خوردن یاد بگیرد چگونه زانوانش را به زمین تکیه دهد تا صدمه ی کمتری بخورد.

هنگام راه رفتن با هم، نیم قدم جلوتر حرکت کنید. هیچگاه دستش را نگیرید بلکه بگذارید بازوی شما را بگیرد با این روش هم شما راحتتر می توانید حرکت کنید و هم او اعتماد به نفس بیشتری هنگام راه رفتن پیدا می کند. اجازه دهید در چمن بدود (دور از چشم باغبان ها) و در استخر توپ یا آب بازی کند

(به نقل از پایگاه اینترنتی <http://www.roshandel.persianblog.ir>، ۱۳۸۷).

تحرک و جهت یابی

اگر فرد آرزوی از عهده بر آمدن فعالیتهای زندگی روزمره را در سر می پرورد، می بایست توانایی انجام مأموریتهای هر چند کوتاه و مسافرت رفتن با دریافت کمترین کمک از دیگران را داشته باشد. برخی از مراکز آموزشی ویژه ی افراد نابینا، اشخاصی را به منظور آموزش سفر و حرکت در محیطهای مختلف استخدام می کنند. این افراد، مربیان تحرک و جهت یابی نامیده می شوند، چرا که ایشان افراد با آسیب بینایی را در حرکت و یافتن مسیر مد نظرشان با استفاده از قوانین خاص این علم، یاری می کنند.

راهبرد کلیدی که به فرد با آسیب بینایی اجازه و آزادی حرکت و سفر مستقل را می دهد، عصای سفید^۱ است.

مربی تحرک و جهت یابی کسی است که دانش آموزشش را به این راهبرد کلیدی مجهز می کند. تکنیکهای آموزش این مهارت، افراد نابینا را در رفت و آمد و مسافرت بدون یا با کمترین نظارت ممکن، قادر می کند. در کنار در اختیار گذاشتن عصای سفید، مربی باید شیوه های استفاده ی درست از آن را نیز آموزش دهد.



ذکر این نکته خالی از لطف نخواهد بود که اگر آموزگاری بتواند حس مثبتی در دانش آموز نابینای خویش در استفاده از عصای سفید ایجاد کند، به حق کار ارزنده ای انجام داده است، چرا که متأسفانه در کشور ما، افراد نابینا به ویژه آنانی که از باقی مانده ی بینایی خود استفاده می کنند و صد البته آقایان نابینا، در بکارگیری این وسیله ی مفید برای خود و دیگران امتناع می ورزند. مفید به حال خود از این بابت که از خطرهای محتمل مصون خواهند بود و مفید به حال دیگران از آن جهت که فرد مخاطب با دیدن آن در همراهی و یا نحوه ی حرکت در کنار فرد نابینا، آگاهانه عمل خواهد کرد.

عصای سفید

در سال ۱۹۵۰، سازمان آموزشی، علمی، فرهنگی ملل متحد «یونسکو» و شورای جهانی نابینایان در جلسه‌ای مشترک، قانون «عصای سفید» را بررسی و تصویب کردند و روز ۱۵ اکتبر برابر با ۲۳ مهر ماه را «روز جهانی عصای سفید» یا «روز جهانی ایمنی افراد نابینا» اعلام نمودند. قانون عصای سفید، تصویری جدید از افراد نابینا را در جامعه ترسیم می‌کند و از افراد نابینا می‌خواهد که به منظور حمایت از منافع خود، از تمام مفاد این قانون مطلع باشند. در میان وسایل کمک حرکتی افراد با آسیب بینایی، می‌توان عصای سفید را به عنوان پرچم استقلال آنان، قلمداد کرد.

البته این ابزار حرکتی سودمند، در صورتی از کارایی برخوردار خواهد بود که نارسایی‌های فیزیکی محیط زندگی افراد نابینا، تقلیل یابد یا به طور کلی حذف شود. بنابراین علاوه بر توجه به مسائل عاطفی و احساسی، لازم است زمینه‌ای را برای تردد آسان آنان فراهم سازیم و کمک شایانی به استقلال حرکتی ایشان کنیم.

نخستین گام در استفاده فرد نابینا از عصای سفید آن است که مربی به وی در دست گرفتن درست عصا را به نحوی که دارای زاویه ی قطری باشد، آموزش دهد.

علاوه بر این، مربی باید نحوه ی همراهی فرد نابینا توسط راهنمای بینا را نیز به وی آموزش دهد تا هنگام درخواست نیاز، این امر توسط فرد نابینا به راهنمای بینا آموزش داده شود. شیوه ی صحیح آن است که شخص نابینا یک قدم عقبتر از راهنمای خود قدم بردارد، همچنین بازوی راهنما را لمس کند تا از نحوه ی بالا و پایین رفتن بازوی وی به وضعیت مسیر آگاهی یابد. بهتر آن است که راهنما فرد نابینا را از موانع، پله ها و جوی آب مطلع سازد. لازم به تذکر است که حرکت شخص نابینا به معنای عدم استفاده از عصای سفید نیست، چرا که وی می‌تواند از عصای خود در گذشتن از جوی آب، تخمین عرض جوی و اطلاع از جهت بالا یا پایین رفتن از پله ها استفاده نماید.

یکی دیگر از وظایف مربی تحرک و جهت‌یابی حضور وی در اردوگاه ها و خوابگاه ها در اولین روزهای ورود فرد نابینا به منظور آموزش و آشنایی وی از موقعیت آنجا است. شرکت در برنامه های اردوگاه به دلایل چندی مفید خواهد بود:

نخست آنکه به فرد در رشد مهارت‌های اجتماعی کمک می‌کند و فرد با حضور در جمع از اطلاعات و امکانات افراد بینای همسال یا بزرگتر سود می‌جوید. مراکز وابسته به آموزش افراد نابینا، امکان حضور کودک و نوجوان نابینا در فعالیتهای همسن محور همچون شرکت

در بازدیدهایی از مراکز تفریحی، فراهم می‌نماید. دوم اینکه شرکت در اردوها این امکان را به وی می‌دهد تا به دور از نظارت والدین، استقلال را تجربه کند. البته که مشاوران برای آموزش و نظارت در دسترسند، ایشان می‌توانند در محیطی پایدار و امن، مهارت‌های زندگی مستقل را فرا بگیرند، هرچند کودکان نابینا نیاز به تعامل و رشد مهارت‌های زندگی با سایر افراد معلول و هم‌تایان بینا دارند.

برای آموزش‌شکاران مهم است که حمایت و یادگیری افراد دیرنابینا را نیز در برنامه کاری خود داشته باشند، برنامه‌هایی که گسترش دهنده‌ی این مهارتها هستند، در برگیرنده‌ی دامنه‌ای از فعالیتها می‌باشند که رشد و پیشرفت هر کودک و نوجوان نابینا یا کم بینا را مد نظر قرار می‌دهند.

برخی برنامه‌ها که به برنامه‌ها و اردوهای تابستانی نیز مشهورند، توسط مراکز مرتبط به افراد نابینا به منظور فراهم نمودن همین امکان یعنی افزایش توانایی زندگی مستقل برای کودکان سنین ۵ تا ۱۸ سال پایه ریزی شده‌اند.

فعالیت‌های آموزشی که برای کودکان زیر ۱۱ سال تهیه می‌گردند شامل توانمند کردن این کودکان در مواردی مانند بستن بند کفش خواهد بود، چرا که این کار در سنین پایین برای ایشان دشوار است.

از دیگر فعالیت‌ها می‌توان به شستن ظروف پس از صرف غذا اشاره نمود. این کودکان به علت محرومیت از حس بینایی و عدم مهارت لمسی، از توجه به چربیها و آلودگی ظروف غافل شده، در نتیجه این کار را با ناکارآمدی انجام می‌دهند، وظیفه‌ی مربی استفاده شده توسط کمپ این است که در زمان حضور این کودکان در اردوهای تابستانی، این مهارت را با ارائه‌ی تمرینهای فراوان به ایشان بیاموزند.

برگزاری کلاس آشپزی نیز یکی دیگر از برنامه‌های جذاب و در عین حال مورد نیاز به آموزش به افراد نابینا است. در چنین دوره‌هایی از اعضا خواسته می‌شود که برای اعضای حاضر در اردو آشپزی کنند.

علاوه بر این، ایشان را در فرآیند خرید درگیر می‌کنند. این امر به افراد نابینا کمک می‌کند تا در خرید وسایل لازم در زندگی، مهارت کسب کنند و از همه مهمتر اینکه ترس و اضطراب ناشی از انجام ندادن آن در ایشان از بین رود، چرا که اغلب ایشان در منزل با غذا و خرید آماده مواجه‌اند و امکان تجربه‌ی آن را ندارند.

پس از تهیه و خوردن غذا، از کودکان کوچکتر به تمیز کردن میز و شستن ظروف دعوت

بعمل می آید تا ضمن یادگیری این امور، حس تعامل اجتماعی نیز در ایشان تقویت گردد. در این دوره ی آموزش تابستانی بخشی از برنامه حتماً به مبحث تحرک و جهت یابی اختصاص می یابد تا در طی آن گشتن در محیط اردوگاه و انجام بازی هایی مانند یافتن شی صدادار تمرین گردد تا به واسطه ی آن حاضرین در اردوگاه، توانایی خود را افزایش دهند. سفرهای دور از خانه و نیز یادگیری یافتن تسهیلات مورد نظر در محیط اردوگاه از دیگر تکنیکهایی است که مربی تحرک و جهت یابی در افزایش این مهارت و نیز بالا بردن اعتماد به نفس فرد نابینا از آن سود می جوید.

این اردوگاه ها برای ارائه ی خدماتی به منظور حمایت از فرایند تدریس در محیطی خوشایند و فرحبخش به افراد نابینا تشکیل می گردند تا مهارتهای ضروری تحول شناختی، اجتماعی و زندگی مستقل و تبدیل شدن به بزرگسالانی موفق در زندگی آتی را به ایشان آموزش دهند.

مهارتهای ارتباطی

برنامه های زندگی مستقل نه تنها مهارتهای زندگی را آموزش می دهد، بلکه مهارتهای ارتباطی را نیز بهبود می بخشد. علاوه بر آنچه ذکر آن رفت، چنین برنامه هایی این افراد را در برقراری روابط صمیمانه و درست با همکاران و روابط معمولی که در دوران بزرگسالی برای هر کسی پیش می آید، مجهز می کند.

از آنجا که همکاری، یادگیری و بازی با همسالان نقش مهمی در یادگیری بازی می کند، سعی می شود تا با تمسک به این شیوه ها آنچه که یادگیری زندگی مستقل است را به ایشان آموخت.

گسترش فعالیت مداوم حامیان دفاع از حق کار و بهره مندی از امکان تحصیل بیشتر، امر تحکیم روابط انسانی را به جامعه ای یکپارچه وصل کرده است که نتیجه ی آن کسب زندگی اجتماعی، روانی و مالی مستقل است. بیشتر افراد با آسیب بینایی می توانند از این رهگذر به مشاغل مرتبط با امور رایانه ای و فرهنگی - اجتماعی با کمی تلاش در استفاده از رایانه های مجهز و وسایل دارای برچسب بریل دست یابند.

ازدواج ها، دوستی ها و سایر اشکال ارتباط، پایه ریزی می شوند و در این میان افراد نابینا می توانند یاد گیرند که مستقلانه زندگی کنند و به موفقیت در این جنبه از زندگی شان دست یابند.

جامعه و نقش آن در کسب زندگی مستقل

نگرش جامعه نسبت به افراد نابینا و همچنین برداشت آنها نسبت به خود که طبعاً متأثر از برخورد جامعه و فرهنگ حاکم است، نقش بسیار مهمی در چگونگی تشکیل انگیزه‌ها، توسعه و رشد استعداد‌های افراد نابینا دارد. بنابراین، جامعه، مدرسه و خانواده مسؤلیت خطیری را در زمینه‌ی ایجاد و تقویت انگیزه‌های بالنده در ایشان برعهده دارند. وجود الگوهای رفتاری سازنده در مقابل افراد نابینا، نقش بسزایی در آگاهی آنان و جهت دار شدن و تحقق یافتن انگیزه‌های ایشان دارد (به نقل از پایگاه اینترنتی www.aftab-daily.com، ۱۳۸۹).

به منظور تأثیر گذاری در تداوم پیشرفت در یادگیری اصول زندگی مستقل، افراد بینا باید بیاموزند که چگونه روابط را با همسالان و همکاران نابینایشان شکل و ادامه دهند و در این خصوص از پرسش درباره‌ی زندگی و مسائل یا مشکلات فرد نابینا کوتاهی نکنند، اما به این امر توجه کنند که این پرسشها را به بیراهه و حماقت نکشانند. فرد نابینا می‌تواند سایر حواس خود را جانشین حس بینایی کند و از این طریق بر قسمتی از محدودیت خود فائق آید.

مواردی که در زیر ذکر می‌گردند می‌توانند مؤثر باشند:

- با فرد نابینایی که تازه با وی آشنا شده‌اید ارتباط برقرار کرده و از برنامه‌ها، عقاید و توانمندیهایش جو یا شوید، همانگونه که هنگام آشنایی با دوستان بینایتان این کار را انجام می‌دهید. به عبارتی هیچ تفاوتی در این زمینه بین دوستان بینا و نابینایتان قائل نشوید، چه بسا که این فرق گذاشتن موجبات خاص نگرستن و رفتار کردن با ایشان را در شما فراهم کرده و شما نا خود آگاه در برخورد با افراد نابینا متفاوت عمل می‌کنید.

- در فعالیتها و رویدادهایی با علایق مشترک با هم شرکت کرده و از انجام اعمال مشابه لذت ببرید، در نتیجه، درک خواهید کرد که در این به اشتراک گذاری هر دوی شما چیزهای فراوانی از یکدیگر فرا گرفته‌اید.

- همکار و همراهی را به منظور راهنمایی فرد نابینا در مسافرت در صورتی که وی تقاضا کرده باشد، معرفی کنید.

- به وی این امکان را دهید که در تمامی موقعیتهای از عصای سفید خود استفاده کند، حتی اگر آن محیط را می‌شناسد، چرا که وی با این کار احساس امنیت بیشتری می‌کند. در اینگونه موارد به این فکر کنید که آیا خودتان به صرف آشنا بودن به مکانی چشمه‌ایتان را می‌بندید؟

عصا برای فرد نابینا حکم چشم را برای شما به عنوان فرد بینا دارد.
- امکان آشنایی دوست نابینایتان را برای خود فراهم نمایید و در صورتی که وی در این امر با مشکلاتی مواجه است، با دستور العملها و راهنماییهای شفاهی وی را در آشنایی بهتر رهنمون باشید.

آشنایی والدین با توانبخشی کودک نابینا

مقدمه

فرایند توانبخشی شامل تمام اقدامات هدفمند برای کاهش آثار معلولیت بر فرد، قادر ساختن وی برای دستیابی به استقلال، هم آمیزی اجتماعی، کیفیت زندگی بهتر و خودشکوفایی است. طرح «توانبخشی مبتنی بر جامعه» که به طور خلاصه به آن «CBR»^۱ می گویند، اهداف زیر را پیگیری می کند:

۱- قادر سازی افراد جامعه که تا حد امکان در محیط زندگی خودشان باقی بمانند و خدمات مورد نیاز را دریافت نمایند.

۲- ارائه ی خدمات مناسب از طریقی که مشکلات کمتری را برای زندگی معمولی فراهم نماید.

۳- تسکین استرس ها و فشارهای ناشی از اختلالات جسمی و روحی و زندگی در مراکز و مؤسسات.

۴- تدارک خدمات، هزینه مناسب تر برای افراد نیازمند.

اجزای برنامه ی توانبخشی مبتنی بر جامعه نیز عبارتند از:

۱- ایجاد نگرش مثبت نسبت به افراد معلول

۲- پیش بینی خدمات عملکردی توانبخشی

۳- پیش بینی فرصتهای آموزشی و تربیتی

۴- ایجاد فرصتهای کسب درآمد در سطح خرد و کلان

۵- پیش بینی تسهیلات مراقبتی

۶- پیشگیری از علل معلولیت

- ۷- مدیریت، نظارت و ارزشیابی
 - بخشهایی که در این برنامه درگیر هستند عبارتند از:
 - ۱- افراد معلول
 - ۲- خانواده های افراد معلول
 - ۳- جامعه
 - ۴- دولت ها (محلی، منطقه ای، ملی)
 - ۵- سازمانهای غیردولتی، سازمانهای محلی، منطقه های ملی
 - ۶- متخصصین علوم پزشکی، متخصصین علوم بهداشت، آموزگاران، جامعه شناسان و سایر متخصصین
 - ۷- بخش خصوصی (تجارت و صنعت)
- هدف نهایی توانبخشی مبتنی بر جامعه، ایجاد یک تغییر است. توسعه ی یک سیستم کارآمد که قادر باشد همه ی افراد معلول را از لحاظ نیازمندیها و آموزش، تأمین و برای وصول به این اهداف، دولت ها و مردم را به این امر حساس نماید (به نقل از پایگاه اینترنتی www.lorestan-behzisti.ir، ۱۳۹۰).
- با توجه به آنچه در بالا به اختصار از توانبخشی و اهداف آن ذکر گردید و نیز با علم به اینکه تمامی گروههای درگیر با مسأله ی توانبخشی به ویژه والدین نقش مهمی در تأمین نیازهای افراد معلول به طور خاص با مد نظر قرار دادن گروه هدف این کتاب، یعنی افراد با آسیب بینایی دارند، لزوم اختصاص فصلی در این مورد ضروری به نظر می آید. این امر موجبات دسترسی به زندگی فارغ از محدودیتها و مبتنی بر آسایش را فراهم می کند.

اهمیت آگاهی والدین از امور توانبخشی

پدر و مادری که با فرزند نابینای خود همچون کودکی کامل رفتار می کنند و در مقابل افراد، انتظار رفتارهای معمول و معقول را دارند، در واقع در رشد طبیعی استعدادهای ذهنی و مهارتهای حسی و حرکتی و پرورش ظرفیت عاطفی کودک خود نقش فعالی را ایفا می کنند. برعکس پدر و مادری که به محض روبه رو شدن با فرزند نابینای خود، همه ی دریچه های رشد و پیشرفت را به روی او بسته پنداشته اند و به شیوه ی مؤثر و خلاق با او رفتار نمی کنند، طبیعی است که انگیزه های رشد فرزندشان را محدود می نمایند، زیرا وجود انگیزه و پرورش آنان در سازگاری عاطفی و اجتماعی کودک بسیار حائز اهمیت است.

برای مثال، تحرک و جهت یابی که مهمترین عامل و اساس رشد و سازگاری کودک با محیط است. تنها در صورت ایجاد زمینه‌های مساعد برای پرورش و هدایت انگیزه‌ی اکتشاف، کودک می‌تواند به نحوی مطلوب تربیت شده و شکوفا گردد، به همین جهت والدینی که به دلایل متعدد از جمله ترس و نگرانی شدید و یا حمایت بیش از حد به جای آنکه سعی کنند حتی المقدور موانع محیطی را از سر راه کودک بردارند، عمدتاً مانع از جست و خیز و حرکت طبیعی و لازم کودک خود می‌شوند، در واقع کودک خود را به نوعی معلولیت کاذب بدنی (حرکتی) مبتلا می‌کنند، در حالی که کودکان نابینایی که همانند سایر کودکان همسال خود علی‌رغم نقص بینایی از فعالیت جسمی و حرکت مطلوب برخوردارند، چندان مشکل حرکت و ضعف تعادلی در راه رفتن ندارند (افروز، ۱۳۸۰).

مسلماً برای ایجاد و پرورش انگیزه و قوای حس و حرکت کودکان نابینا می‌بایست از حواس جانشین بهره‌گرفت. استفاده از حواس شنوایی و لامسه در این امر، بسیار مهم هستند، باید به کودک آموزش داد که به طریق درست این حواس را پرورش دهد تا در موارد مورد نیاز از آن بهره‌گیرد.

عدم تقویت حواس مذکور خود آزار دهنده است، چرا که آموزش غیر اصولی، فرد را آسیب بینایی را به شیوه‌ی غلط، موجب یادگیری عادات اشتباه می‌گردد که در آتی او را از دسترسی به امکانات بالاتر و پیچیده‌تر محروم می‌نماید.

بازپروری و توانبخشی کودکان نابینا بدون داشتن شناخت دقیق از ویژگیها و تواناییهای آنان، امری چندان مقبول و مطلوب نیست. کودکی که با چشمهای بسته به دنیا می‌آید از خود هیچ انتظاری برای دیدن دنیای خارج ندارد و هیچ تعجبی هم از اینکه نمی‌بیند، نمی‌کند. او بین دیدن و ندیدن، مرزی را نمی‌شناسد. او نمیداند که دیگران می‌بینند و او نمی‌بیند. در واقع دیدن دیگران است که ندیدن او را مشخص می‌کند.

هر بیننده‌ای به فراخور شناخت و بینش خود برداشتی از نابینایی دارد و بر همان اساس نظر می‌دهد و قضاوت می‌کند و گاه قضاوت‌های نادرست و بی‌پایه، شخصیت وجودی فرد نابینا را در هاله‌ای از ابهام و تیرگی می‌پوشاند.

والدین و کودکان نابینا

کودک نابینا از طریق چشم قادر به کسب اطلاعات راجع به محیط خود نیست. باید به او تعلیم داد چگونه بازی کند، چگونه قدم بردارد و چگونه تحصیل کند. اینجاست که به اهمیت نقش

تحصیلات والدین این کودکان پی می‌بریم، ایشان با بهره‌مندی از دانش و اطلاعات علمی و اصولی می‌توانند تمامی نیازهای فرد نابینا و کم بینا را مرتفع سازند و اگر از چنین معلوماتی برخوردار نباشند، موجبات تعلیم نادرست فرزندشان و در نتیجه عقب ماندن وی از چرخه‌ی زندگی عاری از تنش را فراهم کرده‌اند.

از آنجایی که دوران کودکی از لحاظ رشد و یادگیری بسیار حائز اهمیت است، کودک نابینا در این دوران به توجه خاص نیاز دارد. در واقع در مقایسه با والدین کودکان نابینا و والدین کودکان غیر معلول، نقش والدین در خصوص کودک نابینایشان به مراتب با اهمیت تر می‌باشد.

والدین باید این حقیقت را بپذیرند که یادگیری، کسب تجارب و ارضاء کنجکاوی فرزند نابینایشان بدون صرف وقت میسر نمی‌شود. از طرفی تکرار و تداوم آموزش بسیار مهم و ضروری است. اگر تکرار صورت نگیرد، تدریجاً مفاهیم از ذهن نابینا بیرون رفته و اطلاعاتی را که در زمانی بدست آورده بود، دیگر در حافظه‌ی خویش ندارد.

بهترین محبت خانواده نسبت به کودک نابینا این است که کارها را به خود او واگذار کنند تا احساس رضایت کند و به استقلال برسد.

وقتی والدین کودکان نابینا تحصیل کرده و با سواد باشند، فرزندان نه تنها در جنبه‌های درسی و تحصیلی پیشرفت خوبی خواهند داشت، بلکه آنها را در پذیرش مسئولیت‌های فردی و اجتماعی و نحوه‌ی برقراری ارتباط با دیگران از جنبه‌های دیگر نیز یاری می‌کنند.

تمام والدین کودکان نابینا باید یاد بگیرند که فرزندشان در مرحله‌ی اول یک کودک است و نمی‌داند که نابیناست. او مانند سایر کودکان نیازهایی دارد. او به عشق و حمایت و محبت نیاز دارد نه ترحم. او از روز اول زندگی به هوا، غذا، بازی و مکانی امن در خانواده احتیاج دارد. اگرچه محبت‌های شمارانمی‌بیند ولی گرمی دستها و آغوش شمارا به خوبی احساس می‌کند. سخنان، زمزمه‌ها و لالایی‌های شما را به خوبی می‌فهمد و از آنها لذت می‌برد. او نیاز دارد سایر اعضای خانواده را بشناسد، آنها را از طریق بو، لمس و صدا تشخیص بدهد. تمام افراد خانواده می‌توانند به او کمک کنند تا از خانه اش و آنچه اطرافش رخ می‌دهد، آگاهی بیابد.

پنهان کردن کودک نابینا از همسایه‌ها، اعضای فامیل و سایر آشنایان کار بسیار غلطی است. تفکر غلط ایشان فقط در صورتی می‌تواند تصحیح شود که آنان فرصت داشته باشند کودک نابینای طبیعی و شادی را از نزدیک ببینند و برخورد مناسب را با وی تجربه کنند.

- فرزند نابینا یا کم بینای خویش را از خود مرانید و به شبانه روزیها نسیارید، زیرا زندگی در

خانه و خانواده بهترین زندگی برای کودکان است و بنابر یک اصل تجربه شده کلی، کودک بهترین احساس امنیت را در خانواده خود می یابد و آنچه را در کانون خانوادگی می آموزد در هیچ جای دیگر نمی تواند فرا گیرد.

کودک نایبای شما مانند سایر کودکان باید احساس کند که اطرافیان دوستش دارند و او یک عضو خانه و اجتماع است.

او باید مسائل زندگی را، خود آزمایش کند، اطلاعات و تجارب دست اول را خود به دست آورد.

- شاید در مرحله ی اول برایتان آسانتر آن باشد که کارهای او را شما انجام دهید ولی او در آن صورت همیشه انتظار خواهد داشت که دیگران کارهایش را انجام دهند.

- سعی کنید شرایطی را ایجاد کنید که او از انجام کارها به دست خویش لذت برد و به این وسیله او را به سوی وظیفه ای که در آینده در اجتماع به عهده خواهد داشت، راهنمایی و هدایت کنید.

مطمئن باشید که او از همین تجارب کوچک، چیزهایی بسیار خواهد آموخت. چیزهای بسیاری که شما هرگز تصورش را هم نداشته اید. او حتی پایه و اساس دانش و بینش را گاهی محکمتر و عمیقتر از کودکان بینا فرا خواهد گرفت.

- اگر می خواهید کودک نایبای شما بر معلولیت خود فائق آید و استقلال داشته باشد، باید از ابتدا عادت کند راه روزانه خود را با آزادی و جرأت بیابد و به عبارت دیگر او باید قبل از هر چیز آزادی در حرکت داشته باشد.

والدین باید درباره توانبخشی و ناتوانی افراد نابینا با فعالیت و تحرک مبتنی بر نظم و ترتیب آشنا باشند.

- کودک نابینا به محیط مشکوک است، او را با محیط آشنا کنید تا بتواند خود را با آن سازگار سازد و مانند دیگران در مقابل حوادث، خود را حفظ کند.

- آزادی در حرکت برای کودک نابینا در ابتدا دشوار است ولی غیرممکن نیست. او وقتی به راه می افتد، نمی بیند. باید او را تشویق کنید که حرکت کند و گمان نکنید که افتادن او به دلیل نابینایی اوست، به زمین افتادن کودکان دلایل بسیار دارد که یکی از مهمترین آنها، ناپختگی عضلانی ایشان می باشد و این مسأله برای تمامی کودکان، چه بینا باشند و چه نابینا، اتفاق می افتد.

- با تقویت حواس دیگر وی، به او بیاموزید که هر چه می خواهد خود بیابد. به خصوص

مراقب باشید که این کنجکاو‌های کودکانه و طبیعی در وی نابود نشود، بلکه تقویت و گسترش یابد.

او حتی بیشتر از کودکان دیگر احتیاج به حرکت دارد، پس نخستین وظیفه پدر و مادر این است که دست وی را بگیرند و با گام‌های محکم و مطمئن پا به پا و قدم به قدم، او را راه ببرند و شیوه راه رفتن، راه رفتن با جرات را به او بیاموزند.

با او به خیابان، خرید، پارک و گردش بروند، با او حرف بزنند، هرچه بیشتر تعریف کنند و توضیح دهند تا او محیط را از گوش بشناسد و وقتی که بازگشتند، درباره‌ی دیده‌ها و شنیده‌ها با وی سخن بگویند.

- بکوشید حتی المقدور، او خود هر چیز را لمس کند و با دستها آن را ببیند و بشناسد.
- در خانه با او حرف بزنید تا احساس تنهایی نکند و او را در جریان کارهایی که انجام می‌دهید قرار دهید.

- با او همان کلمات را به کار برید که با فرزندان دیگر خود به کار می‌برید.
- کودک نابینا مانند دیگر کودکان به اسباب بازی، بازی و معاشرت و مصاحبت نیاز دارد، اینها را از وی دریغ نکنید.

- او را سرگرم کنید و بکوشید تا همواره فکر و دست وی مشغول بوده و یا کاری را انجام دهد.

- برادر و خواهرها را تشویق کنید تا او را در بازی خود شرکت دهند و برای او همبازی‌هایی جستجو کنید. کنار گذاشتن کودک نابینا حس متفاوت بودن را در وی تقویت نموده و انزوای وی را دامن می‌زند.

او چیزهایی را باید از زندگی اجتماعی بداند که چون نمی‌بیند، قادر نیست تقلید کند. مثلاً او باید بداند که دو آشنا وقتی با هم برخورد می‌کنند، لبخند می‌زنند. وقتی گفت و گویی در بین است، جهت صورت‌ها و نگاه‌ها به سوی یکدیگر کشیده می‌شود. این موارد و نظایر آن باید به کودک نابینا آموزش داده شود تا وی در موقعیتها، آن را به درستی تقلید کند و به این وسیله از فاصله‌ی خود با دیگران بکاهد، چرا که این تفاوت‌های هر چند کوچک، خود در دراز مدت تفاوت‌های بیشتر را موجب گشته و ایشان کمتر از طرف هم‌تایان بینایشان برای بازی، تحصیل و تعاملات اجتماعی بیشتر انتخاب گردیده و با مشکلات بیشتری مواجه می‌گردند.

رابطه‌ی پدر و مادر در خانواده با کودک بسیار مهم است به ویژه زمانی که کودک در خانواده با دیگر کودکان همسال خود از بعضی نظرها متفاوت باشد.

پدر و مادر کودک با آسیب‌بینایی به بازخوردها، نگرشها و نیازهای ویژه در رابطه با کودک خود احتیاج خواهند داشت.

رابطه‌ی کودک و پدر و مادر بسیار حساس می‌باشد، به نحوی که اگر امری بر کودک تأثیر گذارد، بر پدر و مادر کودک نیز تأثیر خواهد گذاشت و بالعکس.

این رابطه‌ی ظریف و متقابل در ارتباط با کودک نابینا از حساسیت و ظرافت خاصی برخوردار است. در ایفای صحیح این مسئولیت‌ها، بیش از همه والدین باید اطلاعات و شناخت لازم و جامعی را در مورد کودک نابینا یا کم‌بینای خود داشته باشند.

والدین باید بدانند چه رفتاری با کودک با آسیب‌بینایی خود در جهت تعلیم و تربیت او در پیش بگیرند، چگونه با کودک خود ارتباط صحیح و مؤثر و مفید برقرار کنند و به کودک نیز در پذیرش مسئولیت‌های ضروری و اجتماعی و نحوه‌ی برقراری ارتباط با دیگر برادران و خواهران خود یاری رسانند.

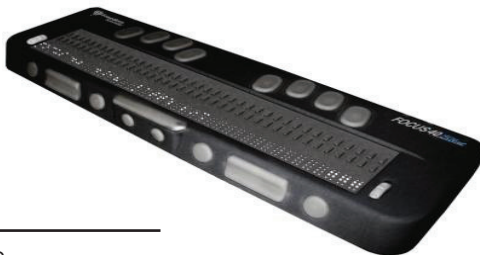
نکته‌ی مهم و قابل‌تذکر دیگر، توجه خاص به وضعیت روحی و عاطفی والدین است، به ویژه هنگامی که آنان صاحب فرزندی نابینا یا کم‌بینا می‌شوند و از این و آن می‌شنوند که فرزند آنها هرگز قادر به راه رفتن و دیدن نخواهد بود، در این شرایط این والدین سخت به مشورت و راهنمایی مسئولان متعهد و دلسوز و دوستان آگاه نیاز دارند.

فصل ۷

نقش رایانه و تأثیر حضور آن در زندگی فرد نابینا

مقدمه

نه تنها افراد با آسیب بینایی به امکاناتی در زمینه‌ی دستیابی به زندگی مستقل دسترسی دارند، بلکه پیشرفتها در فناوری، دستیابی به آن را برای فرد نابینا آسانتر نموده و این فرصت را به ایشان داده تا در زمینه‌هایی که پیش از این نمی‌توانستند در آن وارد شوند، حضور یابند. ابزار کامبرسوم^۱ همانند دستگاه پرکینز و در این اواخر نرم افزار رایانه‌ای دیگری که آرتیک^۲ نامیده شده است در کار و احراز موفقیت در جامعه بسیار اثر بخش بوده‌اند. این نرم افزار به هر حال محدودیتهایی نیز در بر دارد ولی آغازگر پیشرفتهای بعدی نیز بوده‌اند. همچنانکه پیشرفتهای فناوری رخ می‌دهد، نگرش‌ها نیز تغییر می‌یابند، این تغییر هم برای افراد جامعه و هم خود افراد نابینا حاصل گردیده است. نرم افزار آرتیک جای خود را به نرم افزاری کاملتر، کاراتر و مفیدتر داده است که جاوز^۳ نام دارد.



1. Cumbersome
2. Artic
3. Jaws - Job access with speech

دستگاههای نمایشگر بریل^۱ نیز پیشرفت قابل توجهی داشته اند.

بررسی دستگاههای مختلف بریل و برنامه های نرم افزاری مهم اند، پس این امکان وجود دارد که مردم از نحوه ی کار افراد نابینا یا کسانی که از کمترین مقدار بینایی برخوردارند با وسایل تکنولوژیک مطلع گردند و همین آگاهی موجبات آشنایی و نزدیکی بیشتر ایشان را فراهم می کند.

به عنوان مثال، نرم افزار جاووز در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی توسعه یافت و به این منظور تهیه شد تا به افراد نابینا در زندگی مستقل و مولد کمک کند و این امر منجر به تطبیق windows ۹۵ و بالاتر گردید.

در کنار این نتایج، دسترسی کاربر نابینا به اینترنت و استفاده مفید از وب^۲ در خور توجه ویژه است. تحلیل گر صدا این امکان را به کاربر نابینا می دهد که بدون نیاز خاصی به فرد نابینا از امکانات رایانه برخوردار شود و پنجره ای از اطلاعات و روابط را به سوی خود گشاید. در این فصل قصد ما آشنایی و معرفی مجمل امکانات آموزشی تکنولوژیک ویژه ی افراد نابینا است، با این هدف که با وقوف به این امکانات موجود و سعی در آشنایی بیشتر با آنها، انگیزه ی لازم برای همراهی و کمک به این افراد، انجام پذیرد. در بسیاری از مواقع همین آگاهی و انتقال آن به دیگران در دستیابی به زندگی مستقل کمکی ارزنده است. اگر در این میان فرد در خواندن یا استفاده از رایانه توسط نرم افزار جاووز با مشکل مواجه گردد، می تواند از برنامه هایی جهت نوشتن script سود جوید تا آن برنامه را کارا نماید. بنابر این قابل استفاده کردن برنامه ها بسیار مفید خواهد بود.

اهمیت پرداختن به فناوری ارتباطات برای افراد نابینا و کم بینا

افراد نابینا به دلیل فقدان حس بینایی با مشکلات متعددی از قبیل رفت و آمد، شغل و تحصیل روبرو هستند. برای کاهش مشکلات آنان، همواره تلاش بر این بوده است که استفاده از حس دیگری مثل شنوایی جایگزین بینایی شود. عمل جایگزینی توسط انسان، ابزار، ماشین های مکانیکی و فناوری اطلاعات و ارتباطات امکان پذیر است که فناوری اطلاعات و ارتباطات بهترین گزینه می باشد.

1. Braille displayer
2. web

فناوری اطلاعات و ارتباطات یا فاوا (ICT)^۱ یا (IT) عبارت است از: کلیه امکانات و وسایلی که در مدیریت، ذخیره، محافظت، پردازش، ترجمه و برگرداندن اطلاعات بخصوص در سطح کلان و در ارتباط با رایانه و نرم افزارها مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین دانشی است که به دسته بندی و تقسیم بندی و استفاده ابزاری از داده‌ها می‌پردازد.

سیستم‌ها اعم از انسانی، ماشینی و یا رایانه‌ای (سخت افزاری و نرم افزاری) و هر آنچه شامل داده اطلاعاتی، شبکه و مخابرات باشند، در این حوزه جای می‌گیرند. سعی این دانش در مکانیزه کردن داده‌ها، استفاده و طبقه بندی استاندارد از آنها است.

مهمترین مصداق فاوا شبکه جهانی اینترنت می‌باشد که خدمات فراوانی به کاربران ارائه می‌دهد. در زیر تعدادی از خدماتی که مورد استفاده افراد نابینا قرار می‌گیرد، ذکر می‌گردد:

۱- ارتباط ساده با مؤسسات مورد نظر و دریافت خدمات:

قریب به اتفاق مؤسسات، شرکتها و حتی بسیاری از افراد (مثل یک دانشگاه، یک وزارتخانه، یک نویسنده و یک انجمن) دارای پایگاه اینترنتی خاص خود در شبکه هستند که توسط آن به معرفی خود و خدماتشان می‌پردازند. بسیاری از آنها خدمات خود را هم از این طریق ارائه می‌کنند.

بنابر این در بسیاری از موارد با استفاده از پایگاه اینترنتی آن مؤسسه یا فرد می‌توان به هدف مورد نظر خود رسید، بدون اینکه نیازی به خروج از منزل و مواجه شدن با مشکلات عبور و مرور باشد.

برای مثال، اطلاع از ساعت کار یک مؤسسه، محصولات آن، دیدن اینکه در فلان دانشگاه چه رشته‌هایی وجود دارد، ثبت نام در کنکور دانشگاه یا یک کنفرانس، پر کردن فرم استخدام و طی کردن مراحل آن، پرداخت قبض‌های مختلف، انجام قریب به اتفاق کارهای بانکی.

در واقع اینترنت و وب محیط اجتماعی بزرگی است که سامانه‌های رایانه‌ای را، از طریق امکانات مخابراتی، در سراسر دنیا به هم مرتبط می‌کند و در سراسر جهان گسترده شده است. با اتصال به آن شخص در این اجتماع وسیع قرار می‌گیرد و می‌تواند از خدمات موجود استفاده کند و همین طور خدمات خود را به دنیا عرضه کند.

توجه کنید که حضور در این اجتماع، اکثر مشکلات عادی حضور فرد نابینا در اجتماع، مثل رفت و آمد و جهت یابی را ندارد. در ادامه مثال‌های دیگری از امکانات موجود در شبکه جهانی اینترنت مطرح می‌گردد.

۲- جستجو:

ممکن است این سؤال مطرح شود که ما چگونه آدرس چنین مؤسساتی را در وب به دست آوریم یا اساساً از کجا بفهمیم چنین مؤسساتی وجود دارند؟ در جواب باید بدانید که ابزارهای بسیار قوی (مثل خدمات جستجوی Google) برای جستجوی سریع وجود دارد، مثلاً برای پیدا کردن آدرس یک پایگاه اینترنتی رشد (www.roshd.ir)، یا محصولات مورد نیاز فرد نابینا یا یک کتاب.

دامنه‌ی این جستجوها بسیار وسیع و امکانات بسیار خوبی برای محدودتر و مفیدتر کردن نتایج جستجو وجود دارد. شما می‌توانید به هر زبانی، از جمله فارسی جستجو کنید.

۲- دریافت پرونده‌های مورد نیاز از هر نقطه‌ی دنیا و ارسال آنها به نقاط دیگر:

در وب، کتابها، فیلم، موسیقی، عکس، ارائه شده و خلاصه مطالب بسیار زیادی وجود دارد که بخش قابل توجهی از آن رایگان است. از طریق وب، افراد نابینا هم می‌توانند آنها را روی رایانه منتقل (download) کنند.

۳- خرید از فروشگاه‌ها به کمک اینترنت:

افراد نابینا می‌توانند به کمک پایگاه‌های اینترنتی خاص خرید، در هر نقطه‌ی دنیا وارد فروشگاه شده و کالای مورد نظر را انتخاب نموده و آن را خریداری کنند. ممکن است این کالا به وسیله‌ی پست به نشانی خریدار ارسال گردد. به همین واسطه است که فرد نابینا با مجهز بودن به دانش رایانه و اینترنت به راحتی می‌تواند بخش بزرگی از نیازهای زندگی خود را برآورده ساخته و زندگی راحت تری برای خود تأمین کند.

۴- پست الکترونیکی!

افراد با آسیب بینایی می‌توانند به جای استفاده از پست معمولی که مستلزم رفت و آمد، وابستگی به دیگران و صرف وقت و هزینه می‌باشد، از پست الکترونیکی استفاده نمایند و نامه‌های خود را شخصاً تهیه، ارسال، دریافت و در صورت نیاز پرونده‌های لازم را به آن ضمیمه نمایند.

۵- دریافت اخبار از اینترنت:

افراد نابینا می‌توانند با استفاده از اینترنت آخرین اخبار را به آسانی درباره‌ی هر موضوعی دریافت و مورد استفاده قرار دهند. در حال حاضر اخبار موجود بر روی شبکه‌ی اینترنت به زبان انگلیسی و سایر زبان‌های معروف دنیا از جمله زبان فارسی برای افراد نابینا قابل مطالعه است. امیدواریم با

پیشرفت در کارایی صفحه خوان فارسی موجود، افراد نابینا بتوانند با راحتی بیشتر به اخبار فارسی دسترسی داشته باشند.

هم اکنون قریب به اتفاق روزنامه‌های کشور روی شبکه وجود دارد و فرد با آسیب بینایی با استفاده از این امکان تکنولوژیک، هر روز بیشتر از دیروز خود را در این زمینه از فرد بینا مستقل می‌سازد، چرا که دیگر نیاز نیست برای اطلاع از اخبار روز به فردی بینا جهت قرائت روزنامه مراجعه نماید.

۶- ایجاد گروه‌های خبری:

به منظور رد و بدل کردن اطلاعات در ارتباط با موضوع خاصی مثل برنامه نویسی، گروه‌های خبری وجود دارد که افراد نابینا می‌توانند در آنها عضویت یافته، به آخرین اطلاعات درباره‌ی موضوع مورد علاقه‌ی خود دسترسی پیدا کنند.

۷- ایجاد گروه‌های علاقه‌مندان:

افراد نابینای علاقه‌مند به موضوع خاصی می‌توانند در گروه‌های مورد علاقه خود شرکت کنند و یا حتی گروه جدیدی (مثل گروه علاقه‌مندان ایرانی به ورزش گلبال) ایجاد کنند و با اعضای گروه در رابطه با آن موضوع مورد علاقه، تبادل نظر نمایند. مثلاً برای مشکلی که یک عضو گروه مطرح می‌کند، افراد دیگر تجربیات و راه‌حل‌های خود را مطرح می‌کنند. این نوع تبادل نظر گاهی بسیار کارگشاست.

۸- گفتگو:

افراد نابینای نقاط مختلف دنیا با استفاده از این امکان با یکدیگر و یا با افراد بینا به طور رو در رو گفتگو و تبادل نظر نموده، درباره‌ی مسائل مشترک بحث نمایند و به این وسیله مسأله‌ی مد نظر را برطرف ساخته و زندگی بهتری را داشته باشند.

۹- تحصیل:

افراد نابینا می‌توانند برای امور اداری تحصیل مثل ثبت نام، دریافت نتایج امتحانات، جستجو برای موضوعات و کتب درسی مختلف و حتی ثبت نام و تحصیل در دانشگاه‌های مجازی از اینترنت استفاده نمایند.

علاوه بر امور اداری آموزش، بحث آموزش الکترونیک^۲ در دنیا بسیار گسترده شده

است. در داخل کشور هم دانشگاه‌های متعددی (مثل دانشگاه شیراز و دانشگاه خواجه نصیر) آموزشهایی را از طریق اینترنت ارائه می‌کنند.

۱۰- اشتغال:

آشنایی با رایانه و اینترنت باعث ایجاد مشاغل جدید مثل تهیه‌ی خبر، دریافت اطلاعات مورد نیاز مردم عادی از اینترنت و همکاری در برنامه نویسی می‌گردد. کفایت توجه کنید که بخش بزرگی از مشاغل فعلی دنیا عملاً به صورت کار با بعضی فرم‌ها روی رایانه انجام می‌شود.

۱۱- تجارت الکترونیک:

با توجه به مشکلات افراد نابینا در خرید و فروش، تشخیص پول و جا به جایی آن، استفاده از اینترنت و تجارت الکترونیک می‌تواند نقش به‌سزایی در کاهش این مشکلات و در نتیجه زندگی بهتر و آسانتر ایفا نماید.

۱۲- استفاده از عابر بانک:

افراد نابینا می‌توانند با استفاده از عابر بانک‌های گویا از موجودی حساب خود آگاه گردیده، از آن برداشت یا به آن وجه واریز نموده و یا به حساب دیگری پول واریز نمایند.

۱۳- MP3 player:

این دستگاه می‌تواند به عنوان یک دفترچه‌ی یادداشت و دفترچه‌ی تلفن همیشه و در همه جا همراه فرد نابینا باشد. همچنین به عنوان یک حافظه‌ی کمکی می‌تواند اطلاعات رایانه‌ای فرد نابینا را که برای اهداف مختلف می‌باشد، جا به جا نماید، این دستگاه می‌تواند برای ضبط صدا به خصوص در دروس ویژه‌ی دانشگاهی به فرد نابینا برای مطالعه‌ی آن کمک فراوان بنماید.

۱۴- تلفن بانک:

افراد نابینا می‌توانند با استفاده از این سیستم در هر زمان از میزان موجودی خود و آخرین گردش‌های آن مطلع شده و نقل و انتقال‌های لازم را با حساب خود انجام دهند. مؤسسات متعددی خدماتی را به صورت گویا ارائه می‌نمایند.

۱۵- تلفن‌های همراه گویا:

این دستگاه همان تلفن همراه معمولی است که به کمک نرم‌افزارهای گویا ساز، گویا شده و فرد نابینا می‌تواند از کلیه‌ی امکانات آن مثل افراد بینا استفاده نماید.

امروزه تلفن‌های همراه علاوه بر امکان برقراری تماس، خدمات مختلفی را در اختیار کاربران قرار می‌دهند. از جمله: ضبط صدا، عکاسی و فیلم‌برداری، ماشین حساب، دفترچه‌ی یادداشت، دفتر تلفن، خدمات اینترنتی و... پیش‌بینی می‌شود تلفن همراه جایگزین رایانه شود و کلیه‌ی خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات را به کاربران خود ارائه نماید. ضمن اینکه هم اکنون هم خدمات متعدد شهری از طریق گوشی موبایل قابل دسترسی است.

از آنجا که افراد نابینا نمی‌توانند اطلاعاتی که روی صفحه‌ی نمایشگر گوشی تلفن همراه ظاهر می‌شود را بخوانند و یا ممکن است ندانند هر کدام از کلیدهای صفحه کلید دقیقاً چه کارهایی را انجام می‌دهد، نمی‌توانند از بسیاری از تسهیلاتی که تلفن همراه فراهم می‌کند، بهره‌مند شوند. برای رفع این مشکل، لازم است این اطلاعات به گونه‌ی دیگری به آگاهی کاربر نابینا یا کم‌بینا برسد.

نرم‌افزار Nuance Talks & Zooms که در میان افراد نابینا به Talks معروف است و بر روی برخی از گوشی‌های تلفن همراه نصب می‌شود، پلی است که این فاصله را تا حد بسیار زیادی پر می‌کند.

این برنامه که توسط شرکت Nuance تولید شده و عرضه می‌گردد و شاید پرطرفدارترین برنامه‌ی گویاساز گوشی تلفن همراه در میان کاربران نابینا و کم‌بینا باشد، برنامه‌ای است که امکانات بسیاری را برای استفاده از گوشی توسط کاربر نابینا یا کم‌بینا در اختیار او قرار می‌دهد. از جمله:

- اطلاعات روی صفحه نمایش (از قبیل پیامها، عنوان پنجره‌ها و محتوای آنها و...) را به صورت گویا از طریق بلندگوی گوشی و یا خروجی‌های دیگر بیان می‌کند.

- صفحه نمایش را برای افراد کم‌بینا درشت می‌کند.

- کار کلیدهای صفحه کلید را به محض اینکه فشار داده می‌شوند، بیان می‌کند.

- اطلاعات را به صورت بریل روی دستگاه نمایشگر که به گوشی متصل شده باشد، نشان می‌دهد.

- کلمات را برای کاربر هجی می‌کند.

- کاربر می‌تواند سرعت سخن گفتن برنامه، میزان پرگویی آن و حجم صدای آن را تغییر دهد.

- این برنامه به محض ظاهر شدن پنجره‌ی جدید، شروع به خواندن محتوای آن پنجره می‌کند، ولی کاربر کم‌بینا می‌تواند صدای آن را قطع کند و تنها از امکان درشت‌نمایی آن بهره‌برد.

- علائم نشان دهنده‌ی وضعیت گوشی (مانند میزان شارژ باتری و آنتن و ساعت و تاریخ) را برای کاربر بیان می‌کند.
 - کاربر نابینا و کم‌بینا با بهره‌گیری از این برنامه می‌تواند:
 - از شناسه‌ی تماس گیرنده آگاه شود.
 - با کتابچه‌ی آدرس کار کند.
 - در محیط اینترنت گشت بزند و از آن پرونده دریافت کند.
 - از تماس‌های اخیر آگاه شود.
 - از خدمات پیام کوتاه، پیام چند رسانه‌ای و پست الکترونیک استفاده کند.
 - از ابزارهایی مانند دفترچه‌ی یادداشت، ماشین حساب، ضبط و پخش صدا و... بهره‌برد.
 - پرونده‌ها را سازماندهی کند و آنها را با استفاده از Bluetooth یا امکانات دیگر ارسال یا دریافت کند و....
- برنامه‌ی Talks روی بیشتر گوشی‌هایی که دارای سیستم عامل سیمین سری ۶۰ یا ۸۰ هستند، نصب می‌شود و عمل می‌کند. سری ۶۰ که بسیاری از گوشی‌های نوکیا در محیط آن کار می‌کنند، در میان کاربران ایرانی رواج دارد. برنامه‌ی Talks در محیط زبان انگلیسی به خوبی کار می‌کند، ولی کارایی آن در محیط فارسی محدود است.
- «انجمن علمی - فرهنگی موج نور اصفهان»، انجمنی نابینایی است که آموزش رایانه به افراد نابینا و تألیف کتاب‌های آموزشی بخشی از فعالیت‌های آن را تشکیل می‌دهد. این انجمن، با توجه به مزایای مهمی که فهرست شد، کتاب خودآموز تلفن همراه را برای تسهیل زندگی افراد کم‌بینا و نابینا تألیف کرده است.
- با توجه به آنچه گفته شد و این موضوع که اینترنت سریع، دقیق، انعطاف‌پذیر، ارزان، همه‌گیر و در دسترس است که در انحصار هیچ قدرت خاص جهانی نمی‌باشد، می‌تواند نقش بسیار مهمی در بهبود امور شخصی، تحصیلی، و شغلی افراد معلول به خصوص افراد نابینا داشته باشد (صدیقی مشکنانی و رضایی حسین آبادی، ۱۳۸۵).
- با توجه به موارد و دلایلی که در اهمیت استفاده‌ی این افراد از فناوری اطلاعات ذکر شد، در ذیل به برخی از مهمترین نرم‌افزارها و سخت‌افزارها می‌پردازیم تا خواننده را بیشتر از اهمیت آنها آگاه ساخته، اندکی اطلاع در اختیارش جهت کسب دانشی هرچند مختصر و استفاده‌ی آنها از این ابزار ارائه داده که شاید حداقل فایده‌ی آن افزایش اطلاعات عمومی وی بوده و برخی از ابهام‌ها را از نحوه‌ی کاربری فناوری اطلاعات برای افراد نابینا و کم‌بینا برطرف سازد.

نرم افزار جاووز

سیستم عامل ویندوز یک سیستم عامل گرافیکی است که بسیاری از امکانات سیستم را بصورت گرافیکی در اختیار کاربر قرار می دهد. از طرفی تجهیزاتی که کاربران نابینا برای ارتباط با رایانه در اختیار دارند، مانند دستگاه برجسته نگار، قادر به نمایش تصویر نیست و فقط متن را نمایش می دهد. در بسیاری از کاربردهای ویندوز بدون لزوم استفاده از بخشهای گرافیکی صرف، با در دست داشتن متن و توضیحاتی مربوط به هر جزء فعال، می توان به نحو مؤثری استفاده نمود. از آن نمونه، بخش های مربوط به مدیریت اطلاعات در ویندوز، کارکرد عادی با پوشه ها و کار با اصلاح کننده ها، پست الکترونیکی، استفاده از اینترنت (غیر از مطالب گرافیکی)، موسیقی و غیره می باشد. از اینرو برای قابل استفاده کردن بخش متنی و صوتی ویندوز، برنامه ی رابطی لازم است که متن اطلاعات در مورد شیء فعال ویندوز را بصورت صوتی اعلام نماید و یا روی نمایشگر لمسی به نمایش درآورد. به این نوع از برنامه ها صفحه خوان^۱ گفته می شود. برنامه ی صفحه خوان، برنامه ای است که ابزارهایی را برای خواندن متن های موجود روی صفحه نمایشگر و تشخیص برخی از اشکال گرافیک استاندارد فراهم می آورد. نمونه ی اشکال گرافیکی قابل تشخیص دگمه ها، آیکون ها، میله های ابزار و ... می باشند. همچنین برنامه های صفحه خوان، ابزارهایی را فراهم می آورند که استفاده کننده را قادر به استفاده از صفحه کلید^۲ به جای موشواره^۳ می نماید. بنابراین استفاده کننده ی این برنامه ها، علاوه بر استفاده از ترکیبات کلیدی عادی، ترکیبات خاص دیگری را برای عملیات خاص که بوسیله صفحه خوان فراهم می شود، یاد می گیرد. به عنوان مثالی از این عملیات، کلیدهایی است که برای خواندن عنوان پنجره جاری یا نوار مشخصات در پائین صفحه استفاده می شود. نرم افزار جاووز یکی از معروفترین نرم افزارهای صفحه خوان برای افراد نابینا و کم بینا است. به وسیله ی این نرم افزار، آنها نیز می توانند وارد دنیای رایانه شوند و از آن به راحتی استفاده نمایند. این نرم افزار میتواند تمام عملیات را در ویندوز به صورت صوتی اطلاع دهد و کاربران کم بینا و یا نابینا به راحتی کارهای مورد نظر خود را انجام دهند.

نرم افزار جاووز یک نرم افزار صفحه خوان بسیار قوی برای دسترسی افراد نابینا به ویندوز و صفحات وب است که توسط شرکت «Freedom Scientific» تهیه شده است و خروجی صوتی و بریل برای اکثر زبانهای دنیا به جز زبان فارسی و برخی زبانهای دیگر که ریشه ی

1. Screen Reader
2. keyboard
3. mouse

لاتین ندارند، فراهم می آورد (به نقل از پایگاه اینترنتی <http://www.siteshoma.ir>، ۱۳۸۹).
 نصب نرم افزار جاوز بسیار آسان است. هنگامی که مقدمه ی نرم افزار بر صفحه ظاهر می گردد
 شما عکسی از کوسه را می بینید. در صورتی که دستورهای صوتی را به درستی پیگیری کنید، نرم
 افزار به درستی نصب خواهد شد.

همراه برنامه، دیسکتی جهت دائمی کردن آن موجود است. دیسکت را در floppy drive
 وارد کرده، اطلاعات و کدی که روی صفحه نمایان می گردد را وارد نموده و با استفاده از
 دستور نصبی که معمولاً همراه برنامه ارسال می شود، جریان نصب را تکمیل نمایید.

معمولاً کاربر با استفاده از کلید میان بری همانند `control+alt+J` به برنامه دسترسی پیدا
 می کند. این نرم افزار دارای نسخه های زیادی بوده که خود نشانگر کار تولید کنندگان آن
 بر روی این نرم افزار با هدف کامل و کارآمد کردن روز افزون می باشد.

این نرم افزار آنقدر در پیشرفت و دسترسی افراد نابینا به فناوری مهم است که اگر بگوییم
 فرد نابینایی با آن آشنا نباشد از چرخه پیشرفت تکنولوژی عقب مانده است، گزاف نگفته ایم.
 فرد نابینای امروزی با استفاده از این نرم افزار قادر به خواندن متون و منابعی است که در
 گذشته نمی توانست به آنها در مدرسه، خانه و محل کار دسترسی پیدا کند.

این استقلال نسبی در خواندن منابع در جریان مستقل سازی فرد نابینا نقش عظیمی بر عهده
 داشته است و فرد نابینای امروزی به جای اینکه قسمت بزرگی از انرژی و وقت خود را برای
 جستجوی فردی برای خواندن متون صرف کند، به گسترش فعالیتهایش می پردازد.
 ناگفته پیداست که خود آسایش خاطر حاصل از این امر در استقلال فکری و رشد حیطه ی
 کاری فرد نابینا کلیدی است طلایی.

نرم افزار کروزویل^۱

برنامه ای است که متون چاپی انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، روسی و تعدادی زبان لاتین
 دیگر را برای افراد نابینا اسکن کرده، متن آنها را تشخیص داده و بنا بر خواست کاربر، به
 صورت خط به خط، کلمه به کلمه یا حرف به حرف می خواند، همچنین می تواند به عنوان
 یک کارکرد اضافه، متن را خوانده و به mp3 تبدیل نماید. در این برنامه می توان از موتورهای
 سخنگوی دارای رابط استاندارد مانند موتورهای سخنگوی با کیفیت خیلی خوب، استفاده کرد.
 این برنامه با اسکنرهای نسبتاً متفاوتی سازگار است. پایگاه اینترنتی شرکت سازنده به
 عنوان سازگارترین و بهترین موارد، اسکنرهای «Epson Scanner Perfection V1۱۰۰» و

«Epson Perfection ۴۴۹۰ with Automatic Document Feeder=ADF» را معرفی کرده است که خوشبختانه هر دو مدل معرفی شده در ایران توسط گروه مادران تولید و دارای گارانتی و خدمات پس از فروش است.

نرم افزار کرزویل نرم افزار اسکن متداولی است که به کاربر با آسیب بینایی در خواندن مطالب چاپی یاری می رساند. سعی بر آن بوده که اشکال این نرم افزار رفع گردد ولی مشکل اساسی، خواندن منابعی است که از کیفیت بالایی در جداول، ستون و متن برخوردار نیستند و این موجبات دسترسی ناپذیری کاربر به متنی کاملاً قابل خواندن را افزون می کند. پیشرفت در بهبود بخشی این نرم افزار به کاربر کمک می کند تا به منابع متنی که بریل یا دیجیتال نیستند، دست یابد.

این اطمینان خاطر را به کاربران نابینا دهید که با پیشرفتهای آتی و رفع نواقص این نرم افزارها، ایشان بدون نگرانی از اینکه اطلاعات شخصی و شغلی شان توسط افراد بینایی که آن را برایشان قرائت می کنند لو رود، می توانند به تنهایی از این نرم افزارها استفاده نمایند.

لوح و قلم^۱

اگر شخصی علاقمند به آگاهی از این امر باشد که کدامین ابزار یا منبع کلیدی، سهم بزرگی در پیشرفتهای مرتبط با تهیه و گسترش آن در مورد کاربران نابینا در ارتباط با رایانه و بریل داشته، باید از سهم تولید لوح و قلم در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ مطلع باشد.

این وسیله سبک که براحتی قابل حمل در کیف است، نیاز به استفاده از همان کاغذی دارد که در دستگاه پرکینز از آن برای نوشتن استفاده می شود. همچنین سبکی آن و استفاده بی سروصدا از آن در اماکن عمومی، دانشگاهها و غیره نسبت به دستگاه پرکینز موجبات بیشتر پذیرفته شدن فرد نابینا را در جامعه فراهم نموده، چرا که از فاصله ی بین فرد نابینا با فرد بینا بسیار کاسته است و استقلال وی از کمک گرفتن از دیگران در نوشتن مطالب ضروری مانند شماره تلفن و یا نکته ای مهم را موجب گردیده است.

هنگام نوشتن با لوح و قلم، فرد برخلاف دستگاه پرکینز، از راست به چپ می نویسد. برای این امر، وی کاغذ مقوایی را در فاصله دو قسمت لوح که به واسطه ی لولایی به هم وصلند، قرار داده و با فشاری کوچک کاغذ را از طریق میخک های تعبیه شده در لوح، ثابت می کند. هر خانه یا سلول لوح، جایی است که ۶ نقطه بریل با جایگشتهای متفاوت، حروف، اعداد

و علائم مختلف را تشکیل می دهند. از آنجا که استفاده از پرکینز آسانتر و در دسترس تر است، بسیاری از استفاده کنندگان بریل تمایل دارند از آن استفاده کنند ولی باید به خاطر داشت، در مواقعی که نمی توان دستگاه پرکینز را به دلیل سنگینی آن و سر و صدای زیادش جابجا یا مورد استفاده قرار داد، لوح و قلم بهترین گزینه است.

برای باز کردن لوح و قلم و در نتیجه آزاد کردن کاغذ، کافی است که گوشه ی سمت راست لوح را بلند کنید تا کاغذ بی هیچ مشکلی آزاد شود.

برای نوشتن در ادامه کاغذ، کافی است لوح را در برجستگی های میخک های پایینی قرار داده و با فشار دادن مجدد آن، کاغذ را در لوح ثابت کنید. فقط مراقب باشید که به دلیل بی توجهی، خط اول سری جدید کاغذ با نوشته های خط آخر سری پیشین ادغام نشوند.

هر چند این وسیله، سرعت نوشتن دستگاه پرکینز را ندارد، استفاده از آن برای نو آموزان خط بریل پیشنهاد می گردد.

از طرفی عدم نیاز این وسیله به باتری یا برق از دیگر مزایای آن محسوب می گردد. قابل ذکر است بیشتر کاربران لوح و قلم آن را در مواقع ضروری مورد استفاده قرار می دهند، آن هم در مواقعی که دسترسی به رایانه یا دستگاه بریل که نیاز به باتری داشته باشد، امکان پذیر نباشد.

دستگاه تایپ پرکینز

تاریخچه ی ساخت وسایل تکنولوژیک برای افراد نابینا، از لوح و قلم گرفته تا دستگاه پرکینز، بسیار طولانی است، اما آنچه مهم به نظر می رسد، کمک این وسایل در دستیابی به زندگی مستقل، زندگی چند رسانه ای در دنیای مدرن که اشتغال، چند ملیتی و تکنولوژیک شده است، می باشد.

در این مسیر، دستگاه تایپ پرکینز در نظر آموزگاران، مشاوران و آموزشکاران توانبخشی جایگاهی مهم دارد. بنا بر این، کودکان و بزرگسالانی که بینایی خود را از دست داده اند و آموزشهای کم و ناکافی در استفاده از آن دریافت نموده اند، مهارتهای اندکی در استفاده از خط بریل کسب نموده و در نتیجه در استفاده از رایانه ها به ویژه نمایشگرهای بریل با مشکل مواجه اند.

گرچه پیشرفتهایی در ساخت و استفاده از نرم افزارهای گوناگون رایانه ای و دستگاههای بریل، امکان دسترسی به زندگی مستقل در جامعه را فراهم نموده اند، نیاز به کاربرد دستگاههای

دستی بریل مثل لوح و قلم و پرکینز ضروری به نظر می‌رسد. دلیل روشن است، کاربرد فناوری روز رایانه‌ها و نمایشگرهای بریل نیازمند فراگیری مهارت‌های پایه است که آن هم وابسته به یادگیری از طریق وسایلی چون دستگاه بریل پرکینز می‌باشد.

این دستگاه وسیله‌ای مربع شکل، سنگین و با اندازه‌ای متوسط است که نیازی به باتری، ابزار جانبی و یا دو شاخه برق ندارد. این دستگاه برای استفاده در محیط‌های آموزشی، کاری و شخصی مناسب است.



گرچه این دستگاه سنگین است اما استفاده از آن آسان است. کافایت که کاغذ مقوایی را توسط قرقره تعبیه شده در دیواره سمت راست دستگاه به داخل دستگاه بفرستید. کلیدهایی که در جلوی دستگاه قرار گرفته‌اند برای نوشتن حروف، علائم و اعداد مورد استفاده قرار می‌گیرند. این ۷ کلید شامل کلیدهای ۶ نقطه بریل و کلید فاصله هستند. از چپ به راست به ترتیب کلیدهای ۳، ۲، ۱، کلید فاصله، ۴، ۵ و ۶ می‌باشند.

این دستگاه ویژگی و ترکیب خاص و پیچیده‌ی اضافی دیگری ندارد که دستگاه‌های پیشرفته‌ی بریل یا گویا از آن بهره‌مند ولی بهترین وسیله یادگیری برای کسانی است که در مراحل اولیه‌ی بریل آموزشی هستند.

باید ترکیب کلیدهای تولید کننده حروف بریل محکم فشار داده شوند تا نقاطی کاملاً برجسته با کیفیت مناسب خواندن را ایجاد کنند.

بیشتر حروف شامل ترکیب‌های مختلف کلیدهای ۶ گانه هستند. به عنوان مثال، حرف «ا» با فشردن کلید ۱ که دقیقاً سمت چپ کلید فاصله قرار گرفته و حرف «ب» با فشردن کلیدهای همزمان ۱ و ۲ که در سمت چپ کلید فاصله قرار دارند، نوشته می‌شوند.

برای رفتن به خط بعدی کافی است از کلیدی که با اندکی فاصله از کلید های ۷ گانه در سمت چپ دستگاه تایپ پرکینز قرار دارد، استفاده کنید و برای آمدن به ابتدای خط از مرغک استفاده نمایید. این کلید در فاصله ای از این کلیدها در بالای آن قرار گرفته است. مرغک نه تنها برای آمدن به ابتدای خط مورد استفاده قرار می گیرد، بلکه برای ترسیم ستونها، کلمات خطی و یا اعداد به آسانی نتیجه بخش است.

همانند رایانه در سمت راست دستگاه، کلیدی برای برگشت به حروف و جملات قبلی وجود دارد که این کار به آسانی با چند بار فشار دادن آن امکانپذیر می باشد. برای ایجاد ستونی از اطلاعات نیز از این کلید می توان کمک گرفت.

به هر حال برای فهم و یادگیری استفاده از وسایلی که ارزان بوده و به باطری یا وسیله جانبی دیگری نیاز نداشته باشد، دیدن و کار کردن حداقل مدت کمی هم که شده با دستگاه پرکینز ضروری به نظر می رسد.

یادگیری و بکاربندی دستگاه بریل پرکینز برای افراد مبتدی و پیشرفته در یادگیری بریل ضروری است. این امر، فرد را در خواندن و نوشتن توانمند می سازد که خود مقدمه ای است برای یادگیری مراحل پیشرفته بریل و رایانه.

اگر شما در مسیر کمک و همراهی فرد نابینا برای یادگیری حروف بریل و دستگاه پرکینز قرار دارید، باید به فرمول اساسی بریل آگاهی داشته باشید. این فرمول شامل ۶ نقطه است و هنگام نوشتن و خواندن، میتوان آنها را به راحتی حفظ و بکار برد.

آموزگاری که خط بریل را آموزش می دهد باید کاربر آن نیز باشد و بایست تجارب گسترده ای در استفاده از دستگاههای مختلف بریل داشته باشد.

اگر شما علاقمند آموزش خط بریل هستید، به کرات باید از این دستگاهها در طی هفته های متوالی استفاده نمایید.

مشاهده ی فیلم هایی از یادگیری و کاربرد بریل توسط سایر آموزگاران و کاربران خط بریل در یادگیری و استفاده ی مهارتهای مختلف وابسته به خط بریل مفید خواهد بود. هر فرد میتواند حروف و ترکیبهای متنوع آن را مشاهده کند.

تکالیفی که به دانش آموز در یادگیری نوشتن حروف بریل کمک کننده است، ارائه خواهد شد.

تمرین و حفظ حروف مختلف بریل، به دانش آموز و معلم در گسترش و فهم آموزش کمک می کند و این پیشرفت در خواندن، نوشتن و پیشرفتهای تکنیکی برای افراد با آسیب بینایی در کسب مهارتهای زندگی مستقل ارزشمند است، چرا که با بهره مندی از خط بریل، فرد شخصاً اطلاعات مورد نظر را نوشته و در هنگام نیاز نیز به آنها مراجعه می نماید.

هنگام یادگیری خط بریل برای آموزش آن به فرزندان و یا دانش آموزی که با آن کار می کنید، مطمئناً از دستگاه بریل پرکینز سود خواهید جست. علت استفاده از این دستگاه آسانی آموزش با آن بجای لوح و قلم میباشد. این امر نیازمند کاربرد رایانه نیست، بنا بر این دانش آموز، کودک و یا نوجوان شما که بینایی خود را به تازگی از دست داده در یادگیری خط بریل نیاز به آموختن شیوه های پیچیده ندارد.

کاغذ را در دستگاه قرار دهید و آغاز به آموزش حروف نمایید.

در اینجا حروف الفبای فارسی و نقاط تشکیل دهنده ی آن آموزش داده می شود. توجه داشته باشید که فشردن همزمان کلیدهای ذکر شده برای هر حرف به منظور تولید حرف قابل خواندن که به اصطلاح حروف پر رنگ نامیده می شوند، ضروری است.

با یادآوری مجدد مکان ۷ کلید به آموزش این حروف میپردازیم.

از چپ به راست در قسمت جلوی دستگاه بریل پرکینز، نقاط ۳، ۲، ۱، کلید فاصله، ۴، ۵، ۶.

«آ» ترکیب کلید های ۳، ۴، ۵

«ا» تنها نقطه یا کلید ۱ دستگاه

«ب» ترکیب کلید های ۱ و ۲

«پ» ترکیب کلید های ۱، ۲، ۳، ۴

«ت» ترکیب کلید های ۲، ۳، ۴، ۵

«ث» ترکیب کلید های ۱، ۴، ۵، ۶

«ج» ترکیب کلید های ۲، ۴، ۵

«چ» ترکیب کلید های ۱ و ۴

«ح» ترکیب کلید های ۱، ۵، ۶

«خ» ترکیب کلید های ۱، ۳، ۴، ۶

- «د» ترکیب کلید های ۱، ۴، ۵
- «ذ» ترکیب کلید های ۲، ۳، ۴، ۶
- «ر» ترکیب کلید های ۱، ۲، ۳، ۵
- «ز» ترکیب کلید های ۱، ۳، ۵، ۶
- «ژ» ترکیب کلید های ۳، ۴، ۶
- «س» ترکیب کلید های ۲، ۳، ۴
- «ش» ترکیب کلید های ۱، ۴، ۶
- «ص» ترکیب کلید های ۱، ۲، ۳، ۴، ۶
- «ض» ترکیب کلید های ۱، ۲، ۴، ۶
- «ط» ترکیب کلید های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶
- «ظ» ترکیب کلید های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶
- «ع» ترکیب کلید های ۱، ۲، ۳، ۵، ۶
- «غ» ترکیب کلید های ۱، ۲، ۶
- «ک» ترکیب کلید های ۱ و ۳
- «گ» ترکیب کلید های ۱، ۲، ۴، ۵
- «ل» ترکیب کلید های ۱، ۲ و ۳
- «م» ترکیب کلید های ۱، ۳، ۴
- «ن» ترکیب کلید های ۱، ۳، ۴، ۵
- «و» ترکیب کلید های ۲، ۴، ۵، ۶
- «ه» ترکیب کلید های ۱، ۲ و ۵
- «ی» ترکیب کلید های ۲ و ۴

یادگیری حروف الفبای انگلیسی نیز با استفاده از ترکیب نقاط امکان پذیر است. نقاط تشکیل دهنده ی این حروف عبارتند از:

«a» تنها شامل نقطه ی ۱

«b» ترکیب نقاط ۱ و ۲

- «c» ترکیب نقاط ۱ و ۴
«d» ترکیب نقاط ۱، ۴ و ۵
«e» ترکیب نقاط ۱ و ۵
«f» ترکیب نقاط ۱، ۲ و ۴
«g» ترکیب نقاط ۱، ۲، ۴ و ۵
«h» ترکیب نقاط ۱، ۲ و ۵
«i» ترکیب نقاط ۲ و ۴
«j» ترکیب نقاط ۲، ۴ و ۵
«k» ترکیب نقاط ۱ و ۳
«l» ترکیب نقاط ۱، ۲ و ۳
«m» ترکیب نقاط ۱، ۳ و ۴
«n» ترکیب نقاط ۱، ۳، ۴ و ۵
«o» ترکیب نقاط ۱، ۳ و ۵
«p» ترکیب نقاط ۱، ۲، ۳ و ۴
«q» ترکیب نقاط ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵
«r» ترکیب نقاط ۱، ۲، ۳ و ۵
«s» ترکیب نقاط ۲، ۳ و ۴
«t» ترکیب نقاط ۲، ۳، ۴ و ۵
«u» ترکیب نقاط ۱، ۳ و ۶
«v» ترکیب نقاط ۱، ۲، ۳ و ۶
«w» ترکیب نقاط ۲، ۴، ۵ و ۶
«x» ترکیب نقاط ۱، ۳، ۴ و ۶
«y» ترکیب نقاط ۱، ۳، ۴، ۵ و ۶
«z» ترکیب نقاط ۱، ۳، ۴، ۵ و ۶.

اهمیت یادگیری ترکیبهای گوناگون نقاط تشکیل دهنده ی حروف در زبان فارسی یا هر زبان دیگر، اگر کسی بخواهد آن را یاد بگیرد و در نهایت به دیگری یاد دهد، اجباری است. اگر بتوانید به موادی که چگونگی شکل گیری هر حرف را نشان می دهد مراجعه کرده و یافته ها و مهارت هایتان را با دروسی که به دیگران در یادگیری بریل کمک می کنند، با هم ترکیب کنید، مستقل بودن را تشویق خواهید کرد و بنابراین، اعتماد به نفس را در بسیاری از افراد با آسیب بینایی ایجاد خواهید کرد. این امر افراد نابینا را در کسب فرصتهایی برای آینده ای پر تلاش و هدفمند آماده می سازد.

با اختراع وسایل آموزشی و کمک آموزشی وابسته به رایانه، آموزش بریل سختتر شده، اما این امر فرد را از یادگیری آن دلسرد نمی کند. شاید به نظر آید که استفاده از رایانه کارها را آسانتر کرده، ما هم این مسأله را رد نمی کنیم، فقط تأکید می کنیم که رایانه ها در یادگیری خط بریل نقش کلیدی ندارند.

آن هنگام که به نوشتن حروف الفبای بریل تسلط پیدا کردید، به راحتی می توانید از آن برای نگارش اعداد به خط بریل استفاده نمایید. برای این کار کافی است علامت حساب و نمایانگر عدد که با فشردن کلید های ۳، ۴، ۵ و ۶ به دست می آید را قبل از حروفی که در ذیل به آن اشاره خواهد شد، نوشته و به این وسیله اعداد را به بریل بنویسید. به ترتیب ذیل:

با نوشتن علامت حساب قبل از حروف a، b، c، d، e، f، g، h، i و j به ترتیب اعداد ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ را به بریل تولید خواهید کرد.

یادگیری نوشتن اعداد به خط بریل گام اساسی در یادگیری ریاضی برای افراد با آسیب بینایی است. این نکته را باید به خاطر بسپارید که در صورت نوشتن علامت عدد پشت حروف انگلیسی، آنها با هم اشتباه گرفته خواهند شد. همچنین نباید بین علامت عدد و حروف به منظور تولید عدد به خط بریل فاصله ای باشد.

برای نوشتن عدد ۱۰ کفایت بلافاصله پس از علامت حساب، حرف a و j را بنویسید. برای عدد ۳ رقمی مانند ۲۳۵، کافی است پس از علامت حساب حروف b، c، e را تایپ نمایید و الی آخر.

اگر در دوره ی آموزشی بریل شرکت می کنید تا پس از اخذ مدرک لازم، آن را به افراد

با آسیب بینایی آموزش دهید، باید بدانید که نیاز به صرف وقت، علاقه، صبر و در نتیجه کسب آموزش دقیق و عمیق به این منظور خواهید بود. اگر اطلاعات زیادی را به یکباره فرا گیرید، نسبت به یادگیری بی میل خواهید شد که البته این خواست و هدف از آموزش نیست. درک مفهوم عدد هنگام یادگیری نوشتن اعداد به خط بریل بسیار مهم است. اگر چنین مهارتی کسب نشده باشد، در آموزش آن به افراد نابینایی که به یادگیری آن جهت رسیدن به خودیاری و زندگی مستقل نیاز دارند، با مشکل مواجه خواهید شد. چرا که لازمه‌ی دستیابی به استقلال مالی و اعتماد به نفس ناشی از آن، مسلح بودن به مهارت‌های ریاضی پایه است که اساس آن برای فرد نابینا، داشتن دانش مرتبط با ریاضی به خط بریل می‌باشد. بنا بر این، شما به عنوان والدین و یا معلم چنین کودکان و دانش آموزانی باید دل به یادگیری آن دهید تا راه را برای ایشان هموار کنید.

یادگیری کوتاه نویسی بریل نیز از دیگر مهارتهایی است که باید فرزند یا دانش آموز نابینای شما آن را فرا گیرد.

کوتاه نویسی بریل در کلمات و جملات انگلیسی بدان معنی است که با استفاده از قوانینی برخی کلمات را به نحوی بنویسیم که تعداد خانه‌های کمتری را اشغال نموده و ضمناً به این وسیله، سرعت خواندن را بالا ببریم.

این کوتاه نویسی برای یادگیری سخت بوده ولی میتوان با تمرین، صرف وقت و ارائه‌ی راهنمایی‌های درست در بکارگیری کلیدهای درست خلاصه نویسی به آن دست یافت. هدف یادگیری بریل کوتاه نویسی یا خلاصه شده، ساده است. اگر علاقمند به آموزش و تشویق فرد نابینا به یادگیری آن دارید، می‌بایست برای فهم آن و به منظور یاد دادنش، سعی در یادگرفتن آن نمایید.

در ابتدا به حروفی می‌پردازیم که به تنهایی نماینده‌ی کلمه‌ی خلاصه شده‌اند. فهرست این حروف برای آشنایی در اینجا ذکر می‌گردد. لازم به ذکر است که شکل بریل حروف زیر مد نظر است:

«b» خلاصه کلمه but

«c» خلاصه کلمه can

do «d» خلاصه کلمه

every «e» خلاصه کلمه

from «f» خلاصه کلمه

go «g» خلاصه کلمه

have «h» خلاصه کلمه

حرف «i» خلاصه هیچ کلمه ای نیست، چرا که به تنهایی ضمیر فاعلی I (من) می باشد.

just «j» خلاصه کلمه

knowledge «k» خلاصه کلمه

like «l» خلاصه کلمه

more «m» خلاصه کلمه

not «n» خلاصه کلمه

out «o» خلاصه کلمه

people «p» خلاصه کلمه

quite «q» خلاصه کلمه

rather «r» خلاصه کلمه

so «s» خلاصه کلمه

that «t» خلاصه کلمه

us «u» خلاصه کلمه

very «v» خلاصه کلمه

will «w» خلاصه کلمه

it «x» خلاصه کلمه

you «y» خلاصه کلمه

as «z» خلاصه کلمه

همچنین می توان با فشردن کلید های ۲، ۳، ۴ و ۶، شکل خلاصه ای برای کلمه «the» و با فشردن کلیدهای ۱، ۴، ۵ و ۶ خلاصه ای برای کلمه ی «this»، کلید های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵، ۶ خلاصه ای برای کلمه «of»، کلید های ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ جهت خلاصه کردن کلمه ی «with»، کلید های ۳، ۴ و ۵ برای «ar»، کلید های ۱، ۲، ۴، ۵ و ۶ برای «er»، فشردن هر شش کلید بریل با هم برای کلمه ی «for»، کلید های ۳ و ۵ برای «in» و ۲، ۴، ۶ برای «ow» بدست آورد. باید این نکته را در نظر گرفت که با یادگیری کوتاه نویسی بریل، افرادی که به تازگی بینایی خود را از دست داده اند با سرعت بیشتری خط بریل را می خوانند. با ذکر این نکته به این نتیجه می رسید که دانستن شکل کوتاه شده ی کلمات در سرعت بخشیدن به خواندن و در نهایت، موفقیت فرد در موقعیتهای کاری و تحصیلی ثمر بخش خواهد بود.

این قوانین تنظیم شده توسط چندین و چند نابینا در سراسر دنیا آموخته و در نوشته ها از آن استفاده شده است. فرد نابینایی که از آن در نوشتن بهره می گیرد به واسطه ی سرعت در نوشتن و در نتیجه انجام کار در مدت زمان کمتر، موفقتر خواهد بود و به دلیل همین سرعت است که در نظر همکاران بینایش توانمند دیده می شود.

فرم خلاصه شده ی بریل برای جملات و عبارات مورد استفاده قرار نمی گیرد، تنها برای کلمات و حروف کاربرد دارد. به عنوان مثال، با فشردن کلید های ۱ و ۶ می توان کلمه ی «child» را به شکل خلاصه ی آن نوشت.

یادگیری حروف به عنوان نماینده ی خلاصه کلمه برای شکل پیچیده و مراحل بعدی آن ضروری است.

برای نوشتن فرم خلاصه شده ی «be» میبایست کلید های ۲ و ۳ را فشار دهید.

برای نوشتن دو حرف شبیه به هم در کلمه می توان از شکل کوتاه شده عددی آن استفاده کرد. مثلاً برای نشان دادن «cc» از کلید های ۲ و ۵، برای «dd» از کلید های ۲، ۵ و ۶، برای شکل کوتاه شده ی «ff» از کلید های ۲، ۳ و ۵، برای شکل کوتاه شده ی «gg» از کلید های ۲، ۳، ۴ و ۵ می توان سود جست.

با پیشرفت در یادگیری کوتاه نویسی خط بریل برای زبان انگلیسی با مشکلاتی بر می خوریم، چرا که دیگر با نظم پیشین نمی توانیم پیش رویم. به خصوص اینکه برخی از

علائم دارای ۲ یا چند کاربری هستند. مثلاً ترکیب کلیدهای ۲ و ۶ شکل خلاصه شده ی «en» در ترکیب کلمه و «enough» به تنهایی است.

بیشتر دروسی که برای آموزش به افراد بینا در کمک به افراد با آسیب بینایی تدوین شده اند بیش از ۲ سال طول نمی کشند. نیاز به آموزش کسانی که می خواهند روی پای خود بایستند و اعتماد به نفس خود را نیز افزایش دهند نیز روند فزاینده ای به خود گرفته است. بنابر این داشتن افرادی که صلاحیت آموزش برای رسیدن به این میل قلبی و طبیعی مستقل بودن و خود ارزشمندی را عهده دارند، مهمترین عامل در گسترش خدمات به نفع افراد با آسیب بینایی است.

دستگاه بریل گویا^۱

دستگاه بریل پرکینز در ساخت دستگاه رایانه ای دیگری که دستگاه بریل گویا نام دارد، نقش ویژه ای داشته است. این وسیله ی قابل حمل بریل، اطلاعات را از بریل به نسخه چاپی تبدیل می کند. برونداد صوتی اطلاعاتی که کاربر در حافظه دستگاه نوشته است را برایش می خواند. این پیشرفت تکنولوژیک به فرد با آسیب بینایی در بکارگیری مهارتهای بریلش کمک می کند. امکاناتی همچون امکان اصلاح اشتباههای دیکته ای و شمارش کلمه نیز در نسخه های جدید به آن افزوده شده است.

این دستگاه محدودیتهایی نیز دارد. نخست اینکه شخص باید درایور قابل حملی برای انتقال داده ها از دستگاه بریل گویا به سیستم دیگر، جهت چاپ آن به نسخه ی بینایی بخرد تا به این وسیله معلمان، دانش آموزان و سایر افراد بینا از آن استفاده نمایند.

دیگر اینکه این دستگاه فاقد نمایشگر بریل است. محدود کردن دامنه ی توانایی کاربران در خواندن حروف یا نقاط بریل از دیگر محدودیتهای آن می باشد.

این دستگاه دارای صدای ترکیبی برای خواندن اطلاعاتی است که فرد به واسطه ی بریل تایپ کردن وارد دستگاه می کند.

دستورهای ساده ای برای استفاده مطلوب این دستگاه باید یاد گرفته شوند. عنصر دیجیتالی

یا رایانه ای به فرد، در استفاده از این وسیله بدون وابستگی به کاغذ، نوار، دیسکت و غیره کمک می کند.

هر مجموعه ی داده ها و مدارک، پرونده نامیده می شود که برای ایجاد آن کافی است پس از روشن نمودن دستگاه کلید فاصله را که مستطیل شکل است، فشار دهید. با فشردن نقاط ۱، ۳ و ۵ که در الفبای انگلیسی حرف «O» می باشد، می توان کلمه ی انتخاب شده را شنید.

برای آگاهی از دستور ها می توان حرف «C» را که از نقاط ۱ و ۴ تشکیل یافته استفاده کرد. پس از نوشتن متن مورد نظر، حرف «f» و سپس «C» را جهت ایجاد پرونده تایپ کرده و اسمی را برای این پرونده انتخاب و با فشردن همزمان نقاط ۱ و ۵ که همان حرف «e» است مراحل را به پایان برسانید. با انجام این دستور شما آزادید تا از این دستگاه برای بریل کردن استفاده کنید. کسانی که از استفاده دستگاه بریل پرکینز خوششان نمی آید، با سود بردن از ترکیب صوتی این دستگاه می توانند اطلاعات و داده های مورد نظر را بخوانند.

همه چیز به شکل رایانه ای تنظیم گشته، بنا بر این شما می توانید برای ایجاد خط خالی از کلیدهای فاصله، ۴ و ۶ استفاده کنید و برای خواندن خط قبلی کافیت از کلیدهای فاصله و کلید ۱ استفاده نمایید. برای خواندن خط بعدی نیز می توانید از کلیدهای فاصله و کلید ۴ استفاده کنید.

برای حذف حرف، کلمه و یا خطی که به اشتباه نوشته شده، از کلیدهای فاصله، ۱، ۴ و ۵ استفاده نمایید. در این هنگام ترکیب صوتی از شما می پرسد که آیا این کلمه، حرف یا خط مورد نظر را می خواهید حذف کنید و شما با اعلام بلی، حرف دلخواه را تأیید می کنید. لازم به ذکر است که بلی گفتن به حذف کلمه از این قرار است:

در ابتدا روی کلمه مد نظر قرار گرفته و سپس با فشردن نقاط ۲، ۴، ۵ و ۶ که نمایانگر حرف «W» است، فاصله و نقاط تعیین گر حرف «e» که ۱ و ۵ هستند عمل حذف را به پایان برسانید.

برای حذف یک حرف باید کلید های فاصله ۱، ۴ و ۵ را فشار دهید تا دستگاه از شما بپرسد که خواهان انجام چه عملیاتی هستید و شما با تایپ کردن حرف «C» که از کلید های ۱ و ۴ تشکیل می گردد، حذف حرف را خواهید شنید، سپس برای حذف حرف مد نظر روی آن قرار گیرید و با فشردن دومین کلید واقع در سمت چپ کلید فاصله، آن حرف را پاک

کنید. در نهایت برای ذخیره کردن اطلاعات مورد نظر به راحتی با فشردن همزمان کلید فاصله و کلیدهای نماینده حرف «e» یعنی ۱ و ۵ این اطلاعات را ذخیره نمایید. پس از ذخیره کردن اطلاعات به راحتی می توانید دستگاه را بدون آنکه داده ای را از دست دهید، خاموش کنید. قابلیت چاپ اطلاعات بریل شده توسط این دستگاه به خط بینایی به طور ویژه برای آن دسته از مدرسین نابینا که به تدریس دانش آموزان بینایشان مشغول هستند، مفید است. این وسیله موجب پیشرفت فناوری در جهتی شده که فایده ی آن کمک به کسانی است که علاقمند به یادگیری، اشتغال و زندگی مستقل هستند.

دستگاه نوشتاری بریل^۱

کاربران بریل که مسافرت‌های زیادی دارند و در زندگی شلوغ امروزی مشغول به فعالیت هستند، می توانند از دستگاه بریل قابل حملی به نام دستگاه نوشتاری بریل استفاده کنند که نسخه ی پیشرفته ی دستگاه بریل گویا می باشد. این دستگاه علاوه برداشتن امکانات دستگاه بریل گویا، دارای نمایشگر بریل بوده و امکان اتصال به اینترنت را هنگام خواندن بریل و یا گوش دادن به متنی که توسط صفحه خوان قرائت می شود، برای کاربر نابینا فراهم می نماید. علاوه بر این، کاربران آن، نگرانی درباره ی استفاده از format‌های گوناگون و تبدیل پرونده های بریل به نسخه چاپی ندارند و دلیل آن اضافه شدن امکان پست الکترونیکی به این دستگاه می باشد. در ضمن این دستگاه امکان استفاده از اینترنت و پست الکترونیک را حین سفر و کار فراهم می کند.

ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که در هر حال، هنگام خرید این دستگاه و سایر امکانات تکنولوژیک، از سالم بودن و کار کردن آن اطلاع حاصل کنید، چرا که برخی از فروشندگان این وسایل، بی نقص بودن و کار کردن دستگاه را تضمین نمی کنند.

در برخی از کشور ها، امکان تهیه وسایل مورد نیاز افراد با آسیب بینایی و البته سایر معلولیتها توسط دولت فراهم است و این امر موجب می شود که فرد معلول به دلیل گران بودن دستگاه از خرید آن صرف نظر نکند.

اگر علاقمند به خواندن کتب در سفر باشید و یا نیازمند برخی اطلاعات مرتبط با شغلتان باشید و در این مورد عجله داشته باشید و یا بخواهید بدون کمک گرفتن از دیگران به این اطلاعات دست یابید، این دستگاه بهترین گزینه است که فرد را در دستیابی به خودیاری در امر خواندن و در نتیجه بهره مندی از زندگی مستقل، یاری می کند.

چاپگر

چالش های اولیه در امر چاپ نسخه بریل، اطلاعات، کیفیت آن و طبیعت پیچیده دستگاه و نرم افزار بود. بسیاری از دستگاههای بریل، محصولات بریل با کیفیتهای بهتر تولید کرده اند. بازدهی این دستگاهها در رونویسی از کتابهای چاپی به خط بریل توسط چاپگرهای بریل، بهترین شیوه ی دسترسی افراد نابینا به منابع مکتوب مورد نیاز در مدرسه، محل اشتغال و سایر اماکن در محیط زندگیشان می باشد.

با توجه به اینکه انواع مختلف دستگاه ها و چاپگرهای بریل در بازار موجود است، با توجه به نیاز و امکان مالی باید بهترین انتخاب را برای فرزند یا دانش آموز خود داشته باشید.

چاپگر بریل لیزری که بیشتر مواقع در کتابخانه ها و مراکز بزرگ برای رونویسی و چاپ کتب بریل مورد استفاده قرار می گیرد، امکان داشتن کتاب با تعداد بیشتر و با کیفیت بهتر را فراهم می نماید.

اگر افراد نابینا نحوه ی استفاده از این دستگاهها را برای تولید کتاب بریل بیاموزند، می توانند به تدریج پیشرفت کرده و به راحتی و مستقلانه در هر جای دنیا که باشند، زندگی کنند.

افراد نابینا همانند کودکان و بزرگسالان بینا دوست دارند به زندگی مستقل، فعال و اهداف مترقیانه دست یابند. می دانیم که دستیابی به این هدف برای این افراد مشکل است، چرا که ایشان موانع مختلفی در غلبه بر جهانی که افراد با مشکل بینایی در آن زندگی می کنند را درک و تجربه کرده اند.

به خاطر همین است که افراد متخصص، معلمین، والدین و خود افراد با آسیب بینایی همواره در تلاشند راههای بهتر و ثمر بخش تری را برای نیل به این هدف بیابند.

تسهیلات و امکاناتی که شرح آن رفت تنها بخش کوچکی از آن چیزی است که برای

پیشرفت و کسب زندگی مستقل افراد با آسیب بینایی تهیه گردیده است. این مراکز و کسانی که به امر آموزش کودکان و بزرگسالان نابینا و کم بینا مشغول هستند، منابعی را برای اشتغال و زندگی مستقل مالی و عاطفی فراهم می نمایند.

اگر علاقمند به تهیه ی این خدمات برای دوست، همکار و هر فرد نابینای دیگری می باشید، باید به وی در گذر از این مراحل که حکم مرحله ی برزخ را دارد کمک کنید.

فراهم نمودن این خدمات برای خانواده ها و دوستانی که برای یادگیری این مهارتها تلاش می کنند، ضروری است، پس، پیش از اینکه این خدمات را به ایشان پیشنهاد کنید، تحقیق جامعی از مراکز آموزش و نحوه ارائه ی آن خدمات به عمل آورید.

فصل ۸

مسائل اشتغال افراد نابینا و راهکارهای پیش رو

مقدمه

اشتغال، اهمیت و ضرورت ویژه‌ای در زندگی انسان دارد و یافتن شغل یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های افراد، به ویژه افراد نابینا به شمار می‌رود. به همین دلیل در نظر داریم در این فصل با پرداختن به این امر بسیار مهم در دستیابی فرد نابینا به زندگی مستقل و ارائه‌ی راهکارهای ممکن، وی را راهنمون باشیم.

اهمیت پرداختن به مبحث اشتغال افراد با آسیب بینایی

اگر چه برخورداری از شغل مناسب یکی از اجزای اصلی تشکیل دهنده‌ی حقوق شهروندی است، بازدهی و کارآیی شغلی به خصوص برای افراد با آسیب بینایی که دارای مشکلات و مسائل خاص و نیز توانمندی و استعدادهای ویژه‌ای هستند، امری ضروری به شمار می‌رود. روشن است بازدهی بالا در شغل، با تحت تأثیر قرار دادن سطح انگیزش افراد، منجر به بهبود سطح اعتماد به نفس و رضایتمندی افراد نابینا شده و دیدگاه جامعه را در مورد ایشان بهبود خواهد بخشید.

در این صورت افراد نابینا قادر خواهند بود که در مشاغل خود، دوشادوش دیگر هم‌تایان بینای خود به تعامل پرداخته و حتی در سطح بهتری عمل نمایند. در هر حال و در هر لحظه که افراد به کار می‌پردازند، عوامل متعددی بازدهی کار و شیوه‌ی عمل آنها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

امروزه مدیریت نیروی انسانی در صنعت و اقتصاد یک جامعه و کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نقش بسزایی در پیشرفت و تعالی اقتصاد و فرهنگ یک جامعه دارد. در این راستا مدیریت نیروی انسانی افراد آسیب دیده و معلول در اقتصاد و صنعت به تدریج جای خود را باز کرده و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود.

افراد نابینا و کم بینا نیز جزئی از نیروی انسانی معلول به شمار می‌آیند که درصد قابل توجهی از افراد معلول را شامل می‌شوند. این افراد یا به هنگام کار در کارخانجات و محیط کار نابینا شده‌اند و یا در اثر عوامل ژنتیکی و حوادث. این مجموعه‌ی انسانی به صورت پتانسیل نیروی انسانی نابینا، متقاضی ورود به عرصه‌ی کار و اشتغال هستند.

در اینجاست که مدیریت نیروی انسانی وظیفه دارد که با برنامه ریزی صحیح و آموزش مهارت‌های لازم و فراهم نمودن امکانات و شرایط مساعد و برابر برای این قشر، بتواند از امکانات و پتانسیل‌های نیروی انسانی افراد آسیب دیده و معلول به نحو احسن استفاده کند. به طور کلی افراد نابینا با مشکلات اقتصادی بسیاری به دلیل بیکاری یا عدم اشتغال مواجه هستند که در این میان زنان نابینا نسبت به مردان مشکل بیشتری دارند (هوتن و ویل، ۲۰۰۳). هوتن و ویل (۱۹۹۷) در تحقیق خود مشاهده کرد که افراد نابینا در زمینه‌ی مشکل اقتصادی و عدم اشتغال وضعیتی شبیه به سایر ناتوانی‌های شدید مثل افراد دارای فلج مغزی، کوداری پلژیا و عقب مانده ذهنی دارند.

کریچنرو اشمیدل^۲ (۱۹۹۷)، به نقل از شجاعی و همتی علمدارلو، (۱۳۸۸) نیز تأیید کرده‌اند که افراد نابینا در بین سایر افراد عادی و افراد معلول بیشترین مشکلات را در زمینه‌ی اشتغال و نگهداری شغل دارند.

با توجه به ارقام و اعداد ارائه شده توسط مرکز آمار ایران، از کل جمعیت کشور حدود ۹۴/۲۳۱ نفر (یعنی ۰/۱۳ درصد) نابینا می‌باشند و از این تعداد اگر سن اشتغال را ۱۸ تا ۶۰ سال در نظر بگیریم، ۳۹/۳۴۵ نفرشان در سن اشتغال قرار دارند، ولی اینکه چه تعداد و چه درصدی مشغول به کار هستند، هیچ اطلاع و آمار دقیقی در دست نمی‌باشد.

از طریق اشتغال هم نیازهای اولیه‌ی انسان و هم نیازهای ثانویه (خودشکوفایی، عزت نفس و...) برآورده می‌شود.

از طریق مولد بودن و مؤثر بودن و برقراری ارتباط با همسالان و همکاران، افراد رضایت

شغلی پیدا نموده و نیازهای خود را برآورده می نمایند (دیویس^۱، ۲۰۰۲). علاوه بر برآوردن مزایای مرئی و آشکار مثل مزایای اقتصادی ناشی از اشتغال، منافع دیگری چون خود باوری و کشف هویت نیز میتواند حاصل اشتغال باشد. فرآیندها و روش های متعدد ارائه و فراهم نمودن خدمات توانبخشی و آموزش های ویژه برای افرادی که از لحاظ بینایی دارای مشکل هستند، هزاران فایده ی محسوس و غیر محسوس را شامل می شود. بنابراین، علاوه بر مزیت ها و فواید خدمات آموزشی و توانبخشی، ارائه ی این خدمات منجر به استخدام افراد نابینا و سایر آسیبهای بینایی و افزایش قابلیت استخدام آنها نیز می شود.

فراهم کردن و ایجاد شرایط استخدام برای افراد نابینا از همان سالهای اولیه می بایست مورد نظر قرار گیرد، زیرا برای همه ی افراد جامعه (چه آنان که دارای معلولیت می باشند چه آنان که دارای معلولیتی نیستند)، جستجو، کسب و نگهداری کار و حرفه، مزایای چند جانبه ای دارد که استانداردهای زندگی و استقلال اقتصادی و مشارکت اجتماعی و اقتصادی (کفایت اجتماعی و اقتصادی)، احساس خود ارزشمندی و اعتماد به نفس را در آنان افزایش می دهد. این امکانات به ویژه برای افراد با نیازهای ویژه که با محدودیت فرصتهای شغلی و استخدامی روبه رو هستند، بسیار ضروری و حیاتی است.

موانع اشتغال افراد با آسیب بینایی

در کشور ایران بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، تعداد افراد معلول ۱/۲۵۷/۳۷۳ نفر و تعداد افراد نابینا ۹۴/۲۳۱ نفر گزارش شده است.

در سال ۱۹۷۳، کنگره امریکا قانون توانبخشی شغلی را که از تبعیض و تفاوت میان افراد عادی و استثنایی در حوزه های استخدامی نسبت به افراد معلول جلوگیری کرده و قابلیت دسترسی آموزش عالی را برای همه ی افراد معلول امکان پذیر کرده، به تصویب رساند.

در سال ۱۹۹۰، این قانون مورد بازنگری قرار گرفت و به عنوان قانون ۳۳۶-۱۱۰۱P، قانون افراد دارای ناتوانیهای آمریکا (ADA)^۲ شناخته شد. این قوانین، هرگونه تفاوت قائل شدن میان افراد را بر اساس معلولیتشان باز می دارد و بر دسترسی افراد معلول مانند سایر افراد جامعه به کار، کالاها و خدمات اجتماعی و اقتصادی تأکید می کند.

قوانین مذکور، کارفرمایان را از قرار دادن تفاوت میان افراد واجد شرایط در هنگام

استخدام منع می کند (هینتن^۱، ۲۰۰۳).

به طور کلی، کار علاوه بر مزایای اقتصادی و مادی، احساس هویت، کمال و استقلال و کفایت را به شخص می بخشد، همچنین حضور در محیط کار، زمینه‌ی تعاملات اجتماعی خارج از منزل را برای افراد فراهم می کند.

مطالعات چندی نشان داده اند که افراد شاغل بعد از اشتغال، عزت نفسشان افزایش یافته و سطح خودکارآمدیشان بالاتر رفته است و برعکس در صورت بیکاری درافراد غیر شاغل، میزان افسردگی افزایش و عزت نفس کاهش یافته و از طرف دیگر این مسأله، تأثیر منفی بر زندگی و روابط خانوادگی و بین فردی آنها داشته است (لئونارد^۲، ۲۰۰۰، به نقل از لاگرا و دی^۳، ۲۰۰۵) و در این میان افراد ناتوان به ویژه افراد نابینا و با مشکلات بینایی بیشتر آسیب می بینند (وولف و اسپونجین^۴، ۲۰۰۲).

علاوه بر مطالب ارائه شده، نگهداری و حفظ حرفه برای افراد نابینا تحت تأثیر پیچیدگیهای شغلی آنان نیز قرار می گیرد، مانند پذیرش آنها توسط همکاران، در محیط کار و مراجعه کنندگان به آنها مانند مشتری ها، نقل و انتقال آنها به محل کار و اطمینان و ایمنی در محیط کار و.... علاوه بر نگرش کارفرمایان، نگرشهای منفی عموم مردم (اودی^۵، ۱۹۹۹، کرودن^۶، ۱۹۹۸، به نقل از شجاعی و همتی علمدارلو، ۱۳۸۸)، نگرش همکاران (کلی، ۲۰۰۳) نیز جزء موانع نگرشی محسوب می شوند.

مسأله رفت و آمد عامل دیگری است که در همه‌ی مطالعاتی که در آنها موانع اشتغال افراد نابینا مورد بررسی قرار گرفته است، توسط افراد نابینا چه شاغل، چه بیکار و چه مشاوران و افرادی که در خدمت افراد با آسیب بینایی و نابینا هستند، به آن اشاره شده است (کرودن و مک برون^۷، ۱۹۹۹، کرودن و همکاران، ۱۹۹۸، به نقل از شجاعی و همتی علمدارلو، ۱۳۸۸). عامل مهم بعدی ذکر شده در پژوهشها، مشکل دسترسی به مطالب نوشتاری و چاپ شده می باشد، از جمله کرودن در سال ۱۹۹۸ در تحقیق خود بر روی افراد نابینای جویای شغل، علاوه بر نگرش مردم و کارفرمایان و نبود تواناییهای شغلی، مشکل دسترسی به نوشته ها و

1. Hinten
2. Leonard
3. Lagra & dey
4. Wolf & Sponjin
5. oday
6. Crudden
7. Mackbrown

مسائل مربوط به رایانه‌ها را به عنوان موانع مهم در اشتغال از نظر این افراد ذکر کرده است که البته این یافته را تحقیقات کرودن و مک برون (۱۹۹۹)، رومریل^۱ و همکاران، (۱۹۹۷) و رومریل و همکاران (۱۹۹۸) نیز تأیید می‌کنند.

بکارگیری فناوری اطلاعات در قالب آموزش الکترونیک کمک فراوانی در بالا بردن سطح و سرعت یادگیری افراد نابینا داشته و از طرفی جبران کمبود منابع آموزش به بریل را خواهد کرد. همچنین بکارگیری آموزش الکترونیک به عنوان راهکار آموزشی، مشکلات جانبی یادگیری موجود در سر راه افراد نابینا از قبیل ایاب و ذهاب، عدم وجود متقاضی کافی جهت تشکیل کلاس حضوری در رشته‌های خاص و امثال آن را حل خواهد نمود و باعث تنوع رشته‌های تحصیلی ایشان و بالا رفتن میانگین مدارج علمی خواهد شد. قطعاً افزایش سطح علمی و تنوع بیشتر رشته‌های تحصیلی با بکارگیری فناوری اطلاعات، تأثیر فراوانی بر اشتغال افراد نابینا داشته و مشاغلی را که این افراد در آنها موفق به کسب مدارج علمی شده‌اند به محدوده‌ی شغلی این افراد اضافه می‌کند.

رایانه به عنوان ابزار ارتباط و اینترنت به عنوان شاهره ارتباطی، می‌تواند کمک شایانی به انجام کار به افراد نابینا کرده و به عنوان ابزار مناسب جهت سهولت انجام برخی از کارها برای ایشان باشد.

مشاغلی در جامعه وجود دارند که با بکارگیری رایانه در مؤسسات دولتی و خصوصی، انجام می‌شوند، مثل ثبت اسناد حسابداری در نرم افزار مالی، اسکن مدارک و بایگانی، به روزرسانی اطلاعات در پایگاه اطلاع رسانی، پاسخ به نامه‌های الکترونیک و... با توجه به اینکه ذات این مشاغل نیاز به رایانه دارد و قشر نابینا با این ابزار به خوبی آشنا بوده و کار می‌کنند، فقط کافی است نرم افزارهای تهیه شده جهت این مشاغل طوری طراحی شوند که مناسب جهت افراد نابینا باشد.

چنانچه این مناسب سازی انجام گیرد و یا بتوان دستگاههای زیربط را مجاب به اجباری کردن این استانداردها حداقل در پایگاهها و نرم افزارهای مؤسسات دولتی و نیمه دولتی کرد، درهای بیشتری جهت اشتغال افراد نابینا باز خواهد شد.

دستگاههای تکنولوژیک کمکی (حمایتی)، افراد نابینا را برای تسهیل مدیریت فردی، آموزش و عملکرد کاری آماده می‌کند. همچنین صدها نوع وسیله ارتباطی دیگر نیز برای

افراد نابینا وجود دارد که دستگاههای ضمیمه زیادی از سخت افزارها و نرم افزارها را شامل شده و برای ارتباط، سازماندهی، برنامه ریزی، آدرس دهی و ذخیره اطلاعات ضروری جهت دسترسی به آنها و جستجو در وبها نیز برای افراد نابینا فراهم می آورد.

به وسیله ی تکنولوژی، افراد آسیب دیده ی بینایی قادر خواهند بود کارهایشان را به صورت مؤثری در محیط کار انجام دهند. اخیراً تعداد زیادی دستگاههای تشخیص صوتی تهیه شده است که عملکرد شغلی و فعالیتهای روزمره ی زندگی افراد معلول به ویژه افراد آسیب دیده ی بینایی شدید را افزایش می دهد (شوگر^۱ ۲۰۰۶).

عامل مهم دیگر، نقص در ارائه برنامه های عمومی مورد نیاز برای افراد نابینا یا با آسیب بینایی است. (کرچنر و اودی، ۱۹۹۹، کرودن و مک برون، ۱۹۹۹، به نقل از شجاعی و همتی علمدارلو ۱۳۸۸)، (کاواناف و استین من^۲، ۲۰۰۰).

ویژگیهای شخصیتی افراد نابینا نیز عامل دیگری بود که در تحقیقات به آنها پرداخته شده بود (کلی^۳، ۲۰۰۲ و کرچنر و همکاران، ۱۹۹۷، به نقل از شجاعی و همتی علمدارلو، ۱۳۸۸).

در پژوهش یونگ^۴، (۱۹۹۵) بر یک گروه ۹ نفری از افراد شاغل نابینا، همی آنها عنوان کردند که ما برای کارهای خود استاندارد های بالایی داشتیم و همیشه به این مسأله فکر می کردیم که باید حتماً استخدام شویم، هر چند که تکیه بر برنامه های عمومی ناخوشایند بود.

علاوه بر پیچیدگی های ذکر شده در ارتباط با متغیرهای شخصیتی و مستقل که تأثیرات منفی بر روی محیط اجتماعی می گذارند، باید در نظر داشت که افراد نابینایی که اعضای خانواده ی آنها بیش از اندازه از آنها حمایت می کنند، کار و حرفه ی پردرآمدی را جهت استخدام جستجو نمی کنند و این موضوع سبب عمیقتر شدن ترس و تردید و دلسردی در این افراد شده و از فعال شدن آنها در مورد جستجو کردن حرفه جلوگیری می کند و آن را به تأخیر می اندازد.

همچنین در تحقیق لاگرو و دی (۲۰۰۵) نیز ویژگیهای شخصیتی و عوامل ناشی از خود آسیب بینایی، جزء موانع ذکر شده بود.

توانمندسازی حرفه ای افراد نابینا

اهداف اصلی هر فرآیند توانمندسازی حرفه ای افراد نابینا، براساس خط مشی سازمان بین

1. Shouger
2. Cavanaugh & Steinman
3. Kelley
4. Young

المللی کار می‌بایست به شرح زیر باشد:

۱- شناساندن کیفیت کاری افراد نابینا و تلاش برای بالا بردن این کیفیت.

۲- تأکید بر شایستگی و تواناییهای کاری ایشان، نه بر ناتوانیهای آنان.

۳- ایجاد امکانات بیشتر برای اشتغال افراد نابینا.

۴- فائق آمدن بر تبعیض‌های موجود علیه افراد نابینا در رابطه با اشتغال.

توانبخشی حرفه‌ای برای هر فرد با آسیب بینایی که از آن بهره می‌گیرد باید یک مجموعه‌ی جامع و پیوسته از اقداماتی باشد که از لحظه‌ی شناسایی فرد نابینا آغاز گشته و تا رسیدن به مرحله‌ی اشتغال در بازار کار و بعد نیز ادامه یابد.

هر فرآیند توانمندسازی حرفه‌ای افراد نابینا و کم‌بینا شامل چهار مرحله است که عبارتند از:

مرحله‌ی اول: بررسی زمینه‌های شغلی، ایجاد بسترهای مناسب برای اشتغال افراد نابینا.

مرحله‌ی دوم: بررسی عوامل مؤثر در مشاوره حرفه‌ای و شغل افراد نابینا.

مرحله‌ی سوم: توانبخشی حرفه‌ای و تخصصی ایشان.

مرحله‌ی چهارم: حمایت و پشتیبانی از افراد نابینا (ساعی شتربانی و خباز، ۱۳۸۸).

با توجه به مقررات وضع شده و وجود وسایل حمایتی و تجهیزات کمکی زیاد و متنوع، بسیاری از افراد نابینا می‌توانند کارهای حرفه‌ای خود را به صورت مؤثر و بهتر انجام بدهند و شغل‌های متنوعی را کسب کنند. بنابراین افراد نابینا و با آسیب بینایی باید تشویق شوند تا شغل‌های مناسب و مفید را برای کسب و انجام آنها جستجو کنند.

تلاش‌های هدفمند برای توانمندسازی افراد نابینا برای کسب و حفظ حرفه، باید به وسیله امکانات و روش‌های آموزشی آغاز شود، زیرا کسب مهارت‌های اولیه‌ی ارتباطی - نوشتاری، از طریق وسایل پیشرفته، آنها را بعد از اتمام تحصیل قابل استخدام می‌کند.

فرایندها و روش‌های توانمندسازی باید بر روی حقوق این افراد تمرکز پیدا کنند، زیرا

پیگیری کسب درآمد برای تمامی افراد جامعه و به ویژه افراد با نیازهای ویژه، حقی است که در تمامی ماده‌های قانونی و حتی قانون اساسی ذکر شده است و قوانین متعددی در این موارد تصویب شده است که عبارتند از: قانون توانبخشی شغلی و قوانین ۱۰۱-۱۱۲، ۹۳-PL، قانون سال ۱۹۹۰ افراد دارای ناتوانی (معلولان) آمریکا. این قوانین اشاره دارند که افراد نابینا مانند افراد عادی دارای حقوق اجتماعی بوده و حق مشارکت در جامعه دارند و هیچ‌گونه تفاوتی در ارائه خدمات اجتماعی نباید بین آنها و دیگر افراد باشد.

- بارکر^۱، (۱۹۹۵) اهداف قابل سنجشی را برای توانمند سازی افراد نابینا در عرصه ی جستجو، کسب و نگهداری شغل و کار ارائه داده است که این اهداف به طور خلاصه عبارتند از:
- ۱- بسته های جبرانی و پرفایده.
 - ۲- نزدیکی به خانواده، دوستان و جامعه.
 - ۳- احترام قائل شدن برای افراد بزرگی که به وسیله ی مدیریت ها و اشخاص با نفوذ حمایت می شوند.
 - ۴- فرصتهای خودشکوفایی.
 - ۵- امنیت عاطفی و جسمانی.
 - ۶- احساس تعلق.
 - ۷- فرصتهایی برای ارتقا شخصی و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی.
- در کنار مقیاسهای عینی برای توانمند سازی فن آوری، هسته اصلی، افزایش قابلیت استخدام افراد نابینا می باشد.
- علاوه بر مطالب ارائه شده، باید آموزش عمومی کارفرمایان و بخشهای عمومی در ارتباط با افراد نابینا مد نظر قرار گیرد تا افسانه و تصورات نادرست درباره آنها برطرف گردد.

راهکارهای پیش رو

در راستای کمک به افراد نابینا یا با آسیب بینایی برای غلبه بر موانع استخدام و اشتغال و کسب و نگهداری بهتر شغل، راهبردها و استراتژیهای بسیاری در پژوهشها و تحقیقات مختلف ذکر شده است که هر کدام از آنها در اینجا به طور اختصار آورده شده است.

- یکی از راهبردهای مؤثر، افزایش و بهبود سیستم رفت و آمد و حل مشکلات مربوط به آن است. به ویژه باید شرایطی فراهم شود که افراد نابینا یا با آسیب بینایی، بتوانند مستقلانه از محیط کار به منزل و برعکس یا در داخل محیط شغلی خود رفت و آمد داشته باشند.

در اینجا نکاتی اساسی در توجه بیشتر نیازهای افراد با آسیب بینایی در دستیابی به دنیایی مستقل تر به ویژه در محیط کار پیشنهاد می گردد:

در برقراری ارتباط فرد با زندگی روزمره، محل کار، مراکز بهداشتی، آموزشی و جامعه در مقیاس بزرگتر، عدم دسترسی به وسایل حمل و نقل می تواند مانعی بزرگ باشد و به همین دلیل

توجه به این امر و پیگیری مشکل و تلاش در حل آن، مطمئناً در دستیابی فرد به زندگی بهتر و مستقل تر اثر بخش خواهد بود. به این منظور، بهترین الگو، مراجعه به پیشینه ی فعالیتهای انجام شده در این راستا در کشورهای دیگر است تا بتوان از این طریق راهکاری، برای داشتن حمل و نقلی آسان در کشور یافت.

از بررسی های به عمل آمده اینگونه می توان نتیجه گرفت که در اکثر کشورهای پیشرفته که سالهاست برنامه های مدون برای شهروندان معلول خود دارند، مرکزی برای ساماندهی حمل و نقل این افراد تأسیس شده است.

به عنوان مثال در کشور فرانسه فرد معلول و شخص نابینا با ارائه ی برنامه ی کاری هفته آینده خود به این مرکز، می تواند از تسهیلات آن بهره مند شود و با در اختیار داشتن ماشین بدون مشکل در سطح شهر رفت و آمد نماید. با این امر وی از وابستگی به اعضای خانواده ی خود رها گشته، امکان بیشتری در رسیدن به برنامه های کاری، تحقیقی، درمانی و آموزش فردی خواهد داشت.

- از طرف دیگر، حل مشکلات دسترسی به نوشته های چاپی نیز راهبرد دیگری است که برای حل مشکل اشتغال و نگهداری شغلی افراد نابینا یا با آسیب بینایی ذکر شده است (یونگ، ۱۹۹۵، کرودن و همکارانش، ۲۰۰۵).

- اصلاح و بهبود نگرشهای همکاران و کارفرمایان از راهبردهای بسیار سازنده و مهم دیگر می باشد که جهت رسیدن به این هدف، آموزش کارفرمایان در مورد تواناییها و شایستگیهای افراد نابینا یا با آسیب بینایی (لاگرو و دی، ۲۰۰۵) و فراهم کردن شرایط ارتباط بین کارفرمایان بالقوه و افراد نابینا، می تواند نگرشهای منفی آنها را به نحو چشم گیری کاهش دهد (کرودن و همکاران، ۲۰۰۵، به نقل از شجاعی و همتی علمدارلو، ۱۳۸۸).

- استفاده از تکنولوژی ها و ابزارهای کمکی و مسائل سازگاری شغلی در استفاده از این ابزارها نیز یکی از مهمترین راهبردهای شغلی به حساب می آید (سیکا و استفان، ۱۹۹۷).

- داشتن مهارتهای تمرکز و جهت یابی، از جمله مهارتهای جهت یابی عمومی و متمرکز، آشنایی با انواع روشهای تحرک و جایابی مثلاً استفاده از عصا و به کارگیری این مهارتها از عوامل ضروری هستند که یک فرد نابینا باید درمحل کار برای کسب شغل و نگهداری آن، به آنها توجه کامل داشته باشد.

- برای حل مشکل اشتغال لازم است متناسب با محل سکونت، میزان تحصیلات و توانایی فرد نابینا، روشهای مقتضی در نظر گرفت و مسئولین ذیربط، کلیه عواملی که مشکل اشتغال را کاهش می دهد، مورد بررسی قرار دهند.

- بعضاً مشاهده شده که کارشناسان امور اشتغال به علت عدم علاقه و آگاهی کافی به کار خود باعث ایجاد مشکلاتی در این زمینه شده اند، لذا ضروریست از افراد علاقه مند استفاده نمود و دوره های آموزشی برای آنان ایجاد کرد.

- جهت افزایش توانایی حرفه ای افراد نابینا با مساعدت اداره کار و سازمان بهزیستی، باید کارگاههای حرفه آموزی ایجاد کرد. ایجاد نمایشگاههایی جهت آگاهی جامعه نسبت به توانمندیهای افراد نابینا در کارهای تولیدی، استخدام افراد نابینای تحصیل کرده در پستها و مشاغل مناسب فرد و حمایت دولت و مجلس و...

اجرای مصوبه مجلس مبنی بر قانون ۳٪ از طریق دولت و ارگانهای ذیربط مفید خواهند بود.
- همچنین وزارت آموزش و پرورش در یکی از مقاطع راهنمایی یا دبیرستان و در یکی از دروس علوم اجتماعی، روانشناسی و یا ادبیات فارسی، درسی را با عنوان آشنایی با افراد معلول بگنجانند تا به تدریج دانش آموزان امروز که آینده سازان جامعه فردا خواهند بود، از این طریق با توانمندیهای افراد معلول و به خصوص افراد نابینا آشنا گشته و نسبت به تواناییهای آنها دید گاهی مثبت داشته باشند.

- سازمان فنی و حرفه ای کشور در راستای توانمندسازی حرفه ای افراد معلول، اقدام به تأسیس واحدهای آموزش فنی و حرفه ای برای افراد معلول و به خصوص افراد نابینا نماید.
- وزارت تعاون، تسهیلات و امتیازات ویژه ای را برای حمایت از تشکیل تعاونیهای کاری و شغلی افراد معلول و به ویژه افراد نابینا و کم بینا در نظر بگیرد.

اگر ما بتوانیم افراد کم بینا را از نابینا جدا کرده و با تفکیک توانمندی هایشان به سازمانها معرفی کنیم و قبل از معرفی آنها، دوره های کارآموزی را در برخی از حرفه ها برای آنها برگزار نماییم، قدر مسلم علاوه بر ایجاد فضای کار مناسب، متناسب با توانمندی هایشان، توانسته ایم فضای خالی در پست اپراتوری تلفن را در انحصار افراد نابینا قرار دهیم.

- ما باید بکوشیم در برنامه ریزیهای خود در امر اشتغال افراد نابینا و کم بینا به گونه ای عمل کنیم که برای افراد آسیب پذیر، ضریب امنیتی بیشتری را تدارک بینیم، چرا که در صورت نگاه یکسان به افراد مختلف با قابلیتها و محدودیتهای متفاوت، افق دید خود را محدود کرده و نتوانسته ایم بطور واقعی برنامه ای فراگیر را طراحی و اجرا نماییم.

نتیجه گیری

استخدام و اشتغال افراد با آسیب بینایی با مشکلات شناختی و اجتماعی چند جانبه ای روبرو است. بر خلاف این موضوع، ضروری است، تا این افراد را جهت کسب شغل و حرفه ای مناسب توانمند سازیم، زیرا افراد نابینا نیز مانند دیگر افراد جامعه، حقوق قانونی و مدنی داشته و حق دارند تا با کسب درآمد، استقلال اقتصادی داشته باشند و این امر با توسعه ی تکنولوژی های حمایتی رو به افزایش است. این پیشرفت قابل توجه تکنولوژی باعث شفافیت حقوق و حس زیاده خواهی این افراد شده و بهانه های کارفرمایان و مدیران را برطرف می کند. بنابراین عدم توانمندسازی و بکارگیری افراد نابینا در حرفه های مختلف قابل پذیرش نبوده و یک اقدام غیر قابل دفاع بوده و تخطی از حقوق بشر و قانون اساسی ملت هاست.

با فراهم سازی زمینه های ارتباطی بین کارفرمایان بالقوه و افراد با آسیب بینایی از یک طرف و آگاه ساختن عموم جامعه به طور کلی در مورد توانمندیها و ویژگیهای این افراد، از طرف دیگر، می توان کمک بسیار مؤثری در استخدام و اشتغال افراد نابینا یا با آسیب بینایی در محیط های اشتغال رقابتی، انجام داد و در کنار این موضوع، کفایت و شایستگی افراد نابینا در تحرک و جهت یابی، وجود تکنولوژیهای کمکی مورد نیاز آنها در رابطه با شغلشان و تشکیل دوره های باز آموزی با تغییر تکنولوژیها و کفایت و مهارت در استفاده از خط بریل، از راهبردهای بسیار مؤثر دیگر در غلبه بر مشکلات و موانع اشتغال می باشد.

متأسفانه به دلیل عدم شناخت کافی از میزان توانایی ها و قابلیت های این افراد، تعداد بسیار زیادی از این افراد مورد بی مهری در همه زمینه های تحصیلی، اجتماعی، شغلی و... قرار می گیرند و شاهد مثال آن تعداد بی شمار دانشجویان و دانش آموختگان با آسیب بینایی که بعد از گذشت سالها از فارغ التحصیلی و علی رغم شایستگی ها و مهارتهای کافی در رشته ها و مشاغل مختلف همچنان در جستجوی یک شغل مناسب با شأن و مقام و تجربه و شایستگی های خود دست و پنجه نرم می کنند، است.

فصل ۹

مسائل فرهنگی پیش روی افراد با آسیب بینایی

مقدمه

بسیاری از صاحب نظران علوم انسانی، «فرهنگ» را اساس و شالوده‌ی هر جامعه‌ای می‌دانند که در پرتو آن شاخص‌های دیگر جامعه در عرصه‌ی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، معنا و مفهوم و تشخیص پیدا می‌کند.

«فرهنگ» مقوله‌ای بسیار گسترده است، از این رو جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، اقتصاددانان توسعه و سیاستگذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی درباره‌ی تعریف جامع و کامل آن اتفاق نظر ندارند و هر یک تعریف خاص از آن ارائه داده‌اند.

در یک تعریف ساده، از فرهنگ به عنوان میراث ملی یاد شده است. یک تعریف دیگر آن است که فرهنگ مجموعه‌ی پیچیده‌ای، متضمن معلومات، معتقدات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم، قابلیت‌ها و عادات مکتسبه‌ی انسان‌ها می‌باشد.

فرهنگ، امری اجتماعی و مبتنی بر روابط اجتماعی انسان‌هاست و چنین است که فرهنگ برای انسان و جامعه‌ی انسانی، امری لازم و حیاتی است و زندگی انسان بدون آن دچار اختلال می‌شود (به نقل از پایگاه اینترنتی www.kayhannews.ir، ۱۳۸۷).

مسائل فرهنگی افراد نابینا

با توجه به تعاریف بالا، در صورتی که بخواهیم در خصوص مسائل فرهنگی که افراد با آسیب

بینایی با آن مواجهند به بحث پردازیم، مفید خواهد بود که درباره‌ی مشکلات فرهنگی که ایشان در جامعه با آن برخورد می‌کنند و نیز شیوه‌های رفتار مناسب با آن، مطالبی را ارائه داده و در ادامه به آشنایی بیشتر با افراد نابینایی که نمونه‌ی کامل یک فرد نابینا بوده و هستند پردازیم، چرا که به این وسیله، زمینه‌ی آشنایی خواننده‌ی محترم را با این افراد و توانمندی‌هایشان مهیا کرده‌ایم. دلیل آن هم این است که بارها در موقعیتهای و شرایط مختلف، شاهد بوده‌ایم که تنها عدم آگاهی از افراد معلول به ویژه افراد نابینا و نحوه‌ی برخورد با آنان بوده که موجبات دوری مردم از ایشان را فراهم کرده است. حتی در برخی اوقات این جمله و نظایر آن را شنیده‌ایم که فرد بینا به دلیل اینکه نکند با راهنمایی خود، فرد نابینا را آزار دهد، از کنار وی گذشته و سپس تا آخرین ساعات آن روز در این فکر به سر می‌برده که آیا با همراهی نکردن، مشکلی برای آن فرد نابینا پیش آمده است یا نه؟

پیش از اینکه وارد این مبحث شویم، لازم می‌داند ضمن تقدیر از تمامی اساتید روانشناسی دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران که حق بزرگی در پیشرفت علمی نگارنده داشته و دارند، با ذکر این نکته‌ی آموزنده از جناب آقای دکتر احمد به پژوه، گامی فرهنگی در راستای فرهنگ سازی مرتبط به افراد نابینا برداریم.

همواره از ایشان این نکته را در کلاسهای روانشناسی می‌شنیدم که فرد معلول به ویژه فرد نابینا قبل از معلول و نابینا بودنش، انسان است و نباید این امر را با گفتن عباراتی نظیر نابینایان، ناشنویان و... زیر سؤال برد، لذا شایسته است از ایشان با عباراتی نظیر «افراد با آسیب بینایی» و «افراد نابینا» یاد کنیم. به همین جهت تلاش گردیده در این کتاب نیز به همان شیوه از ایشان یاد شود.

مشاهده‌ی فردی با عصای سفید در هر گوشه‌ای از خیابان و شهر، احساسی متفاوت را در هر شهروندی بر می‌انگیزد. احساسی که گاه به دلیل نا آگاهی در شیوه‌ی برخورد، باعث آزرده‌گی خاطر افراد نابینا می‌شود.

فقر فرهنگی، مربوط به شخص یا ارگان خاصی نمی‌شود، بلکه تمامی اقشار جامعه را در بر گرفته است. از مسئولین دولتی و غیر دولتی گرفته تا مردمی که شاید به ندرت با افراد با آسیب بینایی برخورد داشته‌اند، با این امر درگیر بوده و آموزش‌های برنامه ریزی شده و مستمر می‌تواند در غنای فرهنگی مؤثر باشد.

در این زمینه، رسانه های جمعی نقش بسزایی دارند. پرداختن به جنبه های مختلف زندگی افراد نابینا ارزنده خواهد بود. به عنوان مثال، تهیه و پخش فیلم ها و نمایش نامه هایی که در آن تواناییها، محدودیت ها و مشکلات ایشان به خوبی و به دور از بزرگنمایی و تقدس بخشیها مورد توجه قرار گرفته باشد، در آگاه سازی اذهان مردم اثر بخش خواهد بود. همچنین ارائه ی مقاله ها، کتابها و مطالبی از این دست به مردم کمک فراوان می کند.

بارها شاهد آن بوده ایم که این عدم آگاهی حتی در میان دانشجویان و اساتید دانشگاه نیز مشکلاتی را برای دانشجویان نابینا و کم بینا فراهم کرده است. مقایسه ها و توقع های بیش از حد از این افراد، مشکلاتی را برایشان ایجاد کرده است. افراد کم بینا به دلیل بهره مندی از مقداری بینایی، مسائل بیشتری را تجربه کرده اند، چرا که به واسطه ی همین بینایی است که برخی از افراد، اساتید و دانشجویان، ایشان را فردی بدون مشکل قلمداد کرده و در نتیجه به شرایط خاص ایشان وقعی ننهاده اند.

مقایسه ها هم اثراتی ناخوشایند داشته است. به عنوان نمونه، در نظر نگرفتن تفاوت های فردی که به حق در میان افراد با آسیب بینایی نیز وجود دارد، موجبات نگرانی خاطر ایشان را فراهم کرده است و ایشان را در دلهره و نگرانی از همراهی نشدن و در نتیجه محرومیت از حمایت انداخته است. با توجه به این موارد است که نقش اعتلای فرهنگی برای افراد با آسیب بینایی روشنتر و مهمتر جلوه می کند.

فقر فرهنگی، ناشی از نبود آموزش و آگاهی کافی در برخورد با هموعان است. با افراد نابینا نیز باید همچون دیگر اقشار جامعه برخورد شود و این در حالی است که در مواجهه با این قشر از جامعه، رفتارها سنجیده نیست.

همانطور که ذکر آن رفت، در برخی موارد، شاهد بوده ایم که این افراد را مقدس و پاک تصور کرده و با عباراتی چون روشندل و دریا دل ایشان را مورد خطاب قرار داده اند، در صورتی که این افراد مانند سایر مردم بوده و این تمایز قائل شدن بین آنها، موجبات آزردهی خاطر ایشان را فراهم کرده است. به قول استاد گرامی جناب آقای دکتر غلامعلی افروز، این افراد ۹۹ درصد همانند دیگرانند و فقط ۱ درصد با ایشان آن هم به واسطه ی محرومیت از نعمت بینایی فرق دارند، پس شایسته است تنها، شرایط محدود کننده ی بینایی را در مورد ایشان لحاظ کرده و با برخورد مناسب با ایشان، شرایطی را فراهم کرد که این افراد از حضور در اجتماع گریزان نبوده و با آرامش خاطر و میل و رغبت در این موقعیت ها شرکت کنند.

سوء استفاده از وضعیت افراد نابینا در هنگام خرید، بی اعتنایی شهروندان در هنگام عبور

و مرور و تردد از خیابان، از جمله مواردی است که این قشر از جامعه با آن دست به گریبان هستند. آموزش مناسب و لحاظ کردن قوانین نا نوشته‌ی انسانی درباره‌ی ایشان، موقعیت بهتری را خلق خواهد کرد. همچنین راهنمایی‌های بیش از حد آن هم بدون توجه به خواست خود فرد با آسیب بینایی نیز مشکل ساز می‌باشد، چرا که در برخی مواقع شاهد بوده‌ایم که رهگذری عصای فرد نابینا را از سطح زمین بلند کرده و وی را راهنمایی نموده است بدون توجه به اینکه باید وی را از موانع موجود مطلع سازد و همین امر، افتادن شخص را در جوی آب یا از روی پله‌ها موجب گردیده است. آموزش درست و فرهنگ سازی بنیادین، راه حل رفع مشکلاتی نظیر آنچه که تا کنون ذکر آن رفت، می‌باشد، البته باید این نکته‌ی اساسی را در نظر گرفت که اگر جامعه به طور کلی در تمامی زمینه‌ها تغییرات اصلاحی را سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار دهد، شاید دیگر نیاز نباشد به طور ویژه به این فرهنگ سازی توجه گردد، ولیکن از آنجا که چنین امری اصولاً امکان پذیر نیست، به موارد خاص باید توجه کرد.

در برخی موارد دیده می‌شود که رانندگان تاکسی از سوار کردن افراد نابینا به دلیل ترس و سلب مسئولیت امتناع می‌کنند.

رفتارهای نادرست مردم که شاید از سر دلسوزی است، باعث گوشه‌گیری و ضربه‌های جبران ناپذیر روحی این افراد می‌شود.

در مکان‌های عمومی و اتوبوس با دیدن هر نابینایی، گاه دیده می‌شود که به وی صدقه می‌دهند و یا به دستش پارچه سبز بسته و برایش دعا می‌کنند تا شاید شفا یابد.

این موارد و مسائل بیشمار دیگر، از جمله مواردی هستند که فرد نابینا را به خود مشغول می‌کنند و موجبات بی‌ رغبتی از حضور در اجتماع را برای وی فراهم می‌سازند.

آموزش و پرورش با اجرای طرح تلفیق کودکان استثنایی با کودکان غیر استثنایی سعی در ایجاد بستری مناسب جهت پذیرش افراد معلول و باور توانایی‌های ایشان از طرف جامعه کرده است.

تلفیق کودکان استثنایی در مدارس غیر استثنایی باعث جهش علمی، اجتماعی و فرهنگی هر دو گروه دانش آموزان شده و مسئولیت پذیری، همدلی و همراهی دانش آموزان غیر استثنایی و ارتباط مفید و سازنده‌ی آنها را با یکدیگر در آینده، منسجم و دوستانه خواهد کرد.

با این شیوه است که در آتی امکان شوکه شدن از دیدار فردی با آسیب بینایی کاهش می‌یابد و به عنوان مثال، وقت و انرژی فرد نابینا در توضیح علت نابینایی، تاریخچه‌ی مراجعات

پزشکی و غیره بیهوده تلف نخواهد شد.

آن زمان، سیاهی دنیای افراد نابینا را فرامی گیرد و رنگ از دنیای آنان رخت برمی بندد که تواناییها و استعدادهایشان در چشم ظاهر سنجیده شده و فرصت رقابت و فعالیت از آنها گرفته شود. مساله ی مهمی که مسؤلیت آن به عهده ی افراد نابینا، والدین و سازمانهای دولتی و مردم نهاد، است، تغییر نگرش در مردم و مسؤلین و ایجاد نگرش مثبت نسبت به نابینایی و کم بینایی است. اگر در جلسه ای، تصورات درست و نادرست جامعه در گروههای مختلف شغلی و اجتماعی نسبت به نابینایی و کم بینایی، بیان شود، متوجه می شویم که تأثیر تغییر نگرش نسبت به نابینایی و کم بینایی، تا چه حد می تواند پایه ای برای بسیاری از فعالیتهای حوزه ی افراد نابینا و کم بینا باشد.

بنابراین باید، طراحی و انجام فعالیتهای آموزشی و توانبخشی برای افراد نابینا و کم بینا به نحوی که ناتوانی ها با کم توانی های آنها جبران شود، صورت گیرد و اینگونه افراد بتوانند پس از گذراندن آموزشها و سپری کردن دوره های ویژه، موقعیت اجتماعی و اقتصادی مناسب خود را به دست آورند و به واسطه ی آن، دنیای خود را روشن و روشنتر کنند.

در کنار آموزش مناسب و بنیادین به خانواده ها و اعضای جامعه، آموزش خود افراد با آسیب بینایی و اطرافیشان نیز نقش مهمی در تغییر دید، نگرش و در نتیجه افزایش سطح فرهنگ جامعه به نابینایی و افراد نابینا دارد. شخص نابینا با توانمند کردن خود و حضور در جامعه تأثیر بسیار در این امر دارد. چگونه می توان از جامعه ای که فردی نابینا را از نزدیک ندیده، انتظار داشت رفتاری مناسب با ایشان داشته باشد؟

از طرف دیگر، در صورتی که خانواده ای که دارای فرزند نابینا و یا کم بینا است، وی را از حضور در میهمانی ها، پارک، سینما و در کل اماکن عمومی که بستر مناسبی برای تغییر دیدگاه جامعه به ایشان است، منع کند، فرصت مطلوب برای این تبادل فرهنگی بین جامعه و شخص نابینا یا کم بینا به وجود نمی آید و در نتیجه، خانواده در این فقر فرهنگی سهیم خواهد بود. آن هنگام که خانواده از تأثیر خود در این فرآیند آگاه باشد و نقش مهمی را در تغییر آن بازی کند، فرد نابینا جایگاه بهتری در جامعه پیدا کرده و با مشکلات کمتری به زندگی پرداخته و استقلال را تجربه خواهد کرد.

دادن فرصت یادگیری هنرها و افزایش توانمندی این افراد، با همکاری و همراهی خانواده های ایشان، این عقیده را در افراد جامعه به وجود می آورد که این افراد، در صورتی که امکانات و تسهیلات مناسب سازی شده در اختیارشان قرار گیرد، می توانند در زمینه های علمی و فرهنگی پیشرفت کنند که این خود در روند تغییر آرام و گاه پنهان فرهنگ جامعه مؤثر است.

آگاهی از کسانی که در عرصه‌ی تاریخ، علی‌رغم محرومیت از حس بینایی و در برخی موارد چند معلولیتی بودن، به مدارج والا و بالای علمی و هنری دست یافته‌اند، خود در رشد نگرش افراد جامعه مؤثر خواهد بود، لذا در این قسمت، به برخی از این اندیشمندان و هنرمندان و زندگی پیشرفتهایشان اشاره می‌گردد، باشد که سهمی هرچند اندک در این مسیر داشته باشیم.

هلن کلر^۱

هلن آدامز کلردر بیست و هفتم ماه ژوئن سال ۱۸۸۰ میلادی در مزرعه‌ای واقع در ایالت «توسکامیبای آلاباما» به دنیا آمد. زمانی که او یک سال و نیم داشت، بیماری مننژیت سبب شد تا بینایی و شنوایی خود را از دست بدهد. سالهای بعد برای خانواده‌ی هلن بسیار ناخوشایند بود، چرا که آنها به این امر آگاه بودند که به دلیل ناتوانی دوگانه‌ی فرزندشان، هیچ راهی برای برقراری ارتباط با او وجود ندارد.

خود هلن هم به گونه‌ای در بدن خود زندانی بود و به تنهایی نمیتوانست نیازهایش را برآورده سازد و یا در آرزوی شهرت باشد.

اگر کسی تلاش می‌کرد چیزی به هلن بیاموزد، با مقاومت شدید او روبرو می‌شد. هلن در برابر کسی که می‌خواست او را ادب کند، خود را به زمین می‌انداخت و از حنجره‌اش صداهای گوشخراشی درمی‌آورد که غیر قابل تحمل بود. بزرگترین حربه‌اش هم این بود که سر خود را به شدت به زمین می‌کوبید و همه را به ستوه می‌آورد. وقتی کار به اینجا می‌رسید، او را به حال خود رها می‌کردند تا هر کاری که دلش می‌خواهد بکند.

پدر و مادر کلر با «الکساندر گراهام بل»^۲ - که آموزگار افراد ناشنوا بود- تماس گرفتند. وقتی گراهام بل، هلن را دید، به هوش ذاتی او پی برد. او به خانواده‌ی هلن پیشنهاد کرد که آموزگاری جوان به نام «آنا سولیوان»^۳ را به خدمت بگیرند تا به هلن جوان درس بیاموزد. خانواده‌ی کلر از وضعیت مالی خوبی برخوردار بودند و می‌توانستند برای فرزندشان آموزگار خصوصی بگیرند، از این رو با خانم سولیوان تماس گرفتند.

آنا سولیوان خود نیز از بینایی نسبتاً کمی برخوردار بود. او در انستیتو «پرکینز» در «بوستون» که ویژه‌ی افراد نابینا و ناشنوا بود، به تحصیل پرداخت. خانواده‌ی هلن، آنا را در بیست و یک

1. Helen Keler

2. Alexander Geraham Bel

3. Anna Solivan

سالگی به خدمت گرفتند تا با آنها زندگی کند و به هلن درس بدهد. سولیوان راهی را به کار برد که هلن بتواند آن را درک کند. این راه شامل نشانه‌هایی بود و با فشار دادن این نشانه‌ها روی کف دست کلر، وی آنها را درک می‌کرد. با بهره‌گیری از این روش، دختر جوان به طور بی‌نظیری قادر به یادگیری و برقراری ارتباط شد. هلن در هشتمین سال تولدش به شهرت رسید و این شهرت در سراسر زندگی او گسترش یافت. وی با کمک «آنا سولیوان»، به یکی از بزرگترین زنان دنیا تبدیل شد. «مارک تواین»^۱، نویسنده‌ی بزرگ و شوخ طبع آمریکایی که نوشته‌هایش جانبداران بیشماری دارد، در یکی از آثار خود نوشت:

«جالب‌ترین شخصیت‌های قرن نوزدهم، به نظر من دو نفر بودند، ناپلئون بناپارت و هلن کلر». زمانی که «مارک تواین»، این سخنان را به زبان آورد، هلن کلر تنها پانزده سال داشت و هنوز مشهور نشده بود. به عبارت دیگر، مارک تواین با تیزهوشی خاص خود فهمیده بود که روزی هلن یکی از جالب‌ترین و شگفت‌انگیزترین زنان قرن بیستم خواهد شد. هلن کلر به کالج «رادکلیف» رفت و با کمک سولیوان که سخنرانی‌ها را روی کف دستش نشان میداد، توانست مدرک خود را بگیرد.

مجله‌ی خانوادگی زنان از هلن درخواست کرد تا زندگینامه‌ی خود را بنویسد و از این راه به کنجکاوی‌های بی‌انتهای مردم سراسر جهان پاسخ دهد. او زندگینامه‌ی خود را نوشت و آن را «داستان زندگی من» نامید. هلن همچنین آموخت که چگونه با فشار دادن انگشتانش روی گلوی خانم سولیوان و پیروی از لرزشهای آن سخن بگوید. او نخستین نابینا و ناشنوایی بود که به عنوان دانشجوی برجسته از کالج فارغ التحصیل شد.

هلن کلر از زمانی که در دانشگاه «رادکلیف» دانشجوی بود، نگارش را آغاز کرد و این حرفه را به مدت پنجاه سال ادامه داد. وی در کنار مجموعه‌ی «زندگی من»، یازده کتاب و مقاله‌های بی‌شمار در زمینه‌ی نابینایی، ناشنوایی، مسائل اجتماعی و حقوق زنان به رشته‌ی تحریر در آورده است.

هلن کلر در سراسر زندگی خود، با شمار زیادی از افراد نامی و سرشناس و همچنین تمامی افرادی که در دوران زندگی او به ریاست جمهوری آمریکا رسیده بودند دیدار کرد.

وی حتی به واسطه‌ی ویالون و استعداد «یاشا هایفز^۱»، ویالونیست مشهور قرن بیستم، لذت موسیقی را تجربه نمود. هلن با حس کردن لرزش‌های ویالون می‌توانست بگوید که آهنگساز موسیقی نواخته شده چه کسی است.

او بیشتر اوقات زندگی‌اش را با شرکت در سخنرانی‌ها به همراه آنا سولیوان، آموزگار و دوست عزیزش سپری کرد. سرانجام سولیوان ازدواج کرد، اما با گذشت مدت زمان کوتاهی از همسر خود جدا شد و نزد هلن بازگشت. کلر به قهرمانی برای افراد نابینا تبدیل شد.

وی کتابهای گوناگونی را منتشر کرد و در اعتراض‌های «خرده‌گیری» که بر ضد استخدام تمام وقت کودکان زیر دوازده سال در آمریکا و همچنین قانون اعدام بود، شرکت می‌کرد.

مدال طلای موسسه‌ی ملی علوم اجتماعی در سال ۱۹۵۲ میلادی به وی داده شد. در سال ۱۹۵۳ میلادی مراسم بزرگداشتی در دانشگاه «سوربون» فرانسه برای او برپا شد و در سال ۱۹۶۴ میلادی بالاترین نشانه‌ی گرامی‌داشت کشور ایالت متحده یعنی مدال آزادی ریاست جمهوری، از سوی رییس‌جمهور وقت، «لیندون ب. جانسون^۲» به وی داده شد.

هلن کلر هرگز نیاز افراد نابینا و نابینا - ناشنوای دیگر را از نظر دور نمی‌داشت. هلن از دوستان دکتر «پیتر سالمون^۳» (مدیر اجرایی خدمات هلن کلر برای افراد نابینا) بود که او را در بنیان نهادن مرکزی یاری نمود که «مرکز ملی هلن کلر برای جوانان و بزرگسالان نابینا_ناشنوا» نام گرفت.

هلن کلر عضو حزب سوسیالیست آمریکا بود و در چندین انتخابات پیاپی از نامزدی «یوجین دبس^۴»، چهره‌ی مشهور کمونیست و سوسیالیست جانبداری می‌کرد. او در زمینه‌ی حقوق زنان نیز تلاش‌های بسیاری نمود و به پشتیبانی از عدم بهره‌برداری و حق رأی برای آنها پرداخت. او همچنین عضو اتحادیه‌ی کارگری چپ «کارگران صنعتی جهان» بود و در مطلبی به نام «چرا به کارگران صنعتی جهان پیوستم»، بیان نمود که چگونه تحت تأثیر اعتصاب «لارنس» به عضویت این اتحادیه درآمده است.

هلن کلر از جانبداران انقلاب روسیه بود و در یادداشتهایی چون «به روسیه‌ی شوروی کمک کنید» و «روح لنین» به این قضیه می‌پردازد.

هلن کلر یک زن نابینا و ناشنوا بود، اما در تمام دوران زندگی خود، صدها برابر یک آدم

1. Yasha Haifez
2. Lindon B. Jonson
3. Pitter Salmon
4. Yoojin Debes

عادی و در زمینه‌های گوناگون کتاب خوانده بود. او حتی بیشتر از بسیاری از افراد تندرست، موزیک گوش می‌کرد و خوشی را درک می‌کرد.

از آنجا که وجود یک بانوی نابینا و ناشنوا - که برخلاف تمام این دشواری‌ها، صحنه‌ی زندگی و مبارزه را ترک نکرد و هیچگاه ناامید، منزوی و گوشه‌گیر نشد- برای مردم جالب و حتی شگفت‌انگیز بود، وقتی قرار شد از زندگی او فیلمی تهیه کنند، خود هلن، اجرای نقش نخست نقش «هلن کلر» را به عهده گرفت و زندگی پر ماجرایش را بازسازی کرد.

هلن کلر که از سال ۱۹۳۶ به «کانکتیکات وستپورت» رفته بود، تا پایان عمر در آنجا ماند و در ژوئن ۱۹۶۸ در سن ۸۷ سالگی درگذشت.

بنیادها و انجمن‌هایی از هلن به یادگار مانده که هدف آنها پایان بخشیدن به مشکل نابینایی است. جایزه‌ی هلن به کسانی داده می‌شود که توجه عموم را پیرامون پژوهش روی موضوع نابینایی متمرکز می‌کنند.

در مراسم به خاک سپاری هلن، سناتور «لیستر هیل»^۱ درباره‌ی او چنین گفت: «او زنده خواهد ماند و یکی از چند نام جاویدانی است که آفریده شده‌اند، اما نه برای مردن. روح او برای همیشه باقی می‌ماند و نسل‌ها می‌توانند داستان‌های بسیاری را از زنی روایت کنند و بخوانند که به جهانیان نشان داد هیچ مرزی برای شجاعت و ایمان وجود ندارد» (به نقل از پایگاه اینترنتی <http://fa.wikipedia.org>، ۱۳۸۹).

طه حسین^۲

طه حسین، ادیب، نویسنده، سخنور بزرگ مصری و ناقد معاصر عرب، از پیشگامان جنبش نوگرایی در مصر بود که در سال ۱۸۸۹ میلادی به دنیا آمد. در کودکی بر اثر عفونت چشم و درمان غلط بیماری، نابینا شد و با اینکه این واقعه قبل از سن ۶ سالگی اش بود، ولی نبوغ و استعدادش از همان زمان مشاهده شد و در ۷ سالگی قرآن را حفظ کرد. مدتی در محضر یک معلم سنی بود که این، باعث شد که در نوجوانی راهی دانشگاه «الازهر» مصر شود و در آنجا علوم اسلامی را فرا گیرد.

از آغاز سال ۱۹۰۸ میلادی، که دانشگاه قدیمی غیر مذهبی مصر تأسیس شد، او به آنجا رفت

و از محضر درس استادان خارجی بهره‌های فراوان برد و زبان فرانسه را یاد گرفت و در رشته‌ی الهیات و ادبیات عرب تحصیل کرد و با وجود نابینایی و تهیدستی، خیلی زود جایی برای خودش در آن دانشگاه باز کرد. اولین دانش‌آموخته‌ی این دانشگاه بود که به دریافت دکترا نائل شد و رساله‌ی دکترای خود را تحت عنوان «ذکری ابوالعلاء» یادبود ابی‌العلاء نوشت.

در همین سال از طرف دانشگاه مصر به فرانسه رفت و در دانشگاه «مونیلیه» شروع به تحصیل کرد. سال ۱۹۱۹ میلادی، رساله‌ی دکترای دیگری درباره‌ی «ابن خلدون» و فلسفه اجتماعی او نوشت. مجدداً به مصر برگشت و استاد تاریخ قدیم یونان و رم شد و تا سال ۱۹۲۵، در همین سمت بود. از همین سال به بعد در دانشکده‌ی ادبیات، استاد تاریخ عرب و از بنیانگذاران «دانشگاه اسکندریه» شد.

طه حسین، از محدودیت تفکر استادان خودش رنج می‌برد، به گونه‌ای که وقتی در سال ۱۹۲۶، کتاب معروف خود «فی شعر الجاهلی» را منتشر کرد و منکر شعر جاهلی شد، غوغائی سخت برپا شد که مجبور شدند نسخه‌های کتاب را جمع‌آوری کنند.

طه، در سال ۱۹۲۸ میلادی رئیس دانشکده ادبیات و در سال ۱۹۵۰ میلادی، وزیر فرهنگ شد. در دوران وزارت خود، تعلیمات متوسطه و تعلیمات فنی را رایگان کرد و قصد داشت که تعلیمات دانشگاهی را نیز رایگان کند که موفق نشد. زیرا معتقد بود که آموزش، برای مردم مانند آب و هوا امری ضروری است و بر اهمیت دموکراتیک بودن آموزش و تحصیل، همیشه تأکید داشت. وی از سال ۱۹۵۲ میلادی به بعد، فقط به کارهای ادبی و تحقیقی پرداخت و یکی از هواداران سرسخت انقلاب ۱۹۵۲ مصر بود.

طه حسین علاوه بر درجه‌ی دکترای «دانشگاه فرانسه و قاهره»، دارای دکترای افتخاری از «دانشگاه کمبریج و مادرید» و «نشان لژیون دونور» و عضو چندین مجمع علمی بوده است. وی در سال ۱۹۷۳ میلادی در سن ۸۴ سالگی درگذشت.

اورمان‌ها و رساله‌های بسیاری نوشت ولی بیشتر در غرب، به خاطر زندگینامه‌ی خود نوشته‌اش، بنام «الایام، روزگار» مشهور شد. آثار دیگری از او هست که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- قاعدة الفکر = پیشروان فکر.
- ۲- حدیث الاربعاء = سخن روزهای چهارشنبه.
- ۳- فی الشعر الجاهلی؛ که بعدها به صورت فی‌الدب الجاهلی چاپ شد.

بعضی از آثار فارسی او عبارتند از:

- ۱- بیچاره طفل! ترجمه (الایام).

- ۲- گفت و شنود فلسفی در زندان ابوالعلاء مصری.
- ۳- قسمتی از «الفتنه الکبری» تحت عنوان «انقلاب بزرگ» و قسمتی دیگر از آن تحت عنوان «علی علیه السلام و فرزندان».
- ۴- آئینه اسلام.
- ۵- در پیرامون سیره نبوی.
- ۶- رؤیاهای شهرزاد.
- ۷- وعده راست (به نقل از پایگاه اینترنتی <http://fa.wikipedia.org>، ۱۳۸۸).

محمد خزائلی

محمد خزائلی فرزند محمد رضا به سال ۱۲۹۲ هجری شمسی در کرهرود اراک چشم به جهان هستی گشود. او در ۱۸ ماهگی بر اثر ابتلا به بیماری آبله، بینایی خود را از دست داد. در آن زمان برای آموزش و پرورش افراد نابینا وسایل و مدارس خاص وجود نداشت. از این رو، رهسپار مکتب خانه‌های قدیم شد و در هفت سالگی به مکتب «شیخ حسین مدنی» رفت.

مدتی برای فراگرفتن قرآن نزد شیخ می‌رفت تا روزی به پدرش گفت: «آقای معلم، قرآن را غلط می‌خواند!» و این اولین انتقاد او نسبت به محیط تعلیم و تربیت بود. پدرش متوجه شد که این مکتب خانه جوابگوی خواسته پسرش نیست، لذا به محض افتتاح اولین مدرسه در اراک به نام «مدرسه ی صمصامیه» او را روانه این مدرسه ساخت.

درسها را برایش می‌خواندند و او به لطف داشتن حافظه ی قوی، آنها را یاد می‌گرفت. در ۱۲ سالگی قرآن را کاملاً حفظ بود و چنانچه آیه‌ای برایش تلاوت می‌شد، بلافاصله دنباله ی آن را قرائت می‌کرد (رحیمی، ۱۳۸۲).

رفقای دوران تحصیل وی نقل می‌کنند: هنگامی که برای گردش و تفریح به بیرون شهر می‌رفتند از آنان درخواست می‌کرد که نوشته‌های روی سنگ قبرها را به وی نشان دهند و او با لمس کردن آنها با اشکال مختلف حروف فارسی آشنایی پیدا کرد.

در دوره ی ابتدایی همیشه شاگرد اول بود و با وجود نابینایی، با اشکال زیادی مواجه نشد و به اخذ مدرک پایه ششم ابتدایی با معدل ۲۰ نائل گردید.

تحصیلات متوسطه را در «صمصامیه» اراک ادامه داد، ولی برای گذراندن امتحانات پایه ی

سوم متوسطه با مشکلات فراوانی مواجه شد. در این زمان بود که برای اولین بار فقدان بینایی خویش را بیشتر احساس کرد. امتحانات شفاهی دروس را با موفقیت گذراند ولی نابینایی، مانع از امکان شرکت وی در امتحانات کتبی می‌شد. از این رو در آن سال موفق به دریافت مدرک سوم متوسطه نشد. مدت دو سال به مکاتبه با مرکز مشغول بود تا اینکه «شکیبا» رئیس فرهنگ وقت به تهران آمد و ترتیبی داد که محمد خزائلی بتواند با کمک منشی، امتحانات کتبی را بگذراند. به این ترتیب معمایی بزرگ حل شد و از آن پس این شیوه‌ی امتحان برای همه افراد نابینا معمول گردید.

برای همه در آن زمان عجیب بود که فرد نابینایی بتواند تحصیل کند، ولی او اهل مبارزه بود و آنی از تلاش غفلت نمی‌کرد. تا اینکه بالاخره به تهران آمد و در امتحانات متفرقه پایه‌ی ششم متوسطه شرکت کرد و در رشته‌ی ادبی در سراسر کشور، رتبه اول را به دست آورد و به دریافت مدال علمی نائل آمد.

محمد خزائلی اولین فعالیت اجتماعی خود را ضمن ادامه تحصیل در دبیرستان، با تشکیل کلاس درس در منزل آغاز نمود. در همین دوران بود که به یادگیری زبان فرانسه، خارج از محیط مدرسه نزد شخصی به نام «ژوزف» که از ارامنه جلفا و پدرش تاجر فرش بود پرداخت. این معلم ابتدا الفبای زبان فرانسه را با کمک حروفی که از گچ و چوب درست کرده بود به وی یاد داد و سپس به تعلیم کتابهای مقدماتی فرانسه پرداخت.

روزی که محمد امتحان زبان فرانسه را در دبیرستان می‌گذراند، طبق روال پیشین فقط یک نسخه سؤال از مرکز برای آن حوزه امتحانی ارسال شده بود. اگر می‌خواستند سؤالات را در جلسه عمومی قرائت کنند آن گاه در دست منشی او نسخه‌ای از سؤالات نبود تا برایش بخواند و اگر عکس قضیه را انجام می‌دادند، سایر شاگردان از آن مطلع می‌شدند.

در اینجا حافظه و هوش سرشار وی مددکار همه شد و به ممتحنین پیشنهاد نمود که ابتدا یک مرتبه دیکته و ترجمه‌ی فرانسه را برایش بخوانند و بعد برای انجام امتحان سایر شاگردان بروند. این کار را کردند و وی بدون اشتباه، مطالب قرائت شده را به منشی اش دیکته کرد و هجی نمود و نمره ۲۰ هم گرفت.

به دست آوردن کار دولتی برای افراد نابینا، مشکل بزرگتری بود که محمد خزائلی هم با آن مواجه گردید و مثل همیشه با تلاش و کوشش و نشان دادن لیاقت شخصی خود در سال ۱۳۲۱ هجری شمسی به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به این ترتیب راه دیگری به روی

افراد نابینا گشوده شد.

او ابتدا، در دبستان‌های گلپایگان و خمین و سپس در دبیرستان‌های اراک به تدریس پرداخت. در زمانی که معلم «مدرسه ی عظیمیه» اراک بود، «علی اصغر حکمت» وزیر فرهنگ وقت به اراک آمد و قرار شد معلمین هر کدام در مورد رشته و فن خود مطلبی را بیان کنند. از مدیر مدرسه پرسیدند معلم کلاس ششم کیست؟ مدیر وقت، محمد خزائلی را معرفی نمود و وی در حضور وزیر فرهنگ، هندسه را با ارائه ی اشکال هندسی به شاگردان تدریس نمود. نتیجه ی کار به قدری عالی بود که وزیر را متعجب ساخت تا آنجا که مدال درجه ی اول علمی را به وی اعطا نمود.

محمد خزائلی در جوانی با هنر موسیقی آشنایی پیدا کرد و گهگاه نغمه سازی، برای دل خود می‌نواخت. روزی که در مجلس جشن و سروری ساز را به دامن او نهادند و از او خواستند که بنوازد، وی پس از اندکی تأمل، ساز را به کناری نهاد و از آن پس برای همیشه دست از نواختن برداشت (به نقل از پایگاه اینترنتی <http://www.tebyan.net>، ۱۳۷۹)

در یکی از کلاسهای درس بود که محمد خزائلی عاشق یکی از شاگردان خود به نام «صدیقه عظیمی عراقی» شد. علی رغم آنکه این عشق دوجانبه بود ولی پدر و مادر دختر با این ازدواج مخالف بودند. بالاخره بعد از گذشت چند سال این ازدواج سر گرفت و در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی زندگی مشترکش را آغاز کرد. حالا دیگر همسرش کتابها را برایش می‌خواند و او مطالب را به حافظه اش می‌سپرد. ثمره ی این پیوند چهار پسر و چهار دختر می‌باشد.

محمد خزائلی که او را «محمد نابغه» لقب داده بودند، هیچگاه در راه تحصیل علم از پای نشست و به آموختن ادبیات عرب، فلسفه قدیم، عرفان، فقه و اصول ملل و نحو، علم کلام و تاریخ اسلام پرداخت. آنگاه به تهران آمد و با وجود مشکلات فراوانی که در سر راهش بود در کنکور دانشگاه شرکت کرد و قبول شد و سرانجام در سال ۱۳۲۴ هجری شمسی موفق به اخذ درجه لیسانس با رتبه شاگرد اولی از دانشکده الهیات و نیز مفتخر به دریافت مدال علمی گردید. پس از آن باز هم در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی از دانشکده حقوق و در سال ۱۳۲۹ از دانشکده ادبیات به دریافت لیسانس توفیق یافت.

با پشتکار عجیب و ذوق به تحصیل علم و دانش که در نهاد او منحصر به فرد بود، تحصیلات عالی‌ی خود را ادامه داد تا در سال ۱۳۳۲ در رشته ی ادبیات فارسی و در سال ۱۳۳۶ در رشته ی قضایی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران درجه ی دکترا گرفت.

وی به تصدیق اغلب دانشمندان و اهل فن، در زمینه ی علوم مذهبی، ادبیات عرب، معقول

و منقول، تصوف، علم تفسیر، حقوق اسلام و مذهب‌شناسی کم نظیر بود. به زبانهای عربی، فرانسه و انگلیسی تسلط کامل داشت و به زبان آلمانی نیز آشنا بود.

دکتر محمد خزائلی در سال ۱۳۱۱، «آموزشگاه خزائلی» را در اراک تأسیس کرد و بعدها آموزشگاه‌های متعدد خزائلی را در تهران بنیاد نهاد و تمام آنها را شخصاً مدیریت می‌کرد. او بنیانگذار اولین مدرسه‌ی شبانه در ایران است.

وی نه تنها به با سواد کردن افراد بینا سعی وافر نمود بلکه از با سواد نمودن افراد نابینا نیز غافل نبود. او اولین کسی بود که «انجمن هدایت و حمایت افراد نابینای ایران» و سپس «آموزشگاه بزرگسالان نابینا» را تأسیس نمود و سهم خود را در باسواد کردن افراد نابینای کشور تا سر حد امکان ایفا نمود. وی یک لحظه از تلاش در عرصه‌ی تعلیم و تربیت غافل نماند و به راستی عمر خود را در گرو تحصیل و تدریس علم و دانش نهاد.

در سال ۱۳۴۸ «مجله‌ی روشندل» را برای اشاعه‌ی اخبار مربوط به افراد نابینای ایران و جهان منتشر نمود (به نقل از پایگاه اینترنتی <http://www.pacyrus.com>، ۱۳۸۰).

محمد خزائلی علاوه بر تدریس در آموزشگاههای خود، در مراکز آموزشی عالی کشور نیز به تدریس ادبیات فارسی اشتغال داشت و در مدت ۶۲ سال زندگی پرثمر خود ۳۹ کتاب ارزنده تألیف کرد که اغلب آنها در دانشگاه‌ها و مدارس علمیه تدریس می‌شود. تألیفات وی در چهار بخش تحت عناوین رسالات، کتابهای درسی، سایر تألیفات و آثار چاپ نشده به شرح ذیل است:

نخستین رساله‌ی دکترای ادبیات خود را به روشنگری درباره‌ی «اعلام قرآن» اختصاص داد و اکنون این کتاب ارزنده از جمله کتابهای منبع و مأخذ تحقیقات قرآنی و اسلامی است. رساله‌ی دکترای حقوق او نیز کتابی است به نام «مسئولیت مدنی کارفرما، ناشی از عمل کارگر» که این اثر پژوهشی نیز می‌تواند ملاک بسیاری از داوریهای وزارت کار قرار گیرد. دکتر محمد خزائلی تألیف ارزنده‌ی دیگری دارد به نام «احکام قرآن». این کتاب جامع، مقام آن را دارد که رهنمود راستین حکام شرع قرار گیرد. همچنین کتاب «فقه» را درشش جلد تدوین نموده‌است. «فلسفه اسلام» و ترجمه‌ی «معالم القریه فی الحکام الحسبه» نیز از آثار دیگر اوست.

وی در گلستان و بوستان سعدی نیز عارفانه و محققانه سیر معنوی و علمی نموده و با تألیف دو جلد کتاب به نامهای «شرح گلستان» و «شرح بوستان»، هرگونه معضل و مشکلی را که ادب دوستان در بیانات و سروده‌های سعدی داشته‌اند رفع کرده و پرده‌ی ابهام و

ایهام را از آن کنار زده است. کتاب دیگری به نام «گل‌های ادب» در چهار جلد را نیز تقدیم علاقه‌مندان به ادبیات فارسی نموده است و همچنین کتاب «دستور زبان جاویدان» از آثار گرانقدر دکتر محمد خزائلی است.

«خودآموز حکمت مشاء» یکی دیگر از تألیفات اوست که ترجمه‌ای بلیغ و رسا از «مقاصد الفلاسفه» امام محمد غزالی است. برگزیده‌هایی زیبا از آثار ادب عرب گردآورده که با طبع لطیف و حساس خود، کتابی خواندنی و جمیل به کتابخانه‌های دانش پژوهان هدیه داشته و نام آن را «المنتخب فی ادب العرب» نهاده است. کتابهای «نهج‌الادب» در صرف و نحو عربی را در شش جلد و «الاسلوب الحدود» برای مکالمه عربی را در دو جلد تألیف نموده است.

سه کتاب دیگر در رشته‌ی منطق دارد، به نام‌های منطق و مختصری از «فلسفه‌ی شرق»، «منطق نظری» و «منطق عملی» که در حقیقت از راه دانش ثمر بخش منطق، دریچه‌ای به باغ فلسفه گشوده است.

داستانهای «دایانا و ونوس» در ادبیات یونان، روم، انگلیس و ایران نیز آثار زیبای اوست. وی آثار مدون دیگری دارد که اکنون در کتابخانه‌ای که از او به یادگار مانده و به دانشگاه اصفهان هدیه شده موجود است. از آن جمله، آثار وی چون ترجمه‌ی «تحافه الفلاسفه» غزالی، ترجمه‌ی «مفتاح العلوم» خوارزمی، «فرهنگ اصطلاحات روانشناسی و فلسفی» با استفاده از فرهنگ‌های روانشناسی و فلسفی فرانسه و انگلیس را می‌توان نام برد.

دکتر محمد خزائلی نه تنها در راه نشر معارف دیرپای ایران و اسلام به راستی فعالیت می‌نمود، بلکه زندگانی و بهسازی و بهزیستی جامعه افراد نایب‌ای ایران را نیز مد نظر داشت. وی طی بیست سال متوالی که «انجمن ملی هدایت و حمایت افراد نایب‌ای ایران» را بنیاد نهاده بود و بعد منجر به تشکیل «سازمان رفاه نایب‌ایان ایران» شد، خدمتی همیشگی و مستدام در حق این گروه نمود و آنچه داشت برای آنان در طبق اخلاص نهاد و هدیه کرد.

دکتر محمد خزائلی، در ۲۲ خردادماه ۱۳۵۳ پس از یک هفته اغما در سن ۶۲ سالگی چشم از جهان فروبست (به نقل از پایگاه اینترنتی <http://makou-online.com>، ۱۳۸۷).

در حال حاضر نیز می‌توان از افراد نایب‌ای فرهیخته‌ای نام برد که با تلاش و پشتکار خود، پله‌های موفقیت را پشت سر نهاده‌اند که از این میان می‌توان به شخصیت‌های زیر اشاره کرد:

- دکتر حسن مرادزاده رحمت آبادی دارای مدرک دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه

تهران و فرانسه، مسلط به زبانهای انگلیسی و فرانسه، وکیل پایه یک دادگستری و مدرس

دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- دکتر عبدالحسین لطیفی دارای مدرک دکترای ادیان و عرفان از دانشگاه آزاد اسلامی و مدرس دانشگاه.

- دکتر علی صابری دارای مدرک دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه تهران و وکیل پرونده‌ی مشهور هموفیلی‌ها.

- دکتر هنگامه صابری دارای مدرک دکترای حقوق از دانشگاه آمریکا و مدرس دانشگاه.
- دکتر الهام یوسفیان دارای دکترای حقوق از دانشگاه شهید بهشتی، وکیل و مدرس دانشگاه و صدها نفر از عزیزان نابینای کشور که در زمینه‌های مختلف علمی و هنری منشا اثر بوده و هستند و ما در اینجا از ذکر نام ایشان به دلیل فراوانی تعداد ایشان صرف‌نظر می‌کنیم و تنها در اینجا به زندگینامه و نظرات چند نفر از ایشان می‌پردازیم.

حسن مرادزاده رحمت آبادی

در دی ماه سال ۱۳۵۱ هجری شمسی در شهرستان ایرانشهر واقع در سیستان و بلوچستان از پدر و مادری بمی متولد شدم. به خاطر از دست ندادن یک سال تحصیلی، تاریخ تولدم را شهریور ۵۱ گرفتند و به دلیل علاقه‌شان به امام رضا (ع)، شناسنامه ام را از مشهد گرفتند و محل تولدم آن شهر شد.

کلاس اول ابتدایی را در ایرانشهر به پایان رساندم و از همان سنین، آثار بیماری چشم نمایان شده بود. پس از بازگشت خانواده به سرزمین آبا و اجدادی (بم)، کلاس دوم ابتدایی را در آن شهر گذراندم.

مشکل بینایی روز به روز حادتر می‌شد و چشم پزشکان نیز امید چندانی نمی‌دادند. مشکل بینایی به حدی رسید که کلاس سوم ابتدایی را در مدرسه‌ی عادی به خواست خانواده ادامه ندادم و در سن ۸ سالگی به طور کامل بینایی خود را از دست دادم. پزشکان علت آن را یک بیماری مربوط به شبکیه‌ی چشم که ریشه‌ی ژنتیکی داشت، تشخیص دادند.

۴ سال زندگی من در سکوت و در خانه گذشت ولی در همان ایام علاقه‌ی خود را به آموختن نشان می‌دادم. اگر کسی به طور مثال انگلیسی بلد بود، از او معنای لغات را می‌پرسیدم. پدرم که از تمکن مالی نسبتاً خوبی برخوردار بود، علاقه‌ای به فرستادن من به تهران برای تحصیل نداشت و ما بی‌خبر بودیم که در شهرستان بم نیز دبستانی مربوط به کودکان استثنایی با معلمی آشنا به خط بریل وجود داشت. سرانجام، از طریق مدیر دبستان سابقم با آن مدرسه آشنا شدم و علیرغم گذراندن کلاس اول و دوم ابتدایی، مرا در آستانه‌ی

۱۲ سالگی در کلاس اول ابتدایی نشانند.

با وجود اصرار من برای گذراندن حداقل یک سال از دوران ابتدایی به صورت جهشی، کارشناس استثنایی استان با این امر مخالفت کرد. پس از اتمام دوران ابتدایی برای ادامه ی تحصیل رهسپار تهران شدم. در خاطر دارم که در آن زمان پدرم به من گفت که تو هیچ اجباری برای ادامه ی تحصیل و دوری از خانواده نداری و من از هر نظر تو را تأمین می کنم و من در پاسخ تنها گفتم: می خواهم خود زندگی ام را بنا کنم.

در آموزشگاه شهید محبی تهران دوره ی راهنمایی را آغاز کردم. رقابت با همکلاسی هایی که پایه ی درسی قوی شان در تهران گذاشته شده بود، بسیار دشوار می نمود، اما به طور شگفت انگیزی در همان ثلث اول، شاگرد اول شدم و این روند تا اخذ مدرک دیپلم ادامه یافت.

از کلاس سوم راهنمایی نیز آموختن زبان انگلیسی را در کانون زبان ایران آغاز کردم. دوره ی ۷ ساله راهنمایی و دبیرستان را به برکت گذراندن کلاسهای دوم راهنمایی و دبیرستان بصورت جهشی، طی ۵ سال به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۳ موفق به ورود به دانشگاه شهید بهشتی تهران در رشته ی حقوق با رتبه ی ۱۶۳ (مرحله ی اول) و ۴۹ (مرحله ی دوم) شدم. دشواریها بسیار زیاد شد، چرا که محیط فیزیکی و کتب درسی دانشگاه برای افراد عادی طراحی شده بود.

علیرغم اینها، دوره ی کارشناسی را با موفقیت پشت سر نهادم و نه تنها آموختن زبان انگلیسی را ادامه دادم بلکه فراگیری زبان فرانسوی را نیز آغاز کردم. در سال ۱۳۷۳ وارد مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران در رشته ی حقوق خصوصی شدم. این مقطع نیز با دفاع پایان نامه ای تحت عنوان «تلقیح مصنوعی انسان» به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۹ بلافاصله وارد مقطع دکترای همان دانشگاه شدم.

در همان سال در آزمون ورودی کانون وکلای دادگستری پذیرفته شدم. همزمان با ادامه ی تحصیل، دوران کارآموزی وکالت را هم می گذراندم. اندک اندک کار وکالت هم انجام می دادم.

سال ۱۳۸۲، سال دشواری بود، ابتدا پدرم را از دست دادم و سپس زلزله ی مهیب بم، بسیاری از خویشان و نزدیکانم را به کام مرگ فرستاد.

از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ نیز به مدت ۳ سال به عنوان استاد مدعو در دانشگاه آزاد واحد زاهدان تدریس می کردم. در جریان انجام یک پرونده ی وکالتی با خانم نواب زاده آشنا شدم

و در مهر ماه ۱۳۸۳ با وی ازدواج کردم. وی نیز مقطع کارشناسی خود را در دانشگاه علامه طباطبایی به اتمام رسانده بود و کارآموز و کالت بود.

آشنایی با خانم مریم اصغری در شورای صنفی دانشجویان که هر دو عضو آن بودیم، شکل گرفت. وی فردی پرتلاش و مصمم بود. با تشکیل انجمن علمی- فرهنگی دانشجویان و دانش آموختگان نایبای ایران، قریب به ۴ سال تا عزیمت به خارج از کشور همکاری خوبی با یکدیگر داشتیم.

یکی از این موارد برگزاری «نخستین همایش حقوق معلولین با رویکردی به افراد نابینا» در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۳ بود که در آن اساتید برجسته، ارائه‌ی مقاله داشتند و سخنرانی کردند.

در شهریور ماه سال ۱۳۸۴ با همسرم برای تکمیل تحقیقات مربوط به رساله‌ی دکترا با عنوان «معلولین در حقوق مسؤلیت مدنی» به کشور فرانسه عزیمت کردم. در آنجا پس از مدت کوتاهی در مقطع دکترای دانشگاه نانت ثبت نام کردم و طبق توافق بین دو دانشگاه، بنا شد رساله به دو زبان فارسی و فرانسوی نگاشته شود و زیر نظر دو استاد راهنمای ایرانی (دکتر سید حسین صفایی) و فرانسوی (پرفسور رافائل انسینیان د مناگوری) کار کنم.

باید اعتراف کنم که طی ۳ سال، نگاشتن رساله‌ی دکترا به دو زبان مختلف، کاری بس دشوار، بلکه غیر ممکن می نمود ولی این مهم با کمک خداوند، مساعدت تعدادی از هم دانشگاهیهای فرانسوی و دفتر امور معلولین دانشگاه میسر گردید.

در سال ۱۳۸۷ مدرک دکترای خود را با درجه عالی و نمره‌ی ۱۹/۵ از دانشگاه تهران و درجه‌ی «همراه با تبریک ویژه‌ی هیئت ژوری» با پیشنهاد چاپ رساله‌ی دکترا در فرانسه از دانشگاه نانت اخذ کردم، در واقع دو مدرک دکترای مستقل.

از مهر ماه سال ۱۳۸۸ به عنوان استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان هستم. خوشبختانه در این مدت کوتاه، حدود ۶ مقاله در مجلات تخصصی به چاپ رسانده‌ام و اخیراً به همراه همسرم که دانشجوی دکترای حقوق اجتماعی دانشگاه پاریس است، ترجمه و تحقیق کتاب «حقوق کار» پرفسور آلن سوپو را به زیور تبع آراسته‌ایم و آن را به یگانه فرزند دلبندهمان «مایا» تقدیم کرده‌ایم.

علی صابری

علی صابری در پنجم تیرماه سال ۱۳۵۲ در منطقه ۱۳ آبان تهران متولد گردید، تا سن ۱۰ ماهگی

خانواده و اطرافیان از معلولیت وی اطلاع نداشتند.

دلیل این امر بیماری ریوی می تواند باشد که وی در سه ماهگی به آن دچار شده بود.

او ۱ سال دیرتر از هم سن و سالهایش مدرسه را آغاز کرد.

در سال ۱۳۶۱ در دوران جنگ تحمیلی بین ایران و عراق تحصیلش را در مدرسه ی ناینیان

شهری تهران گذراند که در آن دوره همه انواع معلولیت ها در آنجا تحصیل می کردند.

وی تحصیلات دبیرستان را در سال ۶۹ در مدرسه ی «شهید محبی» به پایان رساند و در همان سال

بارتبه ی ۲ رقمی وارد دانشگاه شد و در رشته ی حقوق مشغول به تحصیل گردید و تا مقطع دکترای

رشته ی حقوق خصوصی ادامه داد و در کنار آن دوره ی آموزش و کالت را گذراند.

هم اکنون وی وکیل پایه یک می باشد. وی در کنار کار و کالت، تدریس در مؤسسه

دادآفرین را نیز بر عهده دارد.

نظر وی در باره ی مشکلات افراد معلول این گونه است :

در همه جای دنیا اقشار اقلیت از جمله اقلیتهای نژادی، مذهبی، سلامتی و غیره برای

پذیرفته شدن به عنوان یک انسان عادی باید تلاش زیاد کنند تا تبدیل به فردی استثنایی

گردند. مشکل وقتی پیش می آید که فرد گروه اقلیت، به طور مثال فرد نابینا از زندگی توقع

معمول دارد و خواستار زندگی معمولی در اجتماع است.

وی معتقد است که با فرهنگ سازی می توان همه ی اقشار را در شرایط برابر با مسائل رو

در رو کرد.

برای مثال، جامعه موظف نیست هزینه آژانس یک فرد معلول را متحمل شود، ولی در

ازای آن موظف است معابر را برای عبور و مرور یک فرد معلول مناسب سازی نماید.

یکی از فعالیتهای آقای دکتر صابری در زمینه ی حقوقی، رسیدگی به پرونده مرتبط با

سازمان خون در سال ۱۳۸۱ می باشد که به پرونده ی «هموفیلیها» معروف است که تا کنون

حدود ۲۰۰۰ نفر صاحب رأی شدند و ۱۲۰۰ نفر، رأیشان رسیدگی شده و همچنان این پرونده

ادامه دار است.

از دیدگاه ایشان، همیشه قوانین، نیاز به تعدیل سازی دارد و مسأله ای که باید هم اکنون

مورد توجه قرار گیرد، بستر سازی برای آرای قوانینی میباشد که در دسترس است.

علاوه بر مسأله ی حقوقی، مورد دیگر اجرایی کردن آنها است، استناد به قانون جامع

حمایت از حقوق معلولین و چه کنوانسیون حقوق معلولین که کشور ما به آن پیوسته، از

مواردی است که می توان با اجرایی کردن مواد و قلم زدن در این رابطه شرایط افراد معلول

را بهبود بخشید.

می توان در کنار کمبودها به دست آوردها نیز اشاره نمود. از جمله به «قانون جامع حمایت از حقوق معلولین» که اولین سند حمایت از معلولین محسوب می شود که در ۱۶ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۳ به تصویب رسید. کشور ما از جمله اولین گروه هایی است که به کنوانسیون حمایت از معلولین ملحق شد.

وی معتقد است که بهترین راه برای از بین بردن مسأله و مشکلات فرهنگی، از بین بردن افراط و تفریط ها چه در بین مسئولین و افراد عادی و چه در میان افراد معلول است. یعنی افراد مرتبط با فرد معلول به وی به گونه ای نگاه نکنند که تصور شود او هیچ نیازی ندارد و یا بر عکس او را فردی کاملاً وابسته قلمداد کنند.

به طور مثال، یک فرد نابینا برای کارهای بانکی نیاز به کمک فردی به منظور پر کردن فرم ها دارد اما همین شخص می تواند به تنهایی به ناوایی برود که رفتن فرد نابینا به ناوایی کار خارق العاده ای نیست و عدم رفتن وی نیز ممکن است ربطی به نابینایی او نداشته باشد.

محمد رضا بابایی

پدرم دبیر آموزش و پرورش بود. تحصیلاتم را در دوره ی ابتدایی و راهنمایی جزء شاگردان ممتاز در کاشان گذراندم. دوره ی متوسطه را در دبیرستان امام خمینی کاشان که بهترین دبیرستان این شهر بود در رشته ی ریاضی و فیزیک سپری کرده و در سال ۱۳۷۰ دیپلم را گرفتم. از آنجا که علاقه ی بسیار زیادی به رشته معماری و عمران داشتم که البته این امر در خانواده ما یک علاقه ی موروثی است، وارد دانشگاه آزاد اسلامی کاشان در رشته ی مهندسی عمران شدم.

در این سالها دید محیطی ام بسیار کم شده بود و چشم پزشکی سفارش کرده بود به طور مداوم مطالعه نکنم و همچنین حتی المقدور رانندگی نکنم. اما من بعد از گرفتن دیپلم، اولین کاری که کردم اخذ گواهینامه رانندگی بود و چون در روز و نور زیاد مشکلی نداشتم، همیشه خودم پشت فرمان می نشستم. بهترین تفریح من مطالعه بود و در هر شبانه روز حدود هفت الی هشت ساعت مطالعه ی آزاد می کردم.

در زمان دانشگاه در سال ۱۳۷۳ با همکاری تعدادی از همکلاسی هایم هسته ی مرکزی گروه دانشجویی عمران را بنیانگذاری کردیم. این تشکل علمی در وزارت علوم نیز ثبت شد

و رسماً با نام انجمن علمی عمران فعالیت خود را در بین دانشگاه‌های مختلف آغاز کرد. من که از دوران دبیرستان به فعالیتهای علمی و گروهی بسیار علاقه داشتم با تمام انرژی، علاوه بر درسم در انجمن علمی عمران فعالیت می کردم.

در اواخر سال ۱۳۷۵ به دلیل شدت ضعف بینایی ام دچار مشکلات زیادی در ادامه ی تحصیل شده بودم. در حالی که ۱۵ واحد بیشتر تا فارغ التحصیلی نداشتم، تصمیم به انصراف گرفتم. پس از انجام مراحل اداری انصراف از تحصیل برای دریافت امضای نهایی به مدیر گروهم جناب آقای مهندس حسینی مراجعه کردم. ایشان از دیدن برگه ی انصراف، بسیار ناراحت شدند و گفتند: من به هیچ عنوان انصراف شما را تأیید نمی کنم، شما باید در استان را تمام کنید.

از حمایت ایشان بسیار خوشحال شدم ولی با توجه به مشکلات زیادی که در اثر ضعف شدید چشمم برایم در درس خواندن ایجاد شده بود، برای گرفتن تأیید انصراف به ریاست دانشگاه مراجعه کردم. آقای دکتر ثابت، رئیس وقت دانشگاه هم به شدت از انصراف من ناراحت شدند و با تأکید بسیار به من گفتند: من به هیچ عنوان اجازه ی انصراف را به شما نمی دهم.

با حمایت و امیدواری بسیاری که مدیر گروه و ریاست دانشگاه به من دادند، علیرغم مشکلات بسیار، درسم را ادامه دادم تا در سال ۱۳۷۶ موفق به اخذ مدرک مهندسی عمران از دانشگاه آزاد اسلامی کاشان شدم.

علی رغم تفکرات منفی که در جامعه نسبت به افراد کم بینا و نابینا وجود داشت، با تلاش بسیار به عضویت سازمان نظام مهندسی ساختمان در آادم و شروع به فعالیت در رشته ی خودم نمودم. در سال ۱۳۷۹ رسماً به استخدام دانشگاه آزاد اسلامی کاشان در آمده و در گروه عمران این واحد دانشگاهی به عنوان کارشناس آموزش و مشاور گروه عمران، به فعالیت مشغول شدم.

در این اثنا، امور مهندسی را در خارج از دانشگاه کماکان ادامه می دادم، به گونه ای که در سال ۱۳۸۱ از سوی شهرداری کاشان به عنوان مهندس ناظر نمونه در کاشان انتخاب شدم. در تمام این سالها به عنوان مشاور و عضو ارشد انجمن علمی _ مهندسی عمران دانشگاه آزاد اسلامی کاشان همکاری داشتم. در این همکاری بارها به عنوان دبیر علمی و یا دبیر افتخاری و یا مشاور در جشنواره ها و کنفرانسهای ملی، داخلی یا منطقه ای انجمن عمران شرکت فعال داشته ام.

در سال ۱۳۸۸ در پنجمین جشنواره ی ملی دانشجویان عمران سراسر کشور به عنوان رئیس

شورای مشاوران و همچنین دبیر افتخاری این جشنواره منصوب شدم، همچنین در سال ۱۳۸۴ نیز در جشنواره ی منطقه ای عمران و معماری که به میزبانی دانشگاه آزاد اسلامی کاشان برگزار شد، دبیر علمی و دبیر افتخاری بودم. در همین راستا موفق به دریافت دهها لوح تقدیر و لوح افتخار از مسئولین دانشگاهی و سازمانی گردیده ام، همچنین موفق به دریافت تندیس بلورین پنجمین جشنواره ی ملی دانشجویان عمران سراسر کشور شده ام.

از سال ۱۳۷۸ سرپرستی و مشاوره و هدایت تیم نشریه ی علمی انجمن علمی_مهندسی عمران را به عهده داشته ام. در طی این چند سال، این نشریه بارها در سطح منطقه و یا در سطح کشور رتبه های قابل توجهی را کسب کرده است.

در مسابقات مقاله نویسی که اداره ی ارشاد استان فارس با همکاری امور کتابخانه های عمومی شیراز در سطح کشور برگزار کرد، نفر برتر شده و مقاله ام با موضوع «کتاب و کتاب خوانی و نابینایان» به عنوان بهترین مقاله انتخاب شد، همچنین چندین مقاله در نشریات داخلی انجمن علمی عمران دانشگاه آزاد با موضوعات تخصصی عمرانی و معماری از من درج گردیده است.

بعد از فارغ التحصیل شدن با توجه به احساس نیاز شدید به رایانه که در زمان تحصیل جزء جدا نشدنی من بود و همچنین مطالعه که یکی از کارهای همیشگی ام بود به سرعت به دنبال راه چاره ای برای حل این مشکل گشتم و توانستم به کمک خواهرم که در آن زمان دانشجوی رشته ی مهندسی کامپیوتر بود و همچنین یکی از اساتید دانشگاه، اولین نسخه آزمایشی نرم افزار جاووز را تهیه و روی رایانه نصب کنم. در آن زمان هنوز بین افراد نابینا یا کم بینا فکر استفاده از رایانه آنچنان مطرح نشده بود و دستگاه رایانه ای امید و برجسته نگار، به تازگی توسط شرکت پکتوس راه اندازی شده بود.

من همواره سعی می کردم خود را از نظر اطلاعات علمی تا آنجا که در توان دارم به روز نگه دارم. از این رو شروع به جمع آوری اطلاعات و وسایل کمک بینایی و کمک آموزشی نمودم. خط بریل را تا آن زمان ندیده بودم و با توجه به نیازم به خواندن به سرعت طی چند هفته یاد گرفتم. دیکشنری گوئی دیجیتال نیز تهیه کردم و به تقویت زبان انگلیسی ام هم همت گماشتم.

اولین نسخه ی نرم افزار تاکس که کرک شده ی آن را تهیه کردم و به سرعت موبایلم را که تا آن زمان نمی توانستم از بسیاری قسمت هایش خود به تنهایی استفاده کنم، برایم قابل بهره برداری شد. اولین کاری که بعد از این امر انجام دادم، آموزش آن به دیگر دوستان کم بینا یا نابینا در کاشان بود. یادگیری نرم افزارهای مختلف کاربردی و همچنین برخی از نرم

افزارهای تخصصی عمرانی را تا اخذ مدرک پایان دوره ی آنها ادامه دادم و بعد از فراگیری، آموزش آنها را به سایر دوستان، در صدر امور قرار می دادم.

نقطه ی عطف دیگری که در زندگی من رخ داد، آشنا شدن با انجمن علمی- فرهنگی دانشجویان و دانش آموختگان نایبای ایران و رؤیت نامه ای که از سوی سرکار خانم اصغری مدیر عامل انجمن به دانشگاه آزاد کاشان با مضمون اعلام آغاز فعالیت انجمن و دعوت به همکاری بود، می باشد. با انجام هماهنگی لازم از همان آغاز به عنوان نماینده ی رسمی انجمن علمی- فرهنگی دانشجویان و دانش آموختگان نایبای ایران در دانشگاههای کاشان، نمایندگی این تشکل را در کاشان دایر نمودم.

در راستای اهداف بلندی که در سر داشتم، اولین قدم را به روز رساندن و آگاهی دادن به افراد کم بینا و نابینا نسبت به توانمندی ها و حقوقشان دیدم. از این رو نرم افزارهای مختلف را برای دانشجویان و افراد نابینا تهیه و به آنها آموزش می دادم. با مسئولین بخشهای مختلف شهر از قبیل شهردار، فرماندار، رئیس اداره ی راهنمایی و رانندگی، رئیس اداره ی تعاون، رؤسای دانشگاههای کاشان و اعضای شورای شهر و سایر مسئولین شهر کاشان، مکاتبات و ملاقاتهای متعدد نمودم و بارها و بارها در خصوص حقوق افراد نابینا و مخصوصاً در باب مناسب سازی محیط های شهری تلاش بسیار نمودم که برخی از آنها نتایج بسیار مثبتی در بر داشت.

از دیگر فعالیت هایم به عنوان مدیر نمایندگی انجمن علمی- فرهنگی دانشجویان و دانش آموختگان نایبای ایران در کاشان، شرکت در نشست ها و همایش های مربوط به افراد نابینا و ارائه ی گزارش و پیگیری نتایج آنها بود.

تهیه ی کتاب به صورت گویا برای دانشجویان نابینا و کم بینا با توجه به مشکلاتی که در راه ادامه تحصیل این عزیزان بود، مرا بر آن داشت تا چاره ای برای افزایش سطح اطلاعات علمی و عمومی این افراد و تغییر دیدگاه های جامعه نسبت به توانمندی های بسیار آنها بنمایم.

از این رو در سال ۱۳۸۸ شروع به تشکیل گروهی برای انتشار اولین نشریه ی علمی- صوتی کشور نمودم که با تکمیل این کادر حدوداً ۴۵ نفری که متشکل از اساتید، فارغ التحصیلان و دانشجویان دانشگاه های کاشان و بعضاً از چند دانشگاه در تهران بودند، در پائیز ۱۳۸۹ اولین شماره ی آن با نام «صدای زندگی» در بین افراد نایبای سراسر کشور منتشر شد.

انتشار این ویژه نامه علمی بازتاب بسیار مثبتی نه تنها در بین افراد نابینا داشت، بلکه مسئولین چند نهاد مختلف و نیز مسئولین دانشگاه آزاد اسلامی کاشان را بسیار تحت تأثیر قرار داد و سبب شد که تلاشم را برای ادامه ی کار، بیشتر و بیشتر نمایم، به طوری که دومین

شماره ی آن را در بهار ۱۳۹۰، منتشر نمودم. استقبال دوستان نابینا در این فاصله به گونه ای بود که بیش از دهها نفر از عزیزان فرهیخته، بیش از ۴۰ مقاله با موضوعات مختلف برایم به منظور درج در نشریه، ارسال نمودند. خبر انتشار این گاهنامه ی علمی نیز در چند روزنامه ی رسمی کشور درج شد.

من کتابخانه ی شخصی بینایی با حدود ۵۰۰۰ جلد کتاب عادی داشتم، ولی در دسترس نبودن منابع مطالعاتی و کمبود کتب گویا، مرا بر آن داشت که یک کتابخانه ی گویا برای استفاده ی دانشجویان نابینا و کم بینا و همچنین برای سایر عزیزان نابینا نه تنها در کاشان بنمایم بلکه با هماهنگی با اداره ی پست این کتابها را در اختیار سایر دوستان در شهرهای دیگر نیز بگذارم، لذا کتابخانه ی گویای شخصی ام را که از سال ۱۳۷۷ شروع به تهیه اش نموده بودم، در سال ۱۳۸۶، توسعه دادم و تا پایان سال ۱۳۸۹، تعداد کتب آن را به ۳۰۰۰ عنوان رساندم. در حال حاضر در شرف افتتاح این مجموعه ی کتابخانه ی گویا هستم و به امید خدا آن را در پایان خرداد ماه با تعداد ۵۰۰۰ عنوان کتاب صوتی، افتتاح خواهم نمود. با رایزنی هایی که با ریاست دانشگاه آزاد اسلامی کاشان و رئیس کتابخانه ی مرکزی دانشگاه آزاد کاشان انجام داده ام در تلاشم تا این کتابخانه ی صوتی را از طریق اینترنت هم در دسترس علاقمندان قرار دهم تا هر کس از هر کجای ایران بتواند از این کتب بهره برداری نماید.

با تلاش بسیار به چند نفر از دوستانی که از بدو تولد دچار مشکل بینایی بوده و حتی شکل حروف الفبا را ندیده بودند، نوشتن به خط بینایی را آموزش دادم، به قسمی که خودشان توانستند بنویسند و این برایشان باعث حرکتهای بسیار بزرگتری شد.

جدا از مسائل گوناگون که در بالا ذکر کردم من به منظور کسب اطلاعات و یادگیری مسائل علمی و فرهنگی جدید، از همان دوران دبیرستان، مشترک چندین نشریه ی علمی فرهنگی معتبر کشور بودم که در زمان دانشجویی ام این امر را توسعه دادم و هر ماه ۴ یا ۵ نشریه ی مهم را تهیه و مطالعه می کردم. با بروز مشکل بینایی نه تنها این امر دچار نقصانی نشد، بلکه مطالعه ی نشریات علمی و فرهنگی به روز و معتبر کشور را گسترش داده و این کار را کماکان ادامه می دهم، چرا که معتقد هستم این امر به من احساس زنده بودن و همیشه حرف برای گفتن داشتن می دهد.

از مسائل مورد علاقه ی من غیر از مطالعه، موسیقی می باشد. من موسیقی کلاسیک غرب و موسیقی سنتی ایران را بسیار دوست دارم و به خاطر علاقه ی بسیار در یادگیری چند ساز

نیز تلاشهایی کرده ام تا نه تنها از لذت شنیدن موسیقی بهره مند شوم، بلکه از نواختن آن هم آرامش پیدا کنم. در زمینه ی موسیقی سنتی، ساز نی و دف و در زمینه ی موسیقی کلاسیک، هارمونیکا و گیتار را می نوازم.

در پایان این فصل به زندگینامه و توفیقات خانم «مهتاب علی محمدی ملایری» که به راستی «هلن کلر» ایران ما میباشد، از زبان خود وی می پردازیم:

مهتاب علی محمدی ملایری

اول فروردین ماه ۱۳۵۸ در قریه ای به نام «گنبد»، یکی از توابع استان همدان، از مادر زاده شدم. پدرم کشاورز بود. سالهای آغازین زندگی ام را در همین دهکده گذراندم. خیلی وقت ها پیش می آمد که ظرف آب سر راهم را بی آنکه متوجه شوم، می ریختم یا با برخورد به چراغهایی که برای گرم کردن اتاق به کار می رفت، موجب بروز آتش سوزی های کم و بیش خطرناک می شدم.

خانواده ام همه این مسائل را به حساب بی توجهی من می گذاشتند و هیچ کس به وجود بیماری ژنتیکی من پی نبرد. سرانجام معلم کلاس دوم ابتدایی ام به وجود نوعی بیماری در من پی برد، اما او هم فقط به ضعف بینایی من پی برده بود و اینکه من از نظر بینایی و شنوایی ضعف داشتم، مدت ها برای اطرافیانم مبهم و پوشیده ماند.

وقتی به دوره ی دبیرستان رسیدم، همه چیز روشن شد و من با ضعف خیلی شدید و ناگهانی این دو حس ارتباطی مواجه شدم. من این دوران را با هدفمندی، اعتقاد به تلاش، توکل به خدا و با نهایت خلوص نیت در راه رسیدن به هدف مقدسم سپری کردم.

برای خواندن مطالب، از آنجا که از دو حس محروم بودم، سختی های زیادی را متحمل گردیدم، دوستانم در این زمینه و صد البته اساتید محترم دانشکده ی زبانهای خارجه ی دانشگاه تهران که دوره ی کارشناسی زبان و ادبیات زبان ایتالیایی را در آن دانشگاه آغاز کرده بودند، مرا در این راه بسیار یاری دادند.

ایشان با توجه به اینکه از مقدار کمی از بینایی برخوردار بودم، مطالب درسی را برایم با خط درشت می نوشتند و با وجود اینکه حضور در کلاس ها فایده ای برایم نداشت، در منزل مطالب درسی را مطالعه می کردم و در امتحانات شرکت می کردم.

یکی از مهمترین مشکلات من در زمینه ی تحصیل، علاوه بر آنچه در بالا ذکر آن رفت، عدم دسترسی به فرهنگ ایتالیایی بود و این امر به واقع مرا آزار می داد و روند پیشرفت مرا کند می کرد،

اما آن هم با همت دوستانم کم و بیش مرتفع می شد.
با تمامی سختی ها، دوره ی کارشناسی را با معدل عالی به پایان رساندم و با همت مؤسسه ی
احیای کودکان استثنایی به دنبال یافتن دانشگاهی به منظور ادامه تحصیل در این رشته در خارج از
کشور شدم، چرا که امکان ادامه ی آن در کشور مقدور نبود، آن هم به واسطه ی این که این رشته
در کشور تا مقطع کارشناسی تدریس می شود.
این پیگیری ها و تلاش ها نتیجه داد و برای ادامه ی تحصیل در رشته ی زبان و ادبیات
ایتالیایی، در مقطع دکترا در مهر ماه ۱۳۸۳ در یکی از دانشگاه های ایتالیا پذیرفته شدم.

قوانین و کنوانسیون حقوق افراد معلول

مقدمه

یکی از مسائل اساسی که دنیا با آن روبرو است پدیده‌ای است تحت عنوان حقوق افراد معلول. اگر به اسناد بین‌المللی نگاه کنیم، مسائلی که در طول تاریخ، معلولان با آن روبرو بودند سیر چندان خوشایندی ندارد. مسائلی را که افراد معلول با آن روبرو بوده‌اند بسیار دردناک است. اگر یک نفر را زنده کنیم مثل این است که کل آدمیان را زنده کرده‌ایم.

در احداث یک خیابان یا کوچه توسط شهرداری این سؤال مطرح می‌باشد که چند نفر می‌خواهند از اینجا رد شوند؟ مگر در کشورهای پیشرفته، که این کار را انجام داده‌اند می‌پرسند که چند معلول می‌خواهند از اینجا رد شوند که ما باید اینجا را درست کنیم! یک نفر هم بخواهد عبور کند وظیفه دولت، حکومت و وظیفه جامعه است که باید این اماکن را برایشان آماده کنند. این مثال ساده بر اهمیت پرداختن به مناسب سازی اشاره دارد. پرداختن به حقوق افراد معلول و تنظیم قوانین حقوقی آن نیز به همین سبب، اهمیت پیدا می‌کند.

نوع نگاه ما باید عوض شود، تا زمانی که نوع نگاه ما به افراد معلول تغییر نکند به جایی نخواهیم رسید. اعلامیه جهانی حقوق بشر بر تمام ابعاد زندگی انسان‌ها سایه افکنده است. بنابراین حقوق بشر، حقوقی نیست که بعضی از کشورها جنبه صرفاً سیاسی به آن داده‌اند.

اولین باری که کلامی از معلول در اعلامیه‌های جهانی مطرح می‌شود در سال ۱۹۲۴ است. در سال ۱۹۷۶، طرح صندوق حمایت از افراد معلول و نامگذاری سالی با این عنوان پیشنهاد داده شد که به این طرح جامعه عمل نبوشانند. تا سال ۱۹۸۱ که سال افراد معلول نام نهاده شد

تا از نظرها فراموش نشود که ۱۰٪ از جامعه بشری ناتوانانی هستند به نام افراد معلول. اما در سال ۱۹۸۱ نتوانستند کمکی به جامعه افراد معلول نمایند تا اینکه تصمیم گرفتند برنامه‌ای جامع و مدون در طی یک دهه از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۲ ابلاغ نمایند.

در ایران هم در سال ۱۳۸۳ با توجه به اهمیت داشتن قانونی جهت حمایت از حقوق حقه‌ی افراد معلول و رسیدگی به مشکلات حقوقی ایشان و روشننگری نسبت به این گروه از افراد جامعه، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و پس از آن اقداماتی به منظور تنظیم آئین‌نامه اجرایی آن به عمل آمد که درخور تقدیر است.

علم اصلاح نژاد، تفکری است که در قرن ۱۹ شکل گرفت و بیان کرد افراد معلول کسانی هستند که نژاد ما را از بین بردند، مانند هیتلر که از این تفکر استفاده کرد و گفت نژاد آریایی را افراد معلول از بین بردند. پنجاه هزار معلول را در آلمان در حمام‌های گاز خفه کردند. به خاطر اینکه هیتلر می‌گفت افراد معلول نژاد آریا را تخریب کردند به همین دلیل امروز هم نئونازی‌ها اولین کسانی که مورد حمله قرار می‌دهند افراد معلول هستند و یا عقیم‌سازی افراد عقب مانده‌ی ذهنی. این تفکری ضد حقوق انسانی است که هنوز هم خواهان دارد.

حتی یک معلول، ولو آنکه زندگی نباتی دارد باید در کنار خانواده باشد و از او حمایت بکنیم نه اینکه او را در آسایشگاه نگهداری نماییم. همه این موارد و مثالها بر لزوم پرداختن به حقوق انسانی این گروه اشاره دارند.

مکزیک از سال ۲۰۰۰ دوبار پیشنهاد کنوانسیون حقوق معلولین را می‌دهد که مجمع عمومی سازمان ملل متحد آن را رد کرد و بالاخره در سال ۲۰۰۱ مجمع آن را پذیرفت.

طبق گزارش کنوانسیون از ۱۹۱ کشور عضو مجمع، فقط ۵۰ کشور هستند که قوانینی برای افراد معلول دارند، که این نشانگر برچسبها و نگرشهای منفی کشورها به کنوانسیون می‌باشد.

در فاصله سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷، هفت نشست در رابطه با حقوق افراد معلول برگزار شد تا بالاخره پس از نهایی شدن نتایج در ۲۷ آگوست ۲۰۰۶، در ۱۳ دسامبر همان سال به این نتیجه رسیدند که کنوانسیون حقوق معلولین تصویب شود و قرار شد از ۳۰ مارس ۲۰۰۷ (۱۰ فروردین ۱۳۸۶) کشورهای موافق آن را امضا کنند که در همان روز اول ۸۰ کشور آن را امضا کردند که تا آن زمان بی سابقه بود و کشور جامائیکا در همان روز آن را به تصویب مجلس کشورش نیز رساند. کشور ما نیز در سال ۱۳۸۸ مقارن با روز جهانی معلولین به این کنوانسیون ملحق شد.

اکنون در مجلس فراکسیونی به نام فراکسیون دفاع از حقوق معلولین ایران برای اولین بار ایجاد شده است، چرا این کار انجام شد؟ پاسخ این است، صرف وجود این فراکسیون بیانگر لزوم توجه بیشتر به حقوق افراد معلول است.

ضمن تشکر ویژه از تمام مادران و همسرانی که فارغ از همه دغدغه‌ها و مشکلات و مسائل موجود، هیچ‌گونه قانون کنوانسیون و پیمان نامه، معلولین خود را پذیرفته‌اند و هدایت کرده‌اند که در جامعه حضور داشته باشند، به جهت اهمیت «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» و «کنوانسیون حقوق معلولان»، به ذکر این قوانین می‌پردازیم.

قانون جامع حمایت از حقوق معلولین

ماده ۱. دولت موظف است زمینه‌های لازم را برای تأمین حقوق معلولان، فراهم و حمایت‌های لازم را از آنها به عمل آورد.

تبصره: معلول در این قانون به افرادی اطلاق می‌گردد که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد، به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود.

ماده ۲. کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمانها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آنها برای معلولان همچون افراد عادی فراهم گردد.

تبصره ۱. وزارتخانه‌ها، سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند جهت دسترسی و بهره‌مندی معلولان، ساختمانها و اماکن عمومی، ورزشی، تفریحی، معابر و وسایل خدماتی موجود را در چهارچوب بودجه‌های مصوب سالانه خود مناسب‌سازی نمایند.

تبصره ۲. شهرداریها موظفند از صدور پروانه احداث و پایان کار برای آن تعداد از ساختمانها و اماکن عمومی و معابری که استانداردهای تخصصی مربوط به معلولان را رعایت نکرده باشند خود داری نمایند.

تبصره ۳. سازمان بهزیستی کشور مجاز است بر امر مناسب‌سازی ساختمانها و اماکن دولتی و عمومی دستگاه‌های مذکور در ماده فوق نظارت و گزارشات اقدامات آنها را

درخواست نماید.

تبصره ۴. آئین نامه اجرایی ماده فوق ظرف سه ماه مشترکاً توسط وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان بهزیستی کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۳. سازمان بهزیستی کشور موظف است در چارچوب اعتبارات مصوب در قوانین بودجه سالانه اقدامات ذیل را به عمل آورد:

الف. تأمین خدمات توانبخشی، حمایتی، آموزشی و حرفه آموزی مورد نیاز معلولان با مشارکت خانواده های معلولان و همکاری بخش غیردولتی (خصوصی، تعاونی، خیریه) و پرداخت یارانه (کمک هزینه) به مراکز غیردولتی و خانواده ها.

ب. گسترش مراکز خاص نگهداری، آموزشی و توانبخشی معلولان واجد شرایط (معلولان نیازمند، معلولان بی سرپرست، معلولان مجهول الهویه، معلولان با ناهنجاریهای رفتاری) با همکاری بخش غیر دولتی و پرداخت تسهیلات اعتباری و یارانه (کمک هزینه) به آنها.

ج. تأمین و تحویل وسایل کمک توانبخشی مورد نیاز افراد معلول.

د. گسترش کارگاه های آموزشی، حمایتی و تولیدی معلولان و ارایه خدمات توانبخشی حرفه ای به معلولان جهت توانمندسازی آنان.

تبصره. کارگاه های آموزشی، حمایتی و تولیدی معلولان موضوع ماده ی فوق، از شمول قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مستثنی خواهد بود.

ماده ۴. معلولان می توانند در استفاده از امکانات ورزشی، تفریحی، فرهنگی و وسایل حمل و نقل دولتی (مترو، هواپیما، قطار) از تسهیلات نیم بها بهره مند گردند.

تبصره. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تربیت بدنی و شهرداری ها موظفند کتابخانه، اماکن ورزشی، پارک و امکان تفریحی خود را به نحوی احداث و تجهیز نمایند که امکان بهره مندی معلولان فراهم گردد.

ماده ۵. افراد تحت سرپرستی معلولان با معرفی سازمان بهزیستی کشور تحت پوشش بیمه خدمات درمانی و معلولان تحت پوشش بیمه خدمات درمانی و بیمه مکمل درمانی قرار می گیرند.

ماده ۶. یکی از فرزندان اولیایی که خود ناتوان و معلول بوده (هر دو یا یکی از آنها معلول باشد) و یا حداقل دو نفر از فرزندان آنها ناتوان و معلول باشد از انجام خدمت وظیفه عمومی معاف می گردد.

تبصره. همسرانی که زن ناتوان و معلول خود را سرپرستی می نمایند مادامی که سرپرستی همسر ناتوان و معلول را برعهده داشته باشند از انجام خدمت وظیفه عمومی معاف می گردند.

ماده ۷. دولت موظف است جهت ایجاد فرصت های شغلی برای افراد معلول تسهیلات ذیل را فراهم نماید:

الف. اختصاص حداقل سه درصد از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی، کارگری) دستگاه های دولتی و عمومی اعم از وزارتخانه ها، شرکتها و مؤسسات، نهادهای عمومی و انقلابی و دیگر دستگاه هایی که از بودجه عمومی کشور استفاده می نمایند به افراد معلول واجد شرایط.

ب. تأمین حق بیمه سهم کارفرما توسط سازمان بهزیستی کشور و پرداخت آن به کارفرمایانی که افراد معلول را به کار می گیرند.

ج. پرداخت تسهیلات اعتباری به واحدهای تولیدی، خدماتی، عمرانی و صنفی و کارگاه های تولیدی حمایتی در مقابل اشتغال افراد معلول به میزانی که در قوانین بودجه سالانه مشخص می گردد.

د. پرداخت تسهیلات اعتباری خوداشتغالی (وجوه اداره شده) به افراد معلول به میزانی که در قوانین بودجه سالانه مشخص می گردد.

ه. پرداخت تسهیلات اعتباری (وجوه اداره شده) جهت احداث واحدهای تولیدی و خدماتی اشتغال زا به شرکتها و موسساتی که بیش از شصت درصد سهام و سرمایه آنها متعلق به افراد معلول است.

و. اختصاص حداقل شصت درصد از پستهای سازمانی تلفنچی (اپراتور تلفن) دستگاه ها، شرکتها، دولتی و نهادهای عمومی به افراد نابینا و کم بینا و معلولان جسمی، حرکتی.

ز. اختصاص حداقل شصت درصد از پست های سازمانی متصدی دفتری و ماشین نویسی دستگاه ها، شرکتها و نهادهای عمومی به معلولین جسمی، حرکتی.

تبصره ۱. کلیه وزارتخانه ها، سازمانها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی مجازند تا سقف مجوزهای استخدامی سالانه خود، افراد نابینا و ناشنوا و معلولین ضایعات نخاعی واجد شرایط را رأساً به صورت موردی و بدون برگزاری آزمون استخدامی به کار گیرند.

تبصره ۲. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است سه درصد از مجوزهای استخدامی سالانه وزارتخانه ها، سازمانها، مؤسسات دولتی، شرکتها و نهادهای عمومی و

انقلابی را کسر و در اختیار سازمان بهزیستی کشور قرار دهد تا نسبت به برگزاری آزمون استخدامی اختصاصی برای معلولین واجد شرایط، با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اقدام و معلولین واجد شرایط پذیرفته شده را حسب مورد به دستگاه مربوطه معرفی نماید.

تبصره ۳. سازمان بهزیستی کشور مجاز است در قالب اعتبارات مصوب خود، صندوق فرصت های شغلی معلولان و مددجویان بهزیستی را ایجاد و اساس نامه آن را به تصویب هیئت وزیران برساند.

تبصره ۴. سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور موظف است آموزش های لازم فنی و حرفه ای را متناسب با بازار کار برای افراد معلول به صورت رایگان و تملیقی تأمین نماید.

ماده ۸. افراد معلول نیازمند واجد شرایط در سنین مختلف می توانند با معرفی سازمان بهزیستی کشور از آموزش رایگان در واحدهای آموزشی تابعه ی وزارتخانه های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاه های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی، بهره مند گردند.

تبصره. آئین نامه اجرایی این ماده مشترکاً توسط سازمان بهزیستی کشور و وزارتخانه های مذکور و دانشگاه آزاد اسلامی ظرف مدت دو ماه پس از ابلاغ این قانون تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۹. وزرات مسکن و شهرسازی، بانک مسکن و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی موظفند حداقل ده درصد از واحدهای مسکونی احداثی استیجاری و ارزان قیمت خود را به افراد معلول نیازمند فاقد مسکن اختصاص داده و با معرفی سازمان بهزیستی کشور در اختیار آنان قرار دهند.

تبصره ۱. سیستم بانکی کشور مکلف است، تسهیلات اعتباری یارانه دار مورد نیاز احداث و خرید مسکن معلولان را تأمین کند و به افراد معلول یا تعاونی های آنها و یا مؤسسات خیریه ای که برای افراد معلول مسکن احداث می نمایند پرداخت کند.

تبصره ۲. سازمان ملی زمین و مسکن موظف است زمین مورد نیاز احداث واحدهای مسکونی افراد معلول فاقد مسکن را به نرخ کارشناسی تهیه و در اختیار افراد مذکور یا تعاونیها و مؤسسات خیریه ای که برای آنان مسکن احداث می نمایند قرار دهد.

تبصره ۳. افراد معلول از پرداخت هزینه های صدور پروانه ساختمانی، آماده سازی زمین

و عوارض نوسازی معاف می گردند.

تبصره ۴. سازمان بهزیستی کشور موظف است در قالب اعتبارات مصوب خود در قوانین بودجه سالانه و کمک های یارانه ای اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به احداث واحدهای مسکونی برای افراد معلول و مددجویان اقدام و مالکیت یا بهره برداری آنها را مطابق آئین نامه ای که سازمان بهزیستی کشور با همکاری وزارت مسکن و شهرسازی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می رسد به معلولان و مددجویان واجد شرایط واگذار نماید.

ماده ۱۰. میزان کمک هزینه ی (یارانه) پرداختی سازمان بهزیستی کشور به مراکز غیردولتی (روزانه و شبانه روزی) بابت نگهداری، خدمات توانبخشی و آموزشی و حرفه آموزی افراد معلول همه ساله با در نظر گرفتن نرخ تمام شده ی خدمات و تورم سالانه مشترکاً توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزارت بازرگانی تهیه و قبل از خرداد ماه هر سال به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۱. مرکز آمار ایران مکلف است در سرشماری های عمومی جمعیت کشور به نحوی برنامه ریزی نماید که جمعیت افراد معلول به تفکیک نوع معلولیت آنها مشخص گردد. ماده ۱۲. سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف است حداقل دو ساعت از برنامه های خود را در هر هفته در زمان مناسب به برنامه های سازمان بهزیستی کشور و آشنایی مردم با توانمندی های افراد معلول اختصاص دهد.

ماده ۱۳. سازمان بهزیستی کشور موظف است با ایجاد ساز و کار مناسب، نسبت به قیومیت افراد معلول اقدام نماید، دادگاهها موظفند در نصب یا عزل قیم افراد معلول صرفاً از طریق سازمان مذکور عمل و مبادرت به صدور حکم نمایند.

تبصره ۱. سازمان بهزیستی کشور موظف است جهت دفاع از حقوق افراد معلول، در محاکم قضایی و کیل تعیین نموده و به دادگاه مربوطه معرفی کند.

تبصره ۲. آئین نامه اجرایی این ماده ظرف مدت سه ماه مشترکاً توسط سازمان بهزیستی کشور و وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۴. مودیان مالیاتی می توانند از طریق سازمان بهزیستی کشور و با نظارت آن جهت احداث مراکز توابخشی، درمانی و حرفه آموزی و مسکن مورد نیاز افراد معلول اقدام نمایند. گواهی هزینه ی مودیان مالیاتی در موارد فوق که به تأیید سازمان بهزیستی کشور رسیده باشد به عنوان هزینه ی قابل قبول مالیاتی آنان تلقی می گردد.

تبصره. آئین نامه ی اجرایی این ماده مشترکا توسط سازمان بهزیستی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ قانونی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۵. رؤسای سازمانهای بهزیستی استان ها مجازند در جلسات شورای برنامه ریزی و توسعه ی استان و گروه های کاری آن به عنوان عضو شرکت نمایند.

تبصره. به منظور کمک به اشتغال افراد معلول و مددجویان، رئیس سازمان بهزیستی کشور مجاز است در جلسات شورای عالی اشتغال شرکت نماید.

ماده ۱۶. اعتبار مورد نیاز اجرای این قانون از محل منابع زیر تأمین می گردد:

۱. محل اعتباراتی که دستگاهها و نهادها حسب وظایف قانونی در قوانین بودجه ی سالانه منظور می نمایند.

۲. از محل اعتبارات هزینه ای و تملک سرمایه ای سازمان بهزیستی کشور که تاکنون از محل اعتبارات مذکور خدمات لازم را به افراد معلول ارائه می داده است.

۳. از محل وجوه واصله از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها در کشور.

۴. از محل صرفه جویی در هزینه های دستگاه ها و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی که میزان سالانه ی آن برای هر یک از دستگاه ها و شرکت ها و نهاد ها را هیئت وزیران مشخص می نماید.

تبصره ۱. آئین نامه ی اجرایی این ماده توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲. آن تعداد یا بخشی از مواد این قانون که نیاز به اعتبار جدیدی داشته باشد، مادامی که اعتبار لازم از محل منابع مذکور در این ماده تأمین نگردد، اجرا نخواهد شد (به نقل از پایگاه اینترنتی www.irvip.ir، ۱۳۹۰).

کنوانسیون حقوق معلولین

مجمع عمومی

با یادآوری قطعنامه ۵۶/۱۶۸ مورخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۱ که در طی آن تصمیم گرفته شد که برای بررسی یک کنوانسیون جامع و فراگیر به منظور ارتقا و حمایت از حقوق افراد معلول براساس توجه جامع نگر به فعالیت های انجام شده در توسعه ی اجتماعی، حقوق انسانی و منابع تبعیض ها و

در نظر گرفتن توصیه‌های کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون توسعه‌ی اجتماعی پیردازد، یک کمیته‌ی ویژه که حضور در آن برای تمام دولت‌های عضو و ناظران سازمان ملل آزاد باشد، تشکیل شود.

با یادآوری قطعنامه‌های قبلی که آخرین آن قطعنامه‌ی ۶۰/۲۳۲ مورخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۵ بوده است و قطعنامه‌های مرتبط در کمیسیون توسعه اجتماعی و کمیسیون حقوق بشر، با استقبال از همکاری‌های بین دولت‌ها و سازمان‌های غیر دولتی و نهادهای ملی حقوق بشر و کمیته‌ی ویژه:

- مراتب قدردانی خود را از کمیته‌ی ویژه برای تهیه‌ی پیش‌نویس جامع کنوانسیون حقوق معلولین و پیش‌نویس پروتکل الحاقی کنوانسیون اعلام می‌دارد.
- کنوانسیون حقوق معلولین و پروتکل الحاقی، ضمیمه شده به قطعنامه‌ی حاضر را که از تاریخ ۳۰ مارس ۲۰۰۷ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برای امضا مفتوح خواهد بود، مصوب می‌نماید.
- دولت‌ها را مصرانه فرا می‌خواند تا امضا و تصویب کنوانسیون و پروتکل الحاقی را با توجه خاص در نظر گیرند و امیدوار است که دولت‌ها آن را در اسرع وقت اجرا کنند.
- از دبیر کل می‌خواهد که بعد از اجرایی شدن کنوانسیون، کارکنان و تسهیلات لازم را برای اجرای مؤثر امور کنفرانس دولت‌های عضو و کمیته، براساس کنوانسیون و پروتکل الحاقی و اطلاع‌رسانی در مورد کنوانسیون و پروتکل الحاقی، تدارک ببیند.
- همچنین از دبیر کل می‌خواهد که به طور پیش‌رونده، استانداردها و دستورالعمل‌های دسترسی به تسهیلات و خدمات سازمان ملل را با در نظر گرفتن مفاد کنوانسیون به خصوص هنگام تقبل بازسازی‌ها اعمال نماید.

• از آژانس‌ها و نهادهای سازمان ملل می‌خواهد و سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی را دعوت می‌نماید تا در اطلاع‌رسانی درباره‌ی کنوانسیون و پروتکل الحاقی و درک بهتر آن تلاش نمایند.

- از دبیر کل می‌خواهد که در شصت و دومین جلسه مجمع، گزارشی از وضعیت کنوانسیون و پروتکل الحاقی و اجرای قطعنامه‌ی حاضر کنوانسیون حقوق معلولین، تسلیم نماید (به نقل از پایگاه اینترنتی www.irvip.ir، ۱۳۹۰).

هدف از این کنوانسیون، پیشبرد، حمایت و حصول اطمینان از برخورداری مساوی همه‌ی معلولین از حقوق انسانی، آزادی‌های پایه و افزایش احترام به حرمت ذاتی آنها می‌باشد. افراد معلول آن دسته از افرادی هستند که دارای نقایص طولانی مدت فیزیکی، ذهنی یا حسی می‌باشند و در تعامل با موانع مختلف ممکن است از نظر مشارکت کامل و موثر، براساس اصول مساوی با دیگران دچار تأخیر شوند.

ماده ۲) در اهداف کنوانسیون حاضر:

«ارتباطات» شامل زبان گفتاری و اشاره، نمایش متن، بریل، ارتباطات لامسه‌ای، حروف درشت، ارتباطات نوشتاری، شنیداری، چند رسانه‌ای قابل دسترس، زبان ساده، خواننده متن، روش‌های تقویت کننده و جایگزین بوده و روش‌ها و وسایل ارتباطات شامل اطلاعات و تکنولوژی ارتباطات در دسترس، می‌باشد.

«تبعیض براساس معلولیت» یعنی قائل شدن هر گونه استثناء یا محدودیت براساس معلولیت، که به اختلال یا خنثی نمودن رسمیت برخورداری یا احقاق حقوق آزادی‌های پایه در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی یا در هر زمینه‌ی دیگری منجر شود و آن تمام اشکال شامل نفی «انطباق موجه» را در بر می‌گیرد. «زبان» شامل زبان گفتاری، زبان اشاره و سایر زبان‌های غیر گفتاری می‌باشد.

«انطباق موجه» به معنی تغییرات و اصلاحات مناسب و ضروری است که تحمیل کننده بار نامتناسب و سنگین نبوده و در صورت نیاز، در مواردی خاص برای حصول اطمینان از برخورداری معلولین از حقوق مساوی با دیگران و احقاق آن و آزادی‌های پایه به کار می‌رود. «طراحی جامع» و «طراحی یکپارچه» به معنی طراحی تولیدات، محیط‌ها، و سرویس‌هایی است که به وسیله‌ی همه‌ی مردم تا بالاترین حد ممکن قابل استفاده بوده و نیازی به تطابق یا طراحی اختصاصی ندارد.

«طراحی جامع» و «طراحی یکپارچه» نمی‌بایست وسایل کمکی برای گروه خاصی از معلولین را نادیده بگیرد.

ماده ۳) مبانی عمومی:

مبانی کنوانسیون حاضر شامل:

الف) احترام به حرمت ذاتی، استقلال فردی، شامل آزادی در انتخاب و عدم وابستگی.

- ب) عدم تبعیض
 پ) مشارکت مؤثر و کامل و تلفیق در جامعه
 ت) احترام قائل شدن برای تفاوت‌های افراد معلول و قبول معلولیت به عنوان جزئی از تفاوت‌های انسانی و بشری
 ث) مساوی سازی فرصت‌ها
 ج) دسترسی
 چ) تساوی مردان و زنان
 ح) احترام به ظرفیت‌های کودکان معلول و احترام به حق کودکان معلول برای حفظ هویت آنها.

ماده ۴) تعهدات کلی:

- ۱- دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که از به رسمیت شناختن حقوق انسانی و آزادی‌های پایه برای افراد معلول بی‌هیچگونه تبعیض مبتنی بر معلولیت، اطمینان حاصل نموده و آن را توسعه دهند. به این منظور دولت‌های عضو متعهد می‌شوند:
- الف) برای پایه‌گذاری تمام حقوق به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون، تمام اقدامات قانونگذاری و مدیریتی و سایر اقدامات مناسب را تصویب نمایند.
- ب) اقدامات مناسب شامل قانونگذاری برای تعدیل یا منسوخ کردن قوانین، آئین‌نامه، رسوم و اعمال تبعیض آمیز بر علیه معلولان است.
- پ) در تمام خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها، حمایت و گسترش حقوق انسانی افراد معلول را در نظر گیرند.
- ت) از تمام اعمال و اقدامات مغایر با کنوانسیون اجتناب کنند و اطمینان حاصل نمایند که صاحب منصبان اجتماعی و مؤسسه‌ها مطابق با کنوانسیون فعلی عمل می‌نمایند.
- ث) تمام اقدامات مناسب برای حذف تبعیض‌های مبتنی بر معلولیت که توسط هر فرد، سازمان یا بخش خصوصی انجام می‌شود به عمل آورند.
- ج) تحقیقات و ارتقای وسایل، سرویس‌ها، تجهیزات و تسهیلات را - که طبق ماده ۲ این کنوانسیون به حداقل انطباق و کمترین هزینه‌ی لازم برای برطرف نمودن احتیاجات افراد معلول نیاز داشته باشند - برای بهبود و دسترسی و استفاده از آنها و ارتقای طراحی جامعه در توسعه‌ی استانداردها و خط‌مشی‌ها اتخاذ نموده یا توسعه دهند.

چ) توسعه‌ی تحقیقات و بالا بردن سطح دسترسی و استفاده از تکنولوژی جدید شامل تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، وسایل کمک حرکتی، تکنولوژی‌های کمکی مناسب با معلولیت و ارجحیت دادن به تکنولوژی‌های قابل تهیه و ارزان را اتخاذ نموده یا ارتقا دهند.

ح) تدارک اطلاعات قابل دسترسی برای افراد معلول درباره‌ی وسایل کمک حرکتی و تکنولوژی کمکی شامل تکنولوژی‌های جدید و سایر انواع تسهیلات کمکی و سرویس‌های حمایتی.

خ) ارتقای سطح آموزشی متخصصین و کارکنانی که با افراد معلول کار می‌کنند، به منظور کمک بیشتر برای به رسمیت شناختن حقوق موجود این کنوانسیون و خدماتی که توسط این حقوق تضمین شده است.

۲- هر دولت عضو می‌بایست با حداکثر منابع موجود و در دسترس اقداماتی را در صورت نیاز به شکل همکاری‌های بین‌المللی به منظور شناسایی کامل این حقوق بدون تعصب درباره‌ی تعهدات کنوانسیون با توجه به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با هدف دستیابی سریع این حقوق براساس قوانین بین‌المللی قابل اجرا، اتخاذ نماید.

۳- دولت‌های عضو در توسعه و استقرار قانون‌گذاری و خط‌مشی‌ها برای اجرای این کنوانسیون و در روند تصمیم‌گیری‌های مرتبط با افراد معلول، می‌بایست با ایشان مشاوره نموده و به طور تنگ‌انگ و فعالانه، افراد معلول، از جمله کودکان معلول را از طریق سازمان‌های نماینده‌ی آنها شرکت دهند.

۴- هیچ چیز در کنوانسیون فعلی نمی‌بایست قوانینی را که راهگشای به رسمیت شناختن حقوق معلولین بوده و ممکن است در قوانین یک کشور یا قوانین بین‌المللی لازم‌الاجرا برای آن کشور لحاظ شده باشد، تحت تأثیر قرار دهد. نباید هیچ محدودیت و ابطالی در مورد حقوق انسانی پایه‌ی به رسمیت شناخته شده یا موجود در دولت‌های عضو کنوانسیون حاضر، کنوانسیون‌ها، آئین‌نامه‌ها، قوانین پیش‌نویس با این عنوان که کنوانسیون فعلی آن حقوق را به رسمیت نمی‌شناسد یا اهمیت کمتری برای آنها قایل است، اعمال گردد.

۵- قوانین کنوانسیون فعلی می‌بایست به تمام دولت‌های فدرال بدون هیچ استثنایی تعمیم یابد.

ماده ۵) تساوی و عدم تبعیض:

۱- دولت‌های عضو اذعان دارند که تمام افراد در برابر قانون مساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض استحقاق دارند که به طور مساوی توسط قانون حمایت و از آن بهره‌مند شوند.

- ۲- دولت‌های عضو می‌بایست تمام تبعیض‌های مبتنی بر معلولیت را ممنوع کنند و ضامن حمایت قانونی و مساوی از افراد معلول در مقابل تمام تبعیض‌ها باشند.
- ۳- برای پیشبرد برابری و حذف تبعیض‌ها، دولت‌های عضو می‌بایست تمام اقدامات لازم را اتخاذ نمایند تا اطمینان حاصل شود، انطباق موجه فراهم گردیده است.
- ۴- اقدامات ویژه‌ای که برای تسریع یا رسیدن به تساوی عملی برای افراد معلول، مطابق مبانی کنوانسیون حاضر لازم است، نباید تبعیض شناخته شود.

ماده ۶) زنان معلول:

- ۱- دولت‌های عضو تصدیق می‌کنند که زنان و دختران دارای معلولیت، در معرض تبعیض‌های مختلفی هستند و از این نظر باید اقداماتی برای حصول اطمینان از برخورداری کامل آنان از تمام حقوق و آزادی‌های پایه اتخاذ گردد.
- ۲- دولت‌های عضو می‌بایست تمام اقدامات لازم برای دستیابی به توسعه‌ی کامل برای پیشرفت و توانمندسازی زنان به منظور تضمین احقاق حقوق انسانی و برخورداری از آنان و آزادی‌های پایه‌ی تنظیم شده در این کنوانسیون را به عمل آورند.

ماده ۷) کودکان معلول:

- ۱- دولت‌های عضو می‌بایست تمام اقدامات لازم برای اطمینان از برخورداری کامل کودکان معلول از حقوق انسانی و آزادی‌های پایه را به صورت مساوی با سایر کودکان اتخاذ نمایند.
- ۲- در تمام اقدامات مرتبط با کودکان، منافع عالی‌ی کودک، از با اهمیت‌ترین ملاحظات می‌باشد.

- ۳- دولت‌های عضو می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که کودکان معلول دارای حق ابراز عقیده‌ی آزادانه در تمام موضوعات مربوط به خود می‌باشند و باید به عقیده‌ی آنها براساس سن و بلوغشان، مساوی با سایر کودکان توجه کرد و مطابق معلولیت و ملاحظات سنی کمک لازم برای شناسایی آن حق به عمل آید.

ماده ۸) ارتقای آگاهی:

- ۱- دولت‌های عضو متعهد به اقدامات فوری، موثر و مناسب در موارد زیر می‌شوند:

الف) افزایش آگاهی‌ها در میان جامعه، شامل افزایش سطح آگاهی خانواده‌ها درباره‌ی معلولین و افزایش احترام به حقوق و حرمت آنها.

ب) مبارزه با رفتارهای کلیشه‌ای، مضر و تعصبات در مورد افراد معلول در تمام زمینه‌های زندگی از جمله آنهایی که بر پایه جنس و سن می‌باشند.

پ) افزایش آگاهی از ظرفیت‌ها و مشارکت‌های افراد معلول.

۲- اقدامات مورد نظر شامل موارد زیر است:

الف) آغاز نمودن و حفظ چالش آگاهی‌های اجتماعی برنامه ریزی شده برای:

الف - ۱) افزایش احترام به حقوق افراد معلول.

الف - ۲) ارتقای برداشت‌های مثبت از افراد معلول و افزایش آگاهی‌های اجتماعی.

الف - ۳) ارتقای درک مهارت‌ها، شایستگی‌ها، توانایی‌ها و مشارکت افراد معلول در کار و بازار کار.

ب) ارتقای سیستم آموزشی در تمام سطوح از جمله در سنین پایین و در کودکی و تفکر احترام به حقوق معلولین.

پ) تشویق تمام سازمان‌های رسانه‌ای برای به تصویر کشیدن افراد معلول به شکلی که با اهداف این کنوانسیون همخوانی داشته باشد.

ت) ارتقای برنامه‌های آموزشی درباره‌ی افراد معلول و حقوق آنها.

ماده ۹) در دسترس بودن:

۱- برای توانمندسازی افراد معلول به داشتن یک زندگی مستقل و مشارکت کامل آنها در تمام جنبه‌های زندگی، دولت‌های عضو می‌بایست اقدامات مناسب را برای حصول اطمینان از دسترسی افراد معلول مساوی با سایر افراد به محیط‌های پزشکی، حمل و نقل، اطلاعات و ارتباطات، شامل تکنولوژی و سیستم‌های ارتباطی و نیز دسترسی آنان به سایر تسهیلات و سرویس‌های عمومی و آزاد، هم در مناطق روستایی هم در مناطق شهری به عمل آورند. این اقدامات شامل شناسایی و حذف موانع و سدهای موجود در راه رسیدن به دسترسی‌ها می‌باشد و می‌بایست موارد ذیل اجرا شود:

الف) ساختمان‌ها، راه‌ها، حمل و نقل و سایر تسهیلات داخل و خارج خانه‌ای شامل مدارس، منازل، تسهیلات پزشکی و محل کار.

ب) اطلاعات، ارتباطات و سایر سرویس‌ها شامل سرویس‌های الکترونیک و سرویس‌های اضطراری.

۲- دولت‌های عضو همچنین می‌بایست اقدامات مناسب را در موارد زیر اتخاذ نمایند:

الف) توسعه، ترویج و نظارت بر استقرار حداقل استانداردها و خط‌مشی‌ها برای دسترسی به تسهیلات و سرویس‌های همگانی و آزاد.

ب) اطمینان از اینکه نهادهایی که تسهیلات و سرویس‌های همگانی و آزاد ارائه می‌دهند، تمام ابعاد دسترسی افراد معلول را مد نظر دارند.

پ) آموزش اصول دسترسی افراد معلول برای سرمایه‌گذاران.

ت) تهیه‌ی علایم عمومی در ساختمان‌ها به خط بریل و علایمی که آسان خوانده شوند و قابل درک باشند.

ث) تهیه‌ی فرم‌هایی از کمک‌های حضوری و رابطین، شامل راهنما، گوینده و رابط حرفه‌ای و زبان اشاره برای تسهیل نمودن دسترسی به ساختمان‌ها و سایر مکان‌هایی که استفاده از آنها برای عموم آزاد است.

ج) ارتقای سایر اشکال مساعدت و حمایت افراد معلول برای حصول اطمینان از دسترسی آنان به اطلاعات.

چ) توسعه‌ی دسترسی افراد معلول به اطلاعات در دسترس و تکنولوژی‌ها و سرویس‌های ارتباطی.

ح) ارتقای طراحی، توسعه، تولید و پخش اطلاعات در دسترس و تکنولوژی‌ها و سرویس‌های ارتباطی در یک مرحله‌ی ابتدایی، به صورتی که این تکنولوژی و سیستم‌ها با حداقل هزینه قابل دسترسی باشد.

ماده ۱۰) حق زندگی:

دولت‌های عضو اذعان دارند که هر انسانی حق مادرزادی حیات دارد و باید تمام اقدامات لازم برای اطمینان از بهره‌مندی کامل افراد معلول از حقوق مساوی با دیگران به عمل آید.

ماده ۱۱) وضعیت‌های خطرناک و فوریت‌های انسانی:

دولت‌های عضو می‌بایست مطابق با تعهدات خود در قوانین بین‌المللی شامل قوانین بشر دوستانه بین‌المللی، قوانین بین‌المللی حقوق بشر، تمام اقدامات لازم را برای اطمینان از دفاع و امنیت افراد معلول در هنگام خطر شامل درگیری‌های نظامی، فوریت‌ها و حوادث طبیعی به کار ببندند.

ماده ۱۲) به رسمیت شناختن تساوی در برابر قانون:

- ۱- دولت‌های عضو اذعان دارند که افراد معلول حق دارند در همه جا در برابر قانون به رسمیت شناخته شوند.
- ۲- دولت‌های عضو می‌بایست حق برخورداری افراد معلول از صلاحیت‌های قانونی مساوی با سایر افراد در تمام جنبه‌های زندگی را به رسمیت بشناسند.
- ۳- دولت‌های عضو می‌بایست اقداماتی را به کار برند تا دسترسی افراد معلول به حمایتی که ممکن است در حین احقاق صلاحیت‌های قانونی مورد نیاز باشد، فراهم آید.
- ۴- دولت‌های عضو می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که تمام اقدامات مرتبط با احقاق صلاحیت‌های قانونی برای فراهم کردن حمایت مناسب و مؤثر در پیشگیری از سوء استفاده، مطابق قوانین بین‌المللی بشری فراهم گردیده است. در این گونه حمایت‌ها می‌بایست اطمینان حاصل شود که در اقدامات مرتبط با احقاق صلاحیت‌های قانونی به حقوق فرد، خواسته‌ها و ارجحیت‌های وی احترام گذاشته شده است و عاری از هر گونه تعرض به منافع یا تاثیرات ناروا می‌باشد، شایسته و مناسب با محیط فرد است و در کمترین زمان ممکن اقدام می‌نمایند و به طور مرتب مورد بازبینی یک مسئول با مقام لایق قضایی مستقل و بی‌طرف قرار می‌گیرد. این حمایت‌ها می‌بایست مناسب سطوحی باشد که در آن اقدامات، حقوق و منافع فرد تحت تأثیر قرار می‌گیرد.
- ۵- براساس این ماده، دولت‌های عضو می‌بایست تمام اقدامات مناسب و مؤثر را برای حصول اطمینان از حقوق مساوی فرد در مالکیت یا توارث اموال و برای کنترل امور مالی فرد و داشتن دسترسی مساوی به وام‌های بانکی، رهن و سایر انواع اعتبارات مالی اتخاذ نمایند و می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که افراد معلول به اجبار از دارایی‌های خود محروم نشده‌اند.

ماده ۱۳) دسترسی به عدالت:

- ۱- دولت‌های عضو می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که دسترسی مؤثر افراد معلول به عدالت، مساوی با سایرین از جمله تأمین انطباق مناسب با سن، برای تسهیل نقش مؤثر آنها به عنوان شرکت‌کننده‌های مستقیم مثل شهود در تمام مراحل قانونی مانند بازرسی‌ها و سایر مراحل

مقدماتی به عمل آمده است.

۲- برای کمک به اطمینان از اینکه افراد معلول به عدالت دسترسی مؤثر دارند، دولت‌های عضو می‌بایست آموزش‌های لازم را برای مجریان عدالت مثل پلیس و کارکنان زندان‌ها ارتقا دهند.

ماده ۱۴) آزادی و امنیت فردی:

۱- دولت‌های عضو می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که افراد معلول مساوی با دیگران:

الف) از حق آزادی و امنیت فردی برخوردارند.

ب) به طور غیر قانونی و اجباری از آزادی خود محروم نشده‌اند و هر گونه محرومیت از آزادی، مطابق با قانون بوده و هیچگاه نباید وجود معلولیت، محرومیت از آزادی تلقی گردد.

۲- دولت‌های عضو می‌بایست اطمینان حاصل نمایند در صورتی که افراد معلول در روند دادرسی از آزادی خود محروم شده‌اند، آنها مساوی با دیگران مستحق تضمین‌هایی مبتنی بر قانون بین‌المللی حقوق بشر هستند و می‌بایست مطابق با اهداف و اصول این کنوانسیون از جمله موارد انطباق موجه با آنان رفتار شود.

ماده ۱۵) رهایی از شکنجه یا رفتار و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده:

۱- هیچ کس نباید مورد شکنجه، رفتار یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده قرار گیرد. به طور اختصاصی هیچ کس نباید بدون رضایت آزادانه‌اش تحت مطالعات علمی و پزشکی قرار گیرد.

۲- دولت‌های عضو می‌بایست تمام اقدامات مؤثر و قانونی، مدیریتی، قضایی و سایر اقدامات لازم را برای حفظ افراد معلول مساوی با دیگران از شکنجه، رفتار و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده به عمل آورند.

ماده ۱۶) رهایی از بهره‌کشی، خشونت و سوء استفاده:

۱- دولت‌های عضو می‌بایست اقدامات مناسب قانونی، مدیریتی، اجتماعی، تحصیلی و سایر اقدامات لازم را برای حفاظت افراد معلول چه در داخل و چه در خارج از خانه، در برابر

تمام انواع بهره‌کشی، خشونت و سوء استفاده‌های وابسته به جنسیت اتخاذ نمایند.

۲- دولت‌های عضو همچنین می‌بایست تمام اقدامات مؤثر برای پیشگیری از تمام انواع بهره‌کشی، خشونت و سوء استفاده در کنار حصول اطمینان از اشکال مناسب، مساعدت‌های وابسته به جنسیت و سن و نیز حمایت از افراد معلول و خانواده‌ها و مراقبین آنها شامل ملزومات اطلاعاتی و آموزش‌های مبتنی بر چگونگی پیشگیری، تشخیص و گزارش دهی بهره‌کشی، خشونت و سوء استفاده را اتخاذ نمایند. دولت‌های عضو می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که سرویس‌های حمایتی به سن و جنسیت و نوع معلولیت‌ها حساسیت لازم را دارند.

۳- برای جلوگیری از وقوع هر نوع بهره‌کشی، خشونت و سوء استفاده، دولت‌های عضو می‌بایست اطمینان حاصل کنند که تمام تسهیلات و برنامه‌های طراحی شده برای ارائه‌ی خدمات به افراد معلول به طور مؤثری توسط مقام‌های مستقل نظارت می‌شوند.

۴- دولت‌های عضو می‌بایست تمام اقدامات مناسب برای پیشرفت بهبودی فیزیکی، درکی و روان‌شناختی، توانبخشی و حضور مجدد اجتماعی افراد معلول قربانی بهره‌کشی، خشونت و سوء استفاده را از طریق سرویس‌های حمایتی فراهم کنند. این درمان و حضور مجدد اجتماعی می‌بایست در محلی انجام شود که سلامت، بهزیستی و اعتماد به نفس و حرمت، استقلال معلول را پرورش داده و نیازهای خاص وابسته به سن و جنس را در نظر قرار می‌دهد.

۵- دولت‌های عضو می‌بایست قانونگذاری و سیاست‌گذاری‌های مؤثر شامل قانونگذاری، سیاست‌گذاری‌ها با محوریت زنان و کودکان را انجام دهند تا اطمینان حاصل شود که عوامل بهره‌کشی، خشونت و سوء استفاده از افراد معلول شناسایی، بازپرسی و در صورت لزوم محاکمه می‌شوند.

ماده (۱۷) دفاع از موجودیت:

هر فرد معلولی حق دارد که مساوی با دیگران به موجودیت فردی، جسمی و ذهنی‌اش احترام گذاشته شود.

ماده (۱۸) آزادی تغییر محل زندگی و ملیت:

۱- دولت‌های عضو می‌بایست حق افراد معلول را در آزادی تغییر محل زندگی و آزادی انتخاب و اقامت و ملیت، مساوی با دیگران به رسمیت شناخته و اطمینان حاصل نمایند که افراد معلول:

الف) دارای حق کسب یا تغییر ملیت هستند و از ملیت خود به اجبار یا به علت معلولیت محروم نشده‌اند.
ب) به علت معلولیت از توانایی ایشان برای دریافت مالکیت و استفاده از مدارک ملیتی خود و سایر مدارک شناسایی یا استفاده از فرایندهای مهاجرت که ممکن است برای تسهیل احقاق آنها در آزادی تغییر محل لازم باشد، محروم نشده‌اند.

پ) آزاد هستند که هر کشوری از جمله کشور خودشان را ترک کنند.

ت) به اجبار یا به علت معلولیت از حق خود برای ورود به کشورشان محروم نشده‌اند.
۲- کودکان معلول می‌بایست بلافاصله بعد از تولد ثبت گردند و می‌بایست از زمان تولد حق داشتن اسم و حق برخورداری از یک ملیت را داشته باشند و تا جایی که ممکن است حق شناخت والدین و نگهداری توسط آنها را داشته باشند.

ماده ۱۹) زندگی مستقل و شرکت در اجتماع:

دولت‌های عضو این کنوانسیون حق مساوی همه‌ی افراد معلول برای زندگی در اجتماع با انتخاب‌های مساوی با سایر افراد را به رسمیت شناخته و می‌بایست اقدامات مؤثر و مناسب برای تسهیل برخورداری کامل افراد معلول از این حق و پیوستن و مشارکت کامل آنها در اجتماع را با حصول اطمینان از موارد زیر به عمل آورند:

الف) افراد معلول مساوی با سایرین دارای فرصت انتخاب محل اقامت هستند و انتخاب می‌کنند که کجا و با چه کسی زندگی کنند و مجبور به زندگی در یک چیدمان خاص نیستند.
ب) افراد معلول به یک سری سرویس‌های داخل خانه‌ای، اقامتی و اجتماعی شامل مساعدت‌های شخصی لازم برای حمایت از زندگی و حضور در اجتماع و پیشگیری از انزوا و انفکاک از جامعه دسترسی دارند.

پ) سرویس‌های اجتماعی و تسهیلات عامه‌ی مردم برای افراد معلول مساوی و در دسترس بوده و پاسخگوی نیاز آنها می‌باشد.

ماده ۲۰) تحرک شخصی:

دولت‌های عضو می‌بایست اقدامات مؤثر زیر را برای حصول اطمینان از حداکثر تحرک مستقل افراد معلول به عمل آورند:

الف) تسهیل و تحرک فردی معلول بر مبنای روش و زمانی که خودش انتخاب می‌کند و با

هزینه ای که قابل پرداخت است.

ب) تسهیل دسترسی فرد معلول به وسایل کمک حرکتی با کیفیت، لوازم و تکنولوژی‌های کمکی و انواع مساعدت‌های حضوری و واسطه‌ای به وسیله‌ی در دسترس در آوردن آنها با هزینه‌ی قابل پرداخت.

پ) آموزش در مهارت‌های حرکتی برای افراد معلول و کارکنان و متخصصینی که با افراد معلول کار می‌کنند.

ت) تشویق نهادهای تولیدکننده‌ی وسایل کمک حرکتی و تکنولوژی‌های کمکی با توجه نمودن به تمام جنبه‌های حرکتی افراد معلول.

ماده ۲۱) آزادی ابراز عقیده و بیان و دسترسی به اطلاعات:

دولت‌های عضو می‌بایست تمام اقدامات لازم را به عمل آورند تا اطمینان حاصل شود که افراد معلول می‌توانند حق آزادی بیان و ابراز عقیده شامل جستجو، دریافت و تبادل اطلاعات و نظرات، مساوی با دیگران و از طریق زبان‌های اشاره، بریل، ارتباطات تقویت شده و جایگزین و راه و روش‌های در دسترس و انواع ارتباطات شامل موارد زیر را به انتخاب خود کسب نمایند:

الف) قرار دادن اطلاعات در نظر گرفته شده برای عموم جامعه به صورت قابل دسترس، در اختیار افراد معلول با معلولیت‌های مختلف در زمان مناسب و بدون هیچ‌گونه هزینه‌ی اضافی.

ب) پذیرش و تسهیل استفاده از زبان اشاره، بریل، ارتباطات تقویت شده، جایگزین سایر موارد، اشکال و انواع ارتباطاتی که در تعاملات اداری توسط افراد معلول انتخاب می‌شود.

پ) تأکید نمودن به نهادهای خصوصی که سرویس‌های لازم را برای عموم جامعه از طریق مواردی چون اینترنت تدارک می‌بینند به تهیه‌ی اطلاعات و سرویس‌های در دسترس و قابل استفاده برای افراد معلول.

ت) تشویق رسانه‌ها شامل تهیه‌کنندگان اطلاعات اینترنتی برای ارائه‌ی سرویس‌های قابل دسترسی برای معلول.

ث) به رسمیت شناختن و ترویج زبان اشاره.

ماده ۲۲) احترام به حریم خصوصی:

- ۱- در امور شخصی، فامیلی، خانگی، مراودت و سایر موارد ارتباطی هیچ فرد معلولی بدون توجه به محل اقامت و چیدمان زندگی که ممکن است داشته باشد - نباید به اجبار و برخلاف قانون دخالت کرد یا به شرافت و اعتبار وی به صورت غیرقانونی تعدی کرد.
- ۲- دولت‌های عضو می‌بایست از محرمانه بودن اطلاعات شخصی، بهداشتی و توانبخشی فرد معلول مساوی با دیگران حمایت کنند.

ماده ۲۳) احترام به خانه و خانواده:

- ۱- دولت‌های عضو می‌بایست اقدامات مناسب و مؤثر برای حذف تبعیض علیه افراد معلول در تمامی موضوعات مربوط به ازدواج، خانواده، مراقبت از فرزندان و روابط را مساوی با سایر افراد به عمل آورند تا اطمینان حاصل شود که:
 - الف) حقوق تمام افراد معلول در سن ازدواج که تمایل دارند آزادانه و با توافق طرفین ازدواج کرده و تشکیل خانواده دهند، به رسمیت شناخته شده است.
 - ب) حقوق افراد معلول برای انتخاب آزادانه بر تعداد و فاصله‌گذاری بین فرزندان و دسترسی به اطلاعات وابسته به سن، آموزش باروری و تنظیم خانواده و موارد لازم برای قادر نمودن آنها برای احقاق این حقوق، تدارک دیده شده است.
 - پ) افراد معلول از جمله کودکان می‌بایست باروری خود را به صورت مشابه با دیگران حفظ نمایند.

- ۲- دولت‌های عضو می‌بایست اطمینان حاصل نمایند در حقوق و مسئولیت‌های افراد معلول در مورد قیومیت، سرپرستی، تولیت و فرزند خواندگی و موسسات در جایی که این مفاهیم در قانون‌گذاری ملی وجود دارد، در تمام موارد منافع عالی‌ی کودک ارجح می‌باشد. دولت‌های عضو می‌بایست مساعدت مناسب را برای افراد معلول در مورد مسئولیت بزرگ کردن کودکان به عمل آورند.

- ۳- دولت‌های عضو می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که کودکان معلول از نظر احترام به زندگی خانوادگی شان دارای حقوق مساوی با دیگران هستند. به منظور رسمیت شناختن این حقوق و پیشگیری از پنهان سازی، رهاسازی، بی‌توجهی و جداسازی کودکان معلول، دولت‌های عضو می‌بایست متعهد شوند که اطلاعات، خدمات و حمایت‌های سریع و جامع

- برای کودکان معلول و خانواده‌ی آنان را فراهم کنند.
- ۴- دولت‌های عضو می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که نباید کودک برخلاف میل والدینش از آنان جدا شود. مگر آنکه مقامات واجد شرایط، مطابق با قوانین و روندهای قابل اجرا حکم دهند که این جدایی برای منافع کودک لازم است. در هیچ موردی نباید کودک از والدینش (یکی یا هر دوی آنها) براساس معلولیتش جدا شود.
- ۵- دولت‌های عضو می‌بایست تعهد نمایند چنانچه خانواده به سببی قادر به نگهداری از کودک معلول نباشد هر تلاشی را برای تأمین مراقبت جایگزینی توسط فامیل‌های دور به عمل آورده و هر گاه این مسئله با شکست مواجه شود در یک مجموعه‌ی خانوادگی در جامعه، این امر را انجام دهد.

ماده (۲۴) تحصیلات:

- ۱- دولت‌های عضو حق افراد معلول را برای تحصیل به رسمیت می‌شناسند و به منظور شناسایی این حق، بدون تبعیض و براساس فرصت‌های مساوی می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که یک سیستم تحصیلی فراگیر در تمام سطوح یادگیری مادام‌العمر برای موارد زیر سازماندهی شده است:
- الف) توسعه‌ی کامل ظرفیت‌ها و احساس کرامت و حرمت نفس و استحکام احترام به حقوق، آزادی‌های پایه و اختلافات انسانی.
- ب) ارتقاء شخصیت، استعداد، خلاقیت و همچنین توانایی‌های ذهنی و جسمی افراد معلول و به حداکثر رساندن ظرفیت‌های آنان.
- پ) قادر ساختن افراد معلول به مشارکت مؤثر در یک اجتماع آزاد.
- ۲- برای شناسایی این حق، دولت‌ها می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که:
- الف) افراد معلول در سیستم آموزش عمومی به علت معلولیت کنار گذاشته نشده‌اند و کودکان معلول از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی اختیاری و اجباری به علت معلولیتشان محروم نشده‌اند.
- ب) افراد معلول باید در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند به تحصیل فراگیر با کیفیت و رایگان، در سطوح اولیه و راهنمایی و مساوی با دیگران دسترسی داشته باشند.
- پ) انطباق موجه در نیازهای فردی تدارک دیده شده است.
- ت) افراد معلول در سیستم تحصیلی عمومی حمایت لازم را برای سهولت تحصیلی مؤثر کسب نمایند.

ث) اقدامات حمایتی فردی و مؤثر در محیط‌هایی که توسعه‌ی اجتماعی و آکادمیک را به حداکثر می‌رساند موافق با هدف تلفیق کامل، تدارک دیده شود.

۳- دولت‌های عضو می‌بایست افراد معلول را قادر سازند که مهارت‌های پیشرفت در زندگی و پیشرفت اجتماعی را یاد بگیرند تا در مشارکت کامل و مساوی آنها در امر تحصیل و به عنوان اعضای جامعه تسهیل گردد. دولت‌های عضو برای این منظور می‌بایست اقدامات مناسب شامل موارد زیر را به عمل آورند:

الف) تسهیل نمودن یادگیری خط بریل، الفبای جایگزین، فرم‌های تقویت شده، اشکال و انواع ارتباطات، مهارت‌های جهت‌یابی و تحرک، تسهیل نمودن حمایت همسان و انتقال تجربه.

ب) تسهیل نمودن یادگیری زبان اشاره و ارتقای هویت جمعیت افراد ناشنوا.

پ) حصول اطمینان از گسترش تحصیل افراد به خصوص تحصیل کودکان نابینا، ناشنوا، و نابینا-ناشنوا به بیشتر زبان‌ها، روش‌ها و اشکال مناسب ارتباطی برای فرد و در محیط‌هایی که پیشرفت آکادمیک و اجتماعی فرد را به حداکثر می‌رساند.

۴- برای کمک نمودن به حصول اطمینان از این حق، دولت‌های عضو می‌بایست اقدامات لازم را برای استخدام معلمان، شامل معلمان معلول واجد شرایط در زمینه‌ی زبان اشاره و بریل و نیز برای آموزش افراد حرفه‌ای و کارکنان در تمام مراحل آموزشی به عمل آورند. این آموزش‌ها می‌بایست با آگاهی در زمینه‌ی معلولیت، راه و روش‌ها و وسایل ارتباطی تقویت‌کننده و جایگزین، سبک‌ها و محتویات آموزشی برای حمایت افراد معلول همراه باشد.

۵- دولت‌های عضو می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که افراد معلول به تحصیلات متوسطه، آموزش حرفه‌ای، آموزش بالغین و آموزش مادام‌العمر بدون هیچگونه تبعیض و مساوی با دیگران، دسترسی دارند. برای دستیابی به این منظور دولت‌های عضو می‌بایست اطمینان حاصل کنند که «انطباق موجه» برای افراد معلول فراهم شده است.

ماده ۲۵) سلامتی:

دولت‌های عضو، حق افراد معلول را برای برخورداری از بالاترین استانداردهای ممکن در زمینه‌ی بهداشت، بدون تبعیض قائل شدن براساس معلولیت، به رسمیت می‌شناسند.

دولت‌های عضو می‌بایست تمام اقدامات لازم را برای حصول اطمینان از دسترسی افراد معلول به خدمات بهداشتی با رعایت تفاوت‌های جنسی، شامل توانبخشی مرتبط با بهداشت اتخاذ

نمایند. به طور اختصاصی دولت‌های عضو می‌بایست:

الف) برای افراد معلول، مراقبت‌ها و خدمات بهداشتی با وسعت و باکیفیت استانداردهای رایگان یا قابل پرداخت، مساوی با آنچه برای سایرین تدارک دیده شده است به خصوص در زمینه‌های بهداشتی و باروری و برنامه‌هایی جامعه‌نگر مهیا کنند.

ب) آن دسته از خدمات بهداشتی که برای افراد معلول به خصوص به علت معلولیت‌شان مورد نیاز است شامل تشخیص و مداخله‌ی مناسب و سرویس‌های طراحی شده برای کم کردن یا پیشگیری از معلولیت بیشتر در کودکان و افراد مسن تر را تدارک ببیند.

پ) این خدمات بهداشتی را تا جایی که ممکن است در نزدیکی محل خود افراد معلول از جمله مناطق روستایی فراهم کنند.

ت) از افراد حرفه‌ای فعال در زمینه‌ی بهداشت بخوانند که برای افراد معلول، مراقبتی با کیفیت و مشابه سایر افراد براساس موافقت آگاهانه و آزادانه از جمله به وسیله‌ی افزایش آگاهی‌ها در زمینه‌ی حقوق، حرمت و استقلال انسانی و براساس نیازهای افراد معلول از طریق آموزش و ترویج استانداردهای اخلاقی در جامعه و در بخش مراقبت بهداشتی - خصوصی فراهم کنند.

ث) از تبعیض بر علیه افراد در زمینه‌ی بیمه‌های بهداشتی و بیمه‌های عمری که می‌بایست منصفانه و قابل قبول تدارک دیده شوند، در جایی که این بیمه‌ها توسط قوانین ملی مجاز شناخته شده است - جلوگیری کنند.

ج) از منع تبعیض آمیز مراقبت‌های بهداشتی، سرویس‌های بهداشتی یا غذا و مایعات براساس معلولیت جلوگیری کنند.

ماده ۲۶) توانمند سازی و توانبخشی:

۱- دولت‌های عضو می‌بایست اقدامات مؤثر و مناسب را از طریق حمایت‌های همسان برای قادر ساختن افراد معلول به دستیابی و حفظ حداکثر استقلال، توانایی فیزیکی، ذهنی، اجتماعی و شغلی و یکپارچگی و مشارکت کامل در تمام جنبه‌های زندگی به عمل آورند. به این منظور دولت‌های عضو می‌بایست سرویس‌های توانمند سازی و توانبخشی جامعی را به خصوص در زمینه‌های بهداشتی، اشتغال، تحصیل و خدمات اجتماعی سازماندهی و تقویت کنند، به طوری که:

الف) در ابتدایی‌ترین مرحله‌ی ممکن و براساس ارزیابی‌های چندگانه از نیازها و توانایی‌های فردی شروع شود.

ب) از مشارکت و پیوستن فرد به جامعه در تمام زمینه‌های اجتماعی حمایت کنند و تا حد امکان، نزدیک به اجتماع خود آنها - از جمله در مناطق روستایی - و در دسترس افراد معلول باشد.

- ۲- دولت‌های عضو می‌بایست آموزش‌های اولیه و مداوم را برای کارکنان و افراد حرفه‌ای فعال در سرویس‌های توانمند سازی و توانبخشی توسعه و ارتقا دهند.
- ۳- دولت‌های عضو می‌بایست دسترسی و دانش استفاده از وسایل و تکنولوژی‌های کمکی طراحی شده برای افراد معلول را با توجه به ارتباط آنها به توانمند سازی و توانبخشی ارتقا دهند.

ماده (۲۷) کار و اشتغال:

۱- دولت‌های عضو، حق افراد معلول برای کار کردن را مساوی با سایر افراد به رسمیت می‌شناسند و این حق شامل برخورداری از فرصت تأمین زندگی با کار آزادانه در بازار کار انتخاب شده و محیط کاری که باز، یکپارچه و قابل دسترسی برای افراد معلول می‌باشد. دولت‌های عضو می‌بایست حق کار را - از جمله حق کاری افرادی که در هنگام کار دچار معلولیت شده‌اند - با اتخاذ مراحل خاص از طریق قانونگذاری به رسمیت شناخته و از آن حمایت کنند.

الف) تبعیض براساس معلولیت را در تمام موارد مربوط به انواع اشتغال شامل شرایط کارگزینی، استخدام، اشتغال، تداوم شغل، ارتقای شغلی و شرایط ایمنی و بهداشتی کار ممنوع کنند. ب) از حقوق افراد معلول مساوی با سایرین در شرایط عادلانه و مطلوب کاری، شامل فرصت‌های مساوی، برای کار مساوی و شرایط کاری امن و بهداشتی از جمله پیشگیری از سانحه و رسیدگی به شکایات، حمایت کنند.

پ) اطمینان حاصل نمایند که افراد معلول قادرند که حقوق کاری و صنفی خود را مساوی با سایرین وصول کنند.

ت) افراد معلول را قادر سازند که دسترسی مؤثر به برنامه‌های راهنمایی و فنی عمومی و حرفه‌ای سرویس‌های کاریابی و آموزش‌های حرفه‌ای و مداوم داشته باشند.

ث) فرصت‌های استخدام و ارتقای شغلی را برای افراد معلول در بازار کار افزایش دهند و به یافتن شغل، حفظ و نگهداری از آن و بازگشت به کار افراد معلول کمک نماید. ج) فرصت‌های خود اشتغالی، تأسیس شرکت‌ها، توسعه‌ی تعاونی‌ها و افتتاح مشاغل آزاد را توسعه بخشند.

چ) افراد معلول در بخش دولتی استخدام شوند.

ح) استخدام افراد معلول در بخش خصوصی را از طریق سیاستگذاری‌ها و اقدامات مناسب که ممکن است شامل برنامه‌هایی برای حرکت مؤید، مشوق و سایر تلاش‌ها باشد، توسعه دهند.

خ) اطمینان حاصل نمایند که «انطباق موجه» برای فرد معلول در محیط کاری به عمل آمده است.

د) فراگیری تجربه کاری در بازار کار آزاد را توسط افراد معلول توسعه دهند.
ذ) برنامه‌های توانبخشی شغلی حرفه‌ای، حفاظت کار و بازگشت به کار را برای افراد معلول ارتقا دهند.
۲- دولت‌های عضو می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که افراد معلول در بردگی و بیگاری ننگه داشته نشده‌اند، از کار اجباری الزامی محافظت شوند.

ماده ۲۸) استانداردهای مناسب زندگی و حمایت اجتماعی:

- ۱- دولت‌های عضو حق افراد معلول را برای داشتن یک زندگی مناسب و استاندارد برای خود و خانواده‌شان شامل غذا، پوشاک، مسکن و تقویت مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند و می‌بایست برای حمایت قانونی و رسمیت یافتن این حقوق بدون تبعیض بر اساس معلولیت، تدابیر مناسبی اتخاذ کنند.
- ۲- دولت‌های عضو، حق افراد معلول را برای حمایت اجتماعی و برخورداری از آن حق، بدون تبعیض بر پایه معلولیت به رسمیت شناخته و می‌بایست اقدامات مناسبی را برای حمایت و ارتقا این حقوق به شرح ذیل اتخاذ نمایند:
 - الف) حصول اطمینان از دسترسی مساوی افراد معلول به سرویس‌های آب بهداشتی و وسایل و سایر کمک‌های مناسب و قابل وصول مربوط به نیازهای معلولیت.
 - ب) حصول اطمینان از دسترسی افراد معلول به خصوص زنان و دختران و سالمندان معلول به برنامه‌های حمایت اجتماعی و فقر زدایی.
 - پ) حصول اطمینان از دسترسی افراد معلول و خانواده‌های آنها که در شرایط فقر زندگی می‌کنند به کمک‌های دولتی در هزینه‌های مرتبط با معلولیت شامل کمک‌های آموزشی، مشاوره‌ای و مالی مناسب و مراقبت دوره نقاهت.
 - ت) حصول اطمینان از دسترسی افراد به برنامه‌های اسکان دولتی
 - ث) حصول اطمینان از دسترسی افراد معلول به مزایا و برنامه‌های بازنشستگی

ماده ۲۹) مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی:

- دولت‌های عضو می‌بایست حقوق سیاسی و فرصت برخورداری از آن را مساوی با دیگران تضمین نموده و تعهد نمایند که:
- الف) به وسیله موارد ذیل اطمینان حاصل نمایند که افراد معلول به شکلی مؤثر و کامل در زندگی سیاسی و اجتماعی به طور مستقیم یا از طریق نمایندگان‌شان که آزادانه انتخاب شده‌اند، شرکت می‌کنند که این مسأله علاوه بر داشتن حق و فرصت رأی دادن و انتخاب

شدن شامل موارد ذیل است:

۱- حصول اطمینان از اینکه روند رأی‌گیری، تسهیلات و مفاد آن مناسب، در دسترس و برای درک و استفاده آسان است.

۲- حفاظت از حق افراد معلول تا بتوانند با رأی‌های مخفی در انتخابات و در فرآیندهای عمومی بدون ترس شرکت کنند و از انتخابات حمایت کرده و به صورت مؤثری دفتر انتخاباتی داشته باشند و تمام عملکردهای اجتماعی را در سطوح حکومتی از طریق تسهیل استفاده از تکنولوژی‌های جدید و کمکی و در مکان‌های مناسب انجام دهند.

۳- ابراز عقیده‌ی آزادانه‌ی افراد معلول را به عنوان رأی‌دهندگان تضمین کنند و به این منظور در جایی که لازم است به درخواست ایشان اجازه کمک به آنها از طریق فردی که توسط خودشان تعیین شده است، داده شوند.

ب) فعالانه محیطی را که در آن افراد معلول بتوانند امور اجتماعی را بدون تبعیض و مساوی با دیگران به طور مؤثر و کامل هدایت کنند، توسعه بخشند و آنها را به مشارکت در امور اجتماعی به شرح ذیل ترغیب کنند:

۱- مشارکت سازمان‌ها و انجمن‌های غیر دولتی مرتبط با زندگی اجتماعی- سیاسی کشور و مشارکت در فعالیت‌ها و سازماندهی جناح‌های سیاسی کشور.

۲- تشکیل و پیوستن به سازمانهای افراد معلول برای اینکه نمایندگان آنها در سطح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی باشد.

ماده ۳۰) مشارکت در زندگی فرهنگی، تفریحی و ورزشی:

۱- دولت‌های عضو، حق افراد معلول را برای شرکت در زندگی فرهنگی مساوی با دیگران به رسمیت می‌شناسند و می‌بایست تمام اقدامات لازم را اتخاذ نمایند تا اطمینان حاصل شود که افراد معلول:

الف) از دسترسی به محصولات فرهنگی قابل وصول برخوردار باشند.

ب) از دسترسی به برنامه‌های تلویزیونی، فیلم، تئاتر و سایر فعالیت‌های فرهنگی قابل وصول برخوردار باشند.

پ) از دسترسی به مکان‌های ارائه‌ی خدمات و اجراهای فرهنگی مثل تئاتر، موزه، سینما، کتابخانه و خدمات توریستی برخوردار بوده و تا جایی که امکان دارد از دسترسی به مکان‌های تاریخی و محل‌هایی که از نظر ملی دارای اهمیت هستند، بهره‌مند شوند.

۲- دولت‌های عضو می‌بایست تمام اقدامات مناسب را اتخاذ کنند تا افراد معلول قادر شوند

فرصت توسعه و استفاده از خلاقیت، ظرفیت‌های هنری و ذهنی خود را نه تنها برای سود خود، بلکه برای غنی‌سازی جامعه داشته باشند.

۳- دولت‌های عضو می‌بایست تمام مراحل مناسب را منطبق با قوانین بین‌المللی اتخاذ نمایند تا اطمینان حاصل کنند که قوانین حفاظت‌کننده‌ی مالکیت‌های معنوی، به یک مانع غیر منطقی یا تبعیض‌آمیز، در دسترسی افراد معلول به منابع فرهنگی تبدیل نشده باشند.

۴- افراد معلول می‌بایست مساوی با دیگران مستحق شناسایی و حمایت برنامه‌های خاص فرهنگی و هویت‌زبانی‌شان، شامل زبان اشاره و فرهنگ افراد ناشنوا باشند.

۵- نظر به قادرسازی افراد معلول به شرکت مساوی با سایر افراد در فعالیت‌های تفریحی و ورزشی، دولت‌های عضو می‌بایست اقدامات مناسبی را شامل موارد زیر اتخاذ نمایند:

الف) تشویق و ارتقای حضور افراد معلول در کامل‌ترین حد ممکن در جریان فعالیت‌های ورزشی در همه‌ی سطوح.

ب) حصول اطمینان از اینکه افراد معلول دارای فرصت سازماندهی، توسعه و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، تفریحی مختص افراد معلول بوده و به این منظور آنها را به مریگیری، تمرین و تلاش مناسب، مساوی با دیگران تشویق نماید.

پ) اطمینان حاصل نمایند که افراد معلول به حوزه‌های ورزشی، تفریحی و گردشگری دسترسی دارند.

ت) اطمینان حاصل نماید که افراد معلول به مشارکت در بازی‌ها، فعالیت‌های تفریحی و ورزشی از جمله فعالیت‌های موجود در سیستم مدرسه دسترسی دارند.

ث) اطمینان حاصل نمایند که افراد معلول به خدمات سازمان‌های تفریحی، گردشگری و ورزشی دسترسی دارند.

ماده (۳۱) آمار و جمع‌آوری اطلاعات:

۱- دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که اطلاعات مناسب شامل اطلاعات آماری و تحقیقاتی را برای طبقه‌بندی و بنیان‌گذاری سیاست‌های لازم برای اجرای این کنوانسیون جمع‌آوری کنند و روند جمع‌آوری و حفظ اطلاعات می‌بایست:

الف) موافق با حفاظت قانونی، شامل قوانین حفظ اطلاعات برای حصول اطمینان از رازداری و احترام به حریم خصوصی افراد معلول باشد.

ب) موافق با هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی برای حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های پایه و اصول اخلاقی آمار باشد.

۲- جمع‌آوری اطلاعات منطبق با این ماده می‌بایست در سطحی وسیع و مناسب برای کمک به ارزیابی تعهدات دولت‌های عضو در رابطه با کنوانسیون حاضر و برای شناسایی و رسیدگی به مواعی که افراد معلول در راه دستیابی حقوق خود با آن مواجه می‌شوند، به کار برود.

۳- دولت‌های عضو می‌بایست مسؤلیت انتشار این آمار و حصول اطمینان از دسترسی افراد معلول و سایرین، به آن را بپذیرند.

ماده (۳۲) همکاری‌های بین‌المللی:

۱- دولت‌های عضو، اهمیت همکاری بین‌المللی و ارتقای آن را در حمایت از تلاش‌های ملی برای شناسایی مقاصد و اهداف کنوانسیون حاضر به رسمیت شناخته و اقدامات مناسب و مؤثری را در این مورد بین دولت‌ها و در صورت نیاز با مشارکت سازمان‌های مرتبط بین‌المللی و منطقه‌ای و جوامع مدنی به خصوص سازمان‌های افراد معلول اتخاذ خواهند کرد. این اقدامات می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

الف) حصول اطمینان از همکاری‌های بین‌المللی شامل برنامه‌های توسعه‌ی بین‌المللی یکپارچه و دسترسی برای افراد معلول.

ب) تسهیل و حمایت از ظرفیت‌سازی شامل تبادل و تقسیم اطلاعات، تجربیات، برنامه‌های آموزشی و اجرای بهینه.

پ) تسهیل همکاری در تحقیقات و دسترسی به دانش علمی و فنی.

ت) تدارک کمک‌های فنی و اقتصادی مناسب شامل تسهیل دسترسی به تبادل تکنولوژی کمکی در دسترس، از طریق انتقال تکنولوژی.

۲- مفاد این ماده بدون تعصب به تعهدات هر کدام از دولت‌ها برای عمل به تعهدات اشاره شده در این کنوانسیون می‌باشد.

ماده (۳۳) اجرای ملی و نظارت:

۱- دولت‌های عضو، هماهنگ با سیستم‌های سازمانی شان می‌بایست یک یا چند هسته‌ی مرکزی را در دولت برای موضوعات مربوط به استقرار کنوانسیون حاضر مشخص کرده و به تأسیس یا تأمین یک مکانیسم هماهنگ کننده در دولت، برای تسهیل اقدامات مرتبط با بخش‌ها و در سطوح مختلف توجه لازم را داشته باشند.

۲- دولت‌های عضو می‌بایست بر حسب نیاز، هماهنگ با سیستم‌های مدیریتی قانونی شان در داخل دولت، یک چارچوب شامل یک یا چند مکانیسم مستقل برای پیشبرد، حمایت و

نظارت استقرار کنوانسیون حاضر، تأسیس، تأمین، تقویت و حفظ کنند. در هنگام طراحی چنین مکانیسمی دولت‌های عضو می‌بایست اصول مربوط به وضعیت عملکرد مؤسسات ملی برای حمایت و توسعه‌ی حقوقی انسانی را در نظر گیرند.

۳- جامعه‌ی مدنی، به خصوص افراد معلول و سازمان‌های نماینده آنها می‌بایست به طور کامل در روند نظارتی دخالت و حضور داشته باشند.

ماده ۳۴) کمیته حقوق افراد معلول:

- ۱- می‌بایست یک کمیته‌ی حقوق افراد معلول (در اینجا کمیته نامیده می‌شود) با وظایفی که ذکر گردیده تشکیل شود.
- ۲- کمیته می‌بایست در زمان اجرایی شدن این کنوانسیون دارای ۱۲ نفر از خبرگان باشد. بعد از تصویب یا پیوستن ۶۰ کشور، اعضای کمیته می‌بایست از ظرفیت‌های فردی لازم برخوردار بوده و دارای وضعیت اخلاقی بالا و در زمینه‌های مختلف کنوانسیون حاضر، توانا و مجرب باشند. از دولت‌های عضو دعوت به عمل می‌آید تا هنگام اعلام نامزدی کاندیداها به مفاد تدوین شده در ماده ۳۴ این کنوانسیون توجه ویژه مبذول دارند.
- ۳- اعضای کمیته می‌بایست توسط دولت‌های عضو و با در نظر گرفتن ملاحظات لازم به پراکندگی جغرافیایی منصفانه‌ی آنها، نمایندگی اشکال مختلف مدنی و سیستم‌های قانونی، اصل تعادل جنسیتی و مشارکت افراد معلول خبره انتخاب گردند.
- ۴- اعضای کمیته می‌بایست توسط رأی‌های مخفی و از میان یک لیست نامزد شده توسط دولت‌های عضو در گردهمایی دولت‌های عضو که توسط دبیر کل سازمان ملل تشکیل می‌شود، انتخاب شوند. در جلساتی که حداقل با دو سوم دولت‌های عضو تشکیل شده است، افراد انتخاب شده برای کمیته می‌بایست کسانی باشند که بیشترین رأی را آورده‌اند و اکثریت قاطع رأی نمایندگان حاضر دولت‌ها در رأی‌گیری را کسب کرده باشند.
- ۵- انتخابات اولیه می‌بایست تا ۶ ماه بعد از تاریخ اجرایی شدن کنوانسیون حاضر انجام شود. حداقل ۴ ماه قبل از هر انتخابات مجمع عمومی می‌بایست نامه‌ای به دولت‌های عضو نوشته و از آنها درخواست کند نامزدهای خود را در عرض ۲ ماه معرفی نمایند. دبیر کل در اقدام بعدی می‌بایست فهرستی از تمام نامزدها به ترتیب حروف الفبا تهیه کند به صورتی که نمایانگر دولت‌هایی باشد که آنها نامزد کرده‌اند و سپس می‌بایست آن را به دولت‌های عضو کنوانسیون حاضر تسلیم نماید.
- ۶- اعضای کمیته می‌بایست برای یک دوره ۴ ساله انتخاب گردند. آنها می‌بایست امکان یک بار

انتخاب شدن مجدد را داشته باشند، با این حال زمان خدمت ۶ نفر از اعضای منتخب در انتخابات اول پس از دو سال به پایان می‌رسد و بلافاصله بعد از انتخابات اول، اسامی این ۶ نفر باید به وسیله رئیس در پایان گردهمایی که در بند ۵ این ماده اشاره شده است، با قرعه کشی انتخاب گردد.

۷- انتخاب ۶ نفر عضو بعدی کمیته می‌بایست در موقعیت انتخابات معمولی و مطابق با مفاد این ماده انجام شود.

۸- اگر یکی از اعضای کمیته فوت شود یا استعفا دهد یا به هر دلیل اعلام کند که دیگر قادر به انجام وظایف خود نیست، دولت عضوی که او را نامزد کرده است می‌بایست فرد خبره‌ی دیگری که واجد شرایط بوده و صلاحیت لازم مربوط به مفاد این ماده را دارد، برای خدمت در زمان باقی مانده تعیین کند.

۹- کمیته می‌بایست قوانین مربوط به روند کار خود را تبیین کند.

۱۰- دبیر کل سازمان ملل می‌بایست کارکنان و تسهیلات لازم برای اجرای مؤثر عملکردهای کمیته‌ی تحت کنوانسیون حاضر را تدارک ببیند.

۱۱- با تصویب مجمع عمومی، اعضای کمیته‌ی تحت عنوان این کنوانسیون می‌بایست حقوقی را مطابق با شرایطی که می‌تواند توسط مجمع عمومی تضمین شود از منابع سازمان ملل با توجه به اهمیت مسؤلیت‌های کمیته دریافت نماید.

۱۲- اعضای کمیته می‌بایست مستحق دریافت تسهیلات، امتیازات و مصونیت خبرگان مأمور در سازمان ملل باشند، چنانچه در بخش‌های کنوانسیون، امتیازات و مصونیت‌های سازمان ملل مشخص گردیده است.

ماده ۳۵) گزارش‌های دولت‌های عضو:

۱- هر دولت عضو می‌بایست از طریق کمک مجمع عمومی سازمان ملل گزارش جامعی از اقداماتی که در زمینه‌ی تلاش‌ها برای انجام تعهدات خود تحت عنوان کنوانسیون حاضر و نیز پیشرفت به دست آمده در ارتباط با آن را ۲ سال بعد از اجرایی شدن کنوانسیون حاضر به کمیته تسلیم کند.

۲- بعد از آن دولت‌های عضو می‌بایست حداقل ۴ سال یک بار و نیز هر زمان که کمیته درخواست کند، گزارش‌های بعدی را تسلیم کنند.

۳- کمیته می‌بایست درباره‌ی راهنمایی مورد نیاز برای محتوای گزارش‌ها تصمیم‌گیری کند.

۴- نیازی نیست دولت عضو که یک گزارش اولیه جامع را به کمیته ارائه کرده است، در گزارش بعدی خود، اطلاعات قبلی را بیاورد. دولت‌های عضو دعوت می‌شوند تا در

هنگام ارائه گزارش‌ها به کمیته، روند آزاد و شفاف‌ی را اتخاذ نموده و ملاحظات ویژه‌ای را به مفاد ماده ۳۴ کنوانسیون حاضر به عمل آورند.

۵- گزارش‌ها می‌تواند نشانگر عوامل و مشکلاتی باشد که میزان عمل به تعهدات طرح شده در کنوانسیون حاضر را تحت تأثیر قرار دهد.

ماده ۳۶) رسیدگی به گزارش‌ها:

۱- هر گزارش می‌بایست مورد توجه کمیته قرار گرفته و پیشنهادهای و توصیه‌های عمومی مناسب درباره گزارش در نظر گرفته شود و به دولت عضو مربوطه ارجاع شود. دولت عضو می‌تواند با هر اطلاعاتی که برای کمیته انتخاب کرده است، پاسخگو باشد و کمیته می‌تواند اطلاعات بیشتری را در مورد اجرای کنوانسیون حاضر در دولت عضو درخواست نماید.

۲- اگر دولت عضو به وضوح در تسلیم گزارش تأخیر داشته باشد، کمیته می‌تواند نیاز به بررسی اجرای کنوانسیون در آن دولت عضو را براساس اطلاعات صحیح در دسترس کمیته، به آن دولت عضو اعلام کند. چنانچه با گذشت ۳ ماه پس از اعلام، گزارش مربوطه تسلیم نگردد، کمیته می‌بایست دولت عضو مورد نظر را به شرکت در بررسی دعوت نماید. اگر دولت عضو به تسلیم نمودن گزارش مربوطه پاسخ دهد مفاد بند ۱ این ماده اجرا خواهد شد.

۳- دبیر کل سازمان ملل می‌بایست این گزارش‌ها را در دسترس تمام دولت‌های عضو قرار دهد.

۴- دولت عضو می‌بایست گزارش‌های خود را در سطحی وسیع در دسترس مردم کشور قرار دهد و دسترسی پیشنهادهای و توصیه‌های عمومی مربوط به این گزارش‌ها را تسهیل نماید.

۵- کمیته می‌بایست در صورت صلاحدید، گزارش‌های دولت‌های عضو را به آژانس‌های تخصصی، صندوق‌ها و برنامه‌ها و سایر ارگان‌های ذی صلاح سازمان ملل جهت طرح یک درخواست و اظهار نیاز به توصیه یا کمک فنی موجود در آن مطابق با ملاحظات توصیه‌های کمیته ارجاع دهد.

ماده ۳۷) همکاری دولت‌های عضو و کمیته:

۱- هر دولت عضو می‌بایست با کمیته همکاری نموده و اعضای آن را در تحقق بخشیدن به تعهداتش یاری نماید.

۲- در همکاری با دولت‌های عضو، کمیته می‌بایست به راه و روش‌های افزایش ظرفیت‌های ملی برای اجرای این کنوانسیون از طریق همکاری‌های بین‌المللی توجه ویژه‌ای داشته باشد.

ماده ۳۸) همکاری کمیته با سایر ارگان‌ها:

برای تقویت اجرای مؤثر این کنوانسیون و همچنین تشویق همکاری‌های بین‌المللی طرح شده در کنوانسیون حاضر:

الف) آژانس‌های تخصصی و سایر ارگان‌های سازمان ملل باید مجاز باشند تا جایی که در محدوده‌ی تعهداتشان قرار می‌گیرد، در ملاحظات مربوط به اجرای مفاد کنوانسیون حاضر شوند. کمیته می‌تواند از آژانس‌های تخصصی و سایر ارگان‌های واجد شرایط در صورت صلاحدید برای آماده کردن توصیه‌های تخصصی در زمینه‌ی اجرای کنوانسیون در مواردی که در چارچوب تعهدات مرتبط با آنان قرار می‌گیرد، دعوت کند. کمیته می‌تواند از آژانس‌های تخصصی و سایر ارگان‌های سازمان ملل دعوت کند که گزارش‌هایی را درباره‌ی اجرای کنوانسیون در محدوده‌ی فعالیت‌هایشان تسلیم نماید.

ب) و اگر آن نقض کننده تعهدات باشد کمیته می‌تواند در صورت نیاز با سایر ارگان‌های بنیان‌گذاری شده توسط معاهدات بین‌المللی حقوق بشر با هدف اطمینان از استمرار در ارائه‌ی گزارش خط‌مشی‌های مربوطه، پیشنهادها و توصیه‌های کلی و جلوگیری از دوگانگی و تداخل در اجرای عملکردها مشورت کند.

ماده ۳۹) گزارش‌های کمیته:

کمیته می‌بایست هر دو سال یک بار به مجمع عمومی سازمان ملل و شورای اجتماعی در مورد فعالیت‌هایش گزارش داده و پیشنهادها و توصیه‌های عمومی را براساس ارزیابی گزارش‌ها و اطلاعات دریافتی از طرح‌های دولتی ارائه دهد. این پیشنهادها و توصیه‌های عمومی می‌بایست در گزارش کمیته، همراه با توضیحات احتمالی از دولت‌های عضو منظور شده باشد.

ماده ۴۰) کنفرانس دولت‌های عضو:

۱- دولت‌های عضو می‌بایست به طور منظم در «کنفرانس دولت‌های عضو» برای بررسی هر موضوع مرتبط با اجرای کنوانسیون حضور داشته باشند.

۲- تا ۶ ماه بعد از اجرایی شدن کنوانسیون حاضر، کنفرانس دولت‌های عضو می‌بایست توسط مجمع عمومی سازمان ملل تشکیل شود، گردهمایی بعدی می‌بایست هر دو سال یک بار یا بر اساس تصمیم کنفرانس دولت‌های عضو یا دبیر کل مجمع عمومی سازمان ملل تشکیل شود.

ماده (۴۱) سپردن:

دبیر کل سازمان ملل می‌بایست سپرده دار کنوانسیون حاضر باشد.

ماده (۴۲) امضا:

کنوانسیون حاضر می‌بایست برای امضا توسط تمام دولت‌های عضو و سازمان‌های ائتلافی در دفتر مرکزی سازمان ملل در نیویورک از تاریخ (۳۰ / مارس / ۲۰۰۷) مفتوح باشد.

ماده (۴۳) موافقت با پذیرش:

کنوانسیون حاضر می‌بایست توسط دولت‌ها و سازمان‌های ائتلافی منطقه‌ای امضا کننده، موضوع تصویب و تأیید رسمی قرار گیرد. این کنوانسیون می‌بایست برای پیوستن هر دولت یا سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای که کنوانسیون را امضا نکرده است، مفتوح باشد.

ماده (۴۴) سازمان ائتلاف منطقه‌ای:

۱- سازمان ائتلاف منطقه‌ای به معنی سازمانی است که توسط دولت‌های مستقل یک منطقه‌ی مشخص، بنیان‌گذاری شده است و دولت‌های عضو آن، اختیار لازم مربوط به موضوعات این کنوانسیون را به آن سازمان داده‌اند. این سازمان‌ها می‌بایست گستردگی اختیاراتشان را با توجه به موضوع‌های مرتبط با این کنوانسیون در اسناد تأییدیه رسمی یا عضویت خود اعلام کنند. متعاقباً آنها باید سپرده دار را از هر گونه تغییر عمده در محدوده‌ی اختیاراتشان آگاه کنند.

۲- در این کنوانسیون اشاره به دولت‌های عضو، شامل این سازمان‌ها در محدوده‌ی اختیاراتشان نیز می‌باشد.

۳- نباید در اهداف مورد نظر در ماده ۴۵ پاراگراف ۱ و ماده ۴۷ پاراگراف ۲ و ۳ هیچ سند سپرده شده توسط یک سازمان ائتلاف منطقه‌ای شمارش گردد.

۴- سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای در موضوع‌هایی که در محدوده‌ی اختیار آنها قرار می‌گیرد، می‌توانند از حق داشتن رأی در کنفرانس دولت‌های عضو با همان تعداد رأی دولت‌های عضوشان که طرف‌های این کنوانسیون هستند، برخوردار باشند. اگر هر کدام از دولت‌های عضو بخواهد حق رأی داشته باشد، سازمان مربوطه نمی‌تواند حق برخوردارگی از رأی آن کشور را داشته باشد و بالعکس.

ماده ۴۵) اجرا:

- ۱- کنوانسیون حاضر می‌بایست در روز سی‌ام بعد از سپردن بیستمین سند تصویب یا الحاق، اجرایی شود.
- ۲- بعد از سپردن بیستمین سند مربوطه، برای هر کدام از تصویب نامه‌ها، تأیید رسمی یا الحاق کشورها و سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای کنوانسیون می‌بایست در روز سی‌ام بعد از تحویل سند ایشان اجرایی شود.

ماده ۴۶) قید و شرط:

- ۱- قید و شرط‌هایی که با اهداف و مقصود این کنوانسیون ناسازگار باشد، نمی‌بایست مجاز شناخته شوند.
- ۲- قید و شرط‌ها در هر زمان می‌تواند پس گرفته شوند.

ماده ۴۷) اصلاحیه:

- ۱- هر دولت عضو می‌تواند اصلاحیه‌ای در مورد کنوانسیون حاضر پیشنهاد دهد و آن را به دبیر کل سازمان ملل متحده تسلیم کند. دبیر کل سازمان می‌بایست آن را برای دولت‌های عضو، به انضمام درخواستی مبنی بر اینکه آیا آنها از کنفرانس دولت‌های عضو به منظور تصمیم‌گیری درباره اصلاحیه پیشنهادی حمایت می‌کنند یا نه؟ ارسال کند. در صورتی که تا ۴ ماه بعد از ارسال، حداقل یک سوم دولت‌های عضو از چنین کنفرانسی حمایت کنند، دبیر کل می‌بایست، زیر نظر سازمان ملل متحد چنین کنفرانسی را تشکیل دهد. هر اصلاحیه‌ای که توسط دو سوم دولت‌های عضو حاضر تصویب شود، می‌بایست توسط دبیر کل به مجمع عمومی و بعد از آن به منظور تصویب برای تمام دولت‌های عضو فرستاده شود.
- ۲- تمام اصلاحیه‌ی تأیید شده مطابق بند ۱ می‌بایست در سی‌امین روز بعد از اینکه تعداد سندهای سپرده شده به دو سوم تعداد دولت‌های عضو در زمان تصویب اصلاحیه رسید، اجرایی شود. بعد از آن، اصلاحیه، برای هر کدام از دولت‌های عضو در سی‌امین روز بعد از دریافت سند مربوطه اجرایی می‌شود، یک اصلاحیه می‌بایست فقط برای آن دولت‌های عضو که آن را قبول کرده‌اند، تعهدآور باشد.
- ۳- اگر در کنفرانس دولت‌های عضو با توافق عام چنین تصمیمی گرفته شود که یک اصلاحیه مطابق با بند ۱ مورد قبول و تصویب قرار گرفته شود به صورتی که منحصراً به مواد ۳۴ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ مربوط باشد، برای تمام دولت‌های عضو، در سی‌امین روز بعد از اینکه

تعداد اسناد سپرده شده به دو سوم تعداد دولت‌های عضو در زمان تصویب اصلاحیه رسید،
اجرایی خواهد شد.

ماده ۴۸) خروج:

هر دولت می‌تواند با اعلام کتبی به دبیر کل سازمان ملل از کنوانسیون حاضر خارج شود. خروج
از معاهده، یک سال بعد از تاریخ دریافت اعلام کتبی از طرف دبیر کل، جاری خواهد شد.

ماده ۴۹) قالب در دسترس:

متن کنوانسیون حاضر می‌بایست به صورتی آسان در دسترس قرار گیرد.

ماده ۵۰)

متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی کنوانسیون حاضر ارزش واحد
خواهند داشت. در مقام گواهی، نمایندگان تام‌الاختیار ذیل حسب الامر دولت‌های متبوع،
کنوانسیون حاضر را امضا کرده‌اند.

پروتکل الحاقی کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد معلول

دولت‌های عضو این پروتکل توافق می‌کنند که:

ماده ۱)

۱- هر دولت عضو این پروتکل (دولت عضو) صلاحیت کمیته حقوق معلولین (کمیته) را
برای دریافت و بررسی مکاتبات افراد یا از طرف افراد یا گروه‌هایی که در آن حوزه
ادعا می‌کنند که توسط دولت‌های عضو مربوطه قربانی تضییع مفاد کنوانسیون شده‌اند، به
رسمیت می‌شناسد.

۲- هیچ مکاتباتی در مورد دولتی که عضو پروتکل حاضر نمی‌باشد، نمی‌بایست دریافت شود.

ماده ۲)

کمیته می‌بایست مکاتبات زیر را «غیر قابل قبول» در نظر گیرد:

الف) مکاتبات بی‌نام.

ب) مکاتبات، مبتنی بر سوء استفاده از حق تسلیم چنین مکاتبات‌هایی بوده یا مغایر با مفاد
کنوانسیون حاضر باشد.

پ) موضوع مشابهی که قبلاً توسط کمیته بررسی شده باشد، یا در روند تحقیق بین‌المللی دیگری در حال بررسی باشد.

ت) تمام راه‌حل‌های محلی در دسترس، مورد بحث قرار نگرفته است. این مورد نباید در جایی که اقدام به حل مشکل بدون دلیل طولانی شده یا بعید می‌باشد که به حل مشکل ختم شود به عنوان قاعده قرار گیرد.

ث) اگر آشکارا بی‌اساس بوده یا به صورت مؤثر تأیید نشده باشد.

ج) حقایق موضوع مکاتبه قبل از اجرایی شدن کنوانسیون حاضر اتفاق افتاده باشد، مگر آن که آن حقایق تا تاریخ فوق ادامه یافته باشد.

ماده ۳

با توجه به مفاد ماده ۲ پروتکل حاضر، کمیته می‌بایست هر مکاتبه‌ی تسلیم شده را به صورت محرمانه به اطلاع دولت عضو برساند، در عرض ۶ ماه دولت دریافت‌کننده‌ی نامه، می‌بایست به کمیته، توضیح و گزارشی کتبی که روشنگر موضوع و راه حل آن - در صورت اعمال گردیدن توسط دولت مربوطه باشد - تسلیم نماید.

ماده ۴

۱- در هر زمان بعد از دریافت یک مکاتبه و قبل از رسیدن به تعیین صحت آن، کمیته می‌تواند درخواستی را برای توجه فوری به اقدامات موقتی که ممکن است برای جلوگیری از خسارت جبران‌ناپذیر به قربانی یا قربانیان خشونت مورد ادعا لازم باشد، به دولت عضو ارسال نماید.

۲- اجرای بند ۱ این ماده توسط کمیته به معنی تشخیص صحت و سقم مکاتبه نمی‌باشد.

ماده ۵

کمیته می‌بایست هنگام بررسی مکاتبات مربوط به این پروتکل، جلسات خود را پشت درب‌های بسته انجام داده و بعد از بررسی نامه، کمیته می‌بایست پیشنهادها و توصیه‌های احتمالی را به دولت عضو و به نویسنده‌ی نامه ارسال نماید.

ماده ۶

۱- اگر کمیته اطلاعات موثقی را مبنی بر تضييع ناگوار یا برنامه‌ریزی شده‌ی حقوق اعلام شده در کنوانسیون توسط یکی از دولت‌های عضو دریافت کند، کمیته می‌بایست دولت عضو را به بررسی اطلاعات و به همان منظور، تسلیم نمودن اظهار نظرهای مربوط به اطلاعات ذکر شده، دعوت کند.

۲- ضمن در نظر گرفتن هر توضیحی که ممکن است توسط دولت عضو مربوطه تسلیم شود و همین طور هر اطلاعات موثق، کمیته می‌تواند یک یا چند عضو را برای هدایت یک تحقیق و گزارش فوری به کمیته تعیین کند. در صورت داشتن مجوز، با رضایت دولت عضو، گروه تحقیق می‌تواند از منطقه بازدید کند.

۳- بعد از بررسی یافته‌های این تحقیق، کمیته می‌بایست این یافته‌ها را به همراه توضیحات و توصیه‌های مربوط برای دولت عضو ارسال نماید. دولت عضو مربوطه می‌بایست در عرض ۶ ماه بعد از دریافت چنین یافته‌ها، توضیحات و توصیه‌هایی از کمیته، اظهار نظرهای خود را به کمیته تسلیم نماید.

۴- این تحقیق می‌بایست محرمانه بوده و همکاری دولت عضو باید در تمام مراحل دنبال گردد.

ماده (۷)

۱- کمیته می‌تواند دولت عضو مربوطه را دعوت نماید که در گزارش خود مطابق ماده ۳۵ کنوانسیون، جزئیات اقدامات اتخاذ شده در پاسخ به یک تحقیق انجام شده مطابق با ماده ۶ پروتکل حاضر را الحاق نماید.

۲- کمیته در صورت نیاز می‌تواند، بعد از پایان دوره ۶ ماهه که در ماده ۴-۶ به آن اشاره شده است، از دولت عضو مربوطه بخواهد، گزارش اقدامات اتخاذ شده در پاسخ به چنین تحقیقی را ارائه نماید.

ماده (۸)

هر دولت عضو می‌تواند در زمان امضا یا تصویب پروتکل یا پیوست آن اعلام نماید که صلاحیت کمیته، پیش‌بینی شده در ماده ۶ و ۷ را به رسمیت نمی‌شناسد.

ماده (۹)

دبیر کل سازمان ملل متحد می‌بایست سپرده دار پروتکل حاضر باشد.

ماده (۱۰)

پروتکل حاضر می‌بایست برای امضا توسط دولت‌ها و سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای در دفتر مرکزی سازمان ملل در نیویورک از تاریخ ۳۰/مارس/۲۰۰۷ مفتوح باشد.

ماده (۱۱)

این پروتکل می‌بایست مورد تأیید رسمی سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای امضاکننده‌ی این

پروتکل که به صورت رسمی، کنوانسیون را تصویب یا تأیید کرده‌اند، قرار گیرد. این پروتکل می‌بایست برای تصویب توسط هر دولت یا سازمان ائتلاف منطقه‌ای که با کنوانسیون به طور رسمی تصویب، تأیید یا موافقت کرده و پروتکل حاضر را امضاء نکرده است، مفتوح باشد.

ماده ۱۲

۱- منظور از سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای، سازمان‌هایی است که توسط دولت‌های یک منطقه مشخص شده و در رابطه با موضوعات طرح شده در این کنوانسیون و این پروتکل اختیار لازم از طرف دولت‌های عضو به آنها تفویض شده است. این سازمان‌ها می‌بایست در اسناد رسمی، تأییدیه یا توافق‌نامه‌های خود، حدود اختیاراتشان را در رابطه با موضوعات طرح شده در کنوانسیون و پروتکل اعلام کنند. متعاقباً آنها می‌بایست هر گونه تغییر در محدوده‌ی اختیاراتشان را به سپرده‌گذار اطلاع دهند.

۲- در مورد اهداف ماده ۱۳ بند ۱ و ماده ۱۵ بند ۲ هیچ سند سپرده شده توسط سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای نباید منظور شود.

۳- سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای در محدوده‌ی اختیاراتشان می‌توانند در جلسات دولت‌های عضو، حق رأی داشته باشند و تعداد رأی آنها مساوی تعداد رأی دولت‌های عضوشان که طرف‌های این پروتکل هستند، می‌باشند. اگر هر کدام از دولت‌های عضو بخواهند حق رأی داشته باشند، سازمان مربوطه نمی‌تواند حق برخوردارگی از رأی آن کشور را داشته باشد و بالعکس.

ماده ۱۳

۱- پیرو اجرای کنوانسیون، پروتکل حاضر می‌بایست در سی‌امین روز بعد از سپردن سند تصویب یا عضویت، اجرایی شود.

۲- برای دولت‌ها یا سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای که بعد از سپردن دهمین سند مربوطه پروتکل را تصویب یا به طور رسمی تأیید و مورد پذیرش قرار می‌دهند، پروتکل می‌بایست در سی‌امین روز بعد از سپردن سند ایشان اجرایی گردد.

ماده ۱۴

۱- قید و شرط‌هایی که با هدف پروتکل حاضر همخوانی نداشته باشند، نمی‌بایست مجاز شناخته شوند.

۲- قید و شرط‌ها در هر زمان می‌توانند پس گرفته شوند.

ماده ۱۵

هر دولت عضو می‌تواند الحاقیه‌ای را به پروتکل حاضر پیشنهاد داده و آن را به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم نماید. دبیر کل می‌بایست هر پیشنهادی را به انضمام درخواستی - مبنی بر اینکه آیا آنها از گردهمایی دولت‌های عضو برای بررسی و تصمیم‌گیری در مورد آن پیشنهاد حمایت می‌کنند یا خیر؟ - برای دولت‌های عضو ارسال نماید. در صورتی که در عرض ۴ ماه بعد از تاریخ چنین مکاتبه‌ای، حداقل یک سوم دولت‌های عضو با چنین گردهمایی موافقت نمایند، دبیر کل می‌بایست این گردهمایی را با حمایت سازمان ملل برگزار نماید. هر الحاقیه‌ای که توسط دو سوم دولت‌های عضو حاضر و رأی دهنده تصویب شود، می‌بایست توسط دبیر کل برای تصویب به مجمع عمومی و بعد از آن برای پذیرش برای تمام دولت‌های عضو فرستاده شود. الحاقیه‌ی تصویب یا تأیید شده، مطابق پاراگراف ۱، می‌بایست در سی امین روز بعد از اینکه تعداد سند‌های سپرده شده، به دو سوم تعداد دولت‌های عضو در زمان تصویب الحاقیه رسید، اجرایی شود. بعد از آن می‌بایست الحاقیه برای هر دولت عضو در سی امین روز از سپردن سند موافقت، اجرایی شود. یک الحاقیه فقط برای دولت‌های عضو، که آن را پذیرفته، تعهد آور است.

ماده ۱۶

هر دولت عضو می‌تواند با اعلام کتبی به دبیر کل سازمان ملل از پروتکل خارج شود. خروج از پروتکل، یک سال بعد از دریافت اعلام کتبی به دبیر کل جاری می‌گردد.

ماده ۱۷

متن پروتکل حاضر می‌بایست به صورت آسان در دسترس قرار گیرد.

ماده ۱۸

متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی پروتکل حاضر ارزش واحد خواهند داشت. در مقام گواهی، منصوبین تام الاختیار زیر حسب الامر دولت‌های متبوع، پروتکل حاضر را امضا کرده‌اند.

پیوست

علائم خط بریل انگلیسی

A	B	C	D	E	F	G	H	I	J
● ○	● ○	● ●	● ●	● ○	● ●	● ●	● ○	○ ●	○ ●
○ ○	● ○	○ ○	○ ●	○ ●	● ○	● ●	● ●	● ○	● ●
○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○	○ ○
K	L	M	N	O	P	Q	R	S	T
● ○	● ○	● ●	● ●	● ○	● ●	● ●	● ○	○ ●	○ ●
○ ○	● ○	○ ○	○ ●	○ ●	● ○	● ●	● ●	● ○	● ●
● ○	● ○	● ○	● ○	● ○	● ○	● ○	● ○	● ○	● ○
U	V	W	X	Y	Z				
● ○	● ○	○ ●	● ●	● ●	● ○				
○ ○	● ○	● ●	○ ○	○ ●	○ ●				
● ●	● ●	○ ○	● ●	● ●	● ●				

علائم خط بریل فارسی

آ	ا	ب	ت	ث	ج	ح	خ	
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط
ظ	ع	غ	ف	ق	ک	ل	م	ن
و	ه	ی	ـ	ء	أ	ؤ	ئ	
اَ	اِ	اُ	اِی	اِو	اِو	اِو	اِو	
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۰								

BOSHRRA



منابع فارسی

۱. احمد پناه، محمود، مبانی نظری و راهنمایی عملی کودکان استثنایی، پژوهشکده کودکان استثنایی تهران، ۱۳۸۲.
۲. افروز، غلامعلی (۱۳۸۱) مقاله با عنوان: بررسی تحلیلی مبانی روان‌شناختی خصیصه‌های شخصیتی جوانان نابینا و ناشنوا.
۳. افروز، غلامعلی، مقدمه‌ای بر روانشناسی آموزش و پرورش کودکان استثنایی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۴. جعفری، آسیه (۱۳۷۹) مقاله با عنوان: بررسی نقش ورزش در رشد اجتماعی دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینایی مجتمع دخترانه نرجس تهران.
۵. حسن‌لو، ژیلا و محمودی، نورالدین (۱۳۸۸) مقاله با عنوان: تبیین هنر موسیقی به عنوان عاملی تسهیلگر در جهت ارتقای بازدهی شغلی افراد نابینا.
۶. دانیل پی هالاهان، جیمز ام. کافمن، کودکان استثنایی، مقدمه‌ای بر آموزش‌های ویژه، ترجمه‌ی جوادیان، مجتبی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۷. رحیمی، امیر مسعود، «مرگ مست» مجموعه اشعار، نشر دانژه، ۱۳۸۲.
۸. ساعی شتربانی، روح‌ا... و خباز، صمد (۱۳۸۸) مقاله با عنوان: فرایند توانمندسازی حرفه‌ای نابینایان و کم‌بینایان جهت اشتغال در بازار کار.
۹. شجاعی، ستاره و همتی علمدارلو، قربان (۱۳۸۸)، مقاله با عنوان: موانع اشتغال افراد با آسیب بینایی.
۱۰. شریفی درآمدی، پرویز، روانشناسی کودکان نابینا، نشر گفتمان خلاق، ۱۳۷۹.

۱۱. صدیقی مشککانی، محسن و رضایی حسین آبادی، نصر... (۱۳۸۵) مقاله با عنوان: نابینایان و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات.
۱۲. صیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی نوین، روانشناسی یادگیری و آموزش، چاپ نیل، ۱۳۸۷.
۱۳. عبداللهی، رضا (۱۳۸۶) مقاله با عنوان: تدریس بر کنوانسیون جهانی حقوق معلولین.
۱۴. عزیزی، آمنه (۱۳۷۹) مقاله با عنوان: بررسی نگرش معلمان به نحوه اجرای درس جهت یابی و حرکت دانش آموزان معلول بینایی در مقطع ابتدایی در مدارس نابینایان شهر تهران.
۱۵. گزارش سازمان بین المللی کار، توانبخشی حرفه ای معلولین.
۱۶. میلانی فر، بهروز، روانشناسی کودکان و نوجوانان استثنایی، انتشارات قمس، ۱۳۷۴.

منابع انگلیسی

1. Cavanaugh, B., & Rogers, P. (2002). Employment patterns of older workers with visual impairments. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 96(9), 655-659.
2. Cavanaugh, B. S., & Steinman, B. A. (2006). Contextual effects of race or ethnicity on acceptance for vocational rehabilitation of consumers who are legally blind. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 100(7), 425-436.
3. Crudden, A. (2002). Employment after vision loss: Results of a collective case study. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 96(6), 396-398.
4. Crudden, A., & Fireison, C. K. (1997). Employment retention after vision loss: Intensive case studies. Mississippi State: Mississippi State University Rehabilitation Research and Training Center on Blindness and Low Vision.
5. Crudden, A., & McBroom, L. W. (1999). Barriers to employment: A survey of employed persons who are visually impaired. *Journal*

- of Visual Impairment & Blindness, 93(34), 341-351.
6. Crudden, A., McBroom, L. W., Skinner, A. L., & Moore, J. E. (1998). Crudden, A., Sansing, W., & Butler, S. (2005). Overcoming barriers to employment: Strategies of rehabilitation providers. *Journal of Visual Impairment and Blindness*, 99(6), 325-335.
 7. Houtenville, A. J. (1997). A comparison of the economic status of working-age persons with visual impairments and those of other groups. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 97(3), 133-148.
 8. Kelley, C. K. (2003). Factors that impact the employment history of employable visually impaired and blind adults who have completed high school in the state of Tennessee. *Dissertation Abstracts International*, 63(8), 2834. (UMI No. 3061755)
 9. Kirchner, C., Johnson, G., & Harkins, D. (1997). Research to improve vocational rehabilitation: Employment barriers and strategies for clients who are blind or visually impaired. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 91(4), 377-392.
 10. Kirchner, C., & Schmeidler, E. (1997). Prevalence and employment of people in the United States who are blind or visually impaired. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 91(5), 508-509.
 11. O'Day, B (1999). Employment barriers for people with visual impairments. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 93(10), 627-642.
 12. Rumrill, P. D., Jr., Roessler, R. T., Battersby-Longden, J. C., & Schuyler, B. R. (1998). Situational assessment of the accommodation

- needs of employees who are visually impaired. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 92(1), 42-54.
13. Rumrill, P. D., Schuyler, B. R., & Longden, J. C. (1997). Profiles of on-the-job accommodations needed by professional employees who are blind. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 91(1), 66-
14. Sikka, A. E., & Stephens, B. C. (1997). Intervention practices in the retention of competitive employment among individuals who are blind or visually impaired. Mississippi State: Mississippi State University, Rehabilitation Research and Training Center on Blindness and Low Vision.
15. Wolffe, K. E., & Spungin, S. J. (2002). A glance at worldwide employment of people with visual impairments. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 96(4), 245-254

منابع اینترنتی

1. <http://www.aftab-daily.com>
2. <http://fa.wikipedia.org>
3. <http://www.harferooz.com>
4. <http://www.irvip.ir>
5. <http://www.kayhannews.ir>
6. <http://www.lorestan-behzisti.ir>
7. <http://makou-online.com>
8. <http://www.pacyrus.com>
9. <http://www.roshandel.persianblog.ir>
10. <http://www.tebyan.net>